



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

# فقه

صنف ۷

برای مدارس دینی



شرح مختصر القدوري - ۱



کتاب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن ممنوع است.

[moe.curriculum@gmail.com](mailto:moe.curriculum@gmail.com)



جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت معارف  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

# فقه

## (قدوری بخش عبادات)

### صنف هفتم

(برای مدارس دینی)

۱۳۹۸ هـ . ش .



## مؤلف:

- حبيب الله فوزی

## ایدیت علمی:

- دکتور شیر علی ظریفی

## ایدیت زبان:

- دکتور فضل الهادی وزین

## کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- سید فاضل شاه

- پوهندوی عبدالله حاتم

- عین النعیم فیضی

## إشراف:

- دکتور شیر علی ظریفی رئیس پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی

هر بچی یې قهرمان دی

د بلوڅو د ازبکو

د ترکمنو د تاجکو

پامیریان، نورستانیان

هم ایماق، هم پشه بان

لکه لمر پر شنه اسمان

لکه زړه وي جاویدان

وايو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی

کور د سولې کور د تورې

دا وطن د ټولو کور دی

د پښتون او هزاره وو

ورسره عرب، گوجر دي

براهوي دي، قزلباش دي

دا هیواد به تل ځلېږي

په سینه کې د اسیا به

نوم د حق مو دی رهبر

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصا انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند.

مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه های مختلف علم و فرهنگ مخصوصا در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می آورند.

وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی، را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف





## معلمین گرامی و دانش آموزان ارجمند!

با در نظر داشت اوضاع کنونی کشور و نیازهای مبرم مدارس دینی، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر آن شد که کتاب قدوری را در مضمون فقه، اساس قرار دهد، متن آن را به زبان‌های ملی ترجمه نماید، محتوای آن را بر دروس تقسیم نموده شرح مختصری را با ازدیاد عناوین مناسب بغلی، بر آن علاوه سازد؛ تا هموطنان ما اطمینان حاصل کنند که اولاد ایشان، کتاب معتبر و مروج فقه حنفی را با نوآوری‌های عصری فرامی گیرند؛ بناءً می‌توان گفت که در تألیف نصاب فقه این دوره، اصالت و نوگرایی هر دو در نظر گرفته شده است.

هدف عمده تدریس و خواندن فقه در دوره متوسطه آن است تا شاگردان عزیز ما از یک سو با اصطلاحات فقه و مسائل مهم آن آشنایی پیدا کنند، و از سوی دیگر برای ایشان ساختار عمومی فقه معرفی گردد، تا شاگردان مدارس شرعی بتوانند بر تمام ابواب فقه: از طهارت گرفته تا عبادات، معاملات، احوال شخصی، جنایات، مرافعات و غیره مروری سریع داشته باشند و با ترسیخ مبادی مضمون فقه در اذهان شاگردان برای مطالعه گسترده تری پیرامون آن مسائل، آماده گردند.

بدین منظور، در جریان شرح متن قدوری سعی شده است تا به متن کتاب خدمت شود و در صورت نیاز، دلایل مسائل نیز بیان گردد. در این کتاب، از درج آراء و نظریات مذاهب دیگر و دلایل آنها و مقایسه آن با مذهب حنفی، خود داری شده است؛ زیرا دانستن تفصیل مسائل با این عمق در اهداف این دوره گنجانیده نشده است تا از یک لحاظ از طولانی شدن درسها جلوگیری شود و از لحاظ دیگر، مطالب در خور فهم و سطح درک شاگردان باشد.

در اثنای تألیف این کتاب سعی شده است تا نسخه‌های مختلف قدوری را مورد استفاده قرار دهیم، در بعضی از جاها که در میان نسخه‌های مختلف تفاوت به چشم رسیده تلاش صورت گرفته تا به کمک شرحهای قدوری مانند «الجوهرة» و «اللباب» اشکال مرفوع شود و عبارت درست در متن کتاب داخل گردد.

این کتاب نه تنها که برای تدریس در مدارس دینی از بهترین گزینه‌ها خواهد بود بلکه مطمئن هستیم به یاری خدای متعال در خانه‌ها، نهادها و مراکز فرهنگی، به طور یکسان، به عنوان یکی از مفیدترین کتب در فقه حنفی، شناخته شده و مورد استفاده همگان قرار گیرد؛ زیرا تألیف کتابی در فقه به این روش تا کنون در کشور ما بی سابقه است.

بخاطر جلوگیری از زیاد شدن حجم کتاب، احکام مربوط به (رق) یعنی (غلام و کنیز) که حالا عملاً وجود ندارد از مفردات کتاب درسی حذف شده و بجای آن بر مطالب ضروری ترکیب شده است. اگر علمای گرامی و خواننده‌گان عزیز در این کتاب با اشتباهات علمی یا فنی‌ای بر می‌خورند، لطفاً پیشنهادات و انتقادات خیرخواهانه و سازنده‌شان را برای ما بفرستند و در این کار خیر و خدمتگزاری به هموطنان گرامی، شریک شوند.

**طریقه تدریس کتاب:** چون حجم کتاب نسبت به ساعات درسی زیاد است؛ پس مدرسین گرامی بعد از آماده‌گی تام، متن قدوری را به کمک ترجمه دری برای شاگردان ترجمه می‌کنند. بعد از آن که شاگردان ترجمه را یاد گرفتند، استاد عناوین جانبی درس را بر تخته می‌نویسد و آن را طبق شرح کتاب بیان می‌دارد.

مطالب دری کتاب فقط به طور مأخذ استفاده می‌شود، درس تدریس، زمان جداگانه برای آن وجود ندارد. از خداوند یکتا می‌خواهم به مؤلفین، مدرسین و خوانندگان این کتاب اجر عظیم و توفیق عمل نصیب فرماید.

والله ولي التوفيق

## فهرست

| عنوان                                        | مخ |
|----------------------------------------------|----|
| ۱. امام قدوری رحمه الله .....                | ۱  |
| ۲. معلومات مقدماتی علم فقه .....             | ۳  |
| ۳. نشأت علم فقه و انکشاف آن (۱) .....        | ۷  |
| ۴. نشأت علم فقه و انکشاف آن (۲) .....        | ۹  |
| ۵. احکام فقهی و اقسام آن .....               | ۱۱ |
| ۶. بیان طهارت .....                          | ۱۵ |
| ۷. سنت ها مستحبات و شکننده های وضو .....     | ۱۹ |
| ۸. غُسل .....                                | ۲۳ |
| ۹. آب های که توسط آن پاکی صورت می گیرد ..... | ۲۷ |
| ۱۰. مردن در آب .....                         | ۳۱ |
| ۱۱. اگر نجاستی در چاه بیفتد .....            | ۳۵ |
| ۱۲. احکام پس خورده ها .....                  | ۳۹ |
| ۱۳. بیان تیمم .....                          | ۴۳ |
| ۱۴. بخش باقیمانده تیمم .....                 | ۴۷ |
| ۱۵. بیان مسح برموزه .....                    | ۵۱ |
| ۱۶. بیان احکام حیض .....                     | ۵۷ |
| ۱۷. بیان احکام استحاض و نفاس .....           | ۶۱ |
| ۱۸. بیان احکام نجاست ها .....                | ۶۵ |
| ۱۹. استنجاء .....                            | ۶۹ |
| ۲۰. بیان نماز .....                          | ۷۳ |
| ۲۱. بیان آذان .....                          | ۷۷ |
| ۲۲. شروط نماز .....                          | ۸۱ |
| ۲۳. بیان ارکان نماز .....                    | ۸۵ |
| ۲۴. کیفیت ادای نماز (۱) .....                | ۸۷ |
| ۲۵. کیفیت ادای نماز (۲) .....                | ۹۳ |



|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۹۷  | ۲۶. نماز جماعت                |
| ۱۰۳ | ۲۷. مفسدات و مکروهات نماز     |
| ۱۰۹ | ۲۸. بیان قضای نمازهای فوت شده |
| ۱۱۳ | ۲۹. اوقات مکروهه              |
| ۱۱۵ | ۳۰. نمازهای سنت               |
| ۱۱۹ | ۳۱. سجده سهوه                 |
| ۱۲۵ | ۳۲. نمازمریض                  |
| ۱۲۹ | ۳۳. سجده تلاوت                |
| ۱۳۳ | ۳۴. نماز مسافر                |
| ۱۴۱ | ۳۵. نماز جمعه                 |
| ۱۴۷ | ۳۶. نماز عید فطر و قربان      |
| ۱۵۳ | ۳۷. نماز کسوف و خسوف          |
| ۱۵۷ | ۳۸. نماز استسقاء              |
| ۱۵۹ | ۳۹. نماز تراویح               |
| ۱۶۱ | ۴۰. نماز خوف                  |
| ۱۶۳ | ۴۱. بیان احکام جنازه          |
| ۱۶۷ | ۴۲. احکام تکفین میت           |
| ۱۷۱ | ۴۳. نماز جنازه                |
| ۱۷۵ | ۴۴. احکام تدفین میت           |
| ۱۷۹ | ۴۵. احکام شهید                |
| ۱۸۳ | ۴۶. نماز در کعبه              |
| ۱۸۵ | ۴۷. زکات                      |
| ۱۸۹ | ۴۸. زکات شتر                  |
| ۱۹۳ | ۴۹. زکات گاو                  |
| ۱۹۵ | ۵۰. زکات گوسفند و بز          |
| ۱۹۷ | ۵۱. زکات اسب ها               |
| ۲۰۱ | ۵۲. زکات طلا و نقره           |

|                                                                  |     |
|------------------------------------------------------------------|-----|
| ۵۳. زکات عروض (سامان).....                                       | ۲۰۷ |
| ۵۴. زکات زراعت و میوه.....                                       | ۲۱۱ |
| ۵۵. موارد مصرف زکات.....                                         | ۲۱۷ |
| ۵۶. صدقه فطر.....                                                | ۲۲۳ |
| ۵۷. روزه (۱).....                                                | ۲۲۷ |
| ۵۸. روزه (۲) (چیزهای شکننده و غیر شکننده روزه و کفاره روزه)..... | ۲۳۳ |
| ۵۹. روزه (۳) (شکننده های روزه، مکروهات و مستحبات آن).....        | ۲۳۷ |
| ۶۰. روزه (۴) (اعذاری که افطار را جایز می گرداند).....            | ۲۴۱ |
| ۶۱. اعتکاف.....                                                  | ۲۴۵ |
| ۶۲. حج (۱).....                                                  | ۲۴۹ |
| ۶۳. حج (۲) مواقیت احرام.....                                     | ۲۵۳ |
| ۶۴. حج (۳) (ارکان، واجبات، سنت ها و محظورات).....                | ۲۵۷ |
| ۶۵. حج (۴) (کیفیت اداء حج).....                                  | ۲۶۱ |
| ۶۶. حج (۵) (کیفیت اداء حج).....                                  | ۲۶۵ |
| ۶۷. حج (۶) (کیفیت اداء حج).....                                  | ۲۶۹ |
| ۶۸. اقسام حج (حج قرآن).....                                      | ۲۷۵ |
| ۶۹. حج تَمَتُّع.....                                             | ۲۷۹ |
| ۷۰. عُمْرَه.....                                                 | ۲۸۳ |
| ۷۱. جنایات حج و جزای آن (۱).....                                 | ۲۸۵ |
| ۷۲. جنایات حج و جزای آن (۲).....                                 | ۲۸۹ |
| ۷۳. جنایات حج و جزای آن (۳).....                                 | ۲۹۳ |
| ۷۴. احصار.....                                                   | ۲۹۹ |
| ۷۵. حکم فوت شدن حج.....                                          | ۳۰۳ |
| ۷۶. هَدی (قربانی).....                                           | ۳۰۵ |
| ۷۷. اضحیه (قربانی).....                                          | ۳۱۱ |
| ۷۸. مقادیر شرعی.....                                             | ۳۱۳ |



## امام قدوری رحمة الله عليه

**نام، نسب، کنیت، و لقب او:** نام وی، احمد بن محمد بن احمد بن جعفر بن حمدان، کنیه اش ابوالحسن بن ابی بکر، و لقبش قدوری است.

**نسبت وی به قدوری:** از آن جهت است که دیگ‌های سفالی می‌ساخت و یا در قریه ای به نام قدوری زندگی میکرد.

**تولد:** امام قدوری در سال ( ۳۶۲ هـ ق ) به دنیا آمده است احتمال آن دارد که وی در شهر بغداد به دنیا آمده باشد، گرچه مورخین در مورد جای تولدش دقیق چیزی نه گفته اند.

**تعلیم:** امام قدوری علوم فقه و حدیث را از ابوعبد الله محمد بن یحی بن مهدی جرجانی متوفی سال ( ۳۹۸ هـ ق ) که سلسله آن به ترتیب به ابوالحسن کرخی و محمد بن الحسن الشیبانی رحمة الله عليه می‌رسد فرا گرفته است.

### تالیفات اش:

۱- **التجريد:** این کتاب در علم فقه از بزرگترین کتب وی محسوب می‌گردد و در آن بطور خاص اختلافات برسر مسائل میان امام ابی حنیفه و امام شافعی را تحقیق و بررسی نموده است، که بعداً توسط ابوبکر بن عبد الرحمن بن محمد سرخسی (متوفی ۴۳۶) به پایه اكمال رسید.

۲- **التقريب فی المسائل الاختلافیه بین ابوحنیفه و اصحابه:** در تقریب اول این کتاب مسائل اختلافی میان امام ابوحنیفه رحمة الله عليه و دو یار وی را بدون آنکه دلیل برای آن ذکر نموده باشد آورده است؛ مگر در تقریب دوم این مسائل اختلافی را با ذکر دلیل بیان نموده است.

۳- **مختصر القدوری:** این کتاب از کتب مشهور وی پنداشته شده است، الله تعالی به واسطه این کتاب به مردم زیادی فایده رسانیده که نمی‌توان تعداد شان را برشمرد. متن این کتاب یک هزار سال سابقه دارد، این کتاب مجموعه یی است از دوازده هزار مسأله. در کشف الظنون آمده است: هر کسی که متن این کتاب را حفظ نموده وی از حافظ ترین یاران ما خواهد بود، و اگر کسی مسائل آن را درک کرده و فهم آن فرا گیرد وی از برترین

شاگردان دانای ما خواهد بود.

علامه بدرالدین عینی در شرح هدایه نوشته است: وقتی امام قدوری از تصنیف قدوری فراغت یافت، به سفر حج رفت، و در آنجا از الله تعالی استدعا نمود که اگر در کدام جای این کتاب غلطی موجود باشد مرا به آن عالم بگردان، همان بود وقتی کتاب را تا آخر از نظر گذرانید، پنج جای آن خود به خود محو شده بود.

**مقام و منزلت قدوری در نزد فقهاء:** امام قدوری رحمه الله علیه در عصر و زمان خویش در میان فقهاء از مقام و منزلت بالایی برخوردار بود، تا آنجا که حافظ خطیب بغدادی رحمه الله علیه در مورد رفعت مقام و منزلتش فرموده است: «در بغداد درجه ریاست مذهب به وی رسیده بود»

**وفات:** امام قدوری رحمه الله علیه در روز یکشنبه، سال ( ۴۲۸ هـ ق ) در پنجم رجب المرجب به عمر ۶۶ سالگی در بغداد وفات یافت<sup>۱</sup>.

## ارزیابی



- ۱- نام، لقب، جای و تاریخ تولد امام ابوالحسن بن ابوبکر قدوری رحمه الله را بیان دارید؟
- ۲- درباره مقام و منزلت تعلیمی و علمی امام قدوری رحمه الله علیه معلومات خود را بنویسید.
- ۳- تألیفات امام قدوری إنا م ببرید؟
- ۴- درباره وفات وی معلومات خود را بنویسید.

## کارخانه گی



معلومات اضافی را در باره امام قدوری نوشته کنید.

۱ - تاریخ بغداد، ۴/۳۷۷. طبقات الفقهاء، صفحه: ۱۲۴. الجواهر المضية، ۳/۲۹.



### معلومات مقدماتی علم فقه

قبل از آغاز به فراگیری یک علم، باید دربارهٔ تعریف، موضوع، و غایهٔ آن علم معلومات ابتدایی را به دست آورد تا دانش آموز در روشنایی بصیرت و فهم، به مسایل آن داخل شود، ازینرو می‌خواهیم خود را به مفاهیم و مبادی فقهی آشنا سازیم.

#### تعریف فقه:

فقه در لغت: دانش را گویند.

در اصطلاح: عبارت از علميست که به واسطهٔ آن صفات شرعی اعمال دانسته می‌شود، که کدام کارها جایز و کدام ناجایز است. و به اعمال مردم چه آثار مرتب می‌گردد، چون عبادات، روابط خانوادگی و احکام معاملات.

**فقیه:** عالمی را گویند که به احکام شرعی دست رسی داشته و حقایق را نشان دهی نماید و مسایل پیچیده و دشوار را واضح سازد.

#### موضوع علم فقه:

موضوع علم فقه عمل و قول انسان مکلف است که کدام کار و کدام سخن جایز و کدام ناجایز بوده و حکم شرعی درین موارد از چه قرار است؟

#### غرض از فراگیری علم فقه:

غرض و مقصد علم فقه همانا شناخت احکام شرعی اعمال مکلفین است، تا به مردم آشکار شود که کدام چیزها جایز و کدام ناجایز است تا خود را مطابق به آن عیار سازند و بدینوسیله کامیابی دارین را کسب نمایند.

#### فضیلت علم فقه:

اسلام تمام مسلمانها را به آموختن علم فقه تشویق نموده و کسانی که این علم را فرا گرفته آنان را بهترین مردم قرار داده است.

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ يَرِدُ اللَّهَ بِهِ خَيْرًا يَفْقَهُهُ فِي الدِّينِ» کسی را که خداوند به وی اراده خیر نماید او را در امر دین فقیه سازد.

## سرچشمه علم فقه:

مآخذ و یا سرچشمه علم فقه چهار است:

قرآن کریم، سنت نبوی، اجماع و قیاس.

## حکم فراگیری علم فقه:

علم فقه برای عمل کرد خود شخص بدست آورده میشود و یا هم جهت ارایه معلومات برای دیگران فرا گرفته می شود.

وقتی که اسباب هر کاری صورت می گیرد، و یا انجام یک کار و یا خودداری از آن عمل طبق شریعت، از مکلف خواسته می شود، در چنین حالتی خطاب علم، در مورد آن عمل متوجه می شود، علم عمل فرض فرض، و علم عمل واجب واجب، و علم عمل مستحب مستحب است.

همچنان وقتی که انسان با چیزهای منهی عنه روبرو شود، در چنین حالات شناخت چیزهای حرام فرض، و شناخت امور مکروه تحریمی واجب، و شناخت امور مکروه تنزیهی مندوب (مستحب) است.

فراگیری علم فقه برای بیان کردن احکام دینی برای مسلمانان دیگر فرض کفایی است، به این گونه که امت در مجموع مکلف است تا آن عده فقهاء را تربیه و آموزش دهد که ساکنین هر منطقه به علما دست رسی داشته باشند، و اگر غفلت کردند همه گناهکار می شوند.

فقه اسلامی احکام تمام عرصه های زنده گی انسان را بیان می دارد

احکام فقهی شامل امور ذیل می گردد:

### ۱- عبادات:

عبادات عبارت از انجام اموری است که رابطه انسان را با پروردگارش برقرار می سازد؛ چون: نماز، روزه، زکات، حج، ذکر و سایر اعمال نیک و شایسته که به قصد رضای الله تعالی انجام یابد.

### ۲- معاملات (امور داد و گرفت میان مردم):

معاملات عبارت از کارهایی است که به مسأله داد و گرفت ارتباط دارد، چون فروختن، خریدن، اجاره، گروهی، شرکت، و مزارعت.



### ۳- امور شخصی:

تنظیم امور خانواده؛ چون: نکاح و عروسی، خطبه نامزدی، طلاق، نسب، نفقه، و امور مربوط به میراث.

### ۴- احکام جنایی:

عبارت از احکامی است که مقصد از آن احقاق حقوق حفاظت زنده گی مردم، مال و دارایی، و سایر حقوق شان است؛ چون: حدود، قصاص و تعزیرات.

### ۵- احکام قضایی:

عبارت از این است که: امور محاکم، اجرای دعوای، شاهی دادن، قسم خوردن، اقرار کردن، راه اثبات را جستجو نمودن، صادر نمودن احکام قضایی و عملی کردن آن و غیره امور قضایی را تنظیم می نماید.

### ۶- احکام سیاسی:

عبارت از آن اموریست که رابطه میان فرد و دولت، و امور مربوط به دولت را تنظیم می کند.

### ۷- احکام بین المللی:

عبارت از احکامی است که رابطه دولت را با سایر دول و موسسات بین المللی تنظیم و بیان می دارد.

### ۸- احکام مالی و اقتصادی:

عبارت از احکامی است که موارد و مصارف دولت و همچنان حقوق مالی و مکلفیت های مردم را نشان دهی و تنظیم می کند.

## فعالیت

**الف:** همراه با معلم محترم خویش در باره فرق علم فقه و اصول فقه بحث و مناقشه نمایید.

**ب:** آیا علم فقه شامل احکام اعتقادی میشود؟

## ارزیابی



۱- فقه را در لغت و اصطلاح تشریح نمایید.



- ۲- موضوع و غرض علم فقه را واضح سازید.
- ۳- منابع و مصادر فقه چند است؟
- ۴- حکم شریعت در مورد فراگیری و آموزش علم فقه چیست؟
- ۵- علم فقه به کدام امور میچرخد عمومیت احکام را بیان دارید؟

## کارخانه گی



(فقه اسلامی همه احتیاجات و تقاضا زنده گی را تحقیق میکند) شرح این مطلب را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## نشأت علم فقه و انکشاف آن

در درس گذشته تعریف علم فقه، موضوع، هدف و عمومیات آن را شناختیم، درین درس در باره نشأت، انکشاف و مراحل مختلف آن بحث خواهیم نمود که ابتداء آن از عهد نبوت آغاز یافته است.

### در عهد نبوت

در عهد نبوت سرچشمه احکام منحصر به وحی بود، قرآن کریم با احکام شرعی نزول یافت، و رسول الله ﷺ این احکام و شروط و طریق عملی ساختن آن را برای مردم یا به قول و عمل خویش بیان میداشت، و یا اینکه صحابه کرام کاری را انجام می دادند و پیامبر ﷺ از آن منع نه می کردند.

صحابه کرام جهت آموزش و حل معضلات و فیصله ها به رسول الله ﷺ مراجعه می کردند. درین عهد برخی از عاداتها و رواجها وجود داشت که شریعت اسلامی آن را تایید، و برخی از آن را باطل گردانید، چون رسم فرزندی گیری فرزندان بیگانه، یا سود خوری وامثال آن. درین عهد غیر از قرآن کریم، سنت نوشته نمی شد، از بیم آنکه قرآن کریم با گفتار پیامبر ﷺ خلط و آمیخته نه شود.

نبی کریم ﷺ تنها برای بعضی اصحاب خود چون عبد الله بن عمرو بن العاص اجازه نوشتن حدیث را داده بود، این صحابی جلیل القدر احادیث پیامبر ﷺ را در صحیفه که بنام (الصادقة) یاد می شد نوشته می کرد، همچنان برای علی رضی الله عنه اجازه داده بود که برخی مسایل مربوط به قتل و دیت را بنویسد.

### در عهد صحابه کرام

علمای صحابه کرام و جانشینان ایشان مسایل فقهی را می آموختند و برای بیان احکام شرعی به مردم، به کتاب الله مراجعه می نمودند وقتی آنها حکم مورد ضرورت را در کتاب الله نمی یافتند به سنت پیامبر ﷺ رجوع می نمودند و یا آن را از کسی سؤال می کردند که از رسول الله ﷺ آموخته بود.

وقتی که ایشان در سنت هم حکمی را پیدا نمی کردند خود به تحقیق می پرداختند و به موضوع

نگریسته حکم مسئله را در چوکات قیاس و مطابق قواعد عام استنباط می نمودند، هرگاه ایشان در مسأله اتفاق نظر می داشتند این اتفاق نظر ایشان حیثیت اجماع را به خود می گرفت، واگر در کدام مسأله اتفاق نظر شان حاصل نمی شد، آن را برای اجتهاد واستنباط باقی می ماند.

یکی از خصوصیات این عهد، وجود اصحاب بود که به داشتن فهم ودانش فقهی شهرت یافته بودند، اگر کدام مسأله پیش می شد مردم جهت اخذ فتوا به این جمع اصحاب روی می آوردند، واینها به ایشان در مورد مسأله معروضه، فتوا می دادند، شمار این تعداد صحابه از سیزده نفر تجاوز نمی کرد که در آن جمله عمر، علی، زید بن ثابت، عائشه صدیقه، عبد الله بن عمر، عبد الله بن عباس، معاذ بن جبل و عبد الله بن مسعود رضی الله عنهم شامل بودند. در همان عهد آراء ونظریات فقها صحابه کرام باهم جمع گردید بطوری که حیثیت یک مدرسه ویا مذهب را بخود گرفت، چون مذهب ابن عمر، ابن عباس، ابن مسعود وعائشه رضی الله عنهم.

## ارزیابی



- ۱- در زمانه های ذیل حالت فقهی اسلامی چگونه بود ؟  
الف- در عهد نبوت.  
ب- در عهد صحابه کرام.
- ۲- برای دست یافتن به حکمی طریقه کار صحابه کرام چگونه بود ؟
- ۳- در عهد صحابه کرام فقهای مشهور آنها چند نفر بودند ؟
- ۴- آیا نظریات صحابه کرام جمع آوری گردیده بود ؟

## کارخانه گی



نام هشت تن از اصحاب کرام مشهور را در کتابچه های خود تحریر نمایید.



### نشأت علم فقه و انکشاف آن (۲)

#### در عهد تابعین

همچنان فقها تابعین در مسایل جدید، اجتهادات و نظریات خاص خود را اضافه نمودند، از نیمه قرن اول هجری تا اول قرن دوم یک تعداد علما و مجتهدین نامور و مشهور در علم فقه ظاهر شدند.

#### در قرن دوم هجری

در قرن دوم برخی از فقها و علما درین علم درخشیدند، ایشان از تجارب علمی و فقهی گذشتگان خود استفاده نموده و برای خویش روش‌های روشن و راه‌های مشخص را برگزیدند، و کارهای قابل قدری درین راستا انجام دادند، در اطراف این عده علما شاگردان و طلاب علم جمع شدند و مردم عام و زمامداران به این عده از علما مراجعه می‌نمودند، و از ایشان در مسایل تقلید و پیروی می‌کردند و اقوال و سخنان آنها را جمع نموده مذاهب خود را تدوین کردند. نام‌های این مجتهدین مشهور ازین قرار است: امام مالک بن انس رحمة الله علیه در مدینه منوره، امام ابوحنیفه و سفیان ثوری رحمة الله علیهما در کوفه، امام اوزاعی رحمة الله علیه در شام، امام شافعی رحمة الله علیه در مصر امام احمد بن حنبل رحمة الله علیه در بغداد.

#### چهار مذهب

بعداً چهار مذهب فقهی در اهل سنت شهرت بخصوص یافت:

- ۱- مذهب حنفی.
- ۲- مذهب مالکی.
- ۳- مذهب شافعی.
- ۴- مذهب حنبلی.

#### تدوین علم فقه

در قرن دوم سلسله تدوین و ترتیب علوم آغاز یافت هر کس در هر رشته که به تدوین و ترتیب آغاز می‌نمود بانی آن علم محسوب گردید، از همین لحاظ امام ابوحنیفه رحمة الله علیه را اساس گذار علم فقه می‌نامند.

## عظمت و اهمیت فقه حنفی

یحیی بن سعید قطان گوید: ما در برابر الله تعالی نمی توانیم دروغ بگوییم، حقیقت این است که ما هیچگاه فقه آزموده و برجسته تر از فقه ابوحنیفه نیافتیم و نشنیدیم و به همین لحاظ بسیاری از اقوال او را برگزیدیم و اختیار نمودیم.

امام شافعی رحمه الله علیه می گوید: «همه مردم در فقه به امام ابوحنیفه احتیاج دارند اگر کسی بخواهد در مسایل فقهی مهارت حاصل نماید او را بایست که ابوحنیفه و شاگردان وی را رها نکند، چون مفاهیم و مطالب بر آنها آسان شده بود و قسم به خدا که من از خواندن کتاب های فقه امام محمد مهارت حاصل نمودم.»

عبد الله بن مبارک می گوید: «من هیچ یکی را بهتر از امام ابوحنیفه رحمه الله علیه ندیدم که در فقه دست بالایی داشته باشد.»

در کشورهای اسلامی نمی توان جایی را سراغ نمود که فقه ابوحنیفه در آن راه نیافته باشد. فقه حنفی در پهلوی سائر مذاهب فقهی مسلمانان در حل مشکلات امت و رهنمایی مردم در احکام شرعی نقش بسیار مهمی را در تاریخ اسلام ایفا نموده است.

## فعالیت

شاگردان در میان خود در باره فضیلت فقه و اهمیت فقه حنفی بحث و مناقشه کنند.

## ارزیابی

- ۱- در عهد تابعین معلومات را ارائه کنید.
- ۲- درباره نشأت علم فقه در قرن دوم معلومات بدهید.
- ۳- این عبارت را شرح نمایید (بعداً در میان اهل سنت چهار مذهب شهرت یافت).
- ۴- اقوال علمای کرام را در باره عظمت و اهمیت فقه حنفی بیان نمایید.

## کارخانه گی

در باره انکشاف علم فقه در قرن دوم هجرت یک مقاله بنویسید.

## احکام فقهی و اقسام آن

شریعت اسلامی در حقیقت مجموعه احکام شرعی است، پس بیایید نخست خود را بفهمانیم که حکم چه را گویند و به چند نوع است؟

### تعریف حکم:

حکم در لغت: به معنای فیصله و فرمان است، چنانچه گفته می‌شود: «حکم الله» یعنی منع از مخالفت امر وی در کاری که بدان فیصله نموده است.

### حکم در اصطلاح فقهاء:

حکم اثر آن خطاب الله تعالی است که به اعمال مکلفین ارتباط داشته باشد، در مورد انجام دادن کاری و یا انجام ندادن آن کار و یا اینکه آنرا مباح می‌گرداند و یا کدام چیز برای کدام کاری شرط، سبب و یا مانع می‌گرداند.

### اقسام حکم شرعی:

احکام شرعی سه بخش دارد: مأمور به، منهی عنه و مباحات.  
اول- اقسام مأمور به: اوامر الهی سه قسم است: فرض، واجب و مندوب.

### فرض:

فرض در لغت: قطع، تقدیر و تحدید را گویند.  
در اصطلاح: فرض آن است که به دلیل قطعی ثابت شده باشد که هیچگونه شک و شبهه در آن نباشد، چون نمازهای پنجگانه، روزه ماه رمضان و غیره.

### حکم آن:

انجام آن لازمی است، به انجام دادن آن کسب ثواب و به ترک آن مستوجب عذاب می‌گردد و منکر آن کافر گفته می‌شود.

### واجب:

واجب در لغت لازم و ثبات را گویند.  
در اصطلاح: واجب عملی را گویند که ثبوت آن به دلیل ظنی شده و در آن شبهه بوده باشد،

و قطعیت در آن نباشد، و شریعت عمل آن را به گونه‌ی لازمی تقاضا دارد، چون دادن صدقه فطر، خواندن نماز و تر و عیدین که اینها به خبر واحد ثابت شده است.

### **حکم آن:**

واجب به اعتبار عمل، حکم فرض را دارد؛ یعنی: به گونه‌ی فرض انجام دادن آن لازمی است، اما به اعتبار اعتقاد، منکر آن کافر گفته نمی‌شود.

### **مندوب:**

مندوب در لغت، مطلوب را گویند

و در اصطلاح مندوب عبارت از عملی است که شارع بدون الزام آن را مطالبه نموده، و به دو قسم است: سنت و مستحب.

### **سنت:**

سنت در لغت: طریقه و عادت را گویند. و در اصطلاح: سنت عبارت از اعمالی است که نبی کریم ﷺ همیشه بدان مواظبت نموده و گاهی هم آن را ترک کرده اند. و یا اگر ترک نکرده باشد، به ترک کننده آن انکار نکرده است.

### **حکم آن:**

به انجام دادن سنت ثواب و به ترک آن عتاب است.

### **مستحب:**

مستحب در لغت: دوست داشته شده را گویند. و در اصطلاح: مستحب کاری را گویند که به کردن آن ثواب است و به ترک آن عتاب نیست. که این نوع را نفل نیز گویند.

### **دوم: اقسام ممنوعات:**

بخش دوم احکام شرعی ممنوعات است که به سه قسم می‌باشد.

### **۱- حرام:**

حرام در لغت کاری است که از آن منع شده باشد و ضد حلال است و در اصطلاح عبارت از عملی است که به دلیل قطعی از آن منع شده باشد، چون قتل، نوشیدن شراب، دزدی و امثال آن.



## حکم آن:

منکر حرام کافر است اگر کسی مرتکب کار حرام گردد ولی به حرمت آن معتقد بوده باشد، وی فاسق بوده و مستحق عذاب است.

## ۲- مکروه تحریمی:

در لغت ضد محبوب است.

و در اصطلاح: عبارت از کاری است که به دلیل ظنی ازان منع شده باشد، مکروه تحریمی حرام نیست، مگر به حرام نزدیک است، چون بر بیع برادر مسلمان خود بیع گذاشتن و یا بر خواستگاری برادر مسلمان خود خواستگاری کردن.

## حکم آن:

منکر مکروه تحریمی کافر نمی‌شود، اگر بدون عذر کسی مرتکب آن شود مستحق عذاب بوده مگر عذاب آن از عذاب حرام کمتر می‌باشد.

## ۳- مکروه تنزیهی:

مکروه تنزیهی کاری را گویند که نه کردن آن از کردن آن بهتر است، مانند استفاده از آب پس خوردهٔ پشک و مرغ گوشت خوار چون باز، برای وضوء.

## حکم آن:

خودداری کردن از مکروه تنزیهی ثواب داشته و به کردن آن عذاب نیست.

## سوم مباح:

مباح در لغت: ظاهر شده و اجازه داده شده را گویند.

و در اصطلاح مباح عبارت از کاریست که به کردن و یا نه کردن آن ثواب و یا عقاب مرتب نمی‌گردد، چون شکار کردن و مانند آن.

## فعالیت

نصوص شرعی را که مصطلحات ذیل در آن آمده باشد بیان دارید:

۱- فرض

۲- واجب

۳- سنت

۴- مستحب

## ارزیابی



اصطلاحات ذیل را تعریف کنید:

- ۱- فرض
- ۲- واجب
- ۳- حرام
- ۴- مکروه
- ۵- اقسام مندوبات
- ۶- اقسام مکروهات

## کارخانه گی



در کتابچه‌های خود فرق بین فرض، واجب، حرام و مکروه را بنویسید.

## بیان طهارت

طهارت یکی از شروط صحت نماز است که بدون داشتن آن، نماز صحیح نیست، و به همین جهت فقهاء کرام بحث طهارت را در اول کتاب‌های خود قرار داده اند.

### کِتَابُ الطَّهَارَةِ:

- (۱) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ} <sup>۱</sup>.
- (۲) فَفَرَضَ الطَّهَارَةَ: غَسَلَ الْأَعْضَاءِ الثَّلَاثَةَ وَمَسَحَ الرَّأْسَ، وَالْمِرْفَقَيْنِ وَالْكَعْبَيْنِ يَدْخُلَانِ فِي فَرَضِ الْغَسْلِ وَالْمَقْرُوضُ فِي مَسْحِ الرَّأْسِ مِقْدَارُ النَّاصِيَةِ لِمَا رَوَى الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَتَى سُبَاطَةَ قَوْمٍ فَبَالَ وَتَوَضَّأَ وَمَسَحَ عَلَى نَاصِيَتِهِ وَخَفِيهِ <sup>۲</sup>.

### ترجمه

### کتاب طهارت

(۱) الله تعالى می‌فرماید: ای مؤمنان وقتی که برای ادای نماز برخاستید (و وضوء نداشتید) پس بشوید روی‌ها و دست‌های خود را تا آرنج‌ها، و مسح کنید به سرهای خود و (بشوید) پاها را خود را تا بجلک‌ها.

(۲) پس فرض‌های طهارت عبارت است از: شستن اعضای سه گانه، مسح سر، شستن آرنج‌ها و بجلک‌ها در طهارت شامل اند و فرض در مسح سر مقدار پیشانی (چهارم حصه سر) است، نظر به حدیثی که مغیره بن شعبه روایت کرده که پیامبر ﷺ به ویرانه قومی آمد و در آن جا جواب چای کرد، وضوء ساخت و مسح کرد بر پیشانی <sup>۳</sup> و بر هر دو کفش خود <sup>۴</sup>.

۱ - المائدة: ۶

۲ - مختصر القدوری.

۳ - ناصیه: پیشانی، قسمت پیش سر را گویند، جائیکه هنگام نشستن و یا ایستاده رو به آسمان باشد.

۴ - متفق علیه.

## شرح مفهوم طهارت

طهارت در لغت: پاکی را گویند و ضد آن ناپاکی است.  
و در اصطلاح شرع عبارت از پاکی مخصوص است که همراه با آن نماز صحت می‌یابد<sup>۱</sup>.

## فروض های وضوء

فروض های وضوء چهار است:

- ۱- شستن روی، اندازه آن میان دو نرمه گوش و از زیر زنج تا رویدن موی پیشانی.
- ۲- شستن هردو دست تا آرنج‌ها، که شستن آرنج‌ها نیز شامل شستن دست‌ها می‌باشد.
- ۳- مسح کردن چهارم حصه سر.
- ۴- شستن هردو پای تا بجلک که شستن بجلک‌ها نیز شامل فرض است.

## مفهوم غُسل (شستن)

غسل عبارت از ریختن آب بر اندام‌ها را گویند که قطره قطره از آن‌ها فرو ریزد.  
یک بار شستن تمام اعضاء مذکور فرض است و سه بار تکرار آن سنت است، و بیش از سه بار آب از استفاده کردن اسراف خوانده شده است. جای‌هایی که شستن آن فرض است اگر به اندازه یک موی هم خشک بماند طهارت درست نیست<sup>۲</sup>.

## مفهوم مسح

مسح عبارت از عبور دادن دست تر به اندام را گویند.  
مسح به سه انگشت صورت می‌گیرد به یک و یا دو انگشت مسح کردن جواز ندارد.



۱- التعاریف: ۴۸۶/۱. انیس الفقهاء: ص ۴۷، ۴۸.

۲- در مختار: ۹۷/۱.



## مسائل

**الف:** اگر ریش انبوه باشد شستن حصه بالایی موها فرض است، و رسانیدن آب به بیخ مویها فرض نیست؛ اما اگر ریش انبوه نبود؛ یعنی مویهای آن هم انباشته نباشد دران صورت رسانیدن آب به پوست بدن و بیخ مویها فرض است.

**ب:** اگر کسی به سر انگشتان چیزهایی را گذاشته باشد که مانع رسیدن آب به آن می گردد چون آرد و یا موم، وضوء وی تا آنکه آن مانع را از بین نبرده باشد درست نمی شود.

**ج:** اگر انگشتی به دست داشته باشد که مانع رسیدن آب به پوست بدن شود تا انگشتی را حرکت ندهد که آب به زیر آن برسد، وضوء وی درست نیست!

## فعالیت

شاگردان به گروه های مناسب تقسیم گردند.  
وضوء کردن را به طور عملی اجرا نمایند.

## ارزیابی

- ۱- طهارت را تعریف کنید ؟
- ۲- فرض های وضوء کدام اند، بیان کنید.
- ۳- آیا آرنج ها و بجلک ها در شستن اعضای فرض شامل اند، بادلل بنویسید.
- ۴- غَسْل و مسح چه را گویند؟



در باره فضیلت وضوء مقاله مختصری تحریر کنید.  
در حدیثی که در مسند احمد آمده است پیامبر ﷺ فرموده است: «کلید جنت نماز و کلید نماز وضوء است» مطلب این حدیث را شرح دهید.

## سنت‌ها، مستحبات و شکننده‌های وضوء

در درس گذشته مفهوم طهارت و فرض‌های وضوء را شناختیم، حال می‌خواهیم سنت‌ها، مستحبات، و شکننده‌های وضوء را بشناسیم.

(۱) وَسَنُّ الطَّهَّارَةِ: غَسْلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ إِدْخَالِهِمَا الْإِنَاءَ إِذَا اسْتَيْقَظَ الْمُتَوَضِّعُ مِنْ نَوْمِهِ، وَتَسْمِيَةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي ابْتِدَاءِ الْوُضُوءِ، وَالسَّوَاكُ، وَالْمُضْمَضَةُ، وَالِاسْتِنْشَاقُ، وَمَسْحُ الْأُذُنَيْنِ، وَتَخْلِيلُ اللِّحْيَةِ، وَالْأَصَابِعِ، وَتَكَرُّرُ الْغَسْلِ إِلَى الثَّلَاثِ.

(۲) وَيُسْتَحَبُّ لِلْمُتَوَضِّعِ أَنْ يَنْوِيَ الطَّهَّارَةَ، وَيَسْتَوَعِبَ رَأْسَهُ بِالنَّسْجِ، وَيُرْتَّبِ الْوُضُوءَ فَيَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ تَعَالَى بِذِكْرِهِ وَبِالْيَمِينِ.

(۳) وَالْمَعَانِي النَّاقِضَةُ لِلْوُضُوءِ: كُلُّ مَا خَرَجَ مِنَ السَّيْلَيْنِ وَالْدَّمُ وَالْقَيْحُ وَالصَّدِيدُ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَدَنِ فَتَجَاوَزَ إِلَى مَوْضِعٍ يَلْحَقُهُ حُكْمُ التَّطْهِيرِ وَالْقَيْءُ إِذَا كَانَ مَلَأَ الْفَمَ وَالنَّوْمُ مُضْطَجِعًا، أَوْ مُتَكِنًا أَوْ مُسْتَنِدًا إِلَى شَيْءٍ لَوْ أُزِيلَ عَنْهُ لَسَقَطَ، وَالْغَلْبَةُ عَلَى الْعَقْلِ بِالْإِغْمَاءِ وَالْجُنُونُ وَالْقَهْقَهَةُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ ذَاتِ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ.

### ترجمه

(۱) سنت‌های وضوء: شستن دست‌ها است قبل از داخل کردن آن در ظرف وقتی وضوء کننده از خواب بیدار شود، بسم الله گفتن در ابتدای وضوء، مسواک زدن، مضمضه نمودن، افشاندن بینی، مسح گوش‌ها، خلال نمودن ریش و انگشتان و تکرار شستن هر عضو تا سه مرتبه.

(۲) برای وضوء کننده مستحب است که نیت وضوء کند، و همه سر را مسح کند، و به ترتیب وضوء کند و به آنچه که الله تعالی ابتداء کرده است ابتداء کند و از طرف راست شروع نماید.

(۳) شکننده‌های وضوء: هر آنچه از هر دو راه (پیش و پس) خارج شود (ناقص وضوء است)،

۱- صدید: آب زرد زخم را گوید که با خون یکجا شده باشد قبل از اینکه سخت شود.

۲- مختصر القدوری.

خون، قیح و آب زرد اگر از بدن خارج شود و به جایی برسد که پاکی آن لازم باشد، وقی که به پری دهن بوده باشد، و خواب به پهلوی تکیه کردن به چیزی، اگر آن چیز از وی دور کرده شود بیفتد، و به از دست رفتن عقل، اثر بی هوشی، جنون و خنده قهقهه در هر نمازی که دارای رکوع و سجده باشد.

## شرح

### امور ذیل در وضوء سنت است

- ۱- قبل از وضوء بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.
- ۲- دست‌ها را تابندها شستن قبل از آنکه دست‌ها را داخل ظرف سازد از خواب برخاسته باشد و یا نه.
- ۳- مسواک زدن برای مرد و زن سنت است.
- مسواک ساختن از هر بته و شاخ درخت که خشک باشد و یا تر درست است و می تواند بصفت مسواک استعمال گردد.
۴. تثلیث: یعنی هر اندام را سه بار شستن.
۵. مضمضه: آب را به دهان انداختن و شستن آن، وضوء کننده باید در مضمضه مبالغه نماید. مگر آنکه روزه دار باشد که در آن صورت مبالغه نباید کرد.
۶. استنشاق: یعنی آب در بینی کردن و افشاندن آن.
۷. با آب سر هر دو گوش را مسح کردن
۸. خلال کردن ریش اگر ریش انبوه باشد، همراه باشستن روی، ریش را خلال نمودن.
۹. خلال کردن انگشتان دست‌ها و پاها.

### مستحبات وضوء

- ۱- نیت کردن.
- ۲- تمام سر را مسح کردن.
- تمام سر را به این گونه مسح کند، دست‌ها را در آب تر نموده و قسمت داخلی سه انگشت را در پیشانی گذاشته و به طرف عقب کش نماید، انگشتان بزرگ و اشاره و هر دو کف دست را از آن دور دارد، و به اطراف سر آن را برساند و بعد به هر دو کف، سر از عقب به طرف پیش روی مسح نماید؛ سپس به انگشتان بزرگ حصه بیرون گوش‌ها و به انگشتان شهادت داخل گوش‌ها را مسح نماید.
۳. ترتیب: اندام‌های خود را به ترتیبی بشوید که در آیت آمده است، مگر صحیح آن است که

در وضوء این سه چیز ذکر شده سنت است.

۴. تیامن: از طرف راست شروع کردن، اول شستن دست راست باز چپ همچنان اول پای راست باز چپ.

۵. موالات: اندامها را پی در پی شستن.

## شکننده‌های وضوء

- ۱- بیرون شدن چیزی از مجرای (قبل و دبر) چون بول، غایط و باد.
- ۲- بیرون شدن چیزی از بدن آدمی مانند خون و زرداب که به جایی تجاوز نماید که پاک کردن و شستن آن لازم بوده باشد، یعنی به جای صحیح و سالم تجاوز نماید نه آنکه در جای زخم باقی بماند.
- ۳- به پهلوی خوابیدن و یا نشسته به چیزی تکیه نموده باشد و به خواب رود که اگر آن چیز از وی برداشته شود بیفتد.
- ۴- قی کردن به پری دهن.
- ۵- بیهوشی که عقلش را ازدست دهد.
- ۶- دیوانگی.
- ۷- خنده قهقهه شخص بالغ در نمازهایی که سجده و رکوع داشته باشد. خنده قهقهه آن را گویند که نفر پهلوی وی صدایش را بشنود، اینگونه خنده هم نماز را فاسد می‌سازد و هم وضوء را می‌شکند. چنین شخصی هم وضوء را از سرگیرد و هم نماز را اعاده کند.

## مسایل

- اگر کسی وضوء نمود و بعد شک کرد که آیا با وضوء است و یا خیر؟ در چنین حالتی او با وضوء است، اگر در نفس وضوء شک داشته باشد که آیا وضوء کرده است و یا خیر نماز وی درست نیست لازماً باید وضوء کند.
- نمازهایی که دارای سجده و رکوع نه باشد چون نماز جنازه، در این گونه نمازها خنده قهقهه، تنها نماز وی را فاسد می‌گرداند وضویش نمی‌شکند.
- به گرفتن ناخن‌های دست و پا و یا کم کردن موی سر وضوء نمی‌شکند.



## فعالیت

۱. آیا با نوشیدن آب به پری دهن مضمضه انجام می‌پذیرد؟
۲. یک شاگرد به حضور دیگران وضوء را بصورت عملی اجراء نماید.

## ارزیابی



- ۱- سنت‌های وضوء کدام اند؟
- ۲- مستحبات وضوء کدام اند؟
- ۳- فرق میان سنت‌ها و مستحبات را بیان کنید؟
- ۴- ترتیب در وضوء سنت است و یا مستحب؟
- ۵- تمام سر را چگونه باید مسح کرد؟
- ۶- گوش‌ها چگونه مسح می‌شوند؟

## کارخانه گی



سنت‌های وضوء را بادر نظر داشت شرح فوق در کتابچه خود بنویسید.

## غسل

در درس گذشته معلومات پیرامون وضوء به دست آوردیم، درین درس پیرامون احکام غسل مطالبی را بیان خواهیم داشت.

- (۱) وَفَرَضَ الْغُسْلُ: الْمَضْمَضَةُ وَالِاسْتِشْقَاقُ وَغَسْلُ سَائِرِ الْبَدَنِ.
- (۲) وَسُنَّةُ الْغُسْلِ: أَنْ يَبْدَأَ الْمُتَغَسِّلُ بِغَسْلِ يَدَيْهِ وَفَرْجِهِ، وَيُزِيلَ النِّجَاسَةَ إِنْ كَانَتْ عَلَى بَدَنِهِ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ إِلَّا رِجْلَيْهِ، ثُمَّ يُفِيضُ الْمَاءَ عَلَى رَأْسِهِ وَسَائِرِ جَسَدِهِ ثَلَاثًا ثُمَّ يَتَنَحَّى عَنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ فَيَغْسِلُ رِجْلَيْهِ، وَلَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَنْقُصَ صَفَائِرَهَا فِي الْغُسْلِ إِذَا بَلَغَ الْمَاءُ أَصُولَ الشَّعْرِ.
- (۳) وَالْمَعَانِي الْمَوْجِبَةُ لِلْغُسْلِ: أَنْزَالُ الْمَنِيِّ عَلَى وَجْهِ الدَّقِّ وَالشَّهْوَةِ مِنَ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ وَالنِّقَاطِ الْخِتَانَيْنِ مِنْ غَيْرِ أَنْزَالٍ، وَالْحَيْضُ وَالنِّفَاسُ، وَسَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْغُسْلَ لِلْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ وَالْإِحْرَامِ وَلَيْسَ فِي الْمَذْيِ وَالْوَدْيِ غُسْلٌ وَفِيهِمَا الْوُضُوءُ.

### ترجمه :

- (۱) فرض های غسل : (در غسل) شستن دهن، بینی و تمام بدن (فرض) است.
- (۲) سنت های غسل: نخست اینکه غسل کننده باید نخست دست ها و عورت خویش را بشوید، اگر در بدنش نجاست بوده باشد، آن را دور سازد، بعد وضوء کند همانطوری که برای نماز وضوء می کند تنها پاهای خود را موخر کند، و بعد سه مرتبه بر تمام بدن خویش آب بریزاند، و سپس خود را گوشه کرده پاهای خود را بشوید، در غسل گشودن موی بافته شده بر زن نیست در صورتیکه آب به بیخ موی ها برسد.
- (۳) موجبات غسل: بیرون شدن منی<sup>۱</sup> از مرد و زن به طریقہ جهش و شهوت، شرمگاه مرد و زن

۱ - مختصر القدوری.

۲ - منی عبارت از آن آب سفید رنگ و غلیظ است که در وقت جماع از شرمگاه انسان بیرون می شود. المعجم الوسیط - (۲/ ۸۸۹).

با هم چسپیدن (دخول حشفه به فرج) هر چند که انزال هم نشده باشد، حیض و نفاس. رسول الله ﷺ غسل روزهای عیدین و جمعه و غسل برای احرام را سنت قرار داده است. و در بیرون شدن مذی و وودی غسل لازم نمی گردد.

## شرح تعریف غسل

غسل در لغت: شست و شوی تمام بدن را گویند و فقهاء همین معنا را اخذ کرده اند. غسل در اصطلاح: عبارت از شستن تمام آن اعضای بدن است که رسانیدن آب بدان بدون تکلیف ممکن بوده باشد.

## فرض های غسل

در غسل شستن سه اندام فرض است.

- ۱- شستن دهن.
- ۲- شستن بینی.
- ۳- شستن و رسانیدن آب به تمامی بدن، طوری که هیچ جای از بدن خشک نماند.

## سنت های غسل

کیفیت ذیل در غسل سنت است:

- ۱- غسل کننده نخست باید دست های خود را تا بندها بشوید و بعد استنجا کند.
- ۲- اگر نجاست بر بدن داشت باید آن را دور سازد.
- ۳- قبل از غسل نمودن باید وضوء کند همانطوری که برای نماز وضوء می کند، اگر در جای پایین باشد تنها پاهای خود را نه بشوید و در آخر آن را بشوید.
- ۴- باز سر و تمام بدن خود را سه بار بشوید، کوشش نماید که آب را به فرو رفتگی های گوش، ناف، و جاهای دیگری که آب به مشکل بدان می رسد برساند.
- ۵- بر زن گشودن موهای بافته شده ضروری نیست، اگر آب در ییخ موهای وی رسیده بتواند، مگر در حق مردان گشودن موی های بافته شده، واجب است.

## به امور ذیل غسل فرض می‌گردد:

- بیرون شدن منی از مرد و زن به طریق شهوت.
- به سبب التقاء ختائین: یعنی پنهان شدن حشفه شرمگاه مرد در فرج زن، برابر است که انزال شود و یا خیر.
- پاک شدن زن از حیض.
- پاک شدن زن از نفاس.

## غسل در امور ذیل سنت است

- ۱- غسل برای نماز جمعه.
  - ۲- غسل برای نماز عیدین.
  - ۳- غسل برای پوشیدن احرام<sup>۱</sup>.
- در صورت بیرون شدن مذی<sup>۲</sup> و ودی<sup>۳</sup> از انسان، غسل لازم نمی‌گردد تنها وضوء کفایت می‌کند.

## فعالیت

معلم محترم شاگردان را به دوبخش تقسیم نموده و هر کدام غسل فرض و سنت را بیان کنند.

## ارزیابی

- ۱- غسل را تعریف کنید.
- ۲- در غسل کدام چیزها فرض است؟
- ۳- سنت‌های غسل کدام‌ها اند؟
- ۴- در کدام حالات غسل کردن فرض می‌شود؟

۱ - احرام عبارت از پوشیدن دو قطعه لباس نا دوخته به نیت حج و یا عمره همراه با تلبیه گفتن است، البحر الرائق شرح کنز الدقائق - (۳۳۶ / ۶).

۲ - مذی عبارت از آب رقیق، شفاف و سفیدی است که هنگام بازی کردن مرد با همسر از شرمگاه خارج می‌شود.

۳ - ودی عبارت از آن آب غلیظ و سفیدی است که بعد از پیشاب نمودن از شرمگاه بیرون می‌شود.

- ۵- در کدام اوقات وحالات غسل کردن سنت است؟
- ۶- مذي وودی چیست؟
- ۷- آیا به بیرون شدن مذي وودی غسل فرض می شود؟

## کارخانه گی



غسل کردن بر صحت چه اثری دارد؟ درین مورد یک مقاله بنویسید.



## آب‌های که توسط آن پاکی صورت می‌گیرد

آب‌هایی که باصفات خود باقی‌اند و کدام نجاستی به آن آمیخته نشده است و نه کدام چیز دیگری که خاصیت آب بودن آن را تغییر داده باشد وضوء و غسل کردن به آن جواز دارد.

(۱) وَالطَّهَارَةُ مِنَ الْأَحْدَاثِ جَائِزَةٌ بِمَاءِ السَّمَاءِ، وَالْأُودِيَةِ، وَالْعُيُونِ، وَالْآبَارِ وَمَاءِ الْبَحَارِ، وَلَا يَجُوزُ بِمَا أُعْتَصِرَ مِنَ الشَّجَرِ وَالشَّمْرِ، وَلَا بِمَاءٍ غَلَبَ عَلَيْهِ غَيْرُهُ وَأَخْرَجَهُ عَنْ طَبْعِ الْمَاءِ: كَالْأَشْرَبَةِ، وَالْخَلِّ، وَمَاءِ الْوَرْدِ، وَمَاءِ الْبَقْلَاءِ، وَالْمَرْقِ، وَمَاءِ الزَّرْدَجِ.

(۲) وَتَجُوزُ الطَّهَارَةُ بِمَاءٍ خَالَطَهُ شَيْءٌ طَاهِرٌ فَغَيَّرَ أَحَدَ أَوْصَافِهِ كَمَاءِ الْمَدِّ، وَالْمَاءِ الَّذِي يَخْتَلِطُ بِهِ الْأُسْنَانُ، وَالصَّابُونُ، وَالزَّعْفَرَانُ.

(۳) وَكُلُّ مَاءٍ وَقَعَتْ فِيهِ نَجَاسَةٌ لَمْ يَجْزِ الْوُضُوءُ بِهِ، قَلِيلًا أَوْ كَثِيرًا، لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِحِفْظِ الْمَاءِ مِنَ النَّجَاسَةِ، فَقَالَ: {لَا يَبُولَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ وَلَا يَغْتَسِلَنَّ فِيهِ مِنَ الْجَنَابَةِ} وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: {إِذَا اسْتَيْقِظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَلَا يَغْمِسَنَّ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ}.

(۴) وَأَمَّا الْمَاءُ الْجَارِي إِذَا وَقَعَتْ فِيهِ نَجَاسَةٌ جَازَ الْوُضُوءُ مِنْهُ إِذَا لَمْ يَرَهَا أَثَرٌ؛ لِأَنَّهَا لَا تَسْتَقَرُّ مَعَ جَرَيَانِ الْمَاءِ.

(۵) وَالْغَدِيرُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ أَحَدُ طَرَفَيْهِ بِتَحْرِيكِ الطَّرَفِ الْآخَرِ، إِذَا وَقَعَتْ نَجَاسَةٌ فِي أَحَدِ جَانِبَيْهِ جَازَ الْوُضُوءُ مِنَ الْجَانِبِ الْآخَرِ، لِأَنَّ الظَّاهِرَ أَنَّ النَّجَاسَةَ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ<sup>۲</sup>

۱ - مسلم، في الطهارة (۸۷۹) من حديث أبي هريرة.

۲ - مختصر القدوري.

## ترجمه

(۱) طهارت از بی وضویی با آب باران، جوی‌ها، چشمه‌ها، چاه‌ها و آب‌های بحر جایز است، و با آب‌هایی که از درختان و از میوه‌ها در نتیجه فشردن به دست آمده باشد، جایز نیست، و نه به آبی که چیزی دیگری به آن آمیخته شده باشد و آن را از طبیعت آب بودنش خارج ساخته باشد، چون شربت‌ها، سرکه، آب گلاب، آب باقلی، شوربا و آب زردک.

(۲) وضوء کردن با آبی که در آن چیزی پاک آمیخته شده باشد و یکی از اوصاف آب را تغییر داده باشد، جایز است چون آب سیلاب، و آب که به آن اشنان<sup>۱</sup> و یا صابون و زعفران یکجا شده باشد.

(۳) و هر آن آبی که در آن نجاست افتاده باشد وضوء کردن با آن درست نیست برابر است که آب کم باشد و یا زیاد، زیرا پیامبر ﷺ به پاک نگهداشتن آب از نجاست امر فرموده است: «نباید یکی از شما در آب ایستاده، پیشاب کند و نباید در آن از جنابت غسل نماید<sup>۲</sup>» و فرموده است: و قتیکه یکی از شما از خواب بیدار شود نباید دست خود را در ظرف آب فرو برد تا آنکه آن را سه بار نشسته باشد زیرا او نمی داند که دستش شب در کجا بوده است.

(۴) و اما آب جاری و قتیکه در آن نجاست بیفتد وضوء از آن آب درست است، به شرطی که اثر<sup>۳</sup> نجاست در آن آب دیده نشود، چون نجاست در آب روان استقرار نیابد.

(۵) و حوض بزرگ که با حرکت دادن آب در یک طرف آن، طرف دیگر آن حرکت نکند وقتی نجاستی در یک طرف آن بیفتد وضوء کردن از جانب دیگر حوض درست است، چون ظاهراً نجاست به جانب دیگر رسیده نمی تواند.

## شرح

آبی که به طبیعت خود باقیمانده و نجاست به آن آمیخته نشده وضوء کردن به آن جواز دارد. چنین آبی را آب مطلق گویند، که شامل آب‌های ذیل است:

۱. آب باران.
۲. آب دریاها.
۳. آب چشمه‌ها.
۴. آب چاه‌ها.
۵. آب بحر‌ها.

۱ - بته اشنان بته ای است که در زمین‌های ریگی سبزو می‌روید، این بته و برگ‌های سوخته و خاکستر شده آن در شستن دست‌ها و لباس‌ها به کار برده می‌شود. - المعجم الوسیط - (۱ / ۱۹).

۲ - (السنن الکبری للبیهقی وفي ذیله الجواهر النقی - (۱ / ۲۳۸).

۳ - اثر نجاست، طعم، رنگ، و بوی آن است.

## آب‌هایی که چیزی با آن آمیخته شده باشد

• وضوء کردن با آب‌هایی که چیزی به آن آمیخته شده باشد طوری که بر طبیعت آب غالب گردیده و آن را تغییر داده باشد چون شربت‌ها، سرکه، شوربا، آب گلاب، آب باقلی و زردک جواز ندارد.

• وضوء کردن به آن آبی جواز دارد که چیزی پاک با آن آمیخته شده باشد و یکی از صفات آب را تغییر داده باشد؛ چون:

أ- آب سیل، که رنگ آن گل آلود گردد.

ب- آبی که اشنان بدان آمیخته شده باشد.

ت- آبی که با صابون آمیخته شده باشد.

ث- آبی که زعفران بدان آمیخته شده باشد.

## آب نجس

**آب کم:** وقتی نجاست در آب کم ایستاده واقع شود وضوء کردن با آن آب درست نیست، هر چند که نجاست به اندازه یک قطره هم بوده باشد و اثری از آن هم دیده نشود. وقتی در آب اثری از نجاست دیده شد آن آب نجس است، برابر است که آب زیاد باشد و یا کم، فرق نمی‌کند که آب روان باشد و یا ایستاده.

**آب زیاد:** آب زیاد به آب حوضی گفته می‌شود، وقتی یک طرف آن حرکت کند طرف دیگری آن حرکت نکند، چنین حوضی حیثیت آبی جاری را دارد. اندازه حوض بزرگ ده درده است، و عمق آن باید به حدی باشد که وقتی از لب آن آب گرفته شود عمق آن دیده نشود و وقتی آب ازین اندازه کم باشد، آن را آب زیاده نگویند و حکم آب کم را دارد. وقتی نجاست در آب جاری بیفتد وضوء کردن از آن آب جایز است، به شرط اینکه اثر نجاست در آن دیده نشود.

**آب جاری:** آب جاری آبی را گویند که به تکرار مورد استعمال قرار نگیرد.

## مسایل

• همانطوری که به آب نجس وضوء درست نیست وقتی چنین آبی به چیز دیگری برسد آن چیز را نیز نجس می‌سازد.

• وقتی رنگ، بوی و طعم آب در نتیجه زیاد ماندن در یک جا تغییر کند آن آب حکم پاک را دارد و می‌توان توسط آن طهارت کرد.

- آبی که از یخ، برف و ژاله به دست می آید وضوء کردن بدان جایز است.
- با آبی که در نتیجه فشردن از درخت بته و یا میوه به دست آید، وضوء کردن بدان درست نیست، چون آب تربوز، نیشکر و امثال آن.
- همچنان وضوء کردن با آب هایی که طبیعت آب بودن آن توسط پختن از میان رفته باشد درست نیست چون شوربا، و شربت ها.

## فعالیت

۱. رسول الله ﷺ فرموده است: « إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلَا يَغْمِسْ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ ». ازین حدیث مبارک چه آموختید؟

## ارزیابی

۱. وضوء کردن با کدام آب ها جواز دارد؟
۲. آب هایی که با چیز دیگری آمیخته شود و طبیعت آب بودن را از میان بردارد چه حکم دارد؟
۳. با آب سیل و صابون وضوء کردن چه حکم دارد؟
۴. هرگاه در آب ایستاده نجاست بیفتد آیا وضوء کردن با آن درست است؟
۵. آب های جاری که نجاست در آن بیافتد چه حکم دارد؟
۶. آب جاری کدام آب است؟
۷. حوض کلان کدام حوض را گویند وقتی نجاست در آن بیفتد حکم آن چیست؟

## کارخانه گی

در مورد فایده پاکی و نظافت و اثر آن در جامعه یک مقاله بنویسید.

## مردن چیزی در آب

در بحث گذشته درباره آب‌هایی بحث نمودیم که طهارت با آن درست و جایز می‌گردد، و درین درس می‌خواهیم پیرامون آب‌هایی که دران چیزی مرده باشد و یا استعمال شده باشد، همچنان پوست‌هایی که دباغت شده باشد احکام آن را بیان کنیم و بشناسیم.

(۱) وَمَوْتُ مَا لَيْسَ لَهُ نَفْسٌ سَائِلَةٌ إِذَا مَاتَ فِي الْمَاءِ لَا يُنَجِّسُهُ: كَالْبَقِ، وَالدُّبَابِ، وَالزَّنَائِيرِ، وَالْعَقَّارِبِ، وَمَوْتُ مَا يَعِيشُ فِي الْمَاءِ لَا يُفْسِدُ الْمَاءَ كَالسَّمَكِ، وَالضُّفْدَعِ، وَالسَّرَّطَانِ.

(۲) وَالْمَاءُ الْمُسْتَعْمَلُ لَا يَجُوزُ اسْتِعْمَالُهُ فِي طَهَارَةِ الْأَحْدَاثِ. وَالْمَاءُ الْمُسْتَعْمَلُ: كُلُّ مَاءٍ أُزِيلَ بِهِ حَدَثٌ أَوْ أُسْتَعْمِلَ فِي الْبَدَنِ عَلَى وَجْهِ الْقُرْبَةِ.

(۳) وَكُلُّ إِهَابٍ دُبِغَ فَقَدْ طَهَّرَ جَازَتْ الصَّلَاةُ فِيهِ، وَالْوُضُوءُ مِنْهُ، إِلَّا جِلْدَ الْخِنْزِيرِ وَالْأَدَمِيِّ. وَشَعْرُ الْمَيْتَةِ وَعَظْمُهَا وَحَافِرُهَا وَعَصْبُهَا وَقَرْنُهَا طَاهِرٌ<sup>۱</sup>.

### ترجمه

(۱) مردن چیزی در آب که خون جاری نداشته باشد آب را نجس نمی‌سازد، چون پشه، مگس، زنبورها و گزدها و مردن حیوانی که در آب زندگی می‌نماید آب را نجس نمی‌کند، چون ماهی، بقه، و خرچنگ.

(۲) آب مستعمل برای وضوء استعمال شده نمی‌تواند، آب مستعمل هر آن آبی را گویند که بواسطه آن بی وضویی از بین برده شده باشد و یا آنکه در بدن به وجه تقرب و ثواب استعمال شده باشد.

(۳) و هر آن پوستی که آش داده شده باشد، پاک و طاهر است و نماز بر آن درست است، (و هرگاه در آن پوست آب گرفته شود) وضوء از آن درست است مگر پوست خنزیر و پوست

انسان (اگر آتش داده هم شود) استعمال آن جواز ندارد.  
و موی حیوان مرده و استخوان و سم‌ها و رگ‌ها و شاخ‌های آن طاهر و پاک است.

## شرح

- حکم آبی که حیوان مرده در آن افتاده و خون نداشته باشد
- وقتی در آب حیوانی بمیرد که خون جاری نداشته باشد مثل پشه، مگس، گژدم، و امثال آن، آب را نجس نمی‌سازد.
  - اگر در آب چیزی بمیرد که در آب زنده گی داشته باشد مثل ماهی، بقه، خرچنگ و امثال آن، آب نجس نمی‌شود.

## طهارت کردن با آب مستعمل

وضوء کردن با آب مستعمل جواز ندارد، اما با آب مستعمل می‌توان نجاست را پاک کرد؛ چون آب مستعمل پاک است و پاک کننده نیست.

## آب مستعمل

- آب مستعمل آبی را گویند که توسط آن وضوء و یا غسل جهت ازاله بی وضویی و جنابت، شده باشد و یا هم برای تقرب و دریافت ثواب با آن آب، وضوء بالای وضوء، شده باشد.
- آب وقتی مستعمل می‌شود، که آن آب از بدن وضوء کننده و یا غسل کننده جدا شود.
- اگر کسی وضوء داشته باشد؛ ولی به خاطر سرد کردن بدن و یا هم برای تعلیم دادن، وضوء نماید، در این صورت آب مستعمل نمی‌گردد<sup>۱</sup>.
- اگر شخص بی وضوء با در نظر داشت مطلب فوق (برای سرد ساختن بدن و یا تعلیم) وضوء نماید آب مستعمل گردد، بخاطر آنکه با این کار خویش رفع بی وضویی نموده است.
- آب مستعمل پاک است مگر پاک کننده نیست، بنابراین اگر قطرات آب مستعمل در لباس و یا ظرف بیفتد و یا به چیزهای دیگری برسد آن چیزها را نا پاک نمی‌سازد، مگر حصول طهارت توسط آب مستعمل مثل غسل کردن و وضوء گرفتن حاصل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۱- الفقه المیسر: ۲۰.

۲- تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (۱/ ۱۰۳).



## پاک نمودن پوست

- هر آن پوستی که آتش داده شود (یعنی دباغت کرده شود) پاک می‌گردد، و نماز بر آن درست و جایز است، با آب آن وضوء کردن درست می‌باشد، (مثل اینکه از پوست مشک ساخته شود، و در آن آب گیرند و از آن وضوء کنند).
- وقتی پوست حیوان آتش داده شود آن پوست پاک می‌گردد.
- پوست خنزیر به دباغت و آتش دادن پاک نمی‌شود، چون خنزیر نجس العین است، الله تعالی آنرا (فإنه رجس - یقیناً و ناپاک است) خوانده است، بنابراین از اعضای خنزیر استفاده کردن حرام است<sup>۱</sup>.
- پوست هر حیوانی که به دباغت پاک می‌شود به ذبح شرعی نیز پاک می‌گردد.

## دباغت و آتش دادن

دباغت پوست آن است که رطوبت و چربی آن خشک گردد، این امر برابر است که با مواد خاص صورت گیرد و یا هم به واسطه آفتاب و یا فرش نمودن آن در هوای آزاد میسر گردد. هر جزئی از حیوان خود مرده که خون جاری نداشته باشد، بامرگ آن حیوان نجس گفته نمی‌شود، چون موی تراشیده، پشم، استخوان سوخته<sup>۲</sup>، پی، شاخ، اینها در آن صورت حکم پاک را دارند که با چربوی حیوان آمیخته نباشند، و اگر آمیخته با چربوی حیوان بود در آن صورت نجس است<sup>۳</sup>.

## فعالیت

۱. اگر با آب پاک، آب مستعمل یکجا شود وضوء با آن درست است؟
۲. اگر موی خنزیر در آب بیفتد، آب نجس می‌شود یا خیر؟

## ارزیابی

۱. اگر در آب حیوانی بیفتد که خون جاری نداشته باشد آن آب چه حکم دارد؟
۲. اگر حیوانی در آب بمیرد که زنده گی آن حیوان در آب باشد چه حکم دارد؟
۳. آیا با آب مستعمل وضوء درست است؟

۱ - العنایة شرح الهدایة - (۱ / ۱۲۵)

۲ - (آن قسمت از پای که بر زمین تماس نماید، موی و روغن نداشته باشد).

۳ - الجوهرة النيرة - (۱ / ۵۵). مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابحر - (۵ / ۲۶۶)، الفقه المیسر: ۳۴.

۴. آب مستعمل کدام است ؟
۵. پوست چگونه پاک می شود و چه حکم دارد ؟
۶. آب مستعمل پاک است پاک کننده نیست این را بیان کنید.
۷. پوست حیوان مرده چه وقت پاک شده می تواند ؟
۸. چرا پوست خنزیر به واسطه دباغت پاک شده نمی تواند ؟
۹. آیا به ذبح شرعی پوست حیوان مانند دباغت پاک می شود ؟
۱۰. دباغت را تعریف کنید.

## کارخانه گی



آب مستعمل پاک است مگر پاک کننده نیست، این مطلب را در کتابچه های خود شرح کنید.

## اگر نجاستی در چاه بیفتد

در این درس می‌خواهیم بدانیم که هرگاه در چاه نجاست بیفتد هرچند کم باشد چون قطره خون و یا شراب، کشیدن تمام آب چاه واجب و لازم گردد.

- (۱) وَإِذَا وَقَعَ فِي الْبُئْرِ نَجَاسَةٌ نُزِحَتْ، وَكَانَ نَزْحُ مَا فِيهَا مِنَ الْمَاءِ طَهَارَةً لَهَا.
- (۲) فَإِنْ مَاتَتْ فِيهَا فَأَرَةٌ، أَوْ عُصْفُورٌ، أَوْ صَعْوَةٌ، أَوْ سُودَائِيَّةٌ، أَوْ سَلَمٌ أَبْرَصٍ، نُزِحَ مِنْهَا مَا بَيْنَ عَشْرِينَ دَلْوًا إِلَى ثَلَاثِينَ، بِحَسَبِ كِبَرِ الْحَيَوَانِ وَصُغَرِهِ.
- (۳) وَإِنْ مَاتَتْ فِيهَا حَمَامَةٌ، أَوْ دَجَاجَةٌ، أَوْ سِنَّورٌ، نُزِحَ مِنْهَا مَا بَيْنَ أَرْبَعِينَ دَلْوًا إِلَى سِتِّينَ.

- (۴) فَإِنْ مَاتَ فِيهَا كَلْبٌ، أَوْ آدَمِيٌّ، أَوْ شَاةٌ، نُزِحَ جَمِيعُ مَا فِيهَا مِنَ الْمَاءِ.
- (۵) وَإِنْ انْتَفَخَ الْحَيَوَانُ فِيهَا، أَوْ تَفَسَّخَ، نُزِحَ جَمِيعُ مَا فِيهَا مِنَ الْمَاءِ صَغُرَ الْحَيَوَانُ أَوْ كَبُرَ.
- (۶) وَعَدَدُ الدَّلَاءِ يُعْتَبَرُ بِالْأَلْوَسِ الْمُسْتَعْمَلِ لِلْأَبَارِ فِي الْبُلْدَانِ، فَإِنْ نُزِحَ مِنْهَا بِدَلْوٍ عَظِيمٍ قَدَرُ مَا يَسَعُ عَشْرِينَ دَلْوًا مِنَ الدَّلْوِ الْوَسْطِ أُحْتَسِبَ بِهِ.
- (۷) وَإِنْ كَانَتْ الْبُئْرُ مَعِينًا لَا تُنَزَّحُ مَا فِيهَا مِنَ الْمَاءِ، أَخْرَجُوا مِقْدَارَ مَا كَانَ فِيهَا مِنَ الْمَاءِ.
- (۸) وَقَدْ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ قَالَ: يُنَزَّحُ مِنْهَا مِائَتَا دَلْوٍ إِلَى ثَلَاثِمِائَةٍ دَلْوٍ.

- (۹) وَإِذَا وُجِدَ فِي الْبُئْرِ فَأَرَةٌ، أَوْ غَيْرُهَا وَلَا يَدْرُونَ مَتَى وَقَعَتْ وَلَمْ تَتَفَسَّخْ وَلَمْ تَتَفَسَّخْ، أَعَادُوا صَلَاةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِذَا كَانُوا تَوَضَّعُوا مِنْهَا، وَغَسَلُوا كُلَّ شَيْءٍ أَصَابَهُ مَآؤُهَا.
- (۱۰) وَإِنْ كَانَتْ أَنْتَفَخَتْ أَوْ تَفَسَّخَتْ أَعَادُوا صَلَاةَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا فِي قَوْلِ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ لَيْسَ عَلَيْهِمْ إِعَادَةُ شَيْءٍ حَتَّى يَتَحَقَّقُوا مَتَى وَقَعَتْ؟

## ترجمه

- (۱) وقتی در چاه نجاست بیفتد، باید کشیده شود و کشیدن تمام آب چاه، پاکی آن است.
- (۲) اگر در آن موش و یا گنجشک، یا ممولاً<sup>۱</sup>، یا زاغچک<sup>۲</sup>، یا چلیپاسه بمیرد از بیست تاسی دلو باید آب چاه بیرون کشیده شود<sup>۳</sup>، البته با در نظر داشت خوردی و بزرگی آن حیوان.
- (۳) اگر در چاه کبوتر و یا مرغ و یا پشک بمیرد از چهل تاشصت دلو از آن کشیده شود.
- (۴) اگر در چاه سگ، گوسفند و یا انسان بمیرد، همه آب آن چاه باید کشیده شود.
- (۵) اگر حیوان در آن آماس نماید واز هم پاشد (همراه با حیوان) باید تمام آب آن کشیده شود، برابر است که حیوان خورد باشد و یا بزرگ.
- (۶) در شمار دلوها دلو متوسط که در شهرها در چاهها استعمال می شود اعتبار دارد، اگر دلو به اندازه بزرگ باشد که توسط آن آب را از چاه بیرون کشند، طوری که یکبار کشیدن توسط این دلو برابر بایست دلو دیگر باشد، به اندازه دلو اعتبار داده می شود<sup>۴</sup>.
- (۷) اگر چاه چشمه دار بود، طوری که آب بایرون کشیدن از آن کم نمی شد<sup>۵</sup>، در آن صورت به اندازه آب موجود در چاه، آب چاه کشیده شود.
- (۸) از محمد بن حسن شیبانی -رحمة الله علیه- روایت است: «از چنین چاههای چشمه دار، از دوصد دلو گرفته تا سه صد دلو باید کشیده شود.»
- (۹) اگر در چاه موش و یا حیوان مرده دیگری پیدا شود و مردم افتادن آن را ندانستند و پی نبردند که چه وقت در آن افتیده است، اگر حیوان نه آماسیده و نه هم از هم پاشیده بود، نمازهای یک شبانه روز خود را که به آن وضوء کرده باشند، باید اعاده نمایند. و اگر چیزی را به آن آب شسته باشند باید آن را دوباره بشویند.
- (۱۰) اگر حیوان آماسیده و یا از هم پاشیده بود، طبق نظر امام ابوحنیفه -رحمه الله- باید سه شب و سه روز نماز خود را که به آن آب وضوء کرده اند اعاده نمایند، امام محمد و امام ابو یوسف -رحمهما الله- گفته اند: «اعاده هیچ چیز بر آنها لازم نیاید تا وقتی که معلوم شود که چه وقت در آن افتاده است».

---

۱ - ممولاً را در عربی صعوه گویند، عبارت از پرندۀ کوچکی ایست که سر آن سرخ است، جمع آن صعاء اند، کتاب العین ۱۹۹/۲. المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر (۲۱۸/۵)

۲ - زاغچک پرندۀ ایست که در عربی آن را سودانیۀ گویند و در فارسی زاغچک، پرندۀ ایست که به اندازه یک کف دست است و خوراک آن انگور و خرما است. اساس البلاغہ

۳ - بیست دلو واجب و سی دلو مستحب است.

۴ - یعنی اگر کشیدن بیست دلو از چاهی لازم و واجب شده باشد، کشیدن یک دلو آب توسط این دلو کافی است.

۵ - و حال هم آن باشد که کشیدن آب از آن واجب شده باشد.

### شرح: اگر در چاه حیوان نجس بیفتد:

• هرگاه در چاه خنزیر که نجس العین است بیفتد کشیدن تمام آب آن چاه واجب است، (برابر است که خنزیر در آن مرده باشد و یا زنده بیرون کرده شود، دهن آن به آب رسیده باشد و یا نرسیده باشد).

• اگر در چاه حیوانی بیفتد که نجس العین نباشد، و پس خورده آن نجس باشد چون سگ و یا حیوانات درنده، کشیدن تمام آب چاه واجب است.

### اگر در چاه انسان بیفتد:

• اگر انسانی در چاه بیفتد وزنده از آن بیرون شود و در بدن وی نجاستی هم نبوده باشد، با افتادن وی در چاه آب نجس نمی شود.

**اگر در چاه حیوان بزرگی بیفتد:** اگر در چاه حیوان بزرگی چون سگ، گوسفند و یا انسان بمیرد و قبل از آنکه آن حرام نماید کشیده شود، کشیدن همه آب چاه واجب گردد.

### اندازه کشیدن آب از چاه:

• اگر در چاه موش و یا گنجشک، ممولو و زاغچک و یا حیوان مانند آنها بمیرد کشیدن بیست دلو آب از چاه کفایت نماید، اما کشیدن سی دلو مستحب است، مگر این کشیدن آب باید بعد از بیرون کشیدن حیوان مرده صورت گیرد.

• اگر در چاه کبوتر، مرغ، پشک، و یا مثل اینها افتاده و بمیرند، بیرون کشیده شوند و کشیدن چهل دلو از آن کفایت نماید، اما کشیدن شصت دلو مستحب است.

• اگر حیوانی در چاه بیفتد و در آن از هم بپاشد همه آب چاه باید کشیده شود، برابر است که حیوان مذکور خورد باشد و یا بزرگ.

• اگر چاه دارای چشمه ای باشد که آب آن به کشیدن تمام نشود، باید به اندازه آب موجود در چاه آن کشیده شود. و درین صورت به قول دو شخص عادل که در امور آب و چاهها مهارت داشته باشند اعتماد شود، بطوری که این دو شخص بگویند که آب بیرون شده از چاه برابر با آب موجود در چاه است.

از امام محمد بن حسن رحمه الله علیه روایت است که وی گفته است: «از دو صد دلو تا سه صد دلو آب از آن بیرون کشیده شود.»<sup>۱</sup>

۱- در نزد امام ابویوسف چاهی که چشمه دار بوده باشد برای معلوم کردن اندازه آب آن دو راه وجود دارد:

۱- یکی آنکه به اندازه آب چاه، چاهی دیگری حفر نمایند و آب آن را در آن بیندازند تا آنکه پر شود. وقتی آب این چاه را در آن اندازند و آن چاه به اندازه چاه اولی پر شود، آب چاه پاک شود.

۲- با چوبی یا ریسمانی اندازه آب را معلوم نمایند و بعد به گونه نمونه بیست دلو از آن بیرون کشند باز توسط چوب اندازه آب کم شده را معلوم نمایند از روی همین حساب آب دیگری چاه را بکشند. هدایه. الفقه المسیر

اگر در چاه حیوان مرده یافت شود آماسیده و یا از هم پاشیده نباشد، و مردم ندانند که این حیوان چه وقت در چاه افتاده است بایست که نماز یک شبانه روزی خود را که با این آب وضوء کرده اند اعاده نمایند. و اگر حیوان آماسیده و یا از هم پاشیده باشد باید نماز سه شبانه روز خود را که بدان آب وضوء نموده اند اعاده کنند.

• همچنان بدن و لباس را که بدان آب شسته اند دوباره بشویند.

### مسایل

• اگر سرگین و یا پیشقل در چاه بیفتد، چاه نجس نمی شود مگر اینکه بسیار زیاد باشد، طوری که در هر دلو که از چاه بیرون شود، قسمتی از آن نیز در دلو باشد، در آن صورت آب چاه نجس می شود.

• اگر در چاه نجاست کبوتر و یا گنجشک بیفتد چاه نجس نمی شود<sup>۱</sup>.

## فعالیت

به کمک معلم خود در مورد اضرائی که از اثر استعمال آب نجس به صحت وارد می گردد بحث و مناقشه نمایید. و خلاصه آن را بر تخته بنویسید.

## ارزیابی

۱. اگر نجاست در چاه بیفتد چه حکم دارد، در میان کم و زیاد آن چه فرق است؟
۲. اگر خنزیر در چاه بمیرد چه مقدار آب از چاه بیرون کرده شود، در میان زنده بودن خنزیر در چاه و مردن آن در چاه چه فرق است؟
۳. مواردی را بیان کنید که در آن همه آب چاه کشیده می شود.
۴. در کدام صورت ها سی و یا شصت دلو از آب چاه کشیده می شود؟
۵. اگر در چاه حیوان بمیرد و از هم پاشد چه حکم دارد؟
۶. اگر چاه دارای چشمه باشد چه مقدار از آن باید کشیده شود؟

## کارخانه گی

حکم نماز خوانده شده را با وضوء آب چاهی که در آن حیوان افتیده باشد و ندانند که چه وقت حیوان در چاه افتاده است، در کتابچه های تان بنویسید؟



## احکام پس خورده‌ها

در برخی حالات انسان غیر از آب پس خورده، آب دیگری پیدا کرده نمی تواند که بدان وضوء کند، میخواهیم بدانیم که با همچو آب، وضوء درست است و یا نیست؟

(۱) وَسُورُ الْأَدْمِيِّ، وَمَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ طَاهِرٌ.

(۲) وَسُورُ الْكَلْبِ، وَالْخَنَزِيرِ، وَسِبَاعِ الْبَهَائِمِ، نَجَسٌ.

(۳) وَسُورُ الْهَرَّةِ، وَالْذَّجَاجَةِ الْمُخَلَّاةِ، وَسِبَاعِ الطَّيْرِ، وَمَا يَسْكُنُ فِي الْبُيُوتِ مِثْلَ الْحَيَّةِ وَالْفَأْرَةِ مَكْرُوهٌ.

(۴) وَسُورُ الْحِمَارِ، وَالْبُغْلِ، مَشْكُوكٌ فِيهِمَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ تَوَضَّأَ بِهِ وَتَيَمَّمَ وَأَيُّهُمَا قَدَّمَ جَازَ.

### ترجمه

(۱) پس خوردهٔ انسان و حیواناتی که گوشت آن‌ها خورده می‌شود، پاک است.

(۲) پس خوردهٔ سگ، خنزیر و حیوانات درنده نجس است.

(۳) پس خوردهٔ پشک، مرغ‌های کوچ‌گرد، پرندهای شکاری و چیزهایی که در خانه زنده گي دارند چون موش و مار، مکروه است.

(۴) پس خوردهٔ خر و قاطر مشکوک است، اگر کسی بدون پس خوردهٔ این دو، دیگر آبی نیافت که بدان وضوء کند با پس خورده این دو (حیوان) می‌تواند وضوء کند، و همراه با آن تیمم نیز نماید، و هر کدام را که مقدم سازد جواز دارد.

## شرح

### معنای پس خورده

بعد از نوشیدن و خوردن انسان و حیوان اگر آب و یا چیز دیگری در ظرف بماند آن را پس خورده نامند.

### حکم پس خورده

حکم پس خورده به اعتبار حیوان که از آن نوشیده است فرق دارد، که طور ذیل بیان می گردد:

۱- انسان اگر مسلمان باشد و یا کافر، پاک باشد و یا جنب، وقتی در دهنش اثر نجاست نباشد پس خورده آن به اتفاق همه پاک و پاک کننده است.

۲- حیواناتی که گوشت آنها خورده می شود، چون: شتر، گاو، گوسفند، پس خورده آنها بدون کراهیت پاک بوده و توسط آن پاکی حاصل می شود، همچنان پس خورده اسب حلال است، وبدون کدام کراهیتی پاکی بدان حاصل می گردد.

۳- پس خورده خوک و سگ به اتفاق همه فقهاء نجس است، به آن پاکی حاصل نمی شود، همچنان پس خورده حیوانات شکاری چون شیر، پلنگ، گرگ، روباه و غیره نجس است و پاکی توسط آب پس خورده آنها حاصل نمی شود.

۴- پس خورده پشک پاک است، اگر آب دیگری غیر از آن موجود باشد، وضوء کردن به آن مکروه تنزیهی است، این در صورتی است که دهن پشک آلوده به نجاست نباشد.

۵- همچنان مرغ های خانگی که آزاد گشت و گذار دارند، پرنده های شکاری چون باز، و حیواناتیکه در خانه ها زندگی کنند چون موش و مار، پس خورده آنها پاک و وضوء کردن به آن مکروه است.

۶- پس خورده خر و قاطر مشکوک است اگر آبی غیر از پس خورده آنها به دست نیاید، به پس خورده آنها وضوء کند و تیمم نیز نماید<sup>۱</sup>.

۱ - مشکوک به خاطر آن است که در مورد حلال بودن و حرام بودن گوشت این حیوانات احادیث متعارض وارد است، که برخی احادیث به حلال بودن و برخی هم به حرام بودن آن دلالت دارد.

## مسائل

- پس خوردهٔ انسان در آن صورت پاک است که شراب ننوشیده باشد، و از دندان‌هایش خون جاری نشده باشد، و یا اینکه به پری دهن قی نکرده باشد، و اگر چنین کارها صورت گرفته باشد آن آب نجس است، تا آنکه دهن خود را سه بار نشوید.
- پس خوردهٔ پشک در صورتی نجس است که پس از خوردن موش و یا نجاست مستقیماً در ظرف آب دهن خود را داخل نموده باشد، اگر بعد از مدتی دهن خود را توسط زبان بلیسد و نجاست دهنش از بین برود، درین صورت پس خوردهٔ وی با کراهیت پاک گردد!
- هر حیوانی که پس خوردهٔ وی پاک باشد، عرق آن نیز پاک است.
- هر حیوانی که پس خوردهٔ آن نجس باشد، عرق آن نیز نجس است.
- عرق خر پاک و پس خوردهٔ آن مشکوک است.

## فعالیت

شاگردان را به سه گروه تقسیم نموده و هر کدام به نوبهٔ خود پس خوردهٔ پاک، ناپاک و مشکوک را بیان نمایند و خلاصهٔ آن را بنویسند.

## ارزیابی

۱. پس خورده چه را گویند؟
۲. پس خوردهٔ انسان چه حکم دارد؟
۳. پس خوردهٔ حیوانی که گوشت آن خورده شود چه حکم دارد؟
۴. پس خوردهٔ خوک و سگ چه حکم دارد؟
۵. پس خوردهٔ حیوانات درنده چه حکم دارد؟

۶. پس خوردهٔ پشک چه حکم دارد؟  
۷. پس خوردهٔ مرغ‌های کوچ‌گرد، و پرند‌های شکاری مثل باز چه حکم دارد؟  
۸. اگر عرق حیوان به انسان برسد چه حکم دارد؟

## کارخانه گی



پشک هم از جملهٔ حیوانات درنده است، پس چرا پس خوردهٔ آن مکروه است، نجس نیست؟ جواب این مطلب را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## بیان تیمم

بنابر بعضی معذرت‌ها انسان به آب طهارت کرده نمی تواند درچنین حالات تیمم جانشین وضوء وغسل می شود.

### بَابُ التَّيْمُمِ

(۱) وَمَنْ لَمْ يَجِدْ الْمَاءَ وَهُوَ مُسَافِرٌ أَوْ خَارِجَ الْمِصْرِ وَبَيْنَهُ وَالْمِصْرَ نَحْوُ الْمِيلِ أَوْ أَكْثَرُ، أَوْ كَانَ يَجِدُ الْمَاءَ إِلَّا أَنَّهُ مَرِيضٌ فَخَافَ إِنْ اسْتَعْمَلَ الْمَاءَ اشْتَدَّ مَرَضُهُ، أَوْ خَافَ الْجُنُبُ إِنْ اغْتَسَلَ بِالْمَاءِ أَنْ يَقْتُلَهُ الْبَرْدُ أَوْ يَمْرُضَهُ فَإِنَّهُ يَتَيَمَّمُ بِالصَّعِيدِ<sup>۱</sup>.

(۲) وَالتَّيْمُمُ ضَرْبَتَانِ: يَمْسَحُ بِإِحْدَاهُمَا وَجْهَهُ، وَبِالْأُخْرَى ذِرَاعَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ وَالتَّيْمُمُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالْحَدَثِ سَوَاءٌ.

(۳) وَيَجُوزُ التَّيْمُمُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ بِكُلِّ مَا كَانَ مِنْ جِنْسِ الْأَرْضِ: كَالْتُّرَابِ وَالرَّمْلِ وَالْحَجَرِ وَالْجَصِّ وَالنُّورَةِ وَالْكُحْلِ وَالزَّرْنِیْخِ.

(۴) وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ لَا يَجُوزُ إِلَّا بِالتُّرَابِ وَالرَّمْلِ خَاصَّةً.

(۵) وَالتَّيْمَةُ فَرَضٌ فِي التَّيْمُمِ مُسْتَحَبَّةٌ فِي الْوُضُوءِ.

(۶) وَيَنْقُضُ التَّيْمُمَ كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ الْوُضُوءَ، وَيَنْقُضُهُ أَيْضًا رُؤْيَا الْمَاءِ إِذَا قَدَرَ عَلَى اسْتِعْمَالِهِ.

(۷) وَلَا يَجُوزُ التَّيْمُمُ إِلَّا بِالصَّعِيدِ الطَّاهِرِ.

(۸) وَيُسْتَحَبُّ لِمَنْ لَمْ يَجِدْ الْمَاءَ، وَهُوَ يَرْجُو أَنْ يَجِدَهُ فِي آخِرِ الْوَقْتِ أَنْ يُؤَخِّرَ الصَّلَاةَ إِلَى آخِرِ الْوَقْتِ فَإِنْ وَجَدَ الْمَاءَ تَوَضَّأَ بِهِ وَصَلَّى، وَإِلَّا تَيَمَّمَ<sup>۲</sup>.

۱ - صعيد: روى زمين راگويد. الجوهرة النيرة - (۱ / ۸۴)

۲ - مختصر القدوري

## ترجمه

(۱) اگر شخصی آب را نیابد در حالی که وی مسافر و یا از شهر دور باشد و در میان وی و شهر به اندازه یک میل و یا زیاده تر از آن فاصله باشد، و یا اینکه آب در دسترسش قرار داشت مگر مریض بود و بیم از آن داشت که اگر آب را استعمال کند به مریضی اش خواهد افزود، و یا اینکه شخص جنب بود و از آن می ترسید که اگر با آن آب غسل کند از سردی خواهد مرد و یا مریض خواهد شد، در چنین حالات بایست که تیمم کند.

(۲) تیمم عبارت است از دو بار زدن هر دو دست به خاک پاک، طوری که به یک بار زدن روی خود را مسح می کند و به زدن بار دوم هر دو دست های خود را تا آرنج مسح نماید، تیمم برای جنابت و تیمم برای بی وضویی کدام فرقی ندارد و یکسان می باشد.

(۳) تیمم نزد امام ابوحنیفه و امام محمد رحمة الله علیهما به هر آن چیزی که از جنس زمین باشد، جواز دارد چون خاک، ریگ، سنگ، گچ، چونه سرمه و زرنیخ<sup>۱</sup>.

(۴) امام ابویوسف گفته است: تیمم جز به خاک و ریگ به چیز دیگر جواز ندارد.

(۵) نیت در تیمم فرض و در وضوء مستحب است.

(۶) چیزی که وضوء را می شکند تیمم را نیز می شکند، و نیز دیدن آب که به استعمال آن قادر شود تیمم را می شکند.

(۷) و تیمم جز به خاک پاک به دیگر چیز جواز ندارد.

(۸) و آن کس که آب پیدا نکرد مگر امید پیدا کردن را داشت برایش مستحب است که تا آخرین وقت نماز را موخر کند، اگر آب را دریافت وضوء کند و نماز بخواند و اگر نیافت تیمم نماید.

## شرح

### تعریف تیمم

تیمم در لغت: قصد کردن را گویند.

و در اصطلاح شرع: به نیت پاکی با شروط خاص با خاک پاک روی و هر دو دست را تا آرنج مسح کردن است.

۱- ماده ایست زهردار جامد به رنگ کبود و از مرکبات آن دوا ساخته می شود.

## تیمم دو رکن دارد

۱. دومرتبه زدن هردو دست به خاک پاک.
۲. روی و هردو دست را تا آرنج مکمل مسح کردن.

## تیمم چگونه انجام می‌یابد

کسی که اراده تیمم نماید، آستین‌های خود را بلند کند، بسم الله الرحمن الرحیم را بگوید و نیت جواز یافتن نماز کند و کف هر دو دست خود را بر خاک پاک بگذارد، انگشتان دست را باز نماید، و هر دو دست خود را در خاک حرکت دهد، سپس آن را بلند نموده تکان دهد، و بعد از آن روی خود را با آن مسح کند، باز بار دوم کف‌های دست خود را به خاک برده مثل بار اول، باز با چهار انگشت دست چپ خود (بجز شصت کلان) مسح چهار انگشت دست راست را از طرف بیرون آن شروع کرده تا آرنج‌ها مسح نماید و به کف آن طرف داخل دست راست را از آرنج تا کف مسح نماید، و توسط طرف داخل انگشت شصت، طرف بیرون انگشت شصت دست راست را مسح نماید. باز با دست راست دست چپ خود را به ترتیب ذکر شده مسح کند. به این ترتیب عمل تیمم تکمیل می‌گردد. شخص جنب برای رفع جنابت خویش همینگونه تیمم می‌کند.

## شکننده‌های تیمم

۱. هر چیزیکه وضو را می‌شکند تیمم را نیز می‌شکند.
۲. قدرت یافتن به استعمال آب.
۳. برطرف شدن عذری که به سبب آن تیمم برایش جواز یافته بود، چون نبودن آب، ترس از دشمن، به سبب مریضی و یا خوف مریض شدن و امثال آن.

## تاخیر در خواندن نماز

اگر کسی در وقت اول به آب دسترسی نیافت و امید آن داشت که در آخر وقت می‌تواند به آب دسترسی پیدا کند، مستحب است که تا آخرین وقت مستحب نماز انتظار بکشد. اگر به آب دسترسی پیدا کرد وضوء نموده نماز خود را بخواند و اگر آب را نیافت تیمم کرده و نماز خود را بخواند.



## فعالیت

۱. الله تعالى فرموده است: {فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا} این آیه مبارکه را شرح دهید.
۲. شاگردان در باره کیفیت تیمم با هم مناقشه کنند.

## ارزیابی



۱. تیمم را در لغت و اصطلاح شرع تعریف کنید.
۲. ارکان تیمم و شروط صحت آن کدام اند؟
۳. سنت‌های تیمم کدام اند؟ بنویسید.
۴. شکننده‌های تیمم را بیان کنید.
۵. نماز در کدام وقت تا آخر وقت به تاخیر گذاشته میشود؟

## کارخانه گی



در نیت تیمم کدام مطالب ضروری می‌باشد؟ بنویسید.

## بخش باقیمانده تیمم

در درس گذشته احکام و شکننده‌های تیمم را دانستیم در این درس مسائل باقی مانده تیمم را میخوانیم.

- (۱) وَيُصَلِّي بِتَيْمُمِهِ مَا شَاءَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالنَّوَافِلِ.
- (۲) وَيَجُوزُ التَّيْمُمُ لِلصَّحِيحِ فِي الْمَصْرِ إِذَا حَضَرَتْ جِنَازَةٌ وَالْوَلِيُّ غَيْرُهُ فَخَافَ إِنْ اشْتَغَلَ بِالطَّهَارَةِ أَنْ تَفُوتَهُ الصَّلَاةُ فَإِنَّهُ يَتَيَّمُ وَيُصَلِّي.
- (۳) وَكَذَلِكَ مَنْ حَضَرَ صَلَاةَ الْعِيدِ فَخَافَ إِنْ اشْتَغَلَ بِالطَّهَارَةِ أَنْ تَفُوتَهُ صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ فَإِنَّهُ يَتَيَّمُ وَيُصَلِّي.
- (۴) وَإِنْ خَافَ مَنْ شَهِدَ الْجُمُعَةَ إِذَا اشْتَغَلَ بِالطَّهَارَةِ أَنْ تَفُوتَهُ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ لَمْ يَتَيَّمْ وَلَكِنَّهُ يَتَوَضَّأُ فَإِنْ أَدْرَكَ الْجُمُعَةَ صَلَّاهَا وَإِلَّا صَلَّى الظُّهْرَ أَرْبَعًا.
- (۵) وَكَذَلِكَ إِذَا ضَاقَ الْوَقْتُ فَخَشِيَ إِنْ تَوَضَّأَ فَاتَ الْوَقْتُ لَمْ يَتَيَّمْ وَلَكِنَّهُ يَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي فَائْتَهُ.
- (۶) وَالْمَسَافِرُ إِذَا نَسِيَ الْمَاءَ فِي رَحْلِهِ فَتَيَّمْ وَصَلَّى ثُمَّ ذَكَرَ الْمَاءَ فِي الْوَقْتِ لَمْ يُعِدْ الصَّلَاةَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ رَحِمَهُمَا اللَّهُ وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ يُعِيدُهَا.
- (۷) وَلَيْسَ عَلَى الْمُتَيَّمِ إِذَا لَمْ يَغْلِبْ عَلَى ظَنِّهِ أَنْ يَقْرِيَهُ مَاءٌ أَنْ يَطْلُبَ الْمَاءَ فَإِنْ غَلَبَ عَلَى ظَنِّهِ أَنْ يَقْرِيَهُ مَاءٌ لَمْ يُحِزْ تَيْمُمُهُ حَتَّى يَطْلُبَهُ وَإِنْ كَانَ مَعَ رَفِيقِهِ مَاءٌ طَلَبَهُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يَتَيَّمْ فَإِنْ مَنَعَهُ مِنْهُ تَيَّمْ وَصَلَّى.

## ترجمه

- (۱) به تیمم خود نماز خواند، هر قدر که خواهد، اگر فرض باشد و یا نفل.
- (۲) تیمم کردن برای شخص صحتمند در شهر جواز دارد که جنازه حاضر گردد و ولی جنازه کسی دیگری باشد، و می‌تسید اگر به وضوء کردن مصروف گردد نماز جنازه از وی فوت می‌گردد، در چنین حالتی وی می‌تواند تیمم کند و نماز جنازه را بخواند.
- (۳) همچنان (تیمم رواست) به کسی که به نماز عید حاضر شود و می‌تسید اگر به وضوء کردن مصروف گردد نماز عید از وی فوت می‌شود، درین صورت وی می‌تواند تیمم نماید و نماز عید را بخواند.
- (۴) اما اگر برای نماز جمعه حضور یافت و وضوء نداشت و اگر خوف فوت نماز جمعه از وی متصور بود درین صورت نمی‌تواند تیمم کند، بلکه وضوء نماید، اگر نماز جمعه را دریافت آنرا بخواند و اگر دریافت چهار رکعت نماز پیشین را ادا کند.
- (۵) همچنان اگر وقت تنگ بود به طوریکه گمان نماید که اگر به وضوء مشغول شود وقت نماز سپری می‌شود در چنین حالتی نمی‌تواند تیمم کند، بلکه باید وضوء کند و نماز فوت شده خود را قضایی آورد.
- (۶) اگر مسافری آب خود را در محموله خویش فراموش نمود و تیمم کرد و نماز را اداء نمود، و بعد به یادش آمد که آب در محموله دارد و وقت نماز نه گذشته بود، نزد امام ابوحنیفه و امام محمد رحمه الله علیهما نماز را اعاده نمی‌کند، اما امام ابویوسف گفته است که نماز را اعاده کند.
- (۷) اگر کسی گمان غالبش این باشد که درین نزدیکی‌ها آب را نخواهد یافت نباید در جستجوی آب شود بلکه تیمم کند، اما اگر گمان غالبش این باشد که درین نزدیکی‌ها به آب دست خواهد یافت، باز برایش تیمم درست نیست تا آنکه آب راجستجو نه کند، اگر یاران وی آب داشتند بایست قبل از تیمم کردن از ایشان آب بخواهد، اگر برایش آب ندادند آنگاه باید تیمم کند و نمازش را ادا کند.

## شرح

### مسایل متعلق به تیمم

۱. تیمم کننده می تواند به یک تیمم نماز فرض وقت، قضایی و نمازهای نفلی را هر قدری که بخواهد، بخواند و برای هر نماز تیمم علیحده نیست.
۲. اگر کسی در شهر بسر برد و نماز جنازه حاضر شود، و ولی جنازه کسی دیگری باشد اگر بداند که به وضوء کردن مصروف گردد نماز جنازه از وی فوت می گردد. برای وی درست است که تیمم نماید و نماز جنازه را ادا کند، چون نماز جنازه قضایی ندارد، تنها ولی جنازه می تواند که نماز جنازه را از سر گیرد.
۳. همچنان اگر کسی به نماز عید حضور یابد، و بیم آن باشد که اگر به وضوء مصروف شود نماز عید از نزدش فوت می گردد، برای چنین شخصی تیمم کردن رواست، چون نماز عید قضایی ندارد.
۴. اگر کسی به نماز جمعه حضور یافت و ضرورت وضوء برایش پیش شد و فکر کرد که اگر به وضوء کردن مصروف گردد نماز جمعه از وی فوت شود، برای وی تیمم کردن درست نیست، بلکه او را بایست که وضوء کند، اگر نماز جمعه را دریافت خوب، والا چهار رکعت نماز ظهر را بخواند.
۵. همچنان اگر وقت نماز ضیق باشد و شخص بداند که اگر به وضوء کردن مصروف گردد وقت نماز از وی فوت گردد، برای چنین شخصی تیمم کردن درست نیست، اگر وقت نماز سپری گردد قضایی آورد.
۶. اگر مسافری در محموله خویش آب داشته باشد و فراموش نمود و تیمم کرد و نماز را اداء نمود، و بعد وقت نماز هم باقی بود و بیاد آورد که در محموله خویش آب دارد، به نزد امام ابوحنیفه و امام محمد رحمه الله علیهما نماز خود را اعاده نمی کند، مگر نزد امام یوسف رحمه الله باید نماز خود را اعاده نماید.
۷. اگر تیمم کننده به این گمان بود که اگر به جستجوی آب شود در نزدیکی های خویش به آن دست نخواهد یافت می تواند تیمم کند، اما اگر به این گمان بود که به آب دسترسی خواهد یافت در آن صورت برایش تیمم درست نیست تا وقتی که آب راجستجو نه کند.
۸. اگر یاران سفرش با خود آب داشته باشند باید قبل از تیمم کردن از ایشان آب بخواهد و اگر برایش ندادند بعد از آن می تواند تیمم کند و نماز بخواند.

## فعالیت

۱. شاگردان باید مسایل این درس را در میان خود به مناقشه گیرند.

## ارزیابی



۱. به یک تیمم کدام وجه اندازه نمازها را اداء می توان کرد؟
۲. شخص صحتمند و مقیم در کدام اوقات می تواند تیمم کند؟
۳. اگر شخصی از فوت نماز جمعه بیم داشته باشد آیامی تواند تیمم کند؟
۴. اگر مسافری در محموله خود آب داشته باشد و فراموش نموده به تیمم نماز خواند، وبعد به یادش آمد که آب همراه دارد آیا وضوء نموده نماز خود را اعاده کند؟
۵. اگر مسافری به این گمان بوده باشد که می توانم به آب دسترسی یابم، درین صورت حکم تیمم چیست؟
۶. اگر مسافری از همراهان خود آب بخواهد تا وضوء کند مگر ایشان از دادن آب برایش خودداری نمودند برای وی تیمم درست است یا نه؟

## کارخانه گی



در مورد حکمت جواز تیمم یک مقاله بنویسید.

## بیان مسح برموزه

شریعت اسلامی به عوض شستن پای‌ها مسح برموزه را جواز داده است، و این امر بخاطر سهولت برای بنده گان است که جواز مسح برموزه بر سنت پیامبر ﷺ ثابت است.

بَابُ الْمَسْحِ عَلَى الْخَفَّيْنِ:

(۱) الْمَسْحُ عَلَى الْخَفَّيْنِ جَائِزٌ بِالسَّنَةِ مِنْ كُلِّ حَدَثٍ مُوجِبٍ لِلْوُضُوءِ، إِذَا لَيْسَ الْخَفَّيْنِ عَلَى طَهَارَةٍ ثُمَّ أَحْدَثَ.

(۲) فَإِنْ كَانَ مُقِيمًا مَسَحَ يَوْمًا وَلَيْلَةً، وَإِنْ كَانَ مُسَافِرًا مَسَحَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا إِبْتِدَاؤُهَا عَقِيبَ الْحَدَثِ.

(۳) وَالْمَسْحُ عَلَى ظَاهِرِهِمَا خُطُوطًا بِالأَصَابِعِ، يَبْدَأُ مِنْ رُؤْسِ أَصَابِعِ الرَّجْلِ إِلَى السَّاقِ.

(۴) وَفَرَضَ ذَلِكَ مِقْدَارُ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ مِنْ اصْغَرِ أَصَابِعِ الْيَدِ.

(۵) وَلَا يَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى خُفٍّ فِيهِ خَرَقٌ كَبِيرٌ، يُبَيِّنُ مِنْهُ مِقْدَارُ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ مِنْ أَصَابِعِ الرَّجْلِ وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ جَازَ.

(۶) وَلَا يَجُوزُ الْمَسْحُ لِمَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْغُسْلُ.

(۷) وَيَنْقُضُ الْمَسْحَ مَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ، وَيَنْقُضُهُ أَيضًا نَزْعُ الْخُفِّ وَمُضِيُّ الْمُدَّةِ. فَإِذَا مَضَتْ الْمُدَّةُ نَزَعَ خُفَّهُ، وَغَسَلَ رِجْلَيْهِ وَصَلَّى. وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ بَقِيَّةِ الْوُضُوءِ.

(۸) وَمَنْ ابْتَدَأَ الْمَسْحَ وَهُوَ مُقِيمٌ، فَسَافَرَ قَبْلَ تَمَامِ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، مَسَحَ تَمَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا، وَمَنْ ابْتَدَأَ الْمَسْحَ وَهُوَ مُسَافِرٌ، ثُمَّ أَقَامَ، فَإِنْ كَانَ مَسَحَ يَوْمًا وَلَيْلَةً أَوْ أَكْثَرَ لَزِمَهُ نَزْعُ خُفَيْهِ وَغَسْلُ رِجْلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ مَسَحَ أَقَلَّ مِنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ أَمَّ مَسَحَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ.

- (۹) وَمَنْ لَيْسَ الْجُرْمُوقَ فَوْقَ الْخُفِّ مَسَحَ عَلَيْهِ.
- (۱۰) وَلَا يَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى الْجَوْرَيْنِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَا مُجْلَدَيْنِ أَوْ مُتَعَلَيْنِ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: يَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى الْجَوْرَيْنِ إِذَا كَانَا ثَخِينَيْنِ لَا يَشْفَانِ.
- (۱۱) وَلَا يَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى الْعِمَامَةِ، وَالْقَلَنْسُوَةِ، وَالْبُرْثَعِ وَالْقَفَازَيْنِ.
- (۱۲) وَيَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى الْجَبَائِرِ، وَإِنْ شَدَّهَا عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ، فَإِنْ سَقَطَتْ عَنْ غَيْرِ بُرءٍ لَمْ يَبْطُلِ الْمَسْحُ فَإِنْ سَقَطَتْ عَنْ بُرءٍ بَطَلَ الْمَسْحُ<sup>۱</sup>.

### ترجمه

- (۱) مسح بر موزه از هر بی وضویی که موجب وضوء می گردد به حکم سنت جایز (وثابت) است، و مسح بر موزه وقتی درست است که انسان با وضوء کامل موزه را پوشیده باشد و بعد بی وضوء شود.
- (۲) مدت مسح بر موزه در حق مقیم یک شبانه روز و در حق مسافر سه شبانه روز است، و شروع وقت آن از وقت بی وضوء شدن وی آغاز می یابد.
- (۳) مسح بر موزه بر بخش ظاهری موزه انجام می شود، به طوری که انگشت های دست خویش به گونه خط مستقیم از نوک پنجه های پای بطرف بالا تا بجلک مسح می گردد.
- (۴) و اندازه فرض برای مسح، سه انگشت خورد دست می باشد.
- (۵) مسح بر موزه پاره شده که اندازه آن زیاد باشد و به قدر سه انگشت پای از آن ظاهر گردد جواز ندارد، و اگر ازین اندازه کم تر باشد باز مسح بران درست است.
- (۶) همچنان مسح بر کسیکه غسل بروی واجب شده باشد درست نیست تا آنکه غسل نماید.
- (۷) شکننده های مسح بر موزه همان شکننده های وضوء است، همچنان کشیدن موزه از پای و سپری شدن وقت آن (شکننده مسح بر موزه خوانده شده است). هرگاه مدت مسح بر موزه سپری گردید (و وضوء داشت)، موزه خود را کشیده و (تنها) هر دو پای خود را بشوید و دوباره موزه خود را بپوشد و نماز بخواند. بقیه وضوء بالایش نیست.
- (۸) اگر شخص مقیم مسح بر موزه نمود و قبل از آنکه مدت مسح بر موزه اش پایان یابد به سفر آغاز کرد او می تواند تا سه شبانه روز مسح کند، و اگر کسی در حال سفر مسح را آغاز

۱- مختصر القدوری.



نمود و بعد مقیم شد اگر وی یک شبانه روز و یا بیشتر ازان را سپری کرده بود وقت مسح وی پایان یافته و کشیدن موزه بروی واجب و لازمی است، اورا بایست که موزه از پای بیرون کند و پای خود را بشوید و اگر مدت آن از یک شبانه روز کم بود مدت معین خود را تکمیل نماید.

(۹) اگر کسی بالای موزه جرموق (کلوش) بپوشد به همان مسح کند.

(۱۰) به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه مسح بر جورابی درست نیست مگر آنکه جوراب مجلد باشد (یعنی قسمت کف پا و بالای آن از چرم باشد)، و یا نعل دار باشد، (یعنی قسمت کف پای چرم دار باشد)، که در آن صورت درست است، یاران گفته اند<sup>۱</sup>: جوراب که سخت باشد و آب را جذب نکند مسح بران جواز دارد.

(۱۱) مسح بر عمامه، کلاه، چادری و دستکش ها جواز ندارد.

(۱۲) مسح بر جبیره (پلستر که بالای زخم نهاده شده) جواز دارد، هر چند که بدون وضوء بسته شده باشد، اگر جبیره پیش از جور شدن زخم بیفتد مسح بران باطل نگردد، اما اگر افتادن پلستر به دلیل جور شدن زخم بوده باشد دران صورت مسح وی باطل می گردد.

## شرح

### تعریف مسح

مسح در لغت عبور دادن دست بر یک شی، و یا عبور دادن دست تر به یک چیز است. و در اصطلاح در اوقات مخصوص رسانیدن تری بر موزه های مخصوص می باشد<sup>۲</sup>.

### شروط جواز مسح بر موزه ها

مسح کردن بر موزه وقتی جایز است که شروط ذیل دران موجود باشد :

- ۱- موزه را با وضوء پوشیده باشد.
- ۲- موزه هر دو بجلک را پوشانده باشد.
- ۳- یک موزه هم به اندازه ای پاره شده نه باشد که سه انگشتان خورد از آن ظاهر گردد.

۱ - مراد از یاران: امام ابو یوسف و امام محمد رحمه الله علیهما می باشد .

۲ - لسان العرب - ( ۲ / ۵۹۳ ) - مختار الصحاح - ( ۱ / ۷۳ ) - رد المحتار - ( ۲ / ۲۷۷ ) .

## شروط جواز مسح به جورایها:

۱. بدون بستن در پای محکم شود.
۲. مانع رسیدن آب در پای شود.
۳. رفتار در آن ممکن باشد.

## مدت مسح بر موزه

- مدت و زمان مسح بر موزه در حق مقیم: یک شبانه روز.
- مدت و زمان مسح بر موزه در حق مسافر: سه شبانه روز.
- مدت مسح بر موزه از وقتی آغاز می شود که شخص بعد از پوشیدن موزه بی وضوء شود.
- اگر مقیم بر موزه مسح کند و قبل از تکمیل شدن وقت آن، به سفر پردازد، وی باید مدت مسافرت را تمام کند.
- اگر مسافر مقیم شود، و از مدت مسح بر موزه وی یک شبانه روز سپری شده باشد، مدت مسح بر موزه وی تمام شده است.
- اگر مسافر مقیم شود، و از مدت مسح آن کمتر از یک شبانه روز سپری شده باشد، می تواند مدت یک شبانه روز را تکمیل نماید که مدت مسح بر موزه در حق مقیم است.
- وقتی مدت مسح بر موزه به پایان برسد و باقی وضوء داشت باید موزه خود را بکشد و تنها هر دو پای خود را بشوید و نماز بخواند، وضوء کردن کامل بر وی لازم نیست.

## طریقه مسح بر موزه

مسح بر قسمت بالای و ظاهری موزه انجام می شود، طوریکه با انگشتان دست از نوک انگشتان پای شروع و به طرف بجلک صورت می گیرد.

طریقه سنت در مسح بر موزه این است که تمام انگشتان دست راست خود را به آب تر نموده و از نوک انگشتان پای راست شروع و به طرف بالا کش نماید و پای چپ را به دست چپ چنین کند. در هنگام مسح کردن باید کف انگشتان دست بر سطح پای تماس حاصل کند، تنها به سرانگشتان دست مسح کردن کافی نیست.

برای ادا شدن فرض، مسح کردن اندازه سه انگشت با کش کردن سه انگشت هر دست

صورت می گیرد.

### شکننده های مسح بر موزه

۱. هر آنچه که وضوء را بشکند مسح را نیز می شکند.

۲. کشیدن موزه.

۳. کشیدن بیشترین حصه پای از موزه.

۴. خاتمه یافتن مدت مسح بر موزه.

### مسح بر جوراب و جبیره (پلستر زخم)

- به مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله مسح کردن به جوراب درست نیست، مگر آنکه معجله (قسمت پایینی و بالایی جوراب چرمی باشد) یا جوراب نعل دار باشد بطوری که تنها قسمت کف پای جوراب چرم داشته باشد. یاران گفته اند : به جوراب آن وقت مسح جواز دارد که جوراب سخت بوده و آب را جذب نکند.
- به دستار، کلاه، برقع (چادری) دستکش مسح جواز ندارد.

### مسح بر جبیره

- وقتی در بدن زخم موجود باشد که بران جبیره گذاشته شده باشد، بران جبیره مسح کردن درست است، اگر چه آن جبیره را بدون داشتن وضوء بسته نموده باشد.
- اگر جبیره بدون بهبود یافتن زخم بیفتد مسح وی باطل نمی شود.
- اگر افتادن جبیره به دلیل بهبود یافتن زخم بوده باشد پس مسح وی باطل است.

## فعالیت

۱. همراه با استاذ در عملی نمودن مسح اشتراک نموده و نکات بارز آن را تحریر کنید.

۱ - مراد از صاحبین امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله می باشند.

۱. مسح را لغتاً و شرعاً تعریف کنید.
۲. شروط جواز مسح را بیان نمایید.
۳. مدت مسح بر موزه چند روز است به تفصیل بیان کنید؟
۴. اگر مسافر مقیم شود، و یا مقیم مسافر گردد، راجع به مسح که قبلاً نموده باشد چگونه عمل صورت گیرد؟
۵. طریقه مسح کردن را بیان کنید.
۶. شکننده‌های مسح بر موزه را بیان دارید.
۷. به جوراب، کلاه و برقع مسح جواز دارد؟
۸. حکم مسح بر جبیره را بیان نمایید.



قبلاً گفته شد : مسح بر موزه به سنت ثابت است، دلیل این سخن را بنویسید.

## بیان احکام حیض

شناخت احکام حیض از جمله وجایب مهم و مسئولیت عظیم شرعی است، چون سایر احکام بدان تعلق دارد، مانند طهارت، خواندن نماز، قرائت قرآن کریم، روزه گرفتن، اعتکاف، حج، جماع، طلاق، عدت و غیره، بنابراین توجه به این بخش از احکام ضروری است!

(۱) أَقَلُّ الْحَيْضِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا، فَمَا نَقَصَ عَنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ بِحَيْضٍ وَهُوَ اسْتِحَاضَةٌ، وَأَكْثَرُهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ وَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ اسْتِحَاضَةٌ.

(۲) وَمَا تَرَاهُ الْمَرْأَةَ مِنَ الْحُمَرَةِ، وَالصُّفْرِ، وَالْكُدْرَةِ فِي مُدَّةِ الْحَيْضِ فَهُوَ حَيْضٌ، حَتَّى تَرَى الْبَيَاضَ الْخَالِصَ.

(۳) وَالْحَيْضُ يُسْقِطُ عَنِ الْحَائِضِ الصَّلَاةَ، وَيُحَرِّمُ عَلَيْهَا الصَّوْمَ، وَتَقْضِي الصَّوْمَ، وَلَا تَقْضِي الصَّلَاةَ، وَلَا تَدْخُلُ الْمَسْجِدَ، وَلَا تَطُوفُ بِالْبَيْتِ، وَلَا يَأْتِيهَا زَوْجُهَا.

(۴) وَلَا يَجُوزُ لِحَائِضٍ وَلَا جُنُبٍ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَلَا يَجُوزُ لِحَدِيثِ مَسِّ الْمُصْحَفِ إِلَّا أَنْ يَأْخُذَهُ بَغْلَانِهِ.

(۵) وَإِذَا انْقَطَعَ دَمُ الْحَيْضِ لِأَقَلِّ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ لَمْ يَجْزِ وَطُؤُهَا حَتَّى تَغْتَسِلَ، أَوْ يَمِضِيَ عَلَيْهَا وَقْتُ صَلَاةٍ فَإِنْ انْقَطَعَ دَمُهَا لِعَشْرَةِ أَيَّامٍ جَازَ وَطُؤُهَا قَبْلَ الْغُسْلِ.

(۶) وَالطُّهُرُ إِذَا تَخَلَّلَ بَيْنَ الدَّمَيْنِ فِي مُدَّةِ الْحَيْضِ، فَهُوَ كَالدَّمِ الْجَارِي.

(۷) وَأَقَلُّ الطُّهُرِ خَمْسَةُ عَشَرَ يَوْمًا، وَلَا غَايَةَ لِأَكْثَرِهِ<sup>۲</sup>.

### ترجمه

(۱) کمترین مدت زمان حیض سه شبانه روز است، هرگاه ازین مدت جریان خون کم گردد،

۱ - رد المحتار - (ج ۲ / ص ۳۶۱)

۲ - مختصر القدوری

آن خون حیض نبوده بلکه خون مریضی است، وحد اکثر مدت حیض ده شبانه روز است، وهرگاه خون بیشتر ازین مدت دیده شود آن خون حیض نبوده بلکه خون مریضی است.

(۲) وقتی زن در ایام حیض خون‌های را به رنگ‌های متمایل به سرخی، زردی و خاکی ببیند، آن خون حیض است، تا آنکه سفیدی خالص را بنگرد.

(۳) حکم زن حایضه آن است که نمازها از وی ساقط می‌گردد، و روزه گرفتن برایش حرام است، وی روزه را قضایی می‌آورد ولی قضای نمازها بالای وی نیست زن حایضه داخل مسجد نمی‌شود، طواف نمی‌کند و شوهرش با او جماع نمیکند.

(۴) برای زن حایضه وجب تلاوت کردن قرآن جواز ندارد، و برای شخص بی وضوء لمس کردن مصحف جواز ندارد مگر آنکه قرآن را با پوش آن بگیرد.

(۵) اگر زن حایضه در کمتر از ده روز پاک شود همخوابی شوهر با وی درست نیست تا که غسل نکرده باشد، و یا آنکه یک وقت مکمل نماز بر وی سپری نشده باشد، اگر خون حیض بعد از گذشت ده شبانه روز مکمل قطع شد می‌تواند که بدون غسل با شوهر همخوابی کند.

(۶) هرگاه درمیان دو خون پاکی آید (آن پاکی) در زمره خون جاری حساب می‌شود.

(۷) کمترین مدت پاکی پانزده روز و برای زیاده ازان (کدام حد معلوم) نیست.

## شرح

### تعریف حیض:

حیض در لغت جریان را گویند و در اصطلاح شریعت حیض خونی را گویند که از رحم زنی بالغ وصحیح بیرون آید (یعنی خون استحاضه و خوردسالی نباشد).

### مدت حیض:

کمترین مدت حیض: سه شبانه روز است، و اگر قبل از فجر خون یافت شود وبعد از غروب روز سوم بند شود این هم حیض است، با اینکه سه روز و دو شب می‌شود.

و بیش ترین مدت آن: ده شبانه روز است.

وقتی خون در کمتر از سه شبانه روز و یا زیادتر از ده شبانه روز باشد، و یا خون از زن حامله بیرون شد، آن خون حیض نبوده بلکه خون استحاضه (خون مریضی) است<sup>۱</sup>.

۱ - الاختیار لتعلیل المختار - (ج ۱ / ص ۲) - الکتاب - فقه حنفی - (ج ۱ / ص ۳۶).

## مدت طهر (پاکی)

اقل مدت طهر: پانزده روز است.

و حد اکثر آن معلوم نیست، مگر آنکه باگذشت مدت بدان عادت پیدا کند<sup>۱</sup>.

**وقت حیض:** حیض همراه با قدم گذاشتن در سن بلوغ آغاز می‌یابد<sup>۲</sup>.

## رنگ خون حیض:

۱- سیاه گونه

۲- سرخ گونه

۳- زرد گونه

۴- کبود گونه

۵- سبز گونه

۶- و خاکی.

**احکام حیض:** احکامی که در حیض ونفاس وجود دارد هشت است:

۱- نماز نخواند، و قضایی هم ندارد.

۲- روزه نمی‌گیرد، ولی بعداً قضا آورد.

۳- داخل شدن زن حائض در مسجد حرام است.

۴- طواف نمودن برایش حرام است.

۵- خواندن قرآن کریم برایش حرام است.

۶- لمس کردن قرآن بروی حرام است، مگر آنکه آن را با پوش بگیرد.

۷- جماع کردن با زن حائض حرام است.

۸- با بند شدن خون غسل بالایش واجب است.

## مسایل متعلق این باب

۱. وقتی خون حیض در مدت کمتر از ده روز قطع شود، جماع نمودن با وی تا آن وقت جواز

ندارد تا آنکه غسل نکرده باشد، و یا اینکه آنقدر وقت بالایش بگذرد که در آن نماز را اداء

کرده بتواند<sup>۳</sup>.

۱ - البحر الرائق شرح كنز الدقائق - (ج ۲ / ص ۳۱۰)

۲ - رد المحتار - (ج ۲ / ص ۳۶۴)

۳ - اما اگر قبل از وقت معتاد پاک شود، اگر غسل هم ننماید، جماع کردن با وی جواز ندارد، زیرا در روزهای عادت غالباً خون دوباره می‌آید، بناء احتیاط در این است که از جماع پرهیز شود. هدایه.

۲. اگر باگذشت ده روز خون وی قطع شد، جماع کردن با وی قبل از غسل جواز دارد.
۳. وقتی در مدت حیض میان دو خون پاکی آید (آن پاکی) در مدت جریان خون حیض محسوب گردد.

## فعالیت

۱. شاگردان در میان خود روی اهمیت احکام حیض صحبت کنند.
۲. احکام مشترک حیض و نفاس را در میان خود مورد بحث قرار دهند.

## ارزیابی

۱. حیض را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. مدت حیض را بیان کنید.
۳. احکام را که میان حیض و نفاس مشترک است بیان کنید.
۴. مسایل متعلق به حیض را که درین درس آمده است بیان دارید.

## کارخانه گی

در مورد حکم (الطهر المتخلل بین الدمین) معلومات دهید.



## بيان احكام استحاضه و نفاس

علاوه از خون حیض خون استحاضه و نفاس نیز از زن خارج می شود که احکام با آن تغییر پیدا می کند، باید آن تغییر را بشناسیم.

- (۱) وَدَمُ الْإِسْتِحَاضَةِ هُوَ مَا تَرَاهُ الْمَرْأَةُ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ: فَحُكْمُهُ حُكْمُ دَمِ الرُّعَافِ الدَّائِمِ: لَا يَمْنَعُ الصَّوْمَ، وَلَا الصَّلَاةَ وَلَا الْوُطْءَ.
- (۲) وَإِذَا زَادَ الدَّمُ عَلَى عَشْرَةِ أَيَّامٍ، وَلِلْمَرْأَةِ عَادَةٌ مَعْرُوفَةٌ، رُدَّتْ إِلَى أَيَّامِ عَادَتِهَا، وَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ اسْتِحَاضَةٌ، وَإِنْ ابْتَدَأَتْ مَعَ الْبُلُوغِ مُسْتَحَاضَةً، فَحَيْضُهَا عَشْرَةُ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَالْبَاقِي اسْتِحَاضَةٌ.
- (۳) وَالْمُسْتَحَاضَةُ، وَمَنْ بِهِ سَلَسُ الْبَوْلِ، وَالرُّعَافُ الدَّائِمُ، وَالْجَرْحُ الَّذِي لَا يَرِقُّ، يَتَوَضَّؤْنَ لَوَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ، فَيُصَلُّونَ بِذَلِكَ الْوُضُوءِ مَا شَاءُوا مِنَ الْفَرَائِضِ وَالنَّوَافِلِ، فَإِذَا خَرَجَ الْوَقْتُ بَطَلَ وُضُوءُهُمْ، وَكَانَ عَلَيْهِمْ اسْتِنَافُ الْوُضُوءِ لِصَلَاةٍ أُخْرَى.
- (۴) وَالنِّفَاسُ: هُوَ الدَّمُ الْخَارِجُ عَقِيبَ الْوِلَادَةِ، وَالدَّمُ الَّذِي تَرَاهُ الْحَامِلُ، وَمَا تَرَاهُ الْمَرْأَةُ فِي حَالِ وَلَادَتِهَا قَبْلَ خُرُوجِ الْوَلَدِ اسْتِحَاضَةٌ، وَأَقَلُّ النِّفَاسِ لَا حَدَّ لَهُ، وَأَكْثَرُهُ أَرْبَعُونَ يَوْمًا، وَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ اسْتِحَاضَةٌ.
- (۵) وَإِذَا جَاوَزَ الدَّمُ الْأَرْبَعِينَ، وَقَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ وَلَدَتْ قَبْلَ ذَلِكَ، وَلَهَا عَادَةٌ مَعْرُوفَةٌ فِي النِّفَاسِ رُدَّتْ إِلَى أَيَّامِ عَادَتِهَا وَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهَا عَادَةٌ فَابْتِدَاءُ نِفَاسِهَا أَرْبَعُونَ يَوْمًا.
- (۶) وَمَنْ وَلَدَتْ وَلَدَيْنِ فِي بَطْنٍ وَاحِدٍ فَنِفَاسُهَا مَا خَرَجَ مِنَ الدَّمِ عَقِيبَ الْوَلَدِ الْأَوَّلِ. عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَأَبِي يُوسُفَ. وَقَالَ مُحَمَّدٌ وَزَفَرٌ: نِفَاسُهَا مَا خَرَجَ مِنَ الدَّمِ عَقِيبَ الْوَلَدِ الثَّانِي.

## ترجمه

(۱) خون استحاضه (مریضی) خونی است که زن در کمتر از سه روز و یا بالاتر از ده روز آن را می‌بیند، حکم این خون چون حکم خون بیینی دوامدار است، که نماز، روزه، و جماع را منع نمی‌سازد.

(۲) اگر خون از ده روز زیاد دیده شد، وعادت زن در مورد خون (حیض) معلوم بود به عادت وی رجعت داده می‌شود، و آن مقدار خونی را که از مدت عادت افزون گردد خون استحاضه وی شمرده می‌شود، اگر دختری همراه با رسیدن به سن بلوغ مستحاضه گردد (یعنی از ده روز زیاد خون ریزی داشت) پس خون حیض وی در هر ماه ده روز بوده و افزونی آن خون استحاضه است.

(۳) زن مستحاضه و کسی که قطرات بول از او به طور دوامدار آید یا آنکه بطور دوامدار از بیینی اش خون آید و یا دارای چنان زخمی باشد که ازان خون بیرون شود و بند نشود، آنها باید برای هر نماز وضوی علیحده کنند، و آنها با این وضوی خود می‌توانند که نماز فرض همان وقت و هر اندازه نفلی که در آن وقت خواسته باشد بخوانند، زمانیکه وقت نماز ختم شود همراه با آن وضوء آنها ختم می‌شود و باید از سر وضوء گیرند.

(۴) نفاس خونی است که بعد از تولد طفل از رحم زن بیرون می‌شود، حامله و زنی که در وقت ولادت پیش از تولد خون را می‌بیند آن استحاضه است، حد اقل خون نفاس معین نیست و بالاترین مدت نفاس چهل روز است.

(۵) وقتی خون ریزی مادر از چهل روز زیاد شود، اگر چنان باشد که این زن قبلاً نیز اولاد به دنیا آورده باشد و در ایام نفاس عادت معینی داشت، نفاس وی به عادتش رجعت داده شود، و اگر عادت معینی نداشت پس مدت نفاس وی چهل روز است.

(۶) وقتی از بطن مادری دو طفل به دنیا آید نزد امام ابوحنیفه و امام ابویوسف رحمهما الله مدت خون نفاس وی از تولد همان طفل اولی شروع می‌شود، مگر امام محمد و امام زفر رحمهما الله گفته اند مدت خون نفاس وی بعد از طفل دومی شروع می‌شود.

## شرح

### خون استحاضه

استحاضه عبارت از خونی است که از زن در غیر از دوران عادت (حیض و نفاس) (به سبب مریضی) بیرون شود. این خون بوی ندارد، درحالیکه خون حیض بدبویی دارد، و این خون

غالباً به پی هم آید<sup>۱</sup>.

**مستحاضه:** زنی را گویند که بدون از وقت حیض و نفاس به سبب کدام عذری خون از فرج وی جاری شود<sup>۲</sup>.

**حکم زن مستحاضه:** حکم زن مستحاضه مثل زن پاک است، فقط با این فرق که وی برای هر وقت نماز وضوء می کند، خون استحاضه چون خون بیینی دوامدار است، که نماز، روزه، و جماع را منع نمی کند.

### احکام استحاضه:

۱. اگر زن در غیر حالت ولادت از سه روز کم و از ده روز بیشتر خون ریزی داشته باشد، این خون وی از استحاضه شمرده می شود.

۲. در صورت حیض اگر زن بیش از ده روز خون ببیند و عادت خون ریزی برایش معلوم بود، روزهای عادت وی مدار اعتبار است و بیشتر از آن استحاضه محسوب می گردد.

۳. اگر دختری همزمان بابلوغش استحاضه شود، (یعنی بیش از ده روز خون ببیند،) پس حیض وی همان ده روز است، و بقیه خون استحاضه است.

### ۴. اشخاص ذیل برای هر نماز باید وضوء کنند:

الف- ( زن ) مستحاضه.

ب- کسی که قطرات بول جاری دوامدار داشته باشد.

ج- کسی که خون بیینی دوامدار داشته باشد.

د- زخمی که خون آن قطع نگردد جاری باشد.

اینها برای هر وقت نماز وضوء کنند و با این وضوء می توانند نماز فرض همان وقت را با هر قدر نفل همان وقت بخوانند. چون وقت وی ختم شود وضوء آن نیز ختم می گردد. و باید با دخول وقت نماز بعدی بار دیگر وضوء کند.

**تعریف نفاس:** نفاس در لغت خون را گویند و در اصطلاح عبارت از خون است که بعد از تولد اولاد از رحم زن بیرون شود<sup>۳</sup>.

**مدت نفاس:** حد اقل مدت نفاس معین نیست و حد اکثر مدت آن چهل روز است.

خونی که بیش از چهل روز از رحم زن بیرون شود آن خون استحاضه است.

### مسایل مربوط

۱ - القاموس الفقهي - ( ۱ / ۱۰۸ ). الاختیار لتعلیل المختار - ( ۱ / ۳۰ )، البحر الرائق شرح كنز الدقائق - ( ج ۲ / ص ۲۴۰ )

۲ - العناية شرح الهداية - ( ج ۱ / ص ۳۰۰ ) - البحر الرائق شرح كنز الدقائق - ( ج ۲ / ص ۳۴۱ ).

۳ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق - ( ج ۱ / ص ۳۱۷ ).

- اگر خون بیش از چهل روز جاری باشد، وزن قبلاً طفلی به دنیا آورده باشد، در مدت نفاس ایام معین داشته باشد، مدت نفاس وی به عادت وی رجعت داده می‌شود؛ یعنی مدت عادت وی مدت نفاس اوست.
- اگر عادت معلومی نداشت پس مدت نفاس وی چهل روز است.

## فعالیت

شاگردان به اشتراک استاد در میان خود مسایل ضروری حیض، نفاس و استحاضه را مناقشه نمایند و خلاصه آنرا در کتابچه‌های خود بنویسد.

## ارزیابی

۱. استحاضه کدام خون را گویند؟
۲. زن مستحاضه را معرفی و حکم آن چیست؟
۳. احکام ضروری مستحاضه را بیان نمایید.
۴. چه کسانی برای هر نماز وضوء تازه گیرند؟
۵. نفاس را تعریف نمایید.
۶. مدت نفاس چند روز است؟
۷. زنی که به یکباره گگی دو طفل به دنیا آرد مدت نفاس آن زن از کدام طفل شروع می‌شود؟
۸. اگر زنی در نفاس عادت معینی داشت، نفاس وی چند روز است؟

## کارخانه گی

دراهمیت احکام حیض، نفاس و استحاضه یک مقاله را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

## بیان احکام نجاست‌ها

حضرت محمد ﷺ فرموده است: «الله تعالی نماز بدون طهارت را نمی پذیرد<sup>۱</sup>»، پس لازم است بدانیم که نجاست چگونه پاک می شود.

### بَابُ الْأَنْجَاسِ

- (۱) تَطْهِيرُ النَّجَاسَةِ وَاجِبٌ مِنْ بَدَنِ الْمُصَلِّي، وَثَوْبِهِ وَالْمَكَانِ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْهِ.
- (۲) وَيَجُوزُ تَطْهِيرُ النَّجَاسَةِ بِالْمَاءِ، وَبِكُلِّ مَائِعٍ طَاهِرٍ يُمْكِنُ إِزَالَتُهَا بِهِ كَالْخَلِّ وَمَاءِ الْوَرْدِ.
- (۳) وَإِذَا أَصَابَ الْخُفَّ نَجَاسَةٌ لَهَا جِرْمٌ فَجَفَّتْ، فَدَلَكَهُ بِالْأَرْضِ جَازَ.
- (۴) وَالْمِئِي نَحْسٌ يَجِبُ غَسْلُ رَطْبِهِ، فَإِذَا جَفَّ عَلَى الثَّوْبِ أَجْزَأُ فِيهِ الْفَرْكُ.
- (۵) وَالنَّجَاسَةُ إِذَا أَصَابَتْ الْمِرَّةَ أَوْ السَّيْفَ أَكْتَفِيَ بِمَسْحِهِمَا.
- (۶) وَإِذَا أَصَابَتْ الْأَرْضَ نَجَاسَةٌ فَجَفَّتْ بِالشَّمْسِ وَذَهَبَ أَثَرُهَا جَازَتْ الصَّلَاةُ بِمَكَانِهَا، وَلَا يَجُوزُ التَّيْمُمُ مِنْهَا.
- (۷) وَمَنْ أَصَابَهُ مِنَ النَّجَاسَةِ الْمُغْلَظَةِ كَالْدَمِ، وَالْبَوْلِ وَالْغَائِطِ، وَالْخَمْرِ مِقْدَارُ الدَّرْهِمِ فَمَا دُونَهُ جَازَتْ الصَّلَاةُ مَعَهُ وَإِنْ أَصَابَهُ نَجَاسَةٌ مُخَفَّفَةٌ كَبَوْلٍ مَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ جَازَتْ الصَّلَاةُ مَعَهُ، مَا لَمْ يَبْلُغْ رُبْعَ الثَّوْبِ.
- (۸) وَتَطْهِيرُ النَّجَاسَةِ الَّتِي يَجِبُ غَسْلُهَا عَلَى وَجْهَيْنِ: فَمَا كَانَ لَهُ مِنْهَا عَيْنٌ مَرِيئَةً فَطَهَارَتُهَا زَوَالُ عَيْنِهَا، إِلَّا أَنْ يَبْقَى مِنْ أَثَرِهَا مَا يَشُقُّ إِزَالَتَهُ، وَمَا لَيْسَ لَهَا عَيْنٌ مَرِيئَةً فَطَهَارَتُهَا أَنْ يُغْسَلَ حَتَّى يَغْلِبَ عَلَى ظَنِّ الْغَاسِلِ أَنَّهُ قَدْ طَهَرَ.

ترجمه

### بیان احکام نجاست‌ها

(۱) پاک نمودن و دور ساختن نجاست از بدن، لباس و محلی که در آن نماز ادا می گردد،

۱- این حدیث را امام ترمذی و امام نسائی روایت نموده اند.

بر نماز گزار، واجب است.

(۲) پاک نمودن نجاست توسط آب و هر مایع پاکی که ازاله نجاست با آن ممکن باشد جایز است از قبیل سرکه، آب گلاب (عرق گلاب).

(۳) اگر به موزه نجاست جسم دار برسد و خشک شود با مالیدن موزه بر زمین، نماز با آن جایز می‌گردد.

(۴) منی نجس بوده و شستن مرطوب آن واجب است، و اگر در روی لباس خشک گردد، مالیدن و تکان دادن برایش کافی است.

(۵) اگر به آئینه یا شمشیر نجاست برسد آلوده شود، پس مسح (مالیدن) آنها را پاک می‌سازد.

(۶) زمینی که بر آن نجاست رسیده و به سبب تابش آفتاب بر آن خشک گردیده اثر آن باقی نمانده باشد نماز بر آن جایز است، لیکن تیمم با آن جواز ندارد.

(۷) اگر به کسی نجاست غلیظه مانند: خون، پیشاب، مواد غایطه و شراب به اندازه یی یک درهم یا کمتر از آن برسد نماز با آن جواز دارد، و اگر از اندازه یک درهم بیشتر باشد در آن صورت نماز با آن جایز نیست، و اگر به او نجاست خفیفه مانند پیشاب حیواناتی که گوشت آنها حلال است برسد، نماز با آن جایز است مشروط بر اینکه کمتر از چهارم حصه لباس باشد، آستین یک لباس شمرده می‌شود.

(۸) نجاستی که پاک شدن آن فقط توسط آب حاصل می‌شود، به دو نوع است: نجاستی که به چشم دیده می‌شود، و پاک شدن آن با دور ساختن وجود ظاهری آن حاصل می‌شود، لیکن اگر اثر آن باقی ماند و دور ساختنش مشکل بود<sup>۲</sup>، در آن صورت، دور ساختن آن ضروری نمی‌باشد، و طریقه یی دور ساختن نجاست غیر قابل دید آنست که تا وقتی شسته شود که به گمان غالب غاسل پاک شده است.

## شرح

**تعریف نجاست** نجاست در لغت: ناپاکی را گویند<sup>۳</sup> و در اصطلاح: همان مقدار معین از پلیدی مانند پیشاب، خون و شراب است که در صورت ملوث شدن لباس به آن، انسان را

۱- نجاست قابل دید هر آن نجاستی است که بعد از خشک شدن نیز دیده شود مانند خون. و نجاست غیر قابل دید هر آن نجاستی است که بعد از خشکیدن دیده نشود. معین الالباب فی شرح الکتاب مختصر القدوری: ۱۴.

۲- به این معنا که بخاطر دور ساختن اثر آن به آب گرم و صابون نیاز باشد، در حالیکه وسیله دور ساختن نجاست آب است، ماخذ قبلی.

۳- تاج العروس ۱- ۴۱۵۱- البحر الرائق شرح کنز الدقائق - (ج ۲ / ص ۳۶۲).

از نماز منع می‌سازد<sup>۱</sup>.

**انواع نجاست:** نجاست به دو نوع است:

- ۱- نجاست حکمی، آن را حدث نیز گویند که بی وضویی و جنابت است.
- ۲- نجاست حقیقی: پلیدی است که پاک نمودن آن بر مسلمان واجب است.

### نجاست حقیقی به دو نوع است

**الف- نجاست غلیظه:** آنست که پلید بودن آن به دلیلی ثابت شده باشد که هیچگونه شک و شبهه در آن نباشد؛ مانند: خون جاری، پیشاب، مواد غایطه، گوشت حیوان خود مرده، پیشاب حیوانات حرام گوشت، پسخوردهٔ سگ و غیره.

**حکم نجاست غلیظه:** اگر به اندازهٔ یک درهم باشد معاف است<sup>۲</sup>، و اگر از اندازهٔ یک درهم بیشتر باشد شستن آن فرض است و نماز با آن جواز ندارد.

**ب- نجاست خفیفه:** آنست که در مورد نجس بودن آن میان علما اختلاف است، مثلاً پیشاب اسب و هر حیوان حلال گوشت مثل گوسفند، گاو، شتر و غیره.

**حکم نجاست خفیفه:** اگر نجاست خفیفه زیاد نباشد معاف است، زیاد این است که به اندازهٔ چهارم حصه لباس باشد<sup>۳</sup>، همچنان چکیده‌های پیشاب که به اندازهٔ سر سوزن باشد معاف است. اندازه یک درهم شرعی تقریباً معادل سه گرام می‌باشد<sup>۴</sup> و در چیزهای نرم چقری کف دست، اندازه چقری کف یک دانه است که طول قطران پنج سانتی متر (۲ انج) می‌باشد<sup>۵</sup>.

### مسایل مربوط

- ۱- بر نماز گزار پاکی بدن، لباس و محل نماز از هر گونه پلیدی واجب است.
- ۲- اگر بر موزه، نجاست جثه دار برسد و خشک شود توسط مالیدن بر زمین پاک می‌شود و نماز با آن جایز است.

۱ - المعجم الوسیط: ۷۲۷/۲ - البحر الرائق شرح کنز الدقائق - (ج ۲ / ص ۳۶۲)

۲ - اگر نجاست غلیظه به اندازه یک درهم باشد با وجود کراهیت، نماز با آن جایز است، ولی بهتر آنست که با آن نماز نخواند، اگر توان آنرا داشته باشد.

۳ - پیراهن، تنبان، و اشیای همراه آن از قبیل دستار، چادر، چین و غیره یک لباس شمرده نمی‌شود بلکه آستین قمیص یک لباس و آستین دیگر آن یک لباس، دامن پیش روی یک لباس و دامن عقبی یک لباس، همچنان چیزهای پوشیدنی هر حصه بی آن لباس مستقل است که اگر در چهارم حصه بی آن نجاست خفیفه برسد معاف شمرده می‌شود.

۴ - الفقه المیسر.

۵ - در کتب قدیم احتاف اندازه عفو شده نجاست غلیظ را یک درهم گفته شده است. که تقریباً سه گرام می‌شود، و در اشیای نرم، عمق کف گفته شده است، و با ز تفصیل چقری کف به دست شده است که اگر کف دست باز گرفته شود، در آن آب انداخته شود، در آن حصه که آب در آن ایستاد شود ما آنرا به همان اندازه در هم شرعی را به سانی متر تعین کردیم که در فوق ذکر شد. الفقه المیسر

- ۳- اگر منی در لباس انسان خشک شود و با مالیدن زایل گردد نماز با آن جایز است.
- ۴- و اگر نجاست بر آئینه یا شمشیر برسد توسط مالیدن بر زمین پاک می شود.
- ۵- و اگر نجاست بر زمین باشد و آفتاب آن را خشک سازد و اثر آن باقی نماند نماز بر آن (زمین) جایز است لیکن تیمم بر آن جایز نمی باشد.

### نجاست چگونه پاک می شود؟

- ۱- نجاستی که به چشم دیده می شود، مانند: خون و مواد غایطه پاکی آن با دور ساختن خود آن حاصل می شود، برابر است که به یک بار شستن ممکن باشد یا به بیشتر از یکبار. و اگر با وجود شستن، دور ساختن اثر (بوی یا رنگ) آن مشکل باشد ضرر ندارد (دور ساختن اثر آن ضروری نمی باشد).
- ۲- نجاستی که به چشم دیده نمی شود مانند پیشاب، پاک شدن آن با سه بار شستن حاصل می شود، و در هر بار لباس به اندازه یی فشرده شود که آب از آن به زمین بچکد، و در هر بار آب پاک استعمال گردد.
- ۳- پاکی بدن و لباس از نجاست توسط آب و هر مایع دیگر از قبیل آب، عرق گلاب جایز است.
- ۴- وضو کردن به آب سرکه و آب گلاب جواز ندارد.

## فعالیت

آیا عذاب قبر با نجاست کدام ارتباطی دارد، دلیل آن را بگویید؟

## ارزیابی

- ۱- نجاست را تعریف و انواع آن را بیان کنید.
- ۳- فرق بین نجاست حکمی و حدث چیست؟
- ۴- فرق بین نجاست حکمی و حقیقی چیست؟
- ۵- آن مقدار از نجاست حقیقی غلیظه که معاف است بیان کنید.
- ۶- نجاست چگونه پاک می شود تفصیلاً آن را بیان کنید.

## کارخانه گی

نماز گزار بخاطر دور کردن نجاست چگونه عمل نماید، مقاله یی در این باره بنویسید؟



## استنجا

الله تعالی فرموده است: (فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ)<sup>۱</sup>. ترجمه: «در آن (مسجد قبا) مردانی اند که دوست دارند تا خوب پاک شوند، و الله پاکیزه کنندگان را دوست می دارد». ایشان کسانی هستند که بعد از قضای حاجت اول با کلوخ بعد با آب استنجا می کردند<sup>۲</sup>.

(۱) وَالْإِسْتِنْجَاءُ سُنَّةٌ يُجْزِي فِيهَا الْحَجْرُ، وَمَا قَامَ مَقَامَهُ، يَمْسَحُهُ حَتَّى يُنْقِيَهُ وَلَيْسَ فِيهِ عَدَدٌ مَسْنُونٌ، وَغَسَلُهُ بِالْمَاءِ أَفْضَلُ، فَإِنْ تَجَاوَزَتِ النَّجَاسَةُ خَرَجَهَا لَمْ يُجْزِ فِيهِ إِلَّا الْمَاءُ.  
(۲) وَلَا يَسْتَنْجِي بِعَظْمٍ، وَلَا بِرَوْثٍ، وَلَا بِطَعَامٍ، وَلَا بِيَمِينِهِ<sup>۳</sup>.

### ترجمه

(۱) استنجا سنت است، استنجا به سنگ و هر آن چیزی که قایم مقام آن شده می تواند جایز می باشد، استنجا کننده تا وقتی باید محل استنجا را پاک کند که مطمئن شود آن محل پاک گردیده است و کدام عدد مسنون، معین برای آن نیست، لیکن شستن محل استنجا بهتر است، و اگر نجاست از مخرجش تجاوز نماید تنها شستن به آب جواز دارد.  
(۲) استنجا کننده نباید با استخوان، سرگین حیوانات و اشیای خوردنی (مثل نان خشک) استنجا کند، همچنان استنجا کننده باید با دست راست خود استنجا نکند.

۱ - التوبة: ۱۰۸.

۲ - فتح القدیر للشوکانی - (۳ / ۳۲۰).

۳ - مختصر القدوری

## شرح

استبرا قبل از استنجا ضروری است

### تعریف استبرا

وقتی انسان می‌خواهد خود را خشک کند باید اطمینان حاصل کند که قطره‌های پیشاب قطع گردیده، این عمل را استبرا گویند.  
به این ارتباط مردم عادت‌های جداگانه دارند، مثلاً ایستاد شدن، قدم زدن، کشیدن دست بر مجرای بول و غیره.

### تعریف استنجا

استنجا: پاک کردن محل بیرون شدن پیشاب و مواد غایطه را گویند، برابر است که این عمل توسط آب صورت گیرد و یا توسط کلوخ، کاغذ تشناب و یا چیزی دیگری که این را استجمار (استفاده از سنگ) نیز گویند.

### اقسام استنجا به آب

استنجا توسط آب به پنج قسم است:

- ۱- فرض
- ۲- واجب
- ۳- سنت
- ۴- مستحب
- ۵- بدعت

۱- فرض: استنجا فرضی آنست که نجاست از مخرجش به اندازه یی بیشتر از یک درهم تجاوز نماید.

- ۲- **واجب:** استنجای واجب آنست که نجاست از اندازه یک درهم باشد.
- ۳- **سنت:** استنجای سنت آنست که اندازه نجاست از یک درهم کمتر باشد.
- ۴- **مستحب:** استنجای مستحب آنست که انسان از اثر پیشاب استنجا کند.
- ۵- **بدعت:** استنجا از اثر بیرون شدن باد<sup>۱</sup>.

### مسایل

- وقتی که نجاست از جای بیرون شدن تجاوز کند استنجاتنها به آب (بدون استعمال کلوخ، کاغذ تشناب و غیره) جایز است.
- اگر نجاست به اندازه یک درهم نرسد استنجا با استعمال کردن سنگ، کاغذ تشناب یا کلوخ جایز می‌باشد.
- استنجا به سه سنگ، کلوخ و یا کاغذ تشناب مستحب بوده و به دو سنگ نیز پاکی حاصل می‌شود.

### طریقه استنجا

هرگاه استنجا کننده از استعمال سنگ یا کلوخ فارغ گردد، اول باید دست خود را شسته بعد مخرج نجاست را توسط آب بشوید و چون از استنجا فارغ گردید، دست خود را خوب بشوید.

## فعالیت

استعمار و استنجا به اساس حکمت‌های بزرگی روا گردیده از آن جمله چهار حکمت آن را با سایر شاگردان بر شمارید و خلاصه آن را بنویسید.

۱ - الاختیار لتعلیل المختار (۱ / ۳۹) - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (۱ / ۳۷۲) - رد المحتار (۳ / ۳۳).

## ارزیابی



- ۱- استنجا را تعریف کنید.
- ۲- پیش از استنجا چه باید کرد؟
- ۳- اقسام استنجا به آب چند است؟
- ۴- طریقه استنجا کدام است؟
- ۵- آیا استنجا صرفاً به آب و یا صرفاً به کلوخ جایز است و کدام طریقه آن بهتر می باشد؟
- ۶- در استجمار چند سنگ باید استعمال شود؟

## کارخانه گی



اندازه یی تجاوز نجاست از مخرج را ذکر نموده و احکامی را که بر آن مرتب می گردد، بنویسید.

## بیان نماز

بعد از بیان مسایل مربوط به طهارت که برای نماز شرط و وسیله است، در رابطه به نماز که مقصود اصلی است مسایلی مطرح می گردد.

### کِتَابُ الصَّلَاةِ

- (۱) أَوَّلُ وَقْتِ الْفَجْرِ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ الثَّانِي: وَهُوَ الْبَيَاضُ الْمُعْتَرِضُ فِي الْأَفْقِ، وَآخِرُ وَقْتِهَا: مَا لَمْ تَطْلُعِ الشَّمْسُ.
- (۲) وَأَوَّلُ وَقْتِ الظُّهْرِ: إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ: إِذَا صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلِيهِ سِوَى فِيءِ الزَّوَالِ.
- وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: إِذَا صَارَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ.
- (۳) وَأَوَّلُ وَقْتِ الْعَصْرِ: إِذَا خَرَجَ وَقْتُ الظُّهْرِ عَلَى الْقَوْلَيْنِ، وَآخِرُ وَقْتِهَا مَا لَمْ تَغْرُبِ الشَّمْسُ.
- (۴) وَأَوَّلُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا مَا لَمْ يَغِبِ الشَّفَقُ: وَهُوَ الْبَيَاضُ الَّذِي فِي الْأَفْقِ بَعْدَ الْحُمْرَةِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: هُوَ الْحُمْرَةُ.
- (۵) وَأَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ: إِذَا غَابَ الشَّفَقُ، وَآخِرُ وَقْتِهَا: مَا لَمْ يَطْلُعِ الْفَجْرُ الثَّانِي وَأَوَّلُ وَقْتِ الْوُتْرِ: بَعْدَ الْعِشَاءِ وَآخِرُ وَقْتِهَا: مَا لَمْ يَطْلُعِ الْفَجْرُ.
- (۶) وَيُسْتَحَبُّ الْإِسْفَارُ بِالْفَجْرِ، وَالْإِبْرَادُ بِالظُّهْرِ فِي الصَّيْفِ، وَتَقْدِيمُهَا فِي الشِّتَاءِ، وَتَأْخِيرُ الْعَصْرِ مَا لَمْ تَتَغَيَّرِ الشَّمْسُ، وَتَعْجِيلُ الْمَغْرِبِ، وَتَأْخِيرُ الْعِشَاءِ إِلَى مَا قَبْلَ ثُلُثِ اللَّيْلِ.
- (۷) وَيُسْتَحَبُّ فِي الْوُتْرِ لِمَنْ يَأْلَفُ صَلَاةَ اللَّيْلِ أَنْ يُؤَخَّرَهَا إِلَى آخِرِ اللَّيْلِ فَإِنْ لَمْ يَثِقْ بِالانتباهِ أَوْ تَرَ قَبْلَ النَّوْمِ.

## ترجمه

### بیان نماز

(۱) اول وقت نماز صبح هنگامی است که صبح دوم (صبح صادق) طلوع کند، و آن عبارت از سفیدی است که در کناره آسمان منتشر شود، و آخر وقت آن زمانی است که آفتاب طلوع نکرده باشد.

(۲) اول وقت نماز پیشین هنگامی است که آفتاب زوال کند، و آخر وقت آن به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله زمانی است که سایه هر چیز غیر از سایه اصلی<sup>۱</sup> اش دو برابر شود، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: آخر وقت ظهر زمانی است که سایه هر چیز به یک چند خود برسد.

(۳) اول وقت نماز عصر (با رعایت هردو قول) زمانی شروع می شود که وقت ظهر خارج شود و آخر آن زمانی است که هنوز آفتاب غروب نکرده باشد (یعنی تا غروب آفتاب است).

(۴) اول وقت نماز شام وقتی است که آفتاب غروب کند و آخر وقت آن زمانی است که شفق ناپدید نشده باشد، و شفق نزد امام ابو حنیفه رحمه الله عبارت از همان سفیدی است که بعد از ناپدید شدن سرخی در کناره یی آسمان ظاهر می گردد، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: شفق عبارت از همان سرخی است.

(۵) و اول وقت نماز خفتن زمانی شروع می شود که شفق ناپدید شود، و آخر وقت آن تا وقتی است که صبح طلوع نکرده باشد (تا طلوع صبح صادق است) و اول وقت وتر بعد از نماز خفتن شروع می شود و آخر وقت آن تا زمانی است که صبح صادق طلوع نکرده است.

(۶) ادای نماز صبح در روشنی، و ادای نماز پیشین در موسم گرمی اندکی به تأخیر و در موسم سردی پیش خواندن، و تأخیر در نماز عصر تا وقتی که در آفتاب تغییر (زردی) پدیدار نشود، و عجله کردن در نماز شام، و تأخیر نمودن نماز خفتن تا قبل از گذشتن سوم حصه شب مستحب است.

(۷) و وتر در حق کسی که خواندن تهجد رادوست دارد مستحب آنست که وتر را در آخر شب بخواند، و اگر باور بیدار شدن بر خود نداشت باید قبل از خواب کردن آن را ادا کند.

## شرح

**تعریف نماز:** نماز را در اصطلاح شرع «صلاة» گویند و «صلاة» در لغت به معنای دعا است.

۱- سایه یی زوال یا نصف النهار را سایه اصلی گویند.

و در اصطلاح شریعت: عبارت از افعال و اقوال مخصوصی است که به تکبیر تحریمه شروع و به سلام پایان می‌یابد.

**حکم نماز:** نماز بر هر انسان مکلف (مسلمان، بالغ و عاقل) در یکشنبه روز پنج بار فرض عین است، و منکر آن کافر می‌باشد، زیرا نماز به دلیل قطعی ثابت شده، و کسیکه از روی سستی قصداً آن را ترک کند فاسق است و تا هنگامی کشته نمی‌شود که از فرضیت آن منکر نگردیده باشد؛ اما تارک نماز تا وقتی که توبه ننموده و نماز را اداء نه کند به زندان افکنده می‌شود، زیرا یک شخص وقتی حق بنده را ضایع کند در زندان افکنده می‌شود و اگر حق الله تعالی را ضایع کند به طریق اولی باید زندانی شود<sup>۱</sup>.

### شروط فرضیت نماز:

نماز تا هنگامی بر انسان فرض نمی‌گردد که شروط ذیل در وی موجود نشود:

- ۱- اسلام، بر کافر نماز فرض نیست.
- ۲- بلوغ، بر طفل نابالغ نماز فرض نیست (مگر برای عادت گرفتن طفل پدر و مادر به اولاد نماز را بیاموزد و عملی کند).
- ۳- عقل، بر دیوانه نماز فرض نیست.

**اوقات نماز:** الله تعالی فرموده است: (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا<sup>۲</sup>).

«بیشک (همراه پابندی) نماز بر مسلمانان در اوقات معین آن فرض است».

### اوقات نمازهای پنجگانه

**نماز صبح:** دو رکعت فرض است، اول وقت آن از طلوع صبح صادق<sup>۳</sup> شروع و تا اندکی قبل از طلوع آفتاب دوام می‌کند. (تا طلوع آفتاب)

**نماز پیشین:** چهار رکعت فرض است، اول وقت آن بعد از زوال آفتاب است، و تا هنگامی ادامه می‌یابد که سایه‌ی هر چیز غیر از سایه‌ی اصلی‌اش دو برابر شود، البته این قول امام ابو حنیفه رحمه الله بوده و فتوا نیز بر قول ایشان است، و نزد امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله وقت نماز پیشین هنگامی به پایان می‌رسد که سایه‌ی هر چیز به یک چند خود برسد.

**نماز عصر:** چهار رکعت فرض است، اول وقت عصر همزمان با پایان یافتن وقت نماز پیشین

۱ - در مختار: ۱۳۷۹ - الفتاوی الهندیة: کتاب الصلاة.

۲ - النساء: ۱۰۲

۳- هرگاه شب به آخر رسد در این وقت یک روشنی دراز در جانب مشرق آسمان بلند شود و اندکی بعدتر دوباره آسمان تاریک گردد که این را فجر اول یا صبح کاذب گویند، لیکن بعد از این تاریکی یک روشنی وسیع به شکل مستطیل جانب مشرق را فرا می‌گیرد که این روشنی را فجر ثانی یا صبح صادق می‌گویند.

شروع می‌شود و با غروب آفتاب به پایان می‌رسد.

**نماز شام:** سه رکعت فرض است، اول وقت آن با غروب آفتاب شروع و تا ناپدید شدن شفق دوام می‌یابد، نزد امام ابوحنیفه رحمه الله شفق عبارت از سفیدی است که بعد از سرخی نمایان می‌گردد، و تا وقتی که سفیدی وجود دارد وقت شام باقی می‌باشد، و نزد صاحبین شفق عبارت از همان سرخی است که بعد از غروب آفتاب در سمت مغرب نمایان می‌گردد، بناءً احتیاط در این مسئله آنست که شام در وقت اولش ادا گردد.

عجله نمودن در ادای نماز شام مستحب است<sup>۱</sup>.

**نماز خفتن:** چهار رکعت فرض است، اول وقت آن - بنا بر اختلافی که در مورد شفق وجود دارد - با ناپدید شدن شفق شروع می‌شود، و آخر وقت آن تا زمانی است که صبح صادق طلوع ننموده باشد.

**نماز وتر:** واجب بوده و سه رکعت است، وقت وتر نزد امام ابوحنیفه رحمه الله علیه وقت نماز خفتن است ولی ترتیب بین فرض و وتر واجب است، اول وقت آن بعد از ادای نماز خفتن شروع، و تا هنگامی که صبح صادق طلوع ننموده دوام میکند.

## فعالیت

- ۱- فرض عین کدام فرض را گویند و با فرض کفایی چه فرقی دارد؟
- ۲- نماز عبارت از افعال و اقوال مخصوص است، معنای این جمله چیست؟

## ارزیابی

- ۱- نماز را تعریف و حکم آن را بیان کنید.
- ۳- اوقات نمازها را به تفصیل بیان کنید.

## کارخانه گی

(با همکاری امام محترم مسجد تان) در مورد چگونگی فرضیت نماز در شب معراج مضمونی را در کتابچه‌های خود بنویسید.

۱ - البحر الرائق شرح كنز الدقائق - ( ۲ / ۴۶۹ ).



## بیان اذان

در درس گذشته خواندیم که وقت شرط برای نماز است، در شریعت اسلامی به منظور اعلان داخل شدن وقت و اطلاع مردم آذان جایز شده است.

### بَابُ الْأَذَانِ:

- (۱) الْأَذَانُ سُنَّةٌ لِلصَّلَاةِ الْخَمْسِ، وَالْجُمُعَةِ دُونَ مَا سِوَاهَا.
- (۲) وَصِفَةُ الْأَذَانِ: أَنْ يَقُولَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ- إِلَى آخِرِهِ، وَلَا تَرْجِعَ فِيهِ، وَيَزِيدُ فِي آذَانِ الْفَجْرِ بَعْدَ الْفَلَاحِ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ مَرَّتَيْنِ.
- (۳) وَالْإِقَامَةُ مِثْلُ الْأَذَانِ إِلَّا أَنَّهُ يَزِيدُ فِيهَا بَعْدَ الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ مَرَّتَيْنِ.
- (۴) وَيَتَرَسَّلُ فِي الْأَذَانِ وَيَحْدُرُ فِي الْإِقَامَةِ، وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمَا الْقِبْلَةَ، فَإِذَا بَلَغَ إِلَى الصَّلَاةِ وَالْفَلَاحِ، حَوْلَ وَجْهَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا.
- (۵) وَيُؤَدِّنُ لِلْفَائِتَةِ وَيُقِيمُ، فَإِنْ فَاتَتْهُ صَلَاةُ أَذَنٍ لِلأُولَى وَأَقَامَ، وَكَانَ مُحْيِرًا فِي الْبَاقِيَةِ: إِنْ شَاءَ أَذَنَ وَأَقَامَ، وَإِنْ شَاءَ اقْتَصَرَ عَلَى الْإِقَامَةِ.
- (۶) وَيَنْبَغِي أَنْ يُؤَدِّنَ وَيُقِيمَ عَلَى وَضُوءٍ، فَإِنْ أَذَنَ عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ جَازَ، وَيُكْرَهُ أَنْ يُقِيمَ عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ، أَوْ يُؤَدِّنَ وَهُوَ جُنُبٌ، أَوْ يُؤَدِّنَ لِصَلَاةٍ قَبْلَ دُخُولِ وَقْتِهَا.<sup>(۱)</sup>

ترجمه

### بیان اذان

- (۱) اذان برای نمازهای پنجگانه و نماز جمعه سنت است، علاوه بر آن برای سایر



نمازها اذان مشروع نمی باشد.

(۲) طریقه اذان گفتن چنین است: الله اکبر، الله اکبر تا آخر بگوید، ترجیع<sup>۱</sup> در اذان درست نیست، و در اذان صبح بعد از گفتن «حی علی الفلاح» دو بار «الصلاة خیر من النوم» اضافه نماید.

(۳) و الفاظ اقامت نیز مانند الفاظ اذان است لیکن بعد از گفتن «حی علی الفلاح» دوبار «قد قامت الصلاة» را بر آن اضافه نماید.

(۴) اذان با درنگ و اقامت را به عجله گوید و در هنگام اذان و اقامت روی خود را بسوی قبله بدارد، ولی در هنگام گفتن «حی علی الصلاة وحی علی الفلاح» روی خود را بسوی راست و چپ بگرداند.

(۵) برای نمازهای قضایی اذان و اقامت بگوید، و اگر نماز قضایی بیشتر از یک باشد برای نماز قضایی اول اذان و اقامت بگوید و برای نمازهای متباقی اختیار دارد، اگر بخواهد اذان و اقامت گوید و اگر بخواهد به گفتن اقامت اکتفا کند.

(۶) اذان و اقامت را باید با وضو بگوید، و اگر بدون وضو اذان بگوید جایز است، و اگر در حال بی وضویی اقامت یا در حالت جنابت، و یا قبل از دخول وقت اذان بگوید مکروه است.

## شرح

### تعریف اذان

در لغت: اعلان و خبر دادن را گویند.

و در شریعت: اذان اعلان مخصوص در وقت مخصوص را گویند، یعنی اعلان بخاطر نماز را اذان گویند<sup>۲</sup>.

### حکم اذان و اقامت

اذان برای نمازهای فرضی بر مردان سنت مؤکد است.

اقامت برای نمازهای فرضی بر مردان سنت مؤکد است<sup>۳</sup>.

۱ - ترجیع آنست که در وقت گفتن شهادتین آواز خود را یک مرتبه پست و باز بلند کند که این عمل در مذهب امام شافعی رحمه الله سنت است.

۲ - رد المحتار (ج ۳ ص ۱۸۱) البحر الرائق شرح کنز الدقائق (ج ۳ ص ۳)

۳ - فتح القدیر - (ج ۱ / ص ۴۵۰) - مراقی الفلاح: باب الاذان: الفقه المیسر: ۷۳

## الفاظ اذان

الله اكبر، الله أكبر - الله أكبر، الله أكبر  
أشهد أن لا اله إلا الله - أشهد أن لا اله إلا الله  
أشهد أن مُحَمَّدًا رسول الله - أشهد أن مُحَمَّدًا رسولُ الله،  
حَيَّ على الصلاة - حَيَّ على الصلاة  
حَيَّ على الفلاح - حَيَّ على الفلاح  
الله، أكبر، الله أكبر  
لا اله إلا الله

در اذان نماز صبح بعد از گفتن «حی علی الفلاح» دو مرتبه «الصلاة خير من النوم» بگوید در وقت گفتن (حی علی الصلاة) روی خود را به طرف راست و در هنگام گفتن «حی علی الفلاح» روی خود را به طرف چپ بگرداند. الفاظ اقامت نیز مانند الفاظ اذان است، لیکن بعد از گفتن «حی علی الفلاح» دو مرتبه «قد قامت الصلاة» را بر آن اضافه نماید، اذان به آهستگی و اقامت به عجله و کمی به سرعت گفته شود.

اذان باید به عربی گفته شود، به زبان‌های دیگر جواز ندارد<sup>۱</sup>.

مؤذن و هر کسی که اذان را می‌شنود بعد از ختم اذان باید این دعا را بخواند: {اللهم رب هذه الدعوة التامة، والصلاة القائمة، آت مُحَمَّدًا الوسيلة والفضيلة، وابعثه مقاماً محموداً الذي وَعَدْتَهُ<sup>۲</sup>}.  
الذی وَعَدْتَهُ<sup>۲</sup>.

### در حالات ذیل اذان مکروه است:

- ۱- بی وضو اذان و اقامت گفتن.
- ۲- اذان شخص جنب.
- ۳- برای مؤذن مکروه است که در وقت گفتن اذان و اقامت سخن گوید، و اگر در وقت

۱ - الفقه المیسر: ۷۴.

۲ - البخاری ۳۶/۲ باب الدعاء عند النداء.

گفتن اذان سخن گوید باید اذان را دوباره بگوید نه اقامت را.

### مسأله

اگر از شخصی بیشتر از یک نماز فوت شود وی باید برای نماز قضایی اول اذان بگوید و برای سایر نمازها اختیار دارد اگر بخواهد اذان و اقامت گوید و اگر بخواهد به گفتن اقامت اکتفا کند هر دو درست است<sup>۱</sup>.

## فعالیت

شاگردان در بین خود اذان را بشکل عملی اجرا کنند و جمله که در اذان صبح گفته می شود آن را نیز یاد بگیرند.

## ارزیابی



- ۱- اذان را تعریف کنید.
- ۲- حکم اذان را بیان دارید.
- ۳- کلماتی که در اذان گفته می شود آن را ذکر کنید.
- ۴- کدام عمل در اذان مکروه است؟

## کارخانه گی



به همکاری امام محترم مسجد تان در باره مشروعیت اذان مقاله ای بنویسید.

۱ - الفقه المیسر : ۷۶.



## شروط نماز

شروط نماز که فرایض خارجی نیز برایش گفته می شود در نماز داخل نیست، اما برای صحیح شدن نماز ضروری است، به گونه یی که اگر از آنجمله یکی هم ترك شود نماز صحیح نمی شود، بیاید که آن را بشناسیم!

بَابُ شُرُوطِ الصَّلَاةِ الَّتِي تَتَقَدَّمُهَا:

(۱) يَجِبُ عَلَى الْمُصَلِّي أَنْ يُقَدِّمَ الطَّهَارَةَ مِنَ الْأَحْدَاثِ وَالْأَنْجَاسِ عَلَى مَا قَدَّمَاهُ، وَيَسْتَرَّ عَوْرَتَهُ.

(۲) وَالْعَوْرَةُ مِنَ الرَّجُلِ: مَا تَحْتَ السَّرَّةِ إِلَى الرُّكْبَةِ، وَالرُّكْبَةُ مِنَ الْعَوْرَةِ.

(۳) وَبَدَنُ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ كُلُّهُ عَوْرَةٌ إِلَّا وَجْهَهَا وَكَفَّيْهَا.

(۴) وَمَا كَانَ عَوْرَةً مِنَ الرَّجُلِ فَهُوَ عَوْرَةٌ مِنَ الْأَمَةِ، وَبَطْنُهَا وَظَهْرُهَا عَوْرَةٌ، وَمَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ بَدَنِهَا فَلَيْسَ بِعَوْرَةٍ.

(۵) وَمَنْ لَمْ يَجِدْ مَا يُزِيلُ بِهِ النَّجَاسَةَ صَلَّى مَعَهَا، وَلَمْ يُعِدْ الصَّلَاةَ.

(۶) وَمَنْ لَمْ يَجِدْ ثَوْبًا، صَلَّى عُريَانًا قَاعِدًا يَوْمِيٌّ بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، فَإِنْ صَلَّى قَائِمًا أَجْزَأَهُ، وَالْأَوَّلُ أَفْضَلُ، وَيَنْوِي الصَّلَاةَ الَّتِي يَدْخُلُ فِيهِ بِنِيَّةٍ لَا يَفْصِلُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ التَّحَرُّمِ بِعَمَلٍ.

(۷) وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ خَائِفًا فَيُصَلِّي إِلَى أَيِّ جِهَةٍ قَدَرَ، فَإِنْ اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْقِبْلَةُ، وَلَيْسَ بِحَضْرَتِهِ مَنْ يَسْأَلُهُ عَنْهَا، اجْتَهَدَ وَصَلَّى، فَإِنْ عَلِمَ أَنَّهُ أَخْطَأَ بَعْدَ مَا صَلَّى، فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ عَلِمَ ذَلِكَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، اسْتَدَارَ إِلَى الْقِبْلَةِ وَبَنَى عَلَيْهَا.

ترجمه

باب در بیان شروط نماز که قبل از آن است

(۱) بر نماز گزار واجب است که نخست خود را از بی وضویی و پلیدی ها طبق همان طریقه یی که قبلا بیان کردیم پاک سازد، و عورت خود را بپوشاند.

- (۲) عورت مرد از زیر ناف تا زانو می‌باشد، زانو شامل عورت است.
- (۳) زن آزاد به جز روی و هردو دست تمام بدنش عورت می‌باشد.
- (۴) و عورت زن کنیز مثل عورت مرد است، ولی شکم و پشت وی عورت بوده و غیر از آن اجزای بدن وی عورت نیست.
- (۵) و اگر کسی نتواند چیزی را پیدا کند که توسط آن پلیدی را پاک کند، باید نماز خود را همراه آن (نجاست) ادا کند و اعاده نکند.
- (۶) و اگر کسی لباسی را پیدا نکند (که عورت خود را بپوشاند) به حالت نشسته برهنه نماز را ادا کند، و رکوع و سجده را به اشاره بجا آورد، اگر ایستاده نماز خود را ادا نماید صحیح است لیکن نشسته خواندن بهتر می‌باشد، نیت همان نماز را کند که در آن داخل میشود و باید در بین تکبیر تحریمه و نیت، با انجام کدام عمل دیگری جدایی نیاورد.
- (۷) نماز گزار باید روی خود را به طرف قبله بگرداند مگر اینکه در حال خوف باشد که در این صورت به هر طرفی که قدرت یابد به همان طرف نماز خود را ادا نماید، و اگر قبله برایش اشتباهی باشد و در کنار خود کسی را هم نداشته باشد که در باره قبله از او پرسد در این صورت غور و فکر نموده نماز خود را ادا نماید، و اگر بعد از فارغ شدن از نماز دانست که مرتکب خطا گردیده اعاده نماز بالایش نیست، و اگر در اثنای نماز به خطای خود فهمید روی خود را به طرف قبله بگرداند و باقی نماز را از همانجا تکمیل کند.

## شرح

**تعریف شرط:** شرط در لغت: علامه و نشانه را گویند و در اصطلاح: شرط عبارت از همان چیزی است که وجود یک شیء موقوف بر آن بوده و خودش در آن داخل نمی‌باشد، یعنی یک چیز بدون آن تکمیل نمی‌شود و در حقیقت آن داخل هم نیست، ولی از عدم آن عدم شیء لازم می‌گردد مثلاً وضو که برای نماز شرط است ولی در نماز شامل نمی‌باشد<sup>۱</sup> اما از نبودن آن نبودن نماز لازم می‌گردد.

## شروط نماز شش است

۱- **طهارت:** نماز بدون طهارت و پاکی صحیح نیست.

و مقصود از طهارت این است:

الف- بدن نماز گزار از نجاست بزرگ و کوچک پاک باشد.

۱ - المعجم الوسیط - (ج ۱ / ص ۹۹۴) - رد المحتار - (ج ۳ / ص ۲۴۲)

ب- بدن نمازگزار از همان اندازه نجاستی پاک باشد که معاف نمیباشد و آن قبلاً توضیح شده است.

ج- در لباسیکه نماز میگزارد باید از همان اندازه نجاستی که معاف نیست پاک باشد.

د- محلی که بر آن نماز می گزارد پاک باشد.

ه- محلی که بر آن نماز می گزارد لازم است که جای دو پای، هردو دست، هردوزانو و جای گذاشتن پیشانی پاک باشد.

## ۲- ستر عورت

الف- اگر در اثنای ادای نماز چهارم حصه عورت یک عضو به اندازه ادا کردن یک رکن (مثلاً رکوع) برهنه باقی ماند نماز باطل است.

ب- اندازه عورت مرد: از ناف تا زیر عینک زانو است، خود زانو عورت است ولی ناف عورت نیست.

ج- عورت زن آزاد: زن آزاد تمام بدنش عورت است، فقط روی، هردو کف و هردو قدم وی عورت نیست.

د- عورت زن کنیز: مانند عورت مرد است با این فرق که، شکم و پشت وی نیز عورت است.

۳- **روی به سوی قبله کردن:** اگر کسی توان داشته باشد و روی خود را به سوی قبله نکند نمازش صحیح نمی شود. عین کعبه قبله برای باشنده گان مکه است که توان دیدن آن را دارند.

**جهت کعبه:** برای کسانی است که توان دیدن آن را ندارند و یا از آن دور هستند.

کسی که به سبب مرض یا خوف دشمن از روی آوردن به سوی قبله ناتوان باشد برای وی جایز است به هر سمتی که می تواند نماز گزارد.

۴- **وقت نماز:** نماز قبل از داخل شدن وقت صحیح نیست، تفصیل اوقات نماز قبلاً ذکر گردید.

## ۵- نیت:

الف- نماز بدون نیت صحت ندارد.

ب- اگر نماز فرضی باشد تعیین نیت نیز فرض است، بگونه مثال: اگر نماز پیشین بود باید نیت نماز پیشین را کند.

ج- همچنان اگر نماز واجب باشد تعیین نیت آن واجب است، مثلاً نماز وتر، نمازهای هر دو عید.

د- اگر نماز نفلی باشد، تعیین نیت در آن شرط نیست، بلکه نیت برای مطلق نماز کافی می‌باشد.

هـ- اگر نماز گزار مقتدی باشد نیت اقتدا به امام، بر وی لازم است.

**۶- تکبیر تحریمه:** مراد از تکبیر تحریمه آنست که نماز با ذکر خالص الله تعالی شروع شود، مثلاً بگوید: الله اکبر، یا الله اعظم یا الرحمن اکبر.

الف- نماز گزار نباید در بین نیت و تکبیر تحریمه عملی را انجام دهد که منافی نماز بوده و این دو (نیت و تکبیر) را از هم جدا کند مانند خوردن، نوشیدن و امثال آن.

ب- شرط تکبیر تحریمه آنست که قبل از رکوع کردن و در حالت قیام (ایستاده) تکبیر تحریمه (الله اکبر) گوید و آن را تا اندازه بلند گوید که خودش بشنود<sup>۱</sup>.

**ملاحظه:** در مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله علیه تکبیر تحریمه از شرایط نماز است ولی امام قدوری رحمه الله علیه آن را از یثرو در ضمن ارکان آورده است که با ارکان نزدیک و پیوسته است.

## فعالیت

با همصنفیان خود در باره حکم نماز خواندن در لباسی که نازک باشد و بدن از آن معلوم شود گفتگو نمایید.

## ارزیابی

- ۱- معنای شرط چیست؟
- ۲- شروط نماز چند است؟
- ۳- اندازه عورت مرد، زن آزاد و کنیز را بیان کنید.
- ۴- در تکبیر تحریمه کدام سخن ضروری است؟

## کارخانه گی

در باره اهمیت، فضیلت و وقت تکبیر تحریمه یک مقاله بنویسید.

۱ - رد المحتار - (۳ / ۳۸۴).



## بیان ارکان نماز

در درس گذشته شروط نماز را شناختیم، حالا می‌خواهیم ارکان نماز را بشناسیم، زیرا اگر یکی از این ارکان قصدا یا سهوا ترک گردد نماز باطل می‌شود<sup>۱</sup>.

### بَابُ صِفَةِ الصَّلَاةِ:

(۱) فَرَائِضُ الصَّلَاةِ سُنَّةٌ: التَّحْرِيمَةُ، وَالْقِيَامُ وَالْقِرَاءَةُ، وَالرُّكُوعُ، وَالسُّجُودُ، وَالْقَعْدَةُ  
الْآخِرَةُ مِقْدَارَ الشَّهْدِ. (۲) وَمَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ سُنَّةٌ.

### ترجمه

### بیان صفت (ارکان) نماز

(۱) فرائض نماز شش است: تکبیر تحریمه، قیام، قرائت، رکوع، سجده و قعدۀ آخر به اندازه تشهد. (۲) امور اضافه تر از آن سنت اند.

### شرح

**تعریف رکن:** ارکان: جمع رکن است، در لغت: جانب استوار و مستحکم را گویند و در اصطلاح آنست که در حقیقت چیزی داخل باشد، و وجود شرعی یک شی بدون آن تحقق نمی‌یابد مانند رکوع و قیام و لزوم آن به دلیلی ثابت باشد که هیچگونه شک و شبهه در آن نباشد.

**ارکان نماز:** ارکان نماز شش است:

۱- **تکبیر تحریمه:** در هنگام بستن نیت و ایستاده شدن، الله اکبر گفتن رکن اول نماز است. صحیح این است که تکبیر تحریمه شرط است.

۲- **قیام: ایستادن:** قیام در نماز فرض است، و نماز بدون قیام در صورت داشتن توان بر آن صحیح نیست، قیام در نمازهای فرض و واجب، فرض است، اما در نمازهای نفلی فرض نمی‌باشد، یعنی در نمازهای نفلی باوجود داشتن توان بر قیام می‌تواند نماز را نشسته ادا کند.

۳- **قرائت:** قرائت در نماز فرض است هرچند که یک آیت کوتاه باشد، ازینرو نماز بدون قرائت صحیح نیست. در نمازهای فرضی قرائت در دو رکعت اول فرض است و در نمازهای واجب و نفل قرائت در هر رکعت آن فرض می‌باشد و اگر نماز گزار مقتدی باشد قرائت از وی ساقط است.

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (ج ۲ / ص ۱)

- ۴- **رکوع:** رکوع فرض است، و نماز بدون رکوع صحت پیدا نمی کند.
- ۵- **سجده:** هر رکعت نماز بدون دو سجده صحیح نمی شود، و سجده یی کامل آنست که هردو دست، هردو زانو، هردو پای، بینی و پیشانی بر زمین نهاده شود.
- ۶- **قعدۀ آخر:** در آخر نماز نشستن به اندازه که در آن تشهد تا «وَأَشْهَدُ أَنَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» خوانده شود فرض است<sup>۱</sup>.

**حکم خروج از نماز:** فقها خارج شدن نماز گزار از نماز را به فعل خود از جمله فرایض نماز شمارند، لیکن محققین می گویند: این عمل فرض نه بلکه واجب است<sup>۲</sup>.

## فعالیت

با استاد و همصنفیان خود در مسجد مکتب بخاطر ادای نماز پیشین اشتراک کنید، یک دسته نماز ادا کنند و دسته دیگر نماز آنها را مورد ارزیابی قرار دهند که تا کدام حد احکام نماز را تطبیق و تا کدام حد آن را تطبیق نمی کنند و چشم دید خود را بنویسند.

## ارزیابی



۱. رکن را تعریف نموده و بگویید که نماز چند رکن دارد.
۳. قیام در نماز نفلی چه حکم دارد؟
۴. حکم قرائت مقتدی چیست؟
۵. اندازه فرض رکوع چقدر است؟
۶. آیا به یک سجده نماز صحیح می شود؟
۷. آیاتنها با نهادن بینی بر زمین سجده درست می شود؟
۸. قعدۀ آخر چه حکم دارد؟
۹. خروج از نماز به فعل نماز گذار چه حکم دارد، فرض است یا سنت؟

## کارخانه گی



سجده به هفت اندام صورت می گیرد، این اندام ها کدام اند، تفصیل این موضوع را در کتابچه های خود بنویسید.

۱ - هدایه: ۹۳. شرح نقایه.

۲ - الفقه المیسر: ۸۱.

## کیفیت ادای نماز (۱)

بخاطر ادای درست نماز باید همه اموری در نظر گرفته شود که نماز با رعایت آن شرعا درست می‌شود، پس بیاید طریقه ادای نماز را یاد بگیریم.

(۱) إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ فِي صَلَاةٍ كَبَّرَ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ مَعَ التَّكْبِيرِ حَتَّى يُجَاذِيَ بِإِبْهَامَيْهِ شَحْمَتَي أُذُنَيْهِ.

(۲) فَإِنْ قَالَ بَدَلًا مِنَ التَّكْبِيرِ: اللَّهُ أَجَلُّ أَوْ أَعْظَمُ، أَوْ الرَّحْمَنُ أَكْبَرُ، أَجْزَأُهُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ. وَقَالَ أَبُو يَوْسُفَ: لَا يُجْزِئُهُ إِلَّا بَلْفِظَ التَّكْبِيرِ.

(۳) وَيَعْتَمِدُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى، وَيَضَعُهُمَا تَحْتَ سَرْتِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ).

(۴) وَيَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَيَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَيُسِرُّ بِهِمَا، ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً مَعَهَا، أَوْ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ أَيِّ سُورَةٍ شَاءَ، وَإِذَا قَالَ: الْإِمَامُ {وَلَا الضَّالِّينَ} قَالَ آمِينَ، وَيَقُولُهَا الْمُؤْتَمُّ وَيُخَفُّونَهَا.

(۵) ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَرْكَعُ، وَيَعْتَمِدُ بِيَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، وَيَفْرِجُ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، وَيَسْطُطُ ظَهْرَهُ، وَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَلَا يَنْكُسُهُ، وَيَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ثَلَاثًا، وَذَلِكَ أَذْنَاهُ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَيَقُولُ الْمُؤْتَمُّ: رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ.

(۶) فَإِذَا اسْتَوَى قَائِمًا كَبَّرَ وَسَجَدَ وَاعْتَمَدَ بِيَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ، وَوَضَعَ وَجْهَهُ بَيْنَ كَفَيْهِ، وَسَجَدَ عَلَى أَنْفِهِ وَجَبْهَتِهِ، فَإِنْ اقْتَصَرَ عَلَى أَحَدِهِمَا جَازَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يَوْسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا يُجُوزُ الْإِقْتِصَارُ عَلَى الْأَنْفِ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ.

(۷) وَإِنْ سَجَدَ عَلَى كَوْرٍ عِمَامَتِهِ، أَوْ فَاضِلٍ ثَوْبِهِ جَازَ.

(۸) وَيُيَدِّي ضَبْعَيْهِ، وَيُجَافِي بَطْنَهُ عَنْ فَخْذَيْهِ، وَيُوجِّهُ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ نَحْوَ الْقِبْلَةِ، وَيَقُولُ

فِي سُجُودِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى ثَلَاثًا، وَذَلِكَ أَدْنَاهُ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيُكَبِّرُ، فَإِذَا اطمأنَّ جَالِسًا كَبَّرَ وَسَجَدَ، فَإِذَا اطمأنَّ سَاجِدًا كَبَّرَ وَاسْتَوَى قَائِمًا عَلَى صُدُورِ قَدَمَيْهِ، وَلَا يَقْعُدُ، وَلَا يَعْتَمِدُ بِيَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ.

(٩) وَيَفْعَلُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْأُولَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا يَسْتَفْتِحُ وَلَا يَتَعَوَّذُ، وَلَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَّا فِي التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى.

(١٠) فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ اقْتَرَشَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى، فَجَلَسَ عَلَيْهَا وَنَصَبَ الْيُمْنَى نَصْبًا، وَوَجَّهَ أَصَابِعَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ، وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَبَسَطَ أَصَابِعَهُ وَتَشَهَّدَ.

(١١) وَالتَّشَهُدُ أَنْ يَقُولَ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَلَا يَزِيدُ عَلَى هَذَا فِي الْقَعْدَةِ الْأُولَى، وَيَقْرَأُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأُخْرَيَيْنِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ خَاصَّةً.

(١٢) فَإِذَا جَلَسَ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ جَلَسَ كَمَا يَجْلِسُ فِي الْأُولَى، وَتَشَهَّدَ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَدَعَا بِمَا شَاءَ بِمَا يَشَبُّهُ أَلْفَاظُ الْقُرْآنِ، وَالْأَدْعِيَةِ الْمَأْثُورَةِ، وَلَا يَدْعُو بِمَا يَشَبُّهُ كَلَامُ النَّاسِ.

(١٣) ثُمَّ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ، وَيُسَلِّمُ عَنْ يَسَارِهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

## ترجمہ

(١) ہر گاہ شخصی بہ نماز شروع کند تکبیر گوید و ہمزمان با آن ہردو دست خود را بلند نماید تا آنکہ انگشتان کلان را با نرمی گوش ہایش برابر کند.

و اگر بہ عوض «اللہ اکبر» «اللہ اجل» یا «اللہ اعظم» یا «الرحمن اکبر» بگوید نزد امام ابو حنیفہ و امام محمد رحمہما اللہ جایز است، و امام ابو یوسف رحمۃ اللہ گفتہ است: گفتن این کلمات بہ عوض «اللہ اکبر» جواز ندارد مگر بہ لفظ تکبیر (اللہ اکبر، اللہ الاکبر یا اللہ کبیر



## الله الکبیر

(۳) به دست راست دست چپ خود را بگیرد، و هردو دست خود را زیر ناف بنهد بعد از آن بگوید: **{سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ}**.

(۴) بعد از آن (أعوذ بالله) و (بسم الله) را آهسته بخواند، و بعد از آن سورة فاتحه و يك سورة يا سه آیت از هر سورة یی که خواسته باشد قرائت نماید، و هنگامیکه امام «ولا الضالین» گوید، امام و مقتدی هردو آهسته «آمین» بگویند.

(۵) بعد از آن تکبیر گوید و رکوع کند، هردو دست خود را بر زانوها بنهد و انگشتانش را گشاده بدارد، پشت خود را هموار بدارد، سر خود را نه بلند کند و نه پست، و در رکوع سه بار «سبحان ربی العظیم» بگوید، و این کمترین مقدار تسبیحات است، بعد از آن سر خود را از رکوع بلند نموده «سمع الله لمن حمده» گوید و مقتدی «ربنا لك الحمد» گوید.

(۶) و هرگاه مستقیم ایستاد شد تکبیر بگوید و سجده کند، هردو دست خود را بر زمین بنهد روی و پیشانی اش را در میان آن (هردو دست) خود گذارد، به پیشانی و بینی خود سجده کند، و اگر به یکی از پیشانی یا بینی اکتفا نماید نزد امام ابو حنیفه رحمة الله جایز است، اما صاحبین گفته اند: اکتفا به بینی جایز نیست مگر اینکه عذری داشته باشد.

(۷) و اگر بر پیچ دستار یا بر حصه یی که از لباسش اضافه است سجده کند جایز است.

(۸) و هردو آرنج خود را از زمین جدا و بلند نگه دارد، و شکم خود را از رانهایش جدا سازد، و انگشتان پاهای خود را به سوی قبله متوجه کند، و در سجده یی خود سه بار بگوید: سبحان ربی الأعلی، و این کمترین شمار آن است، و (کمتر از این مکروه است) بعد از آن سر خود را بلند کند و تکبیر گوید، و چون استوار نشست تکبیر گوید و سجده کند، و چون در سجده آرام گرفت تکبیر گوید و بر قدمهای خود برابر ایستاده شود، و ننشیند، و نه در حالت ایستاد شدن دستهای خود بر زمین تکیه دهد.

(۹) و در رکعت دوم همان چیزی را انجام دهد که در رکعت اول کرده بود مگر اینکه در رکعت دوم دعای افتتاح (سبحانک اللهم...) و «اعوذ بالله» نمی خواند و جز در وقت تکبیر تحریمه در هنگام گفتن تکبیرات دیگر دستهای خود را بلند نکند.

(۱۰) و چون در رکعت دوم سر خود را از سجده دوم بلند نماید پای چپ خود را هموار نموده بر آن بنشیند و پای راست خود را ایستاده کند و انگشتان پای خود را به سوی قبله بدارد، و دستهای خود را بر رانهایش بنهد و انگشتان را گشاده دارد بعد از آن تشهد بخواند.

(۱۱) و تشهدى که مى خواند این است:

{التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ}

در قعده اول از این بیشتر نخواند، و در دو رکعت آخر فقط سوره فاتحه بخواند.

(۱۲) و در آخر نماز بگونه یی نشیند که در قعده اول نشسته بود، تشهد بخواند، و به حضرت محمد ﷺ درود گوید، و به الفاظی دعا کند که به دعاهاى قرآنى و دعاهاى ماثوره مشابهت داشته باشد، نه الفاظی که به سخنان مردم مشابه باشد.

(۱۳) بعد از آن به جانب راست سلام بدهد و بگوید: السلام عليكم و رحمة الله، همچنان به جانب چپ سلام بگرداند.

### شرح

**کیفیت ادا نمودن نماز:** هرگاه اراده ادا نمودن نماز را داشته باشید:

- ایستاده شو، و هردو انگشت خود را به برابری نرمی گوشه‌های بلند نما، بعد از آن «الله اکبر» بگو، بعد از تکبیر تحریمه دست راست را بر دست چپت زیر ناف بگذار، بعد از آن به آواز آهسته «سبحانک اللهم» را اینطور بخوان: {سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ} را قرائت کن<sup>۱</sup>.
- بعد از آن به آواز آهسته {أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ}<sup>۲</sup> را بخوان.
- و به آواز آهسته: {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ}<sup>۳</sup> را بخوان.
- بعد از آن سوره یی فاتحه را بخوان.
- هرگاه از خواندن سوره فاتحه فارغ شدى به آواز آهسته «آمین» بگو، باز یک سوره یا سه آیت کوتاه و یا یک آیت دراز بخوان.
- بعد از آن «الله اکبر» بگو و برای رکوع سرت را خم کن، و آن را با پشت برابر بدار، هردو زانویت را با انگشتان بگیر و در حالت رکوع حد اقل سه بار {سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ} بگو، بعد از آن از حالت رکوع با گفتن (سمع الله لمن حمده) سرت را بلند کن، و اگر مقتدی باشی فقط {رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ} بگو و آرام ایستاده شو.
- بعد از آن برای سجده کردن به گونه یی پایین شو که نخست زانوها بعد هردو دست، بعد روی خود را در میان هردو دست بر زمین بگذار، و با آرامی بر بینی و پیشانی خود

۱ - مسند أحمد - (ج ۱۸ / ص ۲۰۰)

۲ - مقتدی تعوذ نمی خواند زیرا تعوذ برای قراءت است و مقتدی قرائت نمی خواند

۳ - مقتدی بسم الله نمی گوید بلکه امام و منفرد در هر رکعت بسم الله می گویند.

سجده کن، شکم خود را از هردو رانت، آرنج‌هایت را اگر ازدحام نباشد از پهلوهایت دور بدار، انگشتان هردو دست و هردو پایت را به سوی قبله بگردان، و در سجده حد اقل سه بار **(سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى)** بگو.

• بعد از آن همزمان با بلند نمودن سر از سجده اول تکبیر بگو، و در میان هردو سجده در حالیکه هردو دست را بر هردو رانت نهاده باشی با اطمینان بنشین.

• بعد از آن تکبیر بگو و سجده دوم را بجا آر، و در سجده دوم نیز مثل سجده اول حد اقل سه بار تسبیح بگو.

• بعد از آن تکبیر بگو و سرت را از سجده بلند کن، و به شکلی بلند شو که دست را بر زمین نگذاری و نه بنشینی که بدین ترتیب یک رکعت از نمازت مکمل می‌شود.

**رکعت دوم:** رکعت دوم را نیز مثل رکعت اول ادا کن لیکن (در شروع رکعت دوم) هردو دست را به هر دو گوشت بلند نکن، ثنا و اعوذ بالله بخوان، و هرگاه از سجده رکعت دوم فارغ گردیدی پای چپ خود را هموار کن و بر آن بنشین و پای راست را ایستاده کن و انگشتان را به سوی قبله متوجه ساز، هردو دست را بر هردو رانت بگذار، و انگشتان را گشاده دار، بعد از آن تشهدی را بخوان که از عبدالله بن مسعود نقل گردیده:

**(التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ  
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَرَسُولُهُ)**

در هنگام خواندن شهادت با انگشت سبابه خود اشاره کن، یعنی در هنگام گفتن (لا إله) انگشت خود را بلند و در هنگام گفتن (إلا الله) دوباره آن را پایین کن.

### اگر نماز دو رکعتی باشد

اگر نماز دو رکعتی باشد (مثلا نماز صبح) بعد از تشهد درود ذیل را بخوان:

**(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ  
إِنَّكَ خَيْرُ مَجِيدٍ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى  
آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ خَيْرُ مَجِيدٍ).**<sup>۱</sup>

بعد از آن دعایی را بخوان که نظیر آن در قرآن یا حدیث آمده باشد، مثلا دعای ذیل:

**{رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ}.**

بعد از آن به سمت راست و چپ خود سلام بگردان **(السلام علیکم ورحمة الله)** بگو.

۱- رواه مسلم.

**اگر نماز چهار رکعتی باشد:** اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی بود در قعده اول جز تشهد چیزی دیگری بخوان، بلکه بعد از خواندن تشهد با گفتن تکبیر به رکعت سوم بلند شو، در رکعت سوم فقط الحمد لله بخوان، و اگر نماز سه رکعتی باشد (مثل نماز شام)، یا چهار رکعتی باشد (مثل نماز پیشین) و (نماز عصر)، در رکعت چهارم نیز فقط الحمد لله را بخوان، رکوع و سجده را در این یک یا دو رکعت آخر بجا آر چنانچه در دو رکعت اول کرده بودی، بعد از آن بنشین و در نشست آخر خود تشهد و به تعقیب آن درود و دعا بخوان. در وقت سلام گردانیدن نیت ملائکه امام و مقتدیان را داشته باش.

## فعالیت

۱. شاگردان تفاوتی را که در بین رکعت اول و دوم نماز است بیان کنند و آن را بنویسند.
۲. تعدادی از شاگردان نماز پیشین را در پیش روی همصنفیان خود ادا کنند.
۳. راجع به نماز مرد و زن شاگردان با هم گفتگو نمایند.

## ارزیابی



۱. طریقه ادا نمودن رکعت اول نماز را بیان کنید.
۲. هرگاه از سجده رکعت اول فارغ گردیدی چه کاری خواهی کرد؟
۳. اگر نماز دو رکعتی باشد چه خواهی کرد؟
۴. فرق نماز دو رکعتی از چهار رکعتی را بیان کنید.
۵. در تشهد چه می خوانی؟
۶. بعد از تشهد چه خوانده می شود؟
۷. هرگاه به طرف راست و چپ سلام می گردانیدی کدام نیت لازم است؟

## کارخانه گی



تفاوتی که در بین نماز مرد و زن وجود دارد آن را در کتابچه های خود بنویسید.



## کیفیت ادای نماز (۲)

در نماز برخی از امور واجب است، اگر کسی بعضی از آن امور را سهوا ترک کند نمازش ناقص می‌شود و توسط سجده بی سهو تکمیل می‌گردد، و اگر کسی قصدا یکی از آن امور را ترک کند اعاده نماز بر وی واجب می‌گردد، و اگر اعاده نکند گناهکار می‌شود.

(۱) وَيَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الْفَجْرِ، وَفِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَالْعِشَاءِ، إِنْ كَانَ إِمَامًا، وَيُخْفِي الْقِرَاءَةَ فِيمَا بَعْدَ الْأُولَيْنِ، وَإِنْ كَانَ مُنْفَرِدًا فَهُوَ خَيْرٌ: إِنْ شَاءَ جَهَرَ وَأَسْمَعَ نَفْسَهُ، وَإِنْ شَاءَ خَافَتِ.

(۲) وَيُخْفِي الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ.

(۳) وَالْوُتْرُ: ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ لَا يَفْصِلُ بَيْنَهُنَّ بِسَلَامٍ.

(۴) وَيَقْنُتُ فِي الثَّالِثَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ فِي جَمِيعِ السَّنَةِ، وَيَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ مِنَ الْوُتْرِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْنُتَ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقْنُتُ وَلَا يَقْنُتُ فِي صَلَاةٍ غَيْرِهَا.

(۵) وَلَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ قِرَاءَةُ سُورَةٍ بِعَيْنِهَا لَا يُجْزئُ غَيْرُهَا وَيُكْرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ سُورَةً لِلصَّلَاةِ بِعَيْنِهَا لَا يَقْرَأُ غَيْرَهَا.

(۶) وَأَدْنَى مَا يُجْزئُ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ، مَا يَتَنَاوَلُهُ اسْمُ الْقُرْآنِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَحُمَّدٌ: لَا يُجْزئُ أَقَلُّ مِنْ ثَلَاثِ آيَاتٍ قِصَارًا، أَوْ آيَةٍ طَوِيلَةٍ.

(۷) وَلَا يَقْرَأُ الْمُؤْتَمُّ خَلْفَ الْإِمَامِ.

(۸) وَمَنْ أَرَادَ الدُّخُولَ فِي صَلَاةٍ غَيْرِهِ يَحْتَاجُ إِلَى نِيَّتَيْنِ: نِيَّةِ الصَّلَاةِ وَنِيَّةِ الْمَتَابَعَةِ.

## ترجمه

- (۱) امام در دو رکعت اول از نماز صبح، شام و خفتن به آواز بلند قرائت کند، و در رکعت‌های بعد از دو رکعت اول آهسته خواند، و اگر منفرد بود اختیار دارد: اگر بخواهد به آواز بلند خواند که خودش بشنود، و اگر بخواهد آهسته قرائت کند.
- (۲) امام در نماز پیشین و نماز عصر آهسته قرائت کند.
- (۳) نماز وتر سه رکعت است، و در میان آن با سلام دادن جدایی نیاورد.
- (۴) در تمام سال در رکعت سوم نماز وتر قبل از رکوع قنوت خوانده میشود، و در هر رکعت وتر همراه فاتحه یک سوره قرائت می‌کند، و هرگاه اراده‌ی خواندن قنوت نماید تکبیر می‌گوید، هردو دست خود را بلند کند و قنوت بخواند، و جز وتر در دیگر نمازها قنوت نخواند.
- (۵) در هیچ نماز خواندن سوره‌ی معینی نیست که نماز بدون خواندن آن صحیح نشود، و تعیین سوره‌ی از سوره‌های قرآن کریم برای یک نماز که جز آن، سوره‌ی دیگری قرائت نشود مکروه است.
- (۶) حد اندک قرائت که برای صحت نماز کافی است نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه همان مقداری است که آن را قرأت گفته شود، اما امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: کمتر از یک آیت دراز و یا کمتر از سه آیت کوتاه جواز ندارد.
- (۷) مقتدی در عقب امام قرائت نکند.
- (۸) کسیکه در عقب امامی اراده‌ی نماز خواندن کند باید دو نیت نماید: یکی نیت نماز و دیگری نیت اقتدا.

## شرح

### واجبات نماز

۱. شروع کردن در نماز بگونه‌ی خاص به لفظ الله اکبر.
۲. قرائت فاتحه در دو رکعت اول فرض و در همه رکعات وتر و نفل.
۳. قرائت حد اقل سه آیت کوتاه و یا یک آیت دراز همراه فاتحه در دو رکعت اول نمازهای

- فرضی و در تمام رکعات وتر و نوافل.
۴. تقدیم فاتحه بر آیات در قرائت.
۵. عدم تاخیر سجده دوم پس از سجده اول.
۶. رعایت اعتدال و اطمینان در ادای تمام رکعت‌های نماز.
۷. قعده اول به اندازه تشهد.
۸. خواندن تشهد در قعده دوم.
۹. برخاستن به رکعت سوم بعد از خواندن تشهد بدون کدام تاخیر.
۱۰. خارج شدن از نماز با گفتن دو سلام.
۱۱. خواندن قنوت در رکعت سوم وتر بعد از فاتحه و یک سوره.
۱۲. به جهر قرائت خواندن امام در دو رکعت اول نماز صبح، شام، خفتن، جمعه، هردو عید و وتر در رمضان.
- منفرد (تنها گزار) در نمازهای جهری اختیار دارد: اگر بخواهد جهر خواند و اگر بخواهد خفیه می‌خواند لیکن جهر در نمازهای جهری افضل است.
۳. آهسته قرائت کردن امام و منفرد در نمازهای پیشین، عصر، رکعت اخیر شام و دو رکعت آخر خفتن، همچنان در نوافل روز.

## فعالیت

شاگردان فرق بین ارکان و واجبات نماز را بیان کنند.

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و از طریق سوال و جواب واجبات نماز را یاد بگیرند.

## ارزیابی

۱. واجبات نماز چند است، هفت واجب آن را بیان کنید.
  ۲. در مقابل جملات ذیل علامه صحیح (✓) یا غلط (X) بگذارید.
- بعد از سجده اول ادای سجده دوم بدون تاخیر سنت است ( )

- اعتدال و اطمینان در ادای همه ارکان واجب است ( )
- نشستن در قعده اول به اندازه تشهد واجب است ( )
- خواندن تشهد در هر دو قعده واجب است ( )
- بعد از خواندن تشهد اول برخاستن فوری به رکعت سوم مستحب است ( )
- خارج شدن از نماز با گفتن سلام واجب است ( )

## کارخانه گی



دعای قنوت را در کتابچه‌های تان بنویسید.

## نماز جماعت

نماز با جماعت بسیار ثواب دارد، رسول الله ﷺ و صحابه کرام در تمام عمر نمازهای خود را با جماعت ادا می کردند، نماز جماعت سبب الفت و محبت میان نمازگزاران می گردد، امامت نیز یک مسئولیت بزرگ می باشد، لهذا لازم است که امام باید اهلیت امامت را داشته باشد. در اینجا احکام نماز جماعت بیان میشود.

وَالْجَمَاعَةُ سُنَّةٌ مُؤَكَّدَةٌ.

(۱) وَأَوَّلَى النَّاسِ بِالْإِمَامَةِ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ، فَإِنْ تَسَاوَوْا فَأَقْرَوُهُمْ، فَإِنْ تَسَاوَوْا فَأَوْرَعُهُمْ، فَإِنْ تَسَاوَوْا فَاسْتَنْهُمْ.

(۲) وَيُكْرَهُ تَقْدِيمُ الْعَبْدِ، وَالْأَعْرَابِيِّ، وَالْفَاسِقِ، وَوَلَدِ الزَّانَا، وَالْأَعْمَى، فَإِنْ تَقَدَّمُوا جَازَ.

(۳) وَيَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ لَا يَطُولَ بِهِمُ الصَّلَاةُ.

(۴) وَيُكْرَهُ لِلنِّسَاءِ أَنْ يُصَلِّيْنَ وَحْدَهُنَّ جَمَاعَةً، فَإِنْ فَعَلْنَ وَقَفَتِ الْإِمَامُ وَسَطَهُنَّ.

(۵) وَمَنْ صَلَّى مَعَ وَاحِدٍ أَقَامَهُ عَنْ يَمِينِهِ، فَإِنْ كَانَا اثْنَيْنِ تَقَدَّمَ عَلَيْهِمَا.

(۶) وَلَا يَجُوزُ لِلرِّجَالِ أَنْ يَقْتَدُوا بِامْرَأَةٍ وَلَا بِصَبْيٍ.

(۷) وَيَصِفُ الرِّجَالُ ثُمَّ الصَّبِيَّانُ ثُمَّ النِّسَاءُ.

(۸) فَإِنْ قَامَتِ امْرَأَةٌ إِلَى جَانِبِ رَجُلٍ وَهُمَا مُشْتَرِكَانِ فِي صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ أَفْسَدَتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ.

(۹) وَيُكْرَهُ لِلنِّسَاءِ حُضُورُ الْجَمَاعَاتِ، وَلَا بَأْسَ أَنْ تَخْرُجَ الْعَجُوزُ فِي الْفَجْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ.

(۱۰) وَلَا يُصَلِّي الطَّاهِرُ خَلْفَ مَنْ بِهِ سَلْسُلُ الْبَوْلِ، وَلَا الطَّاهِرَاتُ خَلْفَ الْمُسْتَحَاضَةِ.

وَلَا الْقَارِئُ خَلْفَ الْأُمِّيِّ، وَلَا الْمُكْتَسِبِيُّ خَلْفَ الْعُرْيَانِ.  
 (۱۱) وَيَجُوزُ أَنْ يُؤَمَّ الْمُتَيَمَّمُ الْمُتَوَضِّعِينَ وَالْمَاسِحُ عَلَى الْخَفَيْنِ الْغَاسِلِينَ وَيُصَلِّي الْقَائِمُ  
 خَلْفَ الْقَاعِدِ.  
 (۱۲) وَلَا يُصَلِّي الَّذِي يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ خَلْفَ الْمُؤَمِّيِّ، وَلَا يُصَلِّي الْمُفْتَرِضُ خَلْفَ الْمُتَنَفِّلِ  
 وَلَا مَنْ يُصَلِّي فَرَضًا خَلْفَ مَنْ يُصَلِّي فَرَضًا آخَرَ، وَيُصَلِّي الْمُتَنَفِّلُ، خَلْفَ الْمُفْتَرِضِ.  
 (۱۳) وَمَنْ اقْتَدَى بِإِمَامٍ ثُمَّ عَلِمَ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ أَعَادَ الصَّلَاةَ.

## ترجمه

### نماز جماعت سنت مؤکد است.

(۱) شایسته ترین مردم برای امامت مردی است که به سنت خوب عالم باشد، و اگر همه در علم به سنت برابر باشند پس کسیکه در میان ایشان قاری خوب باشد شایسته یی امامت است، و اگر همه در قرائت برابر بودند، پس کسیکه در بین شان از همه پرهیزگارتر باشد شایسته یی امامت است، و اگر در تقوا نیز همه برابر بودند پس کسیکه از همه از نگاه سن بزرگتر بود لایق امامت است.

(۲) امامت غلام، بادیه نشین، فاسق، ولد زنا (حرام زاده) و نابینا مکروه است، و اگر به امامت پیش کرده شوند جایز است.

(۳) امام را شایسته آنست که نماز را بر مقتدیان دراز نکند.

(۴) برای زنان جماعت تنهایی مکروه است، و اگر خواستند که جماعت کنند باید امام در وسط شان بایستد.

(۵) اگر امام با یک شخص جماعت کند باید مقتدی را در سمت راست خود ایستاده کند، و اگر با دو نفر جماعت کند از ایشان پیش ایستاده شود.

(۶) برای مرد جواز ندارد که به زن یا طفل اقتدا کند.

(۷) (در صف بندی) اول صف مردان، بعد صف اطفال بعد صف زنان بسته میشود.

(۸) اگر زنی در پهلوی مردی در نمازی بایستد که هر دو در آن نماز شریک باشند (امام قصد<sup>۱</sup> امامت را داشته باشد) نماز مرد فاسد می گردد.

۱ - الجوهرة النيرة - (۱ / ۲۴۳).

(۹) حاضر شدن زن به نماز جماعت مکروه است، لیکن اگر زن کلان سال باشد و به جماعت صبح، شام، خفتن، جمعه و هر دو عید حاضر شود کدام باکی ندارد.

(۱۰) شخص پاک نباید به کسی که به مرض سلسل البول مبتلا است اقتدا کند، و نه زن پاک به زن مستحاضه اقتدا کند، و نه قاری به عقب امی اقتدا نماید، و نه انسان صاحب لباس به شخص برهنه اقتدا کند.

(۱۱) جایز است که تیمم کننده به وضوء کننده و مسح (به موزه‌ها) به غاسل (پاها) امامت کند، قائم خلف قاعد (نشسته) نماز خوانده می‌تواند.

(۱۲) برای کسیکه رکوع و سجده میکند جایز نیست پشت اشاره کننده نماز بخواند. فرض گزار نباید به نفل گزار اقتدا کند، همچنان یک فرض گزار به فرض گزاری که فرض دیگری را می‌خواند اقتدا نکند، لیکن نفل گزار می‌تواند به شخص فرض گزار اقتدا نماید.

(۱۳) اگر شخصی به امامی اقتدا نمود و بعدتر دریافت که امام وضو ندارد باید نماز خود را اعاده کند.

## شرح تعریف جماعت

جماعت: ارتباط میان نماز امام و مقتدی را جماعت گویند.

بدون از نماز جمعه در سائر نمازها امام با حداقل یک نفر نماز را به جماعت ادا کرده می‌تواند، اما در نماز جمعه علاوه از امام حداقل سه نفر برای جماعت ضروری است.

**حکم جماعت:** ادای نمازهای پنجگانه فرضی با جماعت، برای مردان سنت مؤکد است که قریب به درجه واجب می‌باشد، نماز با جماعت بر نماز تنها گزار بیست و هفت درجه برتری دارد.

کسانی که شایسته امامت اند:

۱. سلطان و نائب وی از دیگران به امامت حقدارتر اند.
۲. امام مسجد در مسجد خود به امامت حقدار است.
۳. اگر در خانه جماعت برپا شود صاحب خانه به امامت نماز جماعت بیشتر حقدار است.
۴. اگر سلطان یا نائب وی، یا امام مقرر، یا صاحب خانه در میان مردم نباشند در آنصورت عالم خوب به امامت حقدار است.

۵. بعد از آن بهترین قاری.
۶. بعد از آن کسی که از همه پرهیزگار است.
۷. بعد از آن کسی که از همه کلان سال باشد.
۸. و اگر در این صفت برابر بودند پس نماز گزاران هر کسی را که انتخاب کنند همان شخص امامت کند.
۹. اگر نماز گزاران در انتخاب امام با هم اختلاف کنند در این صورت کسی را پیش کنند که اکثریت ایشان او را برگزینند.

### **مکروهات امامت و جماعت:**

۱. امامت مرد فاسق مکروه است.
۲. امامت شخص مبتدع مکروه است.
۳. امامت شخص نابینا مکروه است، مگر اینکه در میان حاضران، وی از همه بهتر باشد در این صورت امامت وی مکروه نیست.
۴. در صورت موجود بودن عالم، امامت جاهل مکروه است.
۵. امامت شخصی مکروه است که مردم به سبب عیبی او را خوش ندارند.
۶. دراز نمودن نماز از اندازه مسنون مکروه است.
۷. جماعت تنهایی برای زنان مکروه است، و اگر به تنهایی جماعت کنند امام در وسط بایستد.
۸. در زمانه حاضر بخاطر عام شدن فتنه حاضر شدن زنان به نماز جماعت مکروه است.

### **جای ایستادن مقتدی و ترتیب صفوف:**

۱. اگر همراه امام یک مقتدی باشد باید مقتدی در جانب راست امام اندکی عقب تر از وی بایستد.
۲. اگر همراه امام دو نفر یا بیشتر از دو نفر باشند در عقب امام بایستند، همچنان اگر یک مرد و یک طفل باشند هر دو در عقب امام بایستند.
۳. اگر در محلی مردان، زنان، خنثی مشکل ها (کسانی که نه زن اند و نه مرد یعنی جنس شان مشخص نیست) جمع باشند، صف اول برای مردان، صف دوم برای اطفال، صف سوم برای (خنثی مشکل ها) و صف آخر برای زنان است.
۴. در صف اول باید اشخاص فهمیده بایستند تا در هنگام بی وضو شدن امام وجیه امامت را ادا کنند.



## شروط صحت اقتدا

با رعایت نمودن شروط ذیل اقتدا صحیح می‌شود:

۱. مقتدی در وقت گفتن تکبیر تحریمه نیت متابعت امام را کند.
۲. حال امام از مقتدی کم نباشد، یعنی امامی که نیت نفل کرده باشد و مقتدی بی که اراده بی فرض را داشته باشد اقتدای همچو مقتدی به همچو امام صحیح نیست، اما اقتدای مقتدی نفل گزار از عقب امام فرض گزار صحیح است.
۳. امام و مقتدی هردو در یک وقت قصد ادای فرض را داشته باشند لیکن اگر امام قصد نماز پیشین و مقتدی قصد ادای نماز عصر را دارد و یا عکس آن، در آنصورت نیز اقتدا صحیح نمی‌شود.
۴. اقتدای مقتدی متوضی به امام متیمم صحیح است.
۵. اقتدای مقتدی که بر موزه خود مسح کرده، به امامی که هردو پای خود را شسته جایز است.
۶. اقتدای کسی که ایستاده نماز می‌خواند از عقب کسی که نشسته نماز می‌خواند صحیح است.
۷. اقتدای کسیکه به اشاره نماز می‌خواند به کسی که مثل او به اشاره نماز می‌خواند صحیح است.

## مسایل

- اگر امام به رکعت سوم بلند شود و مقتدی تشهد را پوره نکرده باشد، متابعت امام خود را نکند بلکه تشهد را تکمیل نموده بعد از آن بلند شود.
- لیکن اگر مقتدی تسبیحات رکوع را پوره نکرده باشد و امام از رکوع بلند شود، مقتدی تسبیحات را ترک نموده متابعت امام را کند.

## فعالیت

در نماز جماعت کدام حکمت‌ها وجود دارد؟

## ارزیابی



۱. جماعت را تعریف کنید.
۲. حکم نماز جماعت و بعضی احکام آن را بیان کنید.
۳. جماعت برای کی سنت است؟
۴. در باره جای ایستادن مقتدی و ترتیب صفوف معلومات دهید.
۵. شروط صحت اقتدا کدام اند؟

## کارخانه گی



کی به امامت نماز جماعت حقدار تر است؟ جواب این پرسش را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## مفسدات و مکروهات نماز

نماز در بعضی موارد مکروه و در بعضی موارد فاسد می شود، حالا می خواهیم تا این امور را بشناسیم تا اینکه در نماز ما نقصانی به وجود نیاید.

(۱) وَيُكْرَهُ لِلْمُصَلِّي أَنْ يَعْثَرَ بِثَوْبِهِ أَوْ بِجَسَدِهِ، وَلَا يُقَلِّبُ الْحَصَى إِلَّا أَنْ لَا يُمْكِنَهُ السُّجُودُ عَلَيْهِ فَيَسُوِيَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً، وَلَا يُفَرِّقُ أَصَابِعَهُ، وَلَا يَتَخَصَّرُ، وَلَا يَسْدِلُ ثَوْبَهُ، وَلَا يَعْقِصُ شَعْرَهُ، وَلَا يَلْفُ ثَوْبَهُ، وَلَا يَلْتَفِتُ، وَلَا يُقْعِي، وَلَا يَرُدُّ السَّلَامَ بِلِسَانِهِ وَلَا بِيَدِهِ، وَلَا يَتَرَبَّعُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ، وَلَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ.

(۲) فَإِنْ سَبَقَهُ الْحَدَثُ انْصَرَفَ، فَإِنْ كَانَ إِمَامًا اسْتَخْلَفَ، وَتَوَضَّأَ وَبَنَى عَلَى صَلَاتِهِ، وَالْإِسْتِثْنَاءُ أَفْضَلُ.

(۳) وَإِنْ نَامَ فَاحْتَلَمَ، أَوْ جَنَّ، أَوْ أُغْمِيَ عَلَيْهِ، أَوْ فَهَقَهُ اسْتَأْنَفَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ.

(۴) وَإِنْ تَكَلَّمَ فِي صَلَاتِهِ عَامِدًا، أَوْ سَاهِيًا، بَطَلَتْ صَلَاتُهُ.

(۵) وَإِنْ سَبَقَهُ الْحَدَثُ بَعْدَ التَّشَهُّدِ، تَوَضَّأَ وَسَلَّمْ، وَإِنْ تَعَمَّدَ الْحَدَثَ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ، أَوْ تَكَلَّمَ، أَوْ عَمِلَ عَمَلًا يُنَافِي الصَّلَاةَ، تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

(۵) وَإِنْ رَأَى الْمُتِمِّمُ الْمَلَأَ فِي صَلَاتِهِ بَطَلَتْ فَإِنْ رَأَاهُ بَعْدَمَا قَعَدَ قَدَرَ التَّشَهُّدِ، أَوْ كَانَ مَاسِحًا عَلَى الْخَفَيْنِ فَانْقَضَتْ مُدَّةُ مَسْحِهِ، أَوْ خَلَعَ حُفْنِيهِ بِعَمَلٍ رَقِيقٍ، أَوْ كَانَ أُمِّيًّا فَتَعَلَّمَ سُورَةً، أَوْ عُزَيَانًا فَوَجَدَ ثَوْبًا، أَوْ مُومِيَا فَقَدَرَ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، تَذَكَّرَ أَنْ عَلَيْهِ صَلَاةً، فَاتَّيَتْهُ قَبْلَ هَذِهِ. أَوْ أَحَدَتِ الْإِمَامُ الْقَارِئُ فَاسْتَخْلَفَ أُمِّيًّا أَوْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَهُوَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، أَوْ دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ وَهُوَ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ، أَوْ كَانَ مَاسِحًا عَلَى الْجَبِيَةِ فَسَقَطَتْ عَنْ بُرٍّ، أَوْ كَانَ صَاحِبَ عُذْرٍ فَانْقَطَعَ عُذْرُهُ بَطَلَتْ صَلَاتُهُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

## ترجمه

(۱) برای نماز گزار ساعت تیری کردن با لباس و یا بدنش مکروه است، نباید سنگریزه را (از جای سجده) دور کند مگر اینکه سجده بر آن ممکن نباشد، در این صورت می تواند یکبار آن را برابر کند، صدای انگشتان خود را نکشد، و هر دو دست خود را بر بالای پهلویش نهد، لباس خود را بر تنش آویزان نکند، موی سر خود را یکجا جمع نکند، لباس خود را پیچ ندهد، به جانب راست و چپ خود ننگرد، جواب سلام را نه به زبان و نه به اشاره بدهد، بدون عذر چارزانو ننشیند، نخورد و ننوشد.

(۲) اگر (نماز گزار) در اثنای نماز بی وضو گردید نمازش را قطع کند و وضو کند و از جاییکه قطع نموده بنا نماید، اگر امام نباشد، و اگر امام باشد به جای خود کسی را نصب کند، وضوء سازد و نماز خود را بنا کند، (به شرط آنکه سخن نگفته باشد)، لیکن دوباره گزاردن نماز از بنا کردن آن بهتر است.

(۳) و اگر نماز گزار خواب کرد و احتلام شد، یا دیوانه شد، یا بی هوش گردید، یا به فحشه خنده کرد وضو و نماز هر دو را دوباره بجا آورد.

(۴) اگر در اثنای نماز قصد ا یا سهوا سخن گفت نمازش باطل شود.

(۵) اگر به اندازه تشهد قعه کند بعد از آن بی وضو گردد باید وضو کند و سلام بگرداند، و اگر در این حال قصد خود را بی وضو نماید یا قصد سخن گوید یا کدام عمل منافی نماز را مرتکب شود نمازش تکمیل است.

(۶) اگر شخص متیمم در اثنای نماز آب را بیند نمازش باطل می شود، لیکن اگر به اندازه تشهد نشسته باشد و در این اثنا آب را بیند، یا ماسح (مسح کننده بر موزه) مدت مسحش پایان یابد، یا با یک عمل اندک (به آسانی و بدون تکلیف) موزه بی خود را از پایش بیرون کند، یا شخص ناخوان بود و سوره یی را یاد کرد، یا برهنه بود و لباس را پیدا نمود، یا اشاره کننده بود و به رکوع و سجده کردن قدرت یافت، یا به یادش آمد که قبل از این نماز نماز دیگری از وی ترک شده، یا امام قاری بی وضو شد و امی را خلیفه ساخت، یا در نماز صبح بود که آفتاب طلوع کرد، یا در نماز جمعه بود که وقت نماز عصر داخل شد، یا مسح کننده بر جیره

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (۲ / ۲۱۹). العناية شرح الهدایة - (۲ / ۱۱۳).

بود که تکه بسته شده به سبب بهبود (صحت) زخم افتید، صاحب عذر بود و عذرش مرفوع گردید، نماز اشخاص فوق نزد امام ابو حنیفه رحمة الله علیه باطل است، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: در تمام مسایل فوق نماز صحیح و مکمل است.

## شرح

### مکروهات نماز

۱. یکی از سنت‌های نماز را به طور قصدی ترک کردن.
۲. با لباس و بدن خود ساعت تیری کردن.
۳. نماز خواندن در لباسی که انسان نمی خواهد با آن به دیدن اشخاص شریف و معزز برود.
۴. در نماز با چیزی تکیه کردن
۵. بدون ضرورت به طرف راست و چپ دیدن همراه پیچدن گردن
۶. رویا روی انسان نماز خواندن
۷. کشیدن صدای انگشتان.
۸. داخل نمودن انگشتان در یکدیگر.
۹. چارزانو نشستن بدون عذر.
۱۰. نشستن مثل سگ<sup>۱</sup>.
۱۱. دور کردن سنگریزه از جای سجده، مگر اینکه سجده بر آن مشکل باشد که در آنصورت یک یا دو بار جایز است.
۱۲. خواندن نماز در جایکه پشت سر، پیش رو یا بالای سر نماز گذار عکس‌ها باشد.
۱۳. نماز خواندن در حالیکه از پیشاب و مواد غایطه به تکلیف باشد.
۱۴. دست بر کمر یا پهلوی نهادن.
۱۵. آویزان کردن لباس، به این ترتیب که لباس یا چادر را بر شانه یا سر خود بیافکنند و دو طرف آن را آویزان کند.

---

۱ - نشستن همانند سگ آنست که مقعد بر زمین نهد و هر دو زانو را به طرف سینه یکجا کند و هر دو دست خود را پیش روی خود گذارد.

۱۶. نماز در وقت حاضر بودن طعام که اشتهای خوردن آن را داشته باشد.
۱۷. تعیین سوره برای نماز که جز همان سوره، سوره دیگری را تلاوت نکند.
۱۸. مکرر خواندن یک سوره در دو رکعت فرض.
۱۹. گرداندن انگشتان دست یا پای از قبله در حالت سجده یا هر رکن دیگر.
۲۰. سجده کردن بر پیچ دستار یا بر عکس ذی روح.
۲۱. فاژه کشیدن، و اگر به فاژه کشیدن مجبور گردید دست راست خود را بر دهن خود بگیرد.

۲۲. پایین کردن لنگ یا سروال از بجلک‌ها.

۲۳. به اشاره جواب دادن سلام

۲۴. بدون ضرورت چشم خود را بستن.

۲۵. بسوی آسمان دیدن.

۲۶. بدون عذر ایستادن امام در داخل محراب.

### مفسدات نماز

مفسدات نماز اموری اند که به سبب آن صحت نماز از بین می‌رود لیکن بعضی آنها اضطراری است مانند بی وضویی، و بعضی دیگر اختیاری می‌باشد مانند سخن گفتن.

اگر یکی از اشیای ذیل در نماز به وجود آید نماز فاسد می‌شود:

۱. ترک یکی از شروط نماز.
۲. ترک یکی از ارکان نماز.
۳. طلوع آفتاب در هنگام ادای نماز صبح.
۴. سخن گفتن در اثنای نماز، برابر است که قصدا باشد یا سهوا.
۵. در نماز همانند سخنان مردم دعا کند.
۶. در اثنای نماز به کسی سلام دهد یا سلام کسی را به زبان یا دست خود جواب دهد، برابر است که قصدا باشد یا سهوا لیکن اگر به اشاره جواب سلام دهد نمازش فاسد نمی‌شود. لیکن مکروه است.

۷. عمل کثیر: در اثنای نماز حرکاتی را انجام دهد که مردم گمان برند وی در نماز نیست.
۸. گردانیدن سینه از قبله.
۹. خوردن چیزی هر چند که اندک باشد.
۱۰. بلعیدن چیزی که در بین دندانها و به اندازه یک نخود باشد.
۱۱. برهنه شدن عورت در نماز به اندازه وقت ادای یک رکعت.
۱۲. جنون (دیوانگی).
۱۳. بی هوشی.
۱۴. سرفه کردن (گلو تازه کردن) بدون ضرورت.
۱۵. شخصی متوضی گمان کند که بی وضو گردیده و از مسجد یا از صفهای نماز بگذرد.
۱۶. در نماز به آواز بلند خنده کردن.
۱۷. در اثنای ادای نمازهای عیدین وقت زوال داخل شود.
۱۸. در اثنای ادای نماز جمعه وقت عصر داخل شود.
۱۹. شخص متیمم آب را پیدا کند و به استعمال آن قادر باشد.
۲۰. به سبب یک عمل اختیاری وضو بشکند.
۲۱. امام شخصی را خلیفه سازد که اهلیت امامت را نداشته باشد.
۲۲. نمازگزار صاحب ترتیب باشد، و در اثنای نماز به یادش آید که وی نماز قضایی را بجا نیاورده است.
۲۳. در اثنای نماز موزه خود را از پای بیرون کند، که به آسانی بیرون آید.

## فعالیت

حکمت کراهیت نماز در راه، قبرستان و محل نزدیک به نجاست را بیان کنید، و فرق بین مفسدات و مبطلات نماز را بنویسید.

## ارزیابی



۱. مکروه را تعریف کنید.
۲. مکروهات نماز کدامها اند؟
۳. فاسد را تعریف کنید.
۴. مفسدات نماز کدامها اند؟

## کارخانه گی



(با همکاری استاد تان) فرق بین مکروه تحریمی و مکروه تنزیهی را با دلایل بنویسید.



## بیان قضاء نمازهای فوت شده

در درس‌های گذشته در باره مسایل مربوط به ادای نماز معلومات حاصل نمودیم، حالا می‌خواهیم در باره مسایل مربوط به قضای نماز معلومات حاصل کنیم.

### بَابُ قَضَاءِ الْفَوَائِتِ:

- (۱) وَمَنْ فَاتَتْهُ صَلَاةٌ قَضَاهَا إِذَا ذَكَرَهَا، وَقَدَّمَهَا لُزُومًا عَلَى صَلَاةِ الْوَقْتِ، إِلَّا أَنْ يَخَافَ فَوَاتَ صَلَاةِ الْوَقْتِ، فَيَقْدِّمُ صَلَاةَ الْوَقْتِ عَلَى الْفَائِتَةِ ثُمَّ يَقْضِيهَا.
- (۲) فَإِنْ فَاتَتْهُ صَلَوَاتُ رَتَّبَهَا فِي الْقَضَاءِ كَمَا وَجَبَتْ فِي الْأَصْلِ، إِلَّا أَنْ تَزِيدَ الْفَوَائِتُ عَلَى سِتِّ صَلَوَاتٍ فَيَسْقُطُ التَّرْتِيبُ.

### ترجمه

- (۱) کسی که نماز از وی فوت گردد، وقتی به یادش آمد قضای آن را بیاورد، و قضای آن پیش از نماز وقتی لازم است، مگر آنکه بیم آن رود که نماز وقتی از وی فوت شود که در این صورت نماز وقتی را بر نماز فوتی مقدم کند و بعد از آن نماز فوتی را قضا بیاورد.
- (۲) و اگر از کسی نمازهای بیشتر از یک نماز فوت شده باشد به ترتیبی قضاء آن را بیاورد که به همان ترتیب فرض گردیده، مگر آنکه نمازهای فوت شده از شش نماز بیشتر شود که در این صورت ترتیب ساقط می‌شود.

## شرح تعریف قضا

قضا در لغت حکم و فیصله را گویند.

و در اصطلاح: قضا عبارت است از بجا آوردن نظیر و مانند عمل واجب شده بعد از گذشتن وقت.

### مسایل مربوط به این باب

ادا نمودن نمازها در اوقات معینه واجب است، و بدون داشتن عذر تاخیر آن جواز ندارد. و کسی که به علت عذری نماز را از وقتش تاخیر کند قضای آن نماز بر وی لازم است. قضای نماز فرض، فرض، و قضای نماز واجب، واجب می باشد. نمازهای سنت و نفل قضا ندارند، لیکن اگر بعد از شروع آن را فاسد کند قضای آن واجب است. اگر سنت نماز صبح با نماز فرض یکجا قضا شود تا پیش از زوال قضای آن را آورده می تواند، و اگر به تنهایی قضا شود قضا آورده نمی شود.

### وجوب ترتیب

رعایت ترتیب در ادای نمازهای وقتی و قضایی واجب است، و ادای نماز وقتی پیش از نماز قضایی جایز نیست، همچنان ترتیب در ادای نمازهای قضایی نیز واجب است مثلاً قضایی نماز پیشین پیش از قضایی نماز صبح جواز ندارد. لیکن ترتیب در قضای نمازهای فوت شده، یا ترتیب در بین نمازهای وقتی و نمازهای قضایی هنگامی واجب است که نمازهای فوت شده علاوه بر نماز وتر به شش نماز نرسد. اگر نمازهای فوت شده از شش نماز کمتر باشد در هنگام قضا آوردن رعایت ترتیب واجب

است، به گونه‌ی بی که قضای نماز صبح را پیش از قضای نماز پیشین می‌آورد، و قضای نماز پیشین را پیش از قضای نماز عصر می‌آورد.

### ساقط شدن ترتیب در نمازها

اگر یکی از امور سه گانه ذیل موجود شود وجوب ترتیب ساقط می‌گردد:

۱. هرگاه تعداد نمازهای فوت شده علاوه وتر به شش نماز برسد و وقت نماز ششم نیز بگذرد.

۲. خوف آن داشت که اگر قضای نماز فوت شده را بیاورد به سبب کمی وقت نماز وقتی فوت شود.

۳. هنگامیکه فراموش نمود که بر وی نماز قضایی است و نماز وقتی را ادا نمود، اگر نماز قضایی ششم نماز وتر بود بر وی واجب است که قضای وتر را پیش از نماز صبح بخواند. و اگر نمازهای فوت شده افزون گردد در آنصورت در هنگام قضا آوردن تعیین ضرورت است، اما اگر تعیین برایش دشوار باشد در این صورت اینچنین نیت کند: نیت کردم که بگزارم اول نماز پیشینی که از من قضا شده یا آخرین نماز پیشینی که از من قضا شده.

## فعالیت

با همصنفیان خود به ارتباط موضوعات ذیل گفتگو نمایید:

۱. صاحب ترتیب کیست، و کدام عمل بر وی لازم است؟

۲. ترتیب در بین نمازهای وقتی و فوتی و ترتیب در بین نمازهای فوتی چه حکم دارد؟

## ارزیابی



۱. قضا را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. ترتیب چه وقت لازم می‌شود؟
۳. ترتیب چه وقت ساقط می‌گردد؟
۴. اگر نماز ششم قضایی وتر باشد حکم آن چیست؟

## کارخانه گی



در کتابچه‌های خود جواب این سوال را بنویسید: صاحب ترتیب کیست؟

## اوقات مکروهه

نماز در بعضی اوقات جواز ندارد و در بعضی اوقات با وجود کراهیت جواز دارد، می خواهیم این اوقات را بدانیم.

بَابُ الْأَوْقَاتِ الَّتِي تُكْرَهُ فِيهَا الصَّلَاةُ:

- (۱) لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَلَا عِنْدَ قِيَامِهَا فِي الظُّهْرِ، وَلَا عِنْدَ غُرُوبِهَا، وَلَا يُصَلِّي عَلَى جِنَازَةٍ، وَلَا يَسْجُدُ لِتِلَاوَةٍ، إِلَّا عَصَرَ يَوْمِهِ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.
- (۲) وَيُكْرَهُ أَنْ يَتَنَفَّلَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، وَبَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ، وَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلِّيَ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ الْفَوَائِتِ، وَيَسْجُدَ لِلتِّلَاوَةِ، وَيُصَلِّيَ عَلَى الْجِنَازَةِ، وَلَا يُصَلِّي رَكَعَتِي الطَّوَافِ.
- (۳) وَيُكْرَهُ أَنْ يَتَنَفَّلَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ بِأَكْثَرِ مِنْ رَكَعَتِي الْفَجْرِ، وَلَا يَتَنَفَّلَ قَبْلَ الْمَغْرِبِ.

### ترجمه

بیان اوقاتی که نماز خواندن در آن مکروه است:

- (۱) نماز در هنگام طلوع آفتاب و در وقت استوا و غروب آفتاب جایز نیست، (در این سه وقت) نه نماز جنازه ادا کند و نه سجده تلاوت نماید، لیکن نماز عصر همان روز را در وقت غروب آفتاب ادا کرده می تواند.
- (۲) بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب گزاردن نماز نفل مکروه است، (همچنان) ادای نفل بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب مکروه می باشد، و اگر در این دو وقت قضائی نمازهای فوتی را بیاورد و یا سجده تلاوت کند و یا بر جنازه نماز گزارد باکی ندارد، لیکن دو رکعت نماز طواف را در این دو وقت ادا نکند.
- (۳) و بعد از طلوع صبح صادق جز دو رکعت سنت صبح، نفل خواندن مکروه است، (همچنان) پیش از نماز شام نفل نگذارد.

## شرح

### اوقاتی که در آن ادای نماز جواز ندارد:

در اوقات ذیل ادای هیچ کدام از نمازهای فرض، واجب و قضایی جواز ندارد:

۱. در هنگام طلوع آفتاب تا آنکه آفتاب بلند شود.
  ۲. در وقت استوا تا آنکه زوال صورت گیرد.
  ۳. در هنگام زرد شدن آفتاب تا آنکه آفتاب غروب کند، و نماز عصر همان روز از این حکم مستثنی است، زیرا ادای نماز عصر همان روز در هنگام زردی آفتاب نیز جایز است.
- اوقاتی که گزاردن نفل در آن مکروه است

### در اوقات ذیل گزاردن نفل مکروه است:

۱. بعد از طلوع صبح اضافه از دو رکعت سنت صبح.
۲. بعد از ادای دو رکعت فرض صبح تا آنکه آفتاب طلوع نماید.
۳. بعد از نماز عصر تا آنکه آفتاب غروب کند.

## فعالیت

شاگردان، پیرامون مسئله ذیل گفتگو نمایید:

در هنگام غروب آفتاب، گزاردن نماز عصر همان روز چرا باوجود کراهیت جواز دارد؟

## ارزیابی

۱. اوقاتی که نماز در آن جواز ندارد کدام است؟
۲. اوقاتی که گزاردن نفل در آن مکروه است کدام است؟

## کارخانه گی

(با همکاری استاد تان)، دلایل جواز خواندن نماز عصر همان روز را در هنگام زرد شدن آفتاب در کتابچه‌های خود بنویسید.

## نمازهای سنت

الله تعالی در یکشنبه روز پنج وقت نماز را بر مسلمانان فرض گردانیده و برای آنها اوقات معلوم را تعیین نموده است، ولی مسلمان تنها به ادا نمودن فرایض اکتفا نمی کند، بلکه نوافل را نیز اداء می کند، تا توسط آن کمی و کاستی فرایض را تکمیل نماید و تا این نوافل برای وی سبب اجر و پاداش گردد.

## بَابُ النَّوَافِلِ:

(۱) السُّنَّةُ فِي الصَّلَاةِ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الْعَصْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَأَرْبَعًا قَبْلَ الْعِشَاءِ، وَأَرْبَعًا بَعْدَهَا، وَإِنْ شَاءَ رَكْعَتَيْنِ.

(۲) وَنَوَافِلُ النَّهَارِ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ بِتَسْلِيمَةٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنْ شَاءَ أَرْبَعًا، وَتُكْرَهُ الزِّيَادَةُ عَلَى ذَلِكَ، فَأَمَّا نَافِلَةُ اللَّيْلِ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ إِنْ صَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ بِتَسْلِيمَةٍ وَاحِدَةٍ جَازَ، وَتُكْرَهُ الزِّيَادَةُ عَلَى ذَلِكَ وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: لَا يَزِيدُ بِاللَّيْلِ عَلَى رَكْعَتَيْنِ بِتَسْلِيمَةٍ وَاحِدَةٍ.

(۳) وَالْقِرَاءَةُ فِي الْفَرَائِضِ وَاجِبَةٌ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، وَهُوَ مُحَيَّرٌ فِي الْأُخْرَيَيْنِ، إِنْ شَاءَ قَرَأَ وَإِنْ شَاءَ سَبَّحَ وَإِنْ شَاءَ سَكَتَ.

(۴) وَالْقِرَاءَةُ وَاجِبَةٌ فِي جَمِيعِ رَكَعَاتِ النَّفْلِ وَفِي جَمِيعِ الْوُتْرِ.

(۵) وَمَنْ دَخَلَ فِي صَلَاةِ النَّفْلِ ثُمَّ أَفْسَدَهَا قَضَاهَا، فَإِنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَقَعَدَ فِي الْأُولَيَيْنِ، ثُمَّ أَفْسَدَ الْأُخْرَيَيْنِ قَضَى رَكْعَتَيْنِ.

(۶) وَيُصَلِّيُ النَّافِلَةَ قَاعِدًا مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَى الْقِيَامِ، وَإِنْ افْتَسَحَهَا قَائِمًا ثُمَّ قَعَدَ جَازَ عِنْدَ

أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا يُجُوزُ إِلَّا مِنْ عَذْرِ، وَمَنْ كَانَ خَارِجَ الْمِصْرِ، يُجُوزُ أَنْ يَتَنَفَّلَ عَلَى دَابَّتِهِ إِلَى أَيِّ جِهَةٍ تَوَجَّهَتْ يَوْمَئِذٍ إِمْلَاءً ١.

ترجمه

بیان نوافل:

(۱) سنت‌های نمازها قرار ذیل است: دو رکعت بعد از طلوع صبح صادق، چهار رکعت پیش از فرض نماز پیشین، و دو رکعت بعد از آن، چهار رکعت پیش از فرض نماز عصر، دو رکعت بعد از فرض نماز شام، چهار رکعت پیش از فرض نماز خفتن و چهار رکعت بعد از آن و اگر خواسته باشد دو رکعت بگزارد.

(۲) و در نوافل روز اگر خواسته باشد به یک سلام دو رکعت و اگر خواسته باشد به یک سلام چهار رکعت ادا کرده می‌تواند، لیکن افزون بر چهار رکعت مکروه است، اما در نوافل شب امام ابو حنیفه رحمه الله علیه گفته است: اگر خواسته باشد به یک سلام هشت رکعت نماز نفل گزارد جواز دارد و افزون بر آن مکروه می‌باشد. و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: در نوافل شب نباید به یک سلام بیشتر از دو رکعت گزارده شود.

(۳) در نمازهای فرضی در دو رکعت اول آن قرائت واجب است، و در دو رکعت باقی نماز گزار اختیار دارد، اگر خواسته باشد قرائت کند و اگر خواسته باشد تسبیح بگوید و یا خاموش باشد.

(۴) قرائت در تمام رکعت‌های نماز وتر و نفل واجب می‌باشد.

(۵) و اگر شخصی در نفل شروع نمود بعد از آن را فاسد کرد قضای آن را بیاورد، و اگر قصد ادای چهار رکعت را داشت و در دو رکعت نخست قعده بجا آورد بعد از آن در دو رکعت بعدی نماز خود را فاسد نمود، باید قضای دو رکعت بعدی را بیاورد.

(۶) نماز نفل را با وجود قدرت داشتن به قیام، نشسته اداء کرده می‌تواند، و اگر آن را در حالت ایستاده شروع نماید بعد نشسته گزارد نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه جایز است، و نزد امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله این طریقه بدون داشتن عذر جواز ندارد، و کسی که از شهر بیرون باشد برایش جواز دارد روی سواری وی به هر جانبی که باشد توسط اشاره نفل گزارد

شرح:

**نمازهای سنت:** نمازهای سنت عبارت از نمازهای اند که رسول الله ﷺ آن را علاوه بر فرائض بخاطر تقرب به الله تعالی انجام داده است، بعضی از این نمازها را بطور دایم ادا نموده



است و بعضی را گاه گاهی ترک فرموده اند.  
آن عده نمازهای که رسول الله ﷺ بر فعل آن مواظبت نموده آن را سنت مؤکده گویند و آن  
عده نمازهای که گاه گاهی آن را ادا نموده آن را سنت غیر مؤکده یا مندوب (مستحب)  
گویند.

### سنت‌های مؤکده

- ۱- دو رکعت پیش از نماز صبح.
- ۲- چهار رکعت به یک سلام پیش از نماز فرض پیشین.
- ۳- دو رکعت بعد از فرض نماز پیشین.
- ۴- دو رکعت بعد از فرض نماز شام.
- ۵- دو رکعت بعد از فرض نماز خفتن.
- ۶- چهار رکعت به یک سلام پیش از نماز فرض جمعه.
- ۷- چهار رکعت به یک سلام بعد از نماز فرض جمعه.

### سنت غیر مؤکده

چهار رکعت پیش از نماز عصر.  
شش رکعت بعد از نماز شام.  
چهار رکعت پیش از فرض نماز خفتن.  
چهار رکعت بعد از فرض نماز خفتن.  
علاوه ازین نمازها نمازهای نفلی و مستحب دیگری نیز وجود دارد مانند نماز سنت اشراق وغیره.  
**کیفیت و چگونگی ادای نمازهای سنت:** کیفیت ادای نمازهای سنت همانند نمازهای  
فرض می‌باشد، با این تفاوت که در هر رکعت نمازهای سنت و نفل بعد از فاتحه سورۀ  
خوانده می‌شود.

از طرف روز گزاردن بیشتر از چهار رکعت نماز نفل به یک سلام مکروه است، همچنان از  
طرف شب گزاردن بیشتر از هشت رکعت به یک سلام مکروه می‌باشد.  
و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه چهار رکعت نفل به یک سلام افضل است، و نزد امام ابو  
یوسف و امام محمد رحمهما الله از طرف شب دو رکعت به یک سلام و از طرف روز  
چهار رکعت به یک سلام بهتر می‌باشد.

### مسائل مربوط

**نماز نشسته:** اگر به قیام (ایستادن) قدرت داشته باشد نشسته خواندن فرض صحت ندارد.

اگر به قیام (ایستادن) قدرت داشته باشد نشسته خواندن واجب صحت ندارد. نشسته خواندن نفل جایز است هرچند که به قیام قدرت داشته باشد. اگر کسی بدون عذر نشسته نماز گزارد نصف ثواب ایستاده را مستحق می شود. **نماز بر بالای مرکب سواری:** گزاردن نماز فرض و واجب بر پشت مرکب سواری صحیح نیست. اما خواندن نماز سنت و نفل بر پشت حیوان جایز می باشد. **نماز بر کشتی:** نشسته گزاردن نماز فرض بر کشتی روان بدون داشتن عذر به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه جایز است، و نزد صاحبین ادای فرض بر کشتی روان بدون عذر جواز ندارد، و کسی که به رکوع و سجده قادر باشد به اشاره گزاردن نماز فرض در کشتی صحیح نمی باشد، و اگر کشتی در ساحل بسته باشد و نماز گزار به قیام قدرت داشته باشد نشسته خواندن وی جایز نمی باشد.

**نماز بر قطار و قطار و طیاره:** طبق فتوای علمای مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله علیه نشسته خواندن فرض و واجب در قطار و طیاره روان، بدون داشتن عذر صحیح است. اگر کسی نماز خود را بطرف قبله شروع نماید بعد از آن قطار یا طیاره به سمت مخالف قبله در حرکت شود نماز گزار نیز باید به طرف قبله روی خود را بگرداند اگر قدرت آن را داشت و اگر به این کار قدرت پیدا نکرد پس نمازش صحیح است.

## کارخانه گی



شاگردان در مورد تفاوتی که میان نماز در حالت عادی و نماز بر پشت سواری، در قطار و طیاره وجود دارد با هم گفتگو نمایند؟

## فعالیت

۱. نمازهای سنت کدام ها اند؟
۲. فرق بین سنت مؤکده و غیر مؤکده را بیان کنید.
۳. سنت های غیر مؤکده کدام سنت ها اند؟
۴. کدام نمازها مستحب اند؟

## ارزیابی



بخاطر تقسیم رکعت های نماز و شناختن آن یک جدول در کتابچه های خود رسم کنید.

## سجده سهو

بعد از دانستن احکام نمازهای وقتی و قضایی می‌خواهیم بدانیم که بخاطر جبران نقصانی که در نماز در نتیجه سهو واقع می‌شود چگونه عمل کنیم.

بَابُ سُجُودِ السَّهْوِ:

(۱) سُجُودُ السَّهْوِ وَاجِبٌ، فِي الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، بَعْدَ السَّلَامِ وَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَيُسَلِّمُ.

(۲) وَالسَّهْوُ يَلْزَمُهُ إِذَا زَادَ فِي صَلَاتِهِ فِعْلاً مِنْ جِنْسِهَا لَيْسَ مِنْهَا، أَوْ تَرَكَ فِعْلاً مَسْنُونًا أَوْ تَرَكَ قِرَاءَةَ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَالْقُنُوتِ، أَوْ التَّشَهُّدِ، أَوْ تَكْبِيرَاتِ الْعِيدَيْنِ، أَوْ جَهَرَ الْإِمَامُ فِيمَا يُخَافَتْ فِيهِ أَوْ خَافَتْ فِيمَا يُجْهَرُ.

(۳) وَسَهْوُ الْإِمَامِ يُوجِبُ عَلَى الْمُؤْتَمِّ السُّجُودَ، فَإِنْ لَمْ يَسْجُدِ الْإِمَامُ لَمْ يَسْجُدِ الْمُؤْتَمُّ، وَإِنْ سَهَا الْمُؤْتَمُّ لَمْ يَلْزَمْ الْإِمَامُ، وَلَا الْمُؤْتَمُّ السُّجُودَ.

(۴) وَمَنْ سَهَا عَنِ الْقَعْدَةِ الْأُولَى، ثُمَّ تَذَكَّرَ وَهُوَ إِلَى حَالِ الْقُعُودِ أَقْرَبُ، عَادَ فَجَلَسَ وَتَشَهَّدَ، وَإِنْ كَانَ إِلَى حَالِ الْقِيَامِ أَقْرَبَ لَمْ يُعِدْ، وَيَسْجُدُ لِلْسَّهْوِ.

(۵) وَمَنْ سَهَا عَنِ الْقَعْدَةِ الْأَخِيرَةِ، فَقَامَ إِلَى الْخَامِسَةِ، رَجَعَ إِلَى الْقَعْدَةِ مَا لَمْ يَسْجُدْ وَالْغَى الْخَامِسَةَ، وَيَسْجُدُ لِلْسَّهْوِ، وَإِنْ قَيَّدَ الْخَامِسَةَ بِسَجْدَةٍ، بَطَلَ فَرَضُهُ، وَتَحَوَّلَتْ صَلَاتُهُ نَفْلًا، وَكَانَ عَلَيْهِ أَنْ يَضُمَّ إِلَيْهَا رَكْعَةً سَادِسَةً.

(۶) وَإِنْ قَعَدَ فِي الرَّابِعَةِ قَدَرَ التَّشَهُّدِ، ثُمَّ قَامَ وَلَمْ يُسَلِّمْ يَطْنُهَا الْقَعْدَةُ الْأُولَى، عَادَ إِلَى الْقُعُودِ مَا لَمْ يَسْجُدْ فِي الْخَامِسَةِ وَيُسَلِّمْ، وَإِنْ قَيَّدَ الْخَامِسَةَ بِسَجْدَةٍ ضَمَّ إِلَيْهَا رَكْعَةً أُخْرَى، وَسَجَدَ لِلْسَّهْوِ وَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَالرَّكْعَتَانِ لَهُ نَافِلَةٌ.

(۷) وَمَنْ شَكَّ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرِ أَثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا، وَكَانَ ذَلِكَ أَوَّلَ مَا عَرَضَ لَهُ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ، فَإِنْ كَانَ الشَّكُّ يَعْرِضُ لَهُ كَثِيرًا، بَنَى عَلَى غَالِبِ ظَنِّهِ إِنْ كَانَ لَهُ ظَنٌّ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ظَنٌّ بَنَى عَلَى الْيَقِينِ.

## ترجمه

### باب در بیان سجده سهو.

(۱) سجده یی سهو در صورت زیادت و کمی در نماز واجب است، و نماز گزار بعد از سلام دو سجده می کند و تشهد می خواند و سلام می گرداند.

(۲) سجده سهو هنگامی لازم می گردد که نماز گزار عملی را در نماز زیاد کند که آن عمل از جنس نماز باشد، ولیکن در نماز داخل نباشد (مثلاً به عوض یک رکوع دو رکوع کند)، و یا اینکه یک عمل مسنون (واجب) را ترک کند، یا سورة فاتحه، قنوت، یا تشهد و یا تکبیرات عیدین را ترک نماید، یا امام به عوض اخفا (آهسته خواندن)، جهر (بلند) بخواند، یا به عوض جهر خفیه بخواند.

(۳) و اگر امام سهو کند بر مقتدی سجده سهو را واجب گرداند، و اگر امام سجده نکند مقتدی نیز سجده نکند، و اگر مقتدی سهو کند، سجده سهو نه بر مقتدی لازم می شود و نه بر امام.

(۴) و اگر کسی قعده اول را فراموش نماید و به جای آنکه بنشیند از جای خود برخیزد، و در وقتی به یادش آید که به قعده نزدیکتر است باید بنشیند و تشهد بخواند، و اگر به حالت قیام نزدیکتر بود به سوی قعده برنگردد و بعد از سلام سجده سهو کند.

(۵) و اگر قعده آخر را فراموش نمود و به رکعت پنجم برخاست، به قعده آخر برگردد تا آنکه سجده نکرده است و رکعت پنجم را ترک کند و سجده یی سهو نماید، و اگر در رکعت پنجم سجده نموده بود، فرضش باطل گردیده است، و نمازش نفل حساب می شود و بر وی لازم است که رکعت ششم را بر آن بیفزاید.

(۶) و اگر در رکعت چهارم به اندازه تشهد نشست، بعد بدون آنکه سلام گرداند به گمان اینکه قعده اول است ایستاد شد، و تا آنکه سجده رکعت پنجم را نکرده است باید بنشیند و سلام بگرداند، و اگر سجده یی رکعت پنجم را کرده بود در این صورت رکعت ششم را

همراه آن یکجا کند، و به این ترتیب نمازش کامل گردیده و دو رکعت آخری نفل شمار می‌شود، و سجده سهو نماید.

(۷) و اگر کسی اشتباه نمود و نه فهمید که سه رکعت ادا نموده یا چهار رکعت و این فراموشی برایش بار اول بود باید نماز خود را دوباره بخواند، و اگر این حالت به کثرت برایش پیش می‌شد، اگر صاحب گمان بود به غالب گمان عمل نماید، و اگر صاحب گمان غالب نبود پس به یقین بنا کند و یقین، عمل کردن به حد اقل است (و آن گرفتن جانب کم است)<sup>۱</sup>.

## شرح

**تعریف سهو:** در لغت: فراموش نمودن و غفلت نمودن را گویند.

سهو در نماز: همان نقصان و خللی را گویند که توسط نمازگزار در نماز سهواً به وجود می‌آید، و سجده کردن در آخر نماز آن را جبران می‌کند.

**احکام سجده سهو:** کسی که یکی از ارکان نماز را ترک کند نمازش باطل است، و باید دوباره آن را اداء نماید، و این نقصان به سجده سهو کامل نمی‌گردد.

و کسی که یکی از واجبات نماز را قصداً ترک کند گنهگار می‌گردد، باید دوباره آن را اداء کند، و به سجده سهو این نقصان جبران نمی‌شود.

اما اگر کسی سهواً یکی از واجبات نماز را ترک کند، سجده یی سهو بر وی واجب است، و با این کار نقصان نمازش جبران می‌شود.

## در حالات ذیل سجده سهو واجب است:

۱- هرگاه قرائت سورة فاتحه را از روی فراموشی در یک یا دو رکعت اولی فرض ترک کند. همچنان اگر قرائت سورة فاتحه را در هر رکعت از رکعت‌های نماز وتر و نفل ترک کند.

۲- هرگاه قرائت سورة فاتحه را در دو رکعت اولی فرض فراموش نماید و در دو رکعت آخری قرائت کند.

۳- هرگاه در یک یا دو رکعت اولی فرض بعد از قرائت فاتحه ضم سورة را ترک کند.

۴- سورة فاتحه را دو مرتبه قرائت کند، زیرا قرائت سورة را از محلس به تاخیر افکنده است.

۱ - الجوهرة النيرة - (۱ / ۳۱۰). الاختیار لتعلیل المختار - (۱ / ۸۰).

۵- اگر یک سجده کند و به رکعت دیگر بلند شود و بعد از ادای رکعت دو سجده کند، بعد از آن همراه آن سجده سوم کند که فراموش نموده، نمازش درست است لیکن سجده سهو بر وی واجب است.

۶- در نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی قعدۀ اول را سهوا ترک کند، برابر است که ترک قعدۀ اول در نمازهای فرضی باشد یا نفلی سجده سهو بر وی واجب است. کسی که در نماز فرضی قعدۀ اول را ترک کند و به رکعت سوم برخیزد درست ایستاده شود و به نماز خود ادامه دهد، در آخر سجده یی سهو نماید.

۷- سهوا خواندن تشهد را ترک کند.

۸- دعای قنوت را در نماز وتر ترک کند.

۹- امام در نمازهای سری به جهر بخواند.

۱۰- امام در نمازهای جهری آهسته قرائت کند.

۱۱- در قعدۀ اول از اندازه تشهد بیشتر بخواند، مثلاً به رسول الله ﷺ سهوا درود بفرستد، و یا به اندازه از زمان، خاموش بنشیند که در آن ادای یک رکن ممکن است.

### مسایل مربوط به سجده سهو

- هرگاه امام سهو نماید سجده بر امام و مقتدی هر دو واجب می گردد، و اگر مقتدی سهو نماید سجده یی سهو بر وی و امام واجب نمی باشد. و اگر مقتدی مسبوق بعد از سلام گردانیدن امام نمازش را مکمل می کرد و سهو نمود سجده یی سهو بر وی لازم است.

- هرگاه سجده سهو بر امام واجب گردد و سجده کند بر مقتدی لازم است که از وی متابعت نماید و با امام خود سجده سهو کند، و اگر بر کسی سجده سهو واجب شود و قصداً آن را ترک کند گنهگار گردیده و دوباره خواندن نماز بر وی واجب است.

- اگر کسی از روی سهو بیشتر از یک واجب را ترک کند یک مرتبه دو سجده سهو برای وی کافی است.

کسی که قعدۀ اول را در نمازهای فرضی فراموش کند، مادامیکه برابر ایستاد نشده دوباره به قعدۀ برگردد، و اگر به حالت قیام نزدیکتر بود در اخیر سجده سهو کند، و اگر به نشستن نزدیکتر بود سجده سهو بر وی لازم نمی باشد.

• کسی که قعدۀ اول را در نمازهای نفلی فراموش کند باید به قعدۀ بر گردد هر چند که برابر ایستاد شده باشد و سجده سهو نماید.

• کسی که قعدۀ آخر را فراموش نموده به رکعت پنجم بلند شد مادامیکه سجده یی رکعت پنجم را نکرده به قعدۀ بر گردد و سجده سهو نماید.

• کسی که قعدۀ آخر را فراموش نمود و به رکعت پنجم برخاست و سجده رکعت پنجم را نیز ادا کرد، فرض وی به نفل تبدیل می گردد و اگر نمازهای پیشین، عصر و خفتن باشد رکعت ششم را با آن ضمیمه نماید، و اگر نماز صبح باشد رکعت چهارم را با آن یکجا کند و در آخر سجده سهو نماید و نماز فرض را دوباره گزارد.

• کسی که به قعدۀ آخر نشست و تشهد خواند، و به گمان آنکه قعدۀ اول است بلند شد باید دوباره برگردد و سلام بگرداند و تشهد را دوباره نخواند و سجده سهو نماید.

• کسی که قصدا سلام بگرداند در حالیکه بر وی سجده سهو لازم بود، باید سجده سهو کند تا زمانی که عمل منافی نماز مثل از قبله برگشتن یا سخن گفتن را نکرده باشد سجده سهو کند (نمازش صحیح است).

• اگر کسی که نماز چهار رکعتی ادا می کند و به گمان آنکه نمازش مکمل گردیده سلام گرداند بعد به یادش آید که دو رکعت ادا نموده است، باید از همان محلی که نماز را قطع نموده شروع نماید و در آخر سجده سهو کند.

**طریقه ادا نمودن سجده سهو:** بر کسی که سجده سهو واجب گردد وقتی در قعدۀ آخر از خواندن تشهد فارغ شد به جانب راست خود یک سلام بگرداند، بعد از آن {اللَّهُ أَكْبَرُ} بگوید و دو سجده کند، و بنشیند و تشهد واجب را بخواند و به نبی کریم ﷺ درود شریف بفرستد، و دعا کند، بعد از آن بخاطر خارج شدن از نماز سلام بگرداند، و اگر پیش از سلام گرداندن سجده کند نمازش با وجود کراهیت صحیح است.

**نماز همراه با شک:** اگر کسی در دوران نماز در شمار رکعات آن شک نماید و این حالت برای بار اول برایش پیدا شده باشد نماز خود را دوباره بخواند و اگر بعد از سلام گردانیدن برایش شک پیدا شود نمازش صحیح است.

و اگر کسی بعد از سلام گردانیدن یقین نماید که بعضی رکعت های نماز را ترک نموده است، و عمل منافی نماز را (مثل سخن گفتن) انجام نداده، باید همان رکعت های ترک شده

را دوباره ادا نماید، و اگر عمل منافی نماز را انجام داده بود نماز را دوباره ادا نماید. و اگر این حالت باربار برایش پیدا میشد و شک کردن برایش عادت شد، باید به گمان غالب خود عمل کند، و اگر صاحب گمان غالب نباشد به حد اقل عمل نماید، و در آخر سجده بی سهو نماید.

## فعالیت

با همصنفیان خود همان حالات نماز را بیان کنید که شک در آن بر نماز هیچ تاثیری نمی افکند.

## ارزیابی



۱. سهو را تعریف کنید.
۲. کسی که یک رکن نماز را سهوا ترک کند به چه چیز جبران می شود؟
۳. کسی که یک واجب نماز را قصدا ترک کند آیا به سجده بی سهو جبران می شود؟
۴. شش صورت از آن صورتهای را بنویسید که سجده بی سهو واجب می گردد.
۵. اگر امام سهو کند آیا سجده بی سهو بر مقتدی واجب است؟
۶. اگر مقتدی سهو کند آیا سجده بی سهو بر امام واجب می گردد؟
۷. طریقه ادای سجده سهو را بیان کنید.
۸. نماز در کدام اوقات به سبب شک صحیح نه میشود و در کدام وقت صحیح می شود؟

## کارخانه گی



مسایل مهم مربوط به سجده سهو را در کتابچه های خود بنویسید.



## نماز مریض

گاهی چنین واقع می شود که مریضی بر یک مسلمان مکلف تاثیر می گذارد و به سبب آن بعضی ارکان نماز را انجام داده نمی تواند، بناء بر وی لازم است که طبق توان خود نماز گزارد.

الله تعالی فرموده است: {لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا} (البقره-۲۸۶). «الله تعالی هیچ نفسی را فراتر از توانش مکلف نمی سازد».

### بَابُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ:

(۱) إِذَا تَعَذَّرَ عَلَى الْمَرِيضِ الْقِيَامُ، صَلَّى قَاعِدًا يَرُكُّ وَيَسْجُدُ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعِ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، أَوْ مَأْإِمَّةً وَجَعَلَ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ، وَلَا يَرْفَعُ إِلَى وَجْهِهِ شَيْئًا يَسْجُدُ عَلَيْهِ.

(۲) فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعِ الْقُعُودَ اسْتَلْقَى عَلَى ظَهْرِهِ وَجَعَلَ رِجْلَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَأَوْماً بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، وَإِنْ اضْطَجَعَ عَلَى جَنْبِهِ وَوَجَّهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَأَوْماً جَازَ.

(۳) فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعِ الْإِمَامَةُ بِرَأْسِهِ آخِرَ الصَّلَاةِ، وَلَا يَوْمِي بَعَيْنِيهِ وَلَا بَقْلَبِهِ، وَلَا بِجَاجِيهِ

(۴) فَإِنْ قَدَّرَ عَلَى الْقِيَامِ، وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، لَمْ يَلْزَمْهُ الْقِيَامُ وَجَازَ أَنْ يُصَلِّيَ قَاعِدًا يَوْمِي إِمَّةً.

(۵) فَإِنْ صَلَّى الصَّحِيحُ بَعْضَ صَلَاتِهِ قَائِمًا، ثُمَّ حَدَثَ بِهِ مَرَضٌ، أَتَمَّهَا قَاعِدًا يَرُكُّ وَيَسْجُدُ، أَوْ يَوْمِي، إِنْ لَمْ يَسْتَطِعِ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، أَوْ مُسْتَلْقِيًا إِنْ لَمْ يَسْتَطِعِ الْقُعُودَ.

(۶) وَمَنْ صَلَّى قَاعِدًا يَرُكُّ وَيَسْجُدُ لِمَرَضٍ بِهِ، ثُمَّ صَحَّ، بَنَى عَلَى صَلَاتِهِ قَائِمًا، فَإِنْ صَلَّى بَعْضَ صَلَاتِهِ بِإِمَامَةٍ ثُمَّ قَدَّرَ عَلَى الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ.

(۷) وَمَنْ أَغْمِيَ عَلَيْهِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ، فَمَا دُونَهَا، قَضَاهَا إِذَا صَحَّ، فَإِنْ فَاتَتْهُ بِالْإِغْمَاءِ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، لَمْ يَقْضِ.

## ترجمه

### باب در بیان نماز مریض

- (۱) هرگاه ایستاد شدن در نماز بر مریض دشوار شود، نشسته نماز گزارد، رکوع و سجده کند، و اگر رکوع و سجده نتواند به اشاره نماز گزارد، و سجده خود را از رکوع پایین تر کند و چیزی را بخاطر سجده کردن به روی خود بلند نکند.
- (۲) اگر نشسته نتواند به پشت بخوابد و هردو پای خود را به سوی قبله دراز کند، و رکوع و سجده را به اشاره نماید، و اگر به پهلو خوابید و روی خود را به سوی قبله گردانید و اشاره نمود نیز جایز است.
- (۳) و اگر به سر خود اشاره نمی توانست نماز را به تاخیر افکند، به چشم، ابرو و قلب خود اشاره نکند.
- (۴) و اگر به قیام قدرت پیدا کرد ولی به رکوع و سجده قادر نبود ایستادن بر وی لازم نیست، و جایز است که به حالت نشسته به اشاره نماز گزارد.
- (۵) اگر شخص صحتمندی حصه یی از نماز خود را ایستاده گزارد و در اثنای نماز مریضی برایش عاید گردید نماز خود را نشسته پوره نماید، رکوع و سجده کند، و اگر قدرت آن را نداشت به اشاره اداء کند، و اگر قدرت نشستن را نداشت پشت خوابیده آن را بجا آورد.
- (۶) و کسی که به سبب مریضی نماز خود را نشسته ادا می کرد، در حالت رکوع و سجده صحت یاب شد، باید باقی نماز خود را ایستاده پوره کند، و اگر چیزی از نماز خود را به اشاره ادا کرده بود و در اثنای نماز صحت یاب گردید باید دوباره آن را ادا نماید.
- (۷) کسی که به سبب بی هوشی پنج نماز یا کمتر از پنج نماز از وی فوت شود، وقتی به هوش آمد قضای آن بیاورد، و اگر به سبب بی هوشی بیشتر از پنج نماز از او فوت گردد قضای آن را نیاورد.

## شرح

نماز عبادتی است که هیچ وقت ترک نمی شود، حتی در حالت مریضی نیز اداء می شود، لازمی است که در وقت مریضی مطابق توان نماز ادا شود.

نبی کریم ﷺ به حضرت عمران بن حصین رضی الله عنه فرمود: (ایستاده نماز گزار، و اگر توان آن را نداشتی پس نشسته ادا کن، و اگر توان آن را نداری پس به حالت خوابیده و به اشاره ادا کن).

## مرض:

مرض یک حالت بیماری مخالف صحت است که در صورت مبتلا گردیدن به آن بدن از حالت طبیعی خود بیرون می‌شود.

## حکم نماز در حالت مریضی

ترک نماز در هیچ حالتی جواز ندارد حتی در حال بیماری نیز نماز ترک کرده نمی‌شود.

## مسایل مربوط به این باب

- کسی که به سبب مریضی نتواند تمام ارکان نماز را بجا آورد، باید همان ارکانی را بجا آورد که قدرت بجا آوردن آن را دارد.
- اگر نماز را به حالت ایستاده ادا نمی‌توانست، نشسته آن را ادا کند.
- همچنان اگر بیم داشت که در صورت ایستاده گزاردن، مبتلا به بیماری گردد، یا بیماری اش بیشتر شود و یا سبب طولانی شدن مرضش گردد، نشسته آن را ادا نماید.
- همچنان اگر کسی به رکوع و سجده هردو قادر نه باشند آنها را نشسته به اشاره ادا نماید.
- کسی که رکوع و سجده را به اشاره می‌کند، باید سجده را از رکوعش پایین تر بسازد و اگر چنین نکند نمازش صحیح نمی‌شود.
- مریض چیزی را به طرف رویش بلند نکند تا بر آن سجده کند.
- اگر مریض به نشستن قادر نباشد باید پشت خود را بر زمین بنهد و هردو پایش را به طرف قبله گرداند و نماز خود را ادا نماید، زانوهایش را ایستاده بدارد و سر خود را بر بالشت گزارد تا رویش به طرف قبله شود و رکوع و سجده را به اشاره کند.
- اگر نماز گذار نتواند بنشیند برایش جایز است که به پهلو بخوابد و رکوع و سجده را به اشاره ادا نماید.
- اشاره در صورتی جای رکوع و سجده را می‌گیرد که توسط سر انجام شود و اگر به چشم یا ابروی خود اشاره کند نمازش صحیح نمی‌شود.
- اگر مریض از اشاره نمودن به سر عاجز باشد باید نمازش را تا یکشب و یک روز به تاخیر اندازد، و زمانی که به قضای آن توان پیدا کرد قضا بیاورد.

- اگر کسی به بیماری دیوانگی و بی هوشی مبتلا گردد و این حالت تا گذشتن بیش از پنج وقت نماز بر وی دوام پیدا کند این نمازها از وی ساقط می گردد.
- و کسی که به بیماری دیوانه گی و بی هوشی تا پنج وقت نماز یا کمتر از آن مبتلا گردد باید بعد از صحت یافتن قضای آن را بیاورد.
- اگر کسی به حالت ایستاده در نماز شروع کند و در اثنای نماز توان ایستاد شدن را از دست دهد متباقی نمازش را نشسته ادا کند، اگر به نشستن قادر باشد و اگر به نشستن قادر نباشد، پشت خود را بر زمین نهاده به اشاره نماز خود را پوره نماید.

## فعالیت

به بیماران نامه را بنویسید که احکام نماز مریض در آن اجمالاً ذکر باشد.

## ارزیابی

۱. مریض به کی گفته می شود؟
۲. آیا در حالت مریضی نماز ترک می شود؟
۳. مسایلی که به ارتباط مرض گفته شد هشت آن را بنویسید.

## کارخانه گی

آن آیت و حدیثی را که در این درس خواندید در کتابچه های خود همراه با شرح آن بنویسید.

## سجده تلاوت

قبلا ما سجده سهو را شناختیم، حالا می‌خواهیم سجده تلاوت را بشناسیم، سجده یی که به سبب تلاوت آیات سجده و شنیدن آن واجب می‌گردد.

### بَابُ سُجُودِ التَّلَاوَةِ

(۱) سُجُودُ التَّلَاوَةِ فِي الْقُرْآنِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ سَجْدَةً: فِي آخِرِ الْأَعْرَافِ، وَفِي الرَّعْدِ، وَالنَّحْلِ، وَبَنِي إِسْرَآئِيلَ، وَمَرْيَمَ، وَالْأُولَى مِنَ الْحَجِّ، وَالْفُرْقَانِ، وَالنَّمْلِ، وَآلِ تَنْزِيلِ، وَص، وَحَمِ السَّجْدَةِ، وَالنَّجْمِ، وَإِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ، وَإِذَا قُرِئَ بِاسْمِ رَبِّكَ.

(۲) وَالسُّجُودُ وَاجِبٌ فِي هَذِهِ الْمَوَاضِعِ كُلِّهَا عَلَى التَّالِيِ وَالسَّامِعِ، سَوَاءً قَصَدَ سَمَاعَ الْقُرْآنِ أَوْ لَمْ يَقْصِدْ، وَإِذَا تَلَا الْإِمَامُ آيَةَ سَجْدَةٍ سَجَدَهَا وَسَجَدَ الْمُتَمُومُ مَعَهُ، وَإِنْ تَلَا الْمُتَمُومُ، لَمْ يَلْزِمِ الْإِمَامَ وَلَا الْمُؤْتَمِّ السُّجُودَ وَإِنْ سَمِعُوا وَهُمْ فِي الصَّلَاةِ آيَةَ سَجْدَةٍ مِنْ رَجُلٍ لَيْسَ مَعَهُمْ فِي الصَّلَاةِ، لَمْ يَسْجُدُوا فِي الصَّلَاةِ، وَسَجَدُوا بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَإِنْ سَجَدُوا فِي الصَّلَاةِ لَمْ تُجْزِئَهُمْ وَلَمْ تُفْسِدْ صَلَاتَهُمْ.

(۳) وَمَنْ تَلَا آيَةَ سَجْدَةٍ فَلَمْ يَسْجُدْهَا حَتَّى دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، فَتَلَاهَا وَسَجَدَ أَجْرَاتُهَا السَّجْدَةُ عَنِ التَّلَاوَتَيْنِ وَإِنْ تَلَاهَا فِي غَيْرِ الصَّلَاةِ فَسَجَدَ لَهَا، ثُمَّ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ فَتَلَاهَا سَجَدَ لَهَا، وَلَمْ تُجْزِئْهُ السَّجْدَةُ الْأُولَى، وَمَنْ كَرَّرَ تِلَاوَةَ سَجْدَةٍ وَاحِدَةٍ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَجْرَاتُهَا سَجْدَةُ وَاحِدَةٍ.

(۴) وَمَنْ أَرَادَ السُّجُودَ: كَبَّرَ وَلَمْ يَرْفَعْ يَدَيْهِ، وَسَجَدَ ثُمَّ كَبَّرَ، وَرَفَعَ رَأْسَهُ، وَلَا تَشْهَدُ عَلَيْهِ وَلَا سَلَامٌ.

ترجمه

### باب در بیان سجده تلاوت

(۱) در قرآن کریم چهارده سجده تلاوت وجود دارد: در آخر سوره اعراف، در سوره رعد،

در سورة نحل، در سورة بنی اسرائیل، در سورة مریم، در حصه اول سورة حج، در سورة فرقان، در سورة نمل، در سورة آلم تنزیل، در سورة ص، در سورة حم السجده، در سورة النجم، در سورة انشقاق و در سورة علق.

(۲) سجده کردن در همه جاهای مذکوره بر تلاوت کننده و شنونده هردو واجب است، برابر است که شنونده قصد شنیدن تلاوت را نموده باشد یا نه، اگر امام آیت سجده تلاوت را قرائت کند باید سجده کند و مقتدی نیز با او سجده کند، و اگر مقتدی آیت سجده را قرائت نماید نه به امام سجده تلاوت لازم است و نه به مقتدی، و اگر مردم از شخصی دیگری سجده را شنیدند که در نماز با ایشان نبود، در اثنای نماز سجده نکنند، و هرگاه از نماز فارغ گردیدند سجده کنند، و اگر در اثنای نماز سجده کنند این برایشان کفایت نمی کند و نماز شان فاسد نمی شود.

(۳) کسی که در خارج نماز آیت سجده را تلاوت نماید و سجده نکند تا آنکه در نماز شروع کرد و همان آیت سجده را دوباره تلاوت نمود و سجده نمود، این سجده وی برای هر دو تلاوت کافی می باشد، و اگر آیت سجده را در خارج نماز تلاوت نمود و سجده کرد و چون در نماز شروع کرد دوباره همان آیت را تلاوت نمود باید دوباره سجده کند و سجده اولی کافی نمی باشد، و اگر کسی آیت سجده را تکرار در یک مجلس تلاوت نمود یک بار سجده کافی است.

(۴) کسی که قصد سجده تلاوت را نماید تکبیر گوید و هردو دست خود را بلند نکند سجده کند باز تکبیر گوید و سر خود را بلند کند نه بالایش تشهد است و نه سلام گرداندن.

### شرح

**حکم سجده تلاوت:** سجده تلاوت بر کسی واجب است که یکی از آیات مشخص قرآن کریم را که در آن به سجده کردن امر شده قرائت کند و یا آن را بشنود.

**شروط سجده تلاوت:** شروط صحت سجده تلاوت عینا همان شروط صحت نماز است، با این تفاوت که تکبیر تحریمه در نماز شرط است و در سجده یی تلاوت شرط نمی باشد.

**موجبات سجده تلاوت:** اگر یکی از امور ذیل موجود گردد سجده یی تلاوت واجب می شود.

- وقتی آیت سجده را تلاوت کند، برابر است که خودش آن را بشنود و یا نشنود.
- وقتی آیت سجده را بشنود، برابر است که قصد شنیدن آن را نموده باشد یا ننموده باشد.

- به امامی اقتدا کند که آیت سجده را تلاوت نموده باشد، برابر است که مقتدی آیت سجده تلاوت را شنیده باشد یا نه.

### سجده تلاوت بر اشخاص ذیل واجب نمی گردد

- زنیکه در حالت حیض و نفاس باشد سجده تلاوت بر وی واجب نیست.
- به تلاوت مقتدی نه بر امام سجده واجب می گردد و نه بر مقتدی.
- بر شخص خفته، دیوانه، طفل و کافر سجده یی تلاوت واجب نمی گردد.
- کسی که آیت سجده را از تیپ ریکاردر و یا تلفون بشنود سجده بر وی واجب نمی گردد.

**رکوع قائم مقام سجده شده می تواند:** اگر کسی در نماز بعد از تلاوت آیت سجده، سجده نکند بلکه فوراً رکوع نماید و در رکوع نیت سجده را نیز کند این رکوع برایش کافی و درست است.

اگر در نماز آیت سجده را تلاوت نمود ولی سجده نکرد بعد از فراغت از نماز قضا بر وی نمی باشد، زیرا وقت آن گذشته است، اما اگر بعد از سلام گرداندن کدام عمل منافی نماز را انجام نداده بود قضای آن آورده می تواند.

**مسایل:** اگر امام و مقتدیان آیت سجده از کسی بشنود که در نماز همایش شریک نه باشد باید امام و مقتدیان بعد از فارغ شدن از نماز سجده تلاوت را بکنند. اگر آنها سجده تلاوت در داخل نماز اداء کند صحیح نه میشود ولی نماز شان فاسد نه میشود.

- اگر کسی آیت سجده را در یک مجلس چندبار تلاوت نماید یک بار سجده برایش کافی است.

- اگر کسی آیت سجده را در یک مجلس تلاوت کند و در مجلس دیگر دوباره آن را تلاوت نماید دوبار سجده بر وی واجب است.

- تبدیلی مجلس به این است که از جایی به جای دیگر منتقل شود، چهار گوشه یک اتاق یا مسجد خورد باشد یا بزرگ در حکم یک مجلس است.

و اگر کسی سوره یی را تلاوت کند که در آن آیت سجده تلاوت باشد و سجده تلاوت را ترک کند، این عمل مکروه است.

- اگر شنوندگان آمادگی برای سجده نداشته باشند تلاوت کننده باید آیت سجده را آهسته تلاوت کند.

## طریقه سجده تلاوت

طریقه سجده تلاوت آنست که در میان دو تکبیر یک سجده کند، تکبیر اول بخاطر آنست که پیشانی خود را برای سجده کردن بر زمین نهد، و تکبیر دوم بخاطر آنست که پیشانی خود را از زمین بالا کند، و در هنگام تکبیر هردو دست خود را بلند نکند و نه تشهد بخواند و نه بعد از سجده سلام بگرداند.

سجده تلاوت، یک رکن دارد که عبارت از نهادن پیشانی بر زمین می‌باشد، یا به عوض سجده رکوع کند، یا اگر مریض باشد به اشاره سجده کند و این عمل جای سجده را می‌گیرد. و این دو تکبیر سنت است، و مستحب آنست که اول بایستد بعد از آن سجده کند.

## فعالیت

شاگردان در بین خود سجده تلاوت را بگونه عملی یاد بگیرند، یکی ایشان سجده کند و دیگران به دقت وی را ببینند.

## ارزیابی

- ۱- سجده تلاوت را تعریف کنید.
- ۲- حکم و شروط سجده تلاوت را بیان نمایید.
- ۳- مواضع سجده تلاوت را مشخص سازید.
- ۴- در کدام امور سه گانه سجده واجب می‌گردد؟
- ۵- سجده تلاوت به کدام اشخاص واجب نیست؟
- ۶- آیا رکوع جای سجده را می‌گیرد؟
- ۷- طریقه ادا نمودن سجده تلاوت را بیان سازید.

## کارخانه گی

در کتابچه‌های خودنامهای سورت‌های سجده تلاوت را بنویسید.



## نماز مسافر

هیچ سفری از تکلیف و مشقت خالی نمی باشد، چه آن به واسطه مرکب سواری انجام شود و یا به واسطه آلات جدید اختراع شده، از جهت اینکه اسلام یک دین آسانی است، برای مسافر قصر نمازهای چهار رکعتی را رخصت داده است.

### بَابُ صَلَاةِ الْمَسَافِرِ:

(۱) السَّفَرُ الَّذِي تَتَغَيَّرُ بِهِ الْأَحْكَامُ: أَنْ يَقْصِدَ الْإِنْسَانُ مَوْضِعًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا بِسَيْرِ الْإِبِلِ، وَمَشْيِ الْأَقْدَامِ، وَلَا مُعْتَبَرٌ فِي ذَلِكَ بِالْسَيْرِ فِي الْمَلَّةِ.

(۲) وَفَرَضَ الْمَسَافِرَ عِنْدَنَا: فِي كُلِّ صَلَاةٍ رُبَاعِيَّةٍ رَكْعَتَانِ، لَا تَجُوزُ لَهُ الزِّيَادَةُ عَلَيْهِمَا، فَإِنْ صَلَّى أَرْبَعًا، وَقَعَدَ فِي الثَّانِيَةِ مِقْدَارَ التَّشَهُّدِ، أَجْزَأَتْهُ رَكْعَتَانِ عَنْ فَرْضِهِ، وَكَانَتْ الْأُخْرَيَانِ لَهُ نَافِلَةً، وَإِنْ لَمْ يَقْعُدْ مِقْدَارَ التَّشَهُّدِ فِي الرِّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ، بَطَلَتْ صَلَاتُهُ.

(۳) وَمَنْ خَرَجَ مُسَافِرًا صَلَّى رَكْعَتَيْنِ إِذَا فَارَقَ بُيُوتَ الْمِصْرِ، وَلَا يَزَالُ عَلَى حُكْمِ السَّفَرِ حَتَّى يَنْوِيَ الْإِقَامَةَ فِي بَلَدٍ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، فَصَاعِدًا، فَيَلْزِمُهُ الْإِتِمَامُ، وَإِنْ نَوَى الْإِقَامَةَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُتِمَّ.

(۴) وَمَنْ دَخَلَ بَلَدًا وَلَمْ يَنْوِ أَنْ يُقِيمَ فِيهِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، وَإِنَّمَا يَقُولُ غَدًا أَخْرُجَ، أَوْ بَعْدَ غَدٍ أَخْرُجَ، حَتَّى يَبْقِيَ عَلَى ذَلِكَ سِنِينَ، صَلَّى رَكْعَتَيْنِ، وَإِذَا دَخَلَ الْعَسْكَرُ أَرْضَ الْحَرْبِ فَتَوَّأُوا الْإِقَامَةَ بِهَا خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، لَمْ يُتِمُّوا الصَّلَاةَ.

(۵) وَإِذَا دَخَلَ الْمَسَافِرُ فِي صَلَاةِ الْمَقِيمِ مَعَ بَقَاءِ الْوَقْتِ أَتَمَّ الصَّلَاةَ، وَإِنْ دَخَلَ مَعَهُ فِي فَائِتَةٍ لَمْ تَجْزُ صَلَاتُهُ خَلْفَهُ.

- (۶) وَإِذَا صَلَّى الْمَسَافِرُ بِالْمُقِيمِينَ رَكَعَتَيْنِ سَلِمَ، ثُمَّ أَتَمَّ الْمُقِيمُونَ صَلَاتَهُمْ، وَيُسْتَحَبُّ لَهُ إِذَا سَلَّمَ أَنْ يَقُولَ: أَتَمُّوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّا قَوْمٌ سَفَرٌ، وَإِذَا دَخَلَ الْمَسَافِرُ مِصْرَهُ أَتَمَّ الصَّلَاةَ، وَإِنْ لَمْ يَتَوَّأِ الْقَامَةَ فِيهِ.
- (۷) وَمَنْ كَانَ لَهُ وَطَنٌ فَانْتَقَلَ عَنْهُ وَاسْتَوَطَنَ غَيْرَهُ ثُمَّ سَافَرَ فَدَخَلَ وَطَنَهُ الْأَوَّلَ، لَمْ يُتِمَّ الصَّلَاةَ، وَإِذَا نَوَى الْمَسَافِرُ أَنْ يُقِيمَ بِمَكَّةَ وَمِئَى خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا، لَمْ يُتِمَّ الصَّلَاةَ.
- (۸) وَمَنْ فَاتَتْهُ صَلَاةٌ فِي السَّفَرِ قَضَاهَا فِي الْحَضَرِ رَكَعَتَيْنِ. وَمَنْ فَاتَتْهُ فِي الْحَضَرِ فِي حَالِ الْإِقَامَةِ قَضَاهَا فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا.
- (۹) وَالْعَاصِي وَالْمُطِيعُ فِي سَفَرِهِمَا فِي الرُّخْصَةِ سَوَاءٌ.

## ترجمه

### باب در بیان نماز مسافر

- (۱) سفری که به سبب آن احکام (شرعی) تغییر می‌یابد آنست که انسان قصد رفتن را به محلی نماید که فاصله بین وی و آن محل سه شبانه روز راه به رفتار شتر یا پیاده باشد، و در این باب سفر بحری یا دریایی معتبر نمی‌باشد.
- (۲) و به نزد ما (أحناف) فرض مسافر در نمازهای چهار رکعتی دو رکعت است و بیشتر از آن برای وی جواز ندارد، ازینرو اگر مسافر چهار رکعت ادا نماید و در آخر رکعت دوم به اندازه تشهد بنشیند، دو رکعت اولی برایش فرض و دو رکعت دومی برایش نفل محسوب می‌شود، و اگر در آخر دو رکعت اول به اندازه تشهد ننشست نمازش باطل است.
- (۳) و کسی که به نیت سفر از منزلش بیرون شود، وقتی نماز چهار رکعتی را قصر (دو رکعت) ادا کند که از خانه‌های شهرش جدا گردد و تا هنگامی در حکم مسافر است که در شهری که قرار دارد نیت اقامت پانزده روز یا بیشتر از آن را نماید که در این صورت پوره گزاردن نماز بر وی لازم است، و اگر نیت اقامت کمتر از پانزده روز را کند نماز چهار رکعتی را پوره ادا نمی‌کند.
- (۴) و کسی که در شهری داخل شود و نیت اقامت پانزده روز را نکند و بگوید که فردا یا پس فردا از این شهر سفر می‌کنم و به همین وضع چندین سال در آنجا باقی ماند نماز خود

را قصر (دو رکعت) ادا کند، و اگر لشکر (اسلام) به دارحرب داخل گردید و نیت اقامت پانزده روز را کرد نماز را پوره (چهار رکعت) ادا نه نمایند.

(۵) اگر مسافری به مقیمی اقتدا نماید و وقت باقی باشد نمازش را پوره ادا نماید، و اگر در نماز فوتی با امام مقیم یکجا شود نمازش از عقب امام مقیم صحیح نمی‌شود.

(۶) و اگر شخص مسافر به مقیمین امامت کند دو رکعت گزارد و سلام بگرداند و مقیم نماز خود را پوره کند، و مستحب است که چون سلام بگرداند بگوید: ای مردم! شما نماز خود را پوره کنید من مسافر هستم، و هنگامی که مسافر در شهر خود داخل گردید نمازش را پوره ادا نماید هر چند که نیت اقامت را نکرده باشد.

(۷) کسی که وطن خود را داشت و آن را ترک نماید و از آنجا منتقل گردیده در جای دیگری وطن گیرند، بعد از آن به وطن اولی اش سفر نماید نماز را قصر اداء کند، و اگر مسافر نیت کند که در مکه و منی پانزده روز اقامت می‌کند نمازش را پوره نمی‌کند.

(۸) و از کسی که در سفر نماز فوت شود قضای آن را در حضر دو رکعت بیارد. و اگر در حضر از وی نمازی فوت شود (چهار رکعت) قضای آن را در سفر چهار رکعت می‌آورد.

(۹) و مسافر گنجه‌گار و فرمانبردار در استفاده از رخصت سفر یکسان اند.

## شرح تعریف سفر

سفر در لغت: قطع کردن و پیمودن مسافه را گویند.

و اینجا مراد از سفر: به قصد طی نمودن مسافه مخصوص از وطن خود بیرون رفتن است.<sup>۱</sup>

**سفری که قصر در آن واجب است:**

سفری که قصر خواندن نماز در آن واجب می‌باشد و افطار در روز رمضان جواز دارد سفری است که حد کمتر مسافت آن به پیاده یا به رفتار متوسط شتر سه روزه راه از روزهای کوتاه سال باشد و در روزها حداکثر هر روز معتبر است.

و اگر کسی مسافه سه روزه راه را در یک ساعت طی کند مثلاً: به واسطه یک واسطه تیز رفتار از قبیل قطار یا طیاره سفر کند قصر نماز بر وی واجب است.

۱ - حاشیه علی مراقی الفلاح شرح نور الایضاح - (۱ / ۲۷۴).

## قصر بر مسافر واجب است

قصر بر مسافر واجب است، بناء کسی که در سفر نماز خود را پوره ادا نماید گنهگار می شود، مسافر نمازهای پیشین، عصر و خفتن را قصر می خواند و به جای چهار رکعت دو رکعت ادا می کند، اما در نمازهای صبح و شام قصر نمی باشد.

## مسافه قصر به حساب کیلومتر

در جدول زیر مسافه سفر به تفصیل ذکر گردیده است:

|   |                   |                                                     |                                                                                                     |
|---|-------------------|-----------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱ | اندازه سه روز سفر | بدون تحدید به فرسخ                                  | نزد مرغینانی همین درست است.                                                                         |
| ۲ | ۱۵ فرسخ           | ۸۱ کیلومتر                                          | فتوای علمای خوارزم در همین است. (رد مختار: ۴۹۳/مخ ۵ج)                                               |
| ۳ | ۱۸ فرسخ           | ۹۷،۲ کیلومتر                                        | نزد شامی فتوی به همین است. (رد مختار: ۴۹۳/۵)<br>(و همین قول را بعضی مفتی های معاصر بهتر دانسته است) |
| ۴ | ۲۱ فرسخ           | ۱۱۳،۴ کیلومتر                                       | این قول را شامی از بعضی فقهای حنفی نقل کرده است (رد مختار: ۴۹۳/صفحه ۵ج)                             |
| ۵ | ۴۸ میل انگریزی    | ۷۷،۲۸ کیلومتر<br>(بخاطری که یک میل ۱۶۱۰ متر می شود) | (فتاوی دارالعلوم دیوبند (۴ج ۲۹۳ صفحه (ماخذ و توجیه این قول دریافت نه شد.)                           |

## وقت شروع نماز قصر

قصر خواندن نماز تا هنگامی جواز پیدا نمی کند که مسافر از خانه خود بیرون نشده و از آبادی قریه خود نگذشته باشد.

و قصر خواندن نماز تا هنگامی جواز ندارد که مسافر از شهر و نواحی مربوط آن مثل قبرستان و غیره بیرون نشده است.

قصر خواندن نماز در هر گونه سفر جواز دارد، برابر است که آن سفر بخاطر عبادت باشد مثل سفر حج و جهاد، و یا بخاطر انجام یک کار مشروع مثل تجارت، و یا بخاطر فعل گناهی مثل دزدی.

اگر مسافری نماز چهار رکعتی را پوره گزارد و بعد از دو رکعت اول به اندازه تشهد بنشیند، نمازش صحیح است، و دو رکعت آخری برایش نفل محسوب می شود، لیکن این عمل

مکروه می‌باشد، زیرا سلام از محلش تاخیر شده است.  
و اگر مسافری نماز چهار رکعتی را پوره گزارد و بعد از دو رکعت اول به اندازه تشهد ننشیند نمازش صحیح نمی‌شود، زیرا قصر خواندن نماز در نزد ما (احناف) واجب است نه رخصت به سبب ترک کردن قعه آخر نمازش صحیح نیست.

### مدت قصر

مسافر همواره نمازهای فرضی را قصر می‌خواند تا آنکه به قریه خود نرسیده است، و اگر مسافری در قریه یا شهری نیت اقامت پانزده روز یا بیشتر از آن را نماید قصر از وی ساقط می‌گردد، و اگر نیت اقامت کمتر از پانزده روز را کند نمازهای چهار رکعتی را قصر ادا می‌کند، و اگر نیت اقامت را نکند و بدون نیت اقامت چندین سال در آنجا باقی ماند نماز را قصر ادا می‌کند.

### اقتدای مسافر به مقیم، و اقتدای مقیم به مسافر

اقتدای مسافر به امام مقیم جایز است و مقتدی مسافر بخاطر متابعت امام چهار رکعت می‌گزارد.

و اقتدای مقیم به امام مسافر نیز جایز می‌باشد.  
هرگاه مسافری به اشخاص مقیم امامت کند بر وی است تا بعد از سلام گرداندن به مردم بگوید: (أَتُمُوا صَلَاتَكُمْ فَإِنِّي مُسَافِرٌ) «شما نماز خویش را پوره کنید من مسافر هستم».  
لیکن بهتر آنست که امام مسافر قبل از شروع در نماز و بعد از نماز این سخن را بگوید.  
و اگر نماز چهار رکعتی در سفر قضا شود، قضای آن دو رکعت است، برابر است که قضای آن را در حالت سفر می‌آورد و یا در حالت حضر.  
و اگر نماز چهار رکعتی در حال اقامت قضا شود قضای آن چهار رکعت است، برابر است که قضای آن را در حالت حضر می‌آورد و یا در حالت سفر.

### اقسام وطن و احکام آن

وطن اصلی به وطن دیگر از بین می‌رود کسی که وطن اصلی خود را ترک نموده به وطن دیگری برود و آن را وطن اصلی خود قرار دهد، و زمانی که بخاطر اجرای کاری به وطن اصلی اول خود سفر نماید باید نماز را قصر بخواند، زیرا وطن اصلی اول برای وی وطن نمی‌باشد.

## وطن اصلی

وطن اصلی جای است که انسان آن را برای خود وطن قرار دهد، برابر است که در آنجا عروسی کرده باشد یا نه.

## وطن اقامت

وطن اقامت جای است که مسافر در آنجا نیت اقامت پانزده روز یا بیشتر از آن را نماید.

## فعالیت

با همصنفیان خود در مورد امور ذیل گفتگو نمایید:

۱. به اساس معیارهای جدید راجع به مسافه قصر نماز.
۲. حکم سنت‌های مؤکد در سفر.
۳. شاگردان باهم در مورد فرق بین وطن اصلی و وطن اقامت مباحثه نمایند.

## ارزیابی



- ۱- سفر چیست؟
- ۲- کدام احکام نماز به سبب سفر تغییر می‌یابد؟
- ۳- قصر برای مسافر چه حکم دارد؟
- ۴- مدت قصر را بیان نمایید.
- ۵- احکام مربوط به وطن را بیان کنید.

## کارخانه گی



فرق بین وطن اصلی و اقامت را در کتابچه‌های تان بنویسید.



## نماز جمعه

جمعه و نماز آن از آن جمله فضایی است که الله تعالی امت اسلامی را به آن خاص کرده است، و به برکت آن روز این امت را به طرف سعادت و کامیابی رهنمایی نموده است.

### بَابُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ:

(۱) لَا تَصِحُّ الْجُمُعَةُ إِلَّا فِي مِصْرٍ جَامِعٍ أَوْ فِي مُصَلًى الْمِصْرِ، وَلَا تَجُوزُ فِي الْقَرْيِ، وَلَا تَجُوزُ إِقَامَتُهَا إِلَّا بِالسُّلْطَانِ أَوْ مِنْ أَمْرِهِ السُّلْطَانُ.

(۲) وَمِنْ شَرَائِطِهَا الْوَقْتُ: وَتَصِحُّ فِي وَقْتِ الظُّهْرِ، وَلَا تَصِحُّ بَعْدَهُ.

(۳) وَمِنْ شَرَائِطِهَا الْخُطْبَةُ قَبْلَ الصَّلَاةِ، يَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ يَفْصِلُ بَيْنَهُمَا بِقَعْدَةٍ، وَيَخْطُبُ قَائِمًا عَلَى طَهَارَةٍ، فَإِنْ اقْتَصَرَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى جَازَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا بُدَّ مِنْ ذِكْرِ طَوِيلٍ يُسَمَّى خُطْبَةً، وَإِنْ خَطَبَ قَاعِدًا، أَوْ عَلَى غَيْرِ طَهَارَةٍ جَازَ وَيُكْرَهُ.

(۴) وَمِنْ شَرَائِطِهَا: الْجَمَاعَةُ وَأَقْلَهُهُمْ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ ثَلَاثَةٌ سِوَى الْإِمَامِ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ: اثْنَانِ سِوَى الْإِمَامِ وَيَجْهَرُ الْإِمَامُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الرُّكْعَتَيْنِ، وَلَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةُ سُورَةٍ بَعَيْنِهَا.

(۵) وَلَا تَحِبُّ الْجُمُعَةُ عَلَى مُسَافِرٍ، وَلَا امْرَأَةٍ وَلَا مَرِيضٍ وَلَا عَبْدٍ، وَلَا عَلَى أَعْمَى. فَإِنْ حَضَرُوا وَصَلُّوا مَعَ النَّاسِ، أَجَزَّاهُمْ عَنْ فَرَضِ الْوَقْتِ.

(۶) وَيَجُوزُ لِلْمُسَافِرِ، وَالْعَبْدِ، وَالْمَرِيضِ، أَنْ يُؤْمَّ فِي الْجُمُعَةِ.

(۷) وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ فِي مَنْزِلِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْإِمَامِ وَلَا عُذْرَ لَهُ كَرِهَ لَهُ ذَلِكَ، وَجَازَتْ صَلَاتُهُ، فَإِنْ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَحْضُرَ الْجُمُعَةَ فَتَوَجَّهَ إِلَيْهَا بَطَلَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ عِنْدَ أَبِي

حَنِيفَةً بِالسَّعْيِ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: لَا تَبْطُلُ حَتَّى يَدْخُلَ مَعَ الْإِمَامِ.  
 (۸) وَيُكْرَهُ أَنْ يُصَلِّيَ الْمُعْذُورُونَ الظُّهْرَ فِي جَمَاعَةٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَكَذَا أَهْلُ السِّجْنِ.  
 (۹) وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، صَلَّى مَعَهُ مَا أَدْرَكَ، وَبَنَى عَلَيْهَا الْجُمُعَةَ، وَإِنْ أَدْرَكَهُ فِي التَّشَهُّدِ، أَوْ فِي سُجُودِ السَّهْوِ، بَنَى عَلَيْهَا الْجُمُعَةَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَأَبِي يُوسُفَ، وَقَالَ مُحَمَّدٌ: إِنْ أَدْرَكَ مَعَهُ أَكْثَرَ الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بَنَى عَلَيْهَا الْجُمُعَةَ، وَإِنْ أَدْرَكَ أَقَلَّهَا بَنَى عَلَيْهَا الظُّهْرَ.

(۱۰) وَإِذَا صَعَدَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تَرَكَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَالْكَلامَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ خُطْبَتِهِ.

(۱۱) وَإِذَا أَدَنَّ الْمُؤَذِّنُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الْأَذَانَ الْأَوَّلَ، تَرَكَ النَّاسُ الْبَيْعَ وَالشِّرَاءَ، وَتَوَجَّهُوا إِلَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ، فَإِذَا صَعَدَ الْإِمَامُ الْمِنْبَرَ جَلَسَ، وَأَذَنَ الْمُؤَذِّنُ بَيْنَ يَدَيِ الْمِنْبَرِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ خُطْبَتِهِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ.

## ترجمه

### باب در بیان نماز جمعه

(۱) اقامه نماز جمعه صحیح نمی شود مگر در شهر جامع و یا در عیدگاه شهر، و در دهات جواز ندارد، و اقامه جمعه جز برای سلطان و برای کسی که سلطان او را امر کرده باشد جایز نمی باشد.

(۲) از جمله شروط آن وقت است، بناء نماز جمعه در وقت پیشین صحیح است و بعد از آن صحیح نمی شود.

(۳) و از جمله شروط جمعه خواندن خطبه قبل از نماز است، امام پیش از نماز دو خطبه می خواند و با نشست کوتاهی در میان آن جدایی می آورد، امام خطبه را ایستاده و با طهارت می خواند، و اگر به ذکر الله تعالی اکتفا نماید نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه جواز دارد، و صاحبین رحمهما الله گفته اند: ذکر باید به اندازه طولانی باشد که آن را خطبه گفته شود، و اگر خطبه جمعه را نشسته و در حال بی وضویی بخواند جایز مگر مکروه می باشد.

(۴) و از جمله شروط جمعه، جماعت است، و نزد امام ابو حنیفه و محمد رحمهما الله حد



کمتر آن به غیر از امام سه نفر می باشد، لیکن امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: اگر غیر از امام دو نفر دیگر باشند نماز جمعه صحیح می شود.

امام در هر دو رکعت نماز جمعه، به آواز بلند قرائت می نماید، اما قرائت سوره معینی در آن نیست.

(۵) جمعه بر مسافر، زن، مریض، غلام و نابینا واجب نمی باشد، ولی اگر افراد مذکور حاضر شوند و با مردم نماز جمعه گزارند فرض همین وقت شان ادا گردد.

(۶) برای غلام، مسافر، مریض جایز است که امامت جمعه را کنند.

(۷) و اگر کسی قبل از نماز جمعه نماز پیشین را بدون داشتن عذری در خانه خود گزارد نمازش با وجود کراهت صحیح است، و اگر به قصد جمعه از خانه خود بیرون شود به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه نماز پیشین به سعی (روان شدن) وی باطل گردد. و صاحبین رحمهم الله گفته اند: نماز پیشین تا زمانی باطل نمی گردد که با امام در نماز یکجا نشده است.

(۸) در روز جمعه، برای صاحبان عذر و همچنان برای محبوسین مکروه است که نماز پیشین را با جماعت ادا کنند.

(۹) و کسی که در روز جمعه امام را دریافت با وی نماز خواند هر اندازه که دریافت و نماز جمعه را بر آن بنا کند، حتی اگر در حال تشهد و یا سجده سهو نیز امام را دریابد نزد امام ابو حنیفه و امام ابو یوسف رحمه الله علیهما باید نماز جمعه را از عقب او گزارد، اما امام محمد رحمه الله گفته است: اگر اکثر حصه رکعت دوم را با امام دریابد نماز جمعه را بر آن بنا کند و اگر کمتر از رکعت دوم را دریابد نماز پیشین را شروع کند.

(۱۰) و هرگاه امام بر بالای منبر بایستد باید مردم نماز و سخن را ترک کنند تا زمانی که وی از خطبه فارغ شود.

(۱۱) و هرگاه مؤذن اذان اول را گفت باید مردم خرید و فروخت را ترک کنند، و به طرف مسجد بروند، و زمانی که امام بر منبر نشست مؤذن پیش روی منبر اذان بگوید و امام خطبه بخواند و چون از خطبه فارغ گردید نماز را برپا دارد.

## شرح

### جمعه

جمعه از اجتماع گرفته شده است.

جمعه را بخاطر آن جمعه گویند که مردم در آن جمع می‌شوند.

### حکم نماز جمعه

نماز جمعه فرض بوده و منکر آن کافر است.

نماز جمعه دو رکعت است، و اگر از کسی فوت شود چهار رکعت فرض پیشین را ادا کند.

### شروط فرضیت نماز جمعه

جمعه بر کسی فرض است که شروط ذیل در وی موجود گردد:

- ۱- مرد باشد، نماز جمعه بر زن فرض نمی‌باشد.
  - ۲- آزاد باشد، بر غلام (برده) فرض نیست.
  - ۳- در شهر و یا در جایی مقیم باشد که حکم شهر را داشته باشد، بر مسافر و بر باشنده قریه فرض نمی‌باشد و به قول مشهور شهر جایی است که در آن مفتی، امیر و قاضی موجود باشند، و قدرت اقامه حدود شرعی را داشته باشد.
  - ۴- مقیم باشد، بر مسافر فرض نیست.
  - ۵- صحتمند باشد، جمعه بر مریض فرض نمی‌باشد.
  - ۶- در امن باشد، بر کسی که از ظلم ظالم در خفا به سر می‌برد فرض نمی‌باشد.
  - ۷- بینا باشد، بر نابینا فرض نیست.
  - ۸- قدرت راه رفتن داشته باشد، و کسی که به راه رفتن قادر نباشد بر وی فرض نیست.
- و بر کسی که جمعه فرض نباشد و آن را ادا کند نمازش صحیح گردیده، و نماز پیشین از ذمه اش ساقط می‌گردد، بلکه مستحب است که نماز جمعه را ادا کند.

### شروط صحت نماز جمعه:

نماز جمعه هنگامی صحیح می‌شود که شروط ذیل موجود گردد:

- ۱- شهر و یا اطراف و اکناف شهر باشد، در قریه‌ها نماز جمعه صحیح نمی‌شود، لیکن در شهر و مربوطات آن اقامه نماز جمعه درست است.
- ۲- امام و یا نائب وی در نماز جمعه موجود باشد.

- ملاحظه:** فقهاء متأخرین فتوا داده اند: در ممالکی که حکومت اسلامی در آن نباشد، در آنجا مسلمانان بخاطر نماز جمعه و عید به اختیار خود، امامی را تعیین کنند.
- ۳- نماز جمعه در وقت پیشین صحیح می شود، و قبل و یا بعد از آن صحیح نیست.
  - ۴- پیش از نماز در وقت پیشین خطبه خوانده می شود، و برای شنیدن خطبه حد اقل یک نفر مقتدی از آن کسانی که با آنها جمعه صحت پیدا می کند موجود باشد.
  - ۵- اجازه عامه باشد در جایی اداء نمیگردد که دروازه های آن بروی مردم مسدود باشد.
  - ۶- با جماعت ادا کرده شود، به صورت انفرادی صحیح نمی شود.
  - ۷- در نماز جمعه، جماعت به غیر از امام با سه نفر منعقد می شود.
  - ۸- اگر مسافر و مریض در نماز جمعه امامت کنند نماز صحت پیدا می کند

### سنت های خطبه:

امور ذیل در خطبه سنت است:

۱. خطیب باید از بی وضویی و نجاست پاک باشد.
۲. عورتش پوشیده باشد.
۳. خطیب قبل از شروع در خطبه بر منبر بنشیند.
۴. پیشروی خطیب اذان گفته شود.
۵. خطبه را ایستاده بخواند.
۶. خطبه را با حمد و ثناء الله تعالی شروع کند.
۷. در خطبه خود به مردم وعظ و نصیحت کند و حد اقل یک آیت از قرآن کریم را تلاوت نماید.
۸. دو خطبه بخواند و در بین آن اندکی بنشیند.
۹. خطبه دوم را نیز به حمد و ثناء الله تعالی شروع نماید و در آن بر حضرت محمد ﷺ درود بفرستد.
۱۰. در خطبه دوم در حق مسلمانان دعا کند و خیر آنها را بخواهد.

### مسایل مربوط به نماز جمعه:

- همزمان با شنیدن اذان اول، سعی نمودن به سوی نماز جمعه واجب است و ترک خرید و فروش و همه کارهای که مانع رفتن به نماز میگردد واجب است.
- هرگاه امام بخاطر ایراد خطبه بر منبر نشست نماز خواندن و سخن گفتن جواز ندارد، و

- نه کسی سلام می‌دهد و نه جواب سلام را می‌گوید تا آنکه از نماز فارغ نشود.
- کسی که برای شنیدن خطبه حاضر می‌شود برای وی خوردن، نوشیدن، ساعت تیری کردن و هر آنچه سبب بی توجهی به خطبه می‌شود مکروه است.
  - کسی که در نماز جمعه در وقت «التحیات» و یا در وقت سجده یی سهو با امام شریک گردید، نماز جمعه را دریافته و دو رکعت را پوره کند.
  - برای معذوران و محبوسین، در روز جمعه نماز پیشین را با جماعت ادا کردن مکروه است.

## فعالیت

با همصنفیان خود در رابطه به امور ذیل گفتگو نمایید:

اکثر مردم در رفتن به سوی نماز جمعه از خود سستی نشان می‌دهند، این سستی بخاطر چیست؟

## ارزیابی

- ۱- حکم جمعه چیست، و اگر کسی از آن انکار کند چه حکم دارد؟
- ۲- شروط فرضیت نماز جمعه کدامها اند؟
- ۳- شروط صحت نماز جمعه کدامها اند؟
- ۴- سنت‌های خطبه روز جمعه کدامها اند؟

## کارخانه گی

در باره فضایل و حکمت‌های روز جمعه مقاله یی بنویسید.

## نماز عید فطر و قربان

بعد از آنکه درباره نماز جمعه معلومات را حاصل نمودیم، می خواهیم راجع به نماز عید نیز معلومات لازم را به دست آریم.

### بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ:

(۱) يُسْتَحَبُّ يَوْمَ الْفِطْرِ: أَنْ يَطْعَمَ الْإِنْسَانُ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَصَلَّى، وَيَغْتَسِلَ، وَيَتَطَيَّبَ، وَيَتَوَجَّهَ إِلَى الْمَصَلَّى، وَلَا يُكَبِّرُ فِي طَرِيقِ الْمَصَلَّى عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَعِنْدَهُمَا يُكَبِّرُ، وَلَا يَتَنَفَّلُ فِي الْمَصَلَّى قَبْلَ صَلَاةِ الْعِيدِ.

(۲) فَإِذَا حَلَّتِ الصَّلَاةُ بِارْتِفَاعِ الشَّمْسِ، دَخَلَ وَقْتُهَا إِلَى الزَّوَالِ، فَإِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ خَرَجَ وَقْتُهَا.

(۳) وَيُصَلِّي الْإِمَامُ بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ: يُكَبِّرُ فِي الْأُولَى تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ، وَثَلَاثًا بَعْدَهَا، ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً مَعَهَا، ثُمَّ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةً يَرَكْعُ بِهَا، ثُمَّ يَبْتَدِئُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِالْقِرَاءَةِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ، كَبَّرَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، وَكَبَّرَ تَكْبِيرَةً رَابِعَةً يَرَكْعُ بِهَا، وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي تَكْبِيرَاتِ الْعِيدَيْنِ. ثُمَّ يَخْطُبُ بَعْدَ الصَّلَاةِ خُطْبَتَيْنِ: يَعْلَمُ النَّاسُ فِيهَا صَدَقَةَ الْفِطْرِ وَأَحْكَامَهَا، وَمَنْ فَاتَتْهُ صَلَاةُ الْعِيدِ مَعَ الْإِمَامِ لَمْ يَقْضِهَا.

(۴) فَإِنْ غَمَّ الْهَلَالُ عَلَى النَّاسِ فَشَهِدُوا عِنْدَ الْإِمَامِ بِرُؤْيَا الْهَلَالِ بَعْدَ الزَّوَالِ صَلَّى الْعِيدَ مِنَ الْغَدِ، فَإِنْ حَدَثَ عُذْرٌ مَنَعَ النَّاسَ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي لَمْ يُصَلِّهَا بَعْدَهُ.

(۵) وَيُسْتَحَبُّ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى: أَنْ يَغْتَسِلَ، وَيَتَطَيَّبَ، وَيُؤَخَّرَ الْأَكْلَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الصَّلَاةِ، وَيَتَوَجَّهَ إِلَى الْمَصَلَّى وَهُوَ يُكَبِّرُ.

(۶) وَيُصَلِّي الْأَضْحَى رَكَعَتَيْنِ كَصَلَاةِ الْفِطْرِ، وَيَخْطُبُ بَعْدَهَا خُطْبَتَيْنِ: يُعَلِّمُ النَّاسَ فِيهِمَا الْأُضْحِيَّةَ، وَتَكْبِيرَ التَّشْرِيقِ، فَإِنْ حَدَثَ عُدْرٌ مَنَعَ النَّاسَ مِنَ الصَّلَاةِ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى، صَلَّاهَا مِنَ الْغَدِ وَبَعْدَ الْغَدِ، وَلَا يُصَلِّيْهَا بَعْدَ ذَلِكَ.

(۷) وَتَكْبِيرُ التَّشْرِيقِ أَوَّلُهُ: عَقِيبَ صَلَاةِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَآخِرُهُ: عَقِيبَ صَلَاةِ الْعَصْرِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ، وَالتَّكْبِيرُ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ، وَهُوَ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ.

## ترجمه

### باب در بیان نمازهای عید فطر و عید قربان

(۱) در روز عید فطر مستحب است که انسان پیش از بیرون شدن بسوی عیدگاه چیزی بخورد، غسل کند، عطر استعمال کند و به سوی عیده گاه برود، و در نزد امام ابو حنیفه (رحمة الله) در راه رفتن به عید گاه تکبیرات نگوید و نزد صاحبین بگوید، و قبل از ادای نماز عید در عید گاه نماز نفل نگذارد.

(۲) نماز عید با بلند شدن آفتاب جواز پیدا می کند و وقت آن داخل می شود و تا هنگام زوال دوام می یابد، و چون آفتاب زوال یابد وقت آن به آخر می رسد.

(۳) امام دو رکعت نماز بامردم می خواند، و در رکعت اول بعد از گفتن تکبیر تحریمه سه تکبیر دیگر بگوید، بعد از آن همراه با سوره فاتحه یک سوره یی دیگر قرائت کند، تکبیر بگوید و رکوع کند، و رکعت دوم را به قرائت شروع نماید، و چون از قرائت فارغ گردید سه مرتبه تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم رکوع کند، و در هنگام تکبیرات عیدین دست های خود را بلند نماید. بعد از نماز دو خطبه بخواند و در آن در باره صدقه یی فطر و احکام آن برای مردم بیان کند، و کسی که نماز عید را با امام نیابد قضاء نیابد.

(۴) و اگر ماه (مہتاب) از نظر مردم پوشیده ماند و بعد از زوال به دیدن ماه شاهدهی داده شود امام نماز عید را فردای آن روز ادا کند، و اگر عذری پیش آید که مردم را از ادای نماز در روز دوم عید منع کند بعد از این نماز را ادا نکنند.

(۵) و در روز عید قربان مستحب است که غسل کند، عطر استعمال نماید، و خوردن را به تاخیر اندازد تا آنکه از نماز فارغ شود، و به طرف عیدگاه روان شود در حالیکه تکبیر گوید.

(۶) و مانند نماز عید فطر دو رکعت نماز عید قربان را ادا نماید، بعد از آن دو خطبه بخواند و در خطبه احکام قربانی و تکبیرات را به مردم تعلیم دهد، و اگر در روز اول عید کدام عذری پیش آید و مردم را از ادای نماز منع کند در روز دوم و یا سوم آن را ادا نمایند و بعد از آن ادا نکنند.

(۷) تکبیرات تشریق بعد از نماز فجر روز عرفه شروع می شود، و آخر آن نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه تا بعد از نماز عصر روز نحر است، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: آخر آن بعد از عصر روز آخر ایام تشریق است، و موقع گفتن تکبیرات بعد از نمازهای فرضی می باشد و صیغه آن چنین است: الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، الله أكبر والله الحمد.

## شرح

**عید:** عید مشتق از عود بوده به معنای برگشتن است، زیرا عید در هر سال بر می گردد.

## احکام عیدین

۱- نماز هر دو عید بر مسلمانان واجب است.

۲- این نماز دو رکعت است، و زمانی اداء می شود که آفتاب به اندازه یک (نیزه) بلند شود!

۳- تکبیراتی که در دو رکعت نماز عید گفته می شود آن را تکبیرات زوائد گویند: سه تکبیر در رکعت اول بعد از سبحانک اللهم و سه تکبیر در رکعت دوم پیش از رکوع است.

۴ - خطبه در هر دو عید بعد از نماز خوانده می شود.

## نماز عید بر چه کسی واجب است

نماز عید بر کسی واجب است که نماز جمعه بر وی واجب است.

---

۱- اندازه نیزه آنست که آفتاب به قدری بلند شود و روشنی آن به اندازه برسد که انسان به آن دیده نتواند. و در فقه اسلامی آمده است که مقدار نیزه ثلث یک ساعت یعنی (۲۰) دقیقه است.

## شروط صحت نماز عیدین

نماز عیدین وقتی صحیح می شود که شروط ذیل موجود گردد:

- ۱- وجود شهر یا اطراف و اکناف آن.
- ۲- حضور امام و یا نائب وی.
- ۳- اجازه عام.
- ۴- جماعت نماز عیدین به غیر از امام با یکنفر دیگر همراه امام منعقد می شود.
- ۵- وقت عیدین زمانی شروع می شود که آفتاب به اندازه یک نیزه بلند شود و با دخول زوال وقت آن پایان می یابد.

**مستحبات روز عید فطر:** در روز عید فطر امور ذیل مستحب است:

- ۱- وقت تر از خواب برخاستن.
  - ۲- استعمال مسواک.
  - ۳- غسل کردن.
  - ۴- لباس خوب و پاک پوشیدن.
  - ۵- عطر زدن.
  - ۶- پیش از رفتن به طرف عیدگاه چیزی خوردن.
  - ۷- اگر صدقه فطر بر وی واجب باشد، پیش از رفتن به طرف عیدگاه آن را ادا نماید.
  - ۸- مطابق توانایی خود صدقه دهد.
  - ۹- اظهار خوشی و گشاده رویی کند.
  - ۱۰- پیاده به سوی عیدگاه رفتن و به آرامی تکبیر گفتن، و چون به عیده گاه برسد تکبیر نگوید.
  - ۱۱- در هنگام برگشت از عیدگاه، از راه دیگر رفتن.
  - ۱۲- قبل از اداء نماز عید، گزاردن نفل در خانه و عیدگاه مکروه است.
- همچنان ادای نفل بعد از اداء نماز عید، در عیدگاه مکروه و در خانه مکروه نمی باشد.

## طریقه ادا کردن نماز عیدین:

هرگاه اراده ادای نماز عید را نمایید، از عقب امام بایستید و نیت نماز عید و متابعت امام را کنید، تکبیر تحریمه بگویید، ثنا بخوانید، بعد از آن سه تکبیر بگویید، و در وقت تکبیر گفتن هردو دست خود را تا نرمی گوشها بلند کنید، بعد از آن خاموش بایستید، امام «اعوذ بالله» و



«بسم الله» را آهسته بخواند و «الحمد لله» و سوره یی را به آواز بلند قرائت کند، و برای امام مستحب آنست که در رکعت اول سوره یی «الأعلى» را قرائت نماید، بعد از آن همراه با امام مثل نمازهای دیگر رکوع و سجده کنید، وقتی امام به رکعت دوم بلند شد خاموش بایستید، امام «بسم الله» را آهسته و فاتحه و یک سوره دیگر را به آواز بلند قرائت کند، و در حق امام مستحب است که در رکعت دوم سوره «الغاشیه» را بخواند، وقتی امام از قرائت فارغ گردید و تکبیر گفت شما نیز سه تکبیر بگویید، و در هر بار هردو دست خود را بلند نمایید، بعد از آن رکوع و سجده کنید، و مانند سایر نمازها، نماز خود را پوره نمایید، وقتی امام از نماز فارغ گردید دو خطبه بخواند و در آن احکام عید رمضان و صدقه فطر را به مردم بیان کند. اگر امام تکبیرات رکعت دوم را از قرائت پیش کند نمازش صحیح است لیکن بهتر آنست که قرائت را از تکبیرات مقدم دارد.

و اگر مردم در روز اول به سبب عذری نماز عید را اداء کرده نتوانند تاخیر آن تا روز دوم عید جواز دارد.

و اگر از کسی جماعت نماز عید فوت گردد، قضا ندارد زیرا نماز عید بدون جماعت صحیح نمی شود.

**احکام نماز عید قربان:** احکام نماز عید قربان مانند احکام نماز عید فطر است، نماز عید قربان مانند نماز عید فطر است و فرق در این است که در عید قربان تا بعد از اداء نماز عید چیزی نمی خورد و تکبیرات را در راه عیدگاه به آواز بلند می گوید و در خطبه های آن احکام قربانی و تکبیرات تشریق را بیان می کند.

و اگر عذری داشته باشد نماز عید قربان را تا دوازدهم ذو الحجه به تاخیر انداخته می تواند. تکبیر تشریق را یکبار به آواز بلند گفتن واجب است، و تکبیر تشریق بعد از نماز صبح روز عرفات (روز نهم ذو الحجه) شروع و تا عصر روز سیزدهم همین ماه بر کسی که نماز فرض را ادا می کند برابر است که با جماعت ادا کند یا به تنهایی، مسافر باشد یا مقیم، مرد باشد یا زن، شهری باشد یا دهاتی واجب است نزد صاحبین رحمهم الله در قریه جات تکبیرات تشریق نیست.

تکبیر تشریق عبارت از کلمات ذیل می باشد: الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، الله أكبر والله الحمد.

## فعالیت

با همصنفیان خود در باره عادات خوبی که در روز عید صورت می گیرد گفتگو نمایید.

## ارزیابی



- ۱- معنی عید چیست و چرا آن را عید گویند؟
- ۲- حکم نماز عید چیست و چند رکعت است؟
- ۳- نماز عید بر کدام شخص واجب است؟
- ۴- شروط صحت نماز عیدین کدامها اند؟
- ۵- مستحبات روز عید رمضان کدامها اند؟
- ۶- طریقه نماز عیدین را توضیح دهید.
- ۷- احکام نماز عید قربان را مختصراً بیان نمایید.
- ۸- تکبیرات تشریق کدام وقت خوانده می شود و کلمات آن کدام است؟

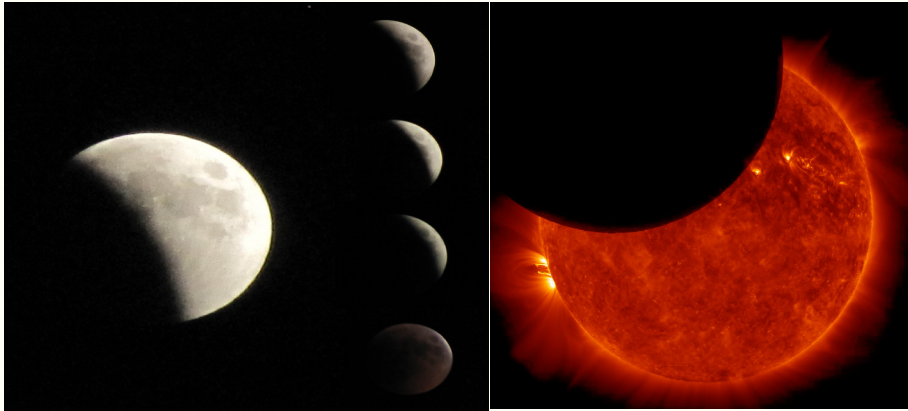
## کارخانه گی



در باره ایام تشریق، تکبیرات تشریق و مسایل مهم مربوط به آن مقاله یی بنویسید.

## نماز کسوف و خسوف

بعد از آنکه نماز عیدین را شناختیم، حالا می‌خواهیم که نماز کسوف و خسوف را بشناسیم، این نمازها بخاطر آنست که یک مسلمان به الله تعالی‌ التجا کند تا آفتاب و مهتاب گرفتگی را از ایشان دور سازد و روشنی را بیاورد.



### بَابُ صَلَاةِ الْكُسُوفِ:

- (۱) وَإِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ صَلَّى الْإِمَامُ بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ: كَهَيْئَةِ النَّافِلَةِ، فِي كُلِّ رَكَعَةٍ رُكُوعٌ وَاحِدٌ، وَيَطْوِلُ الْقِرَاءَةَ فِيهِمَا، وَيُخْفِي الْإِمَامُ الْقِرَاءَةَ، عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَعَمَد رَحِمَهُمَا اللَّهُ: يَجْهَرُ، ثُمَّ يَدْعُو بَعْدَهَا حَتَّى تَنْجَلِيَ الشَّمْسُ، وَيُصَلِّي بِالنَّاسِ الْإِمَامُ الَّذِي يُصَلِّي بِهِمُ الْجُمُعَةَ، فَإِنْ لَمْ يَجْمَعْ صَلَاتَهَا النَّاسُ فُرَادَى.
- (۲) وَلَيْسَ فِي خُسُوفِ الْقَمَرِ جَمَاعَةٌ، وَإِنَّمَا يُصَلِّي كُلُّ وَاحِدٍ لِنَفْسِهِ، وَلَيْسَ فِي الْكُسُوفِ خُطْبَةٌ.

## ترجمه

### باب در بیان نماز آفتاب گرفتگی

(۱) هرگاه در آفتاب گرفتگی واقع شود امام برای مردم دو رکعت نماز مانند نماز نفل ادا کند، و در هر رکعت یک رکوع است، و در هر دو رکعت آن قرائت طولانی کند، و در نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه امام آهسته قرائت نماید، و صاحبین گفته اند: قرائت را به جهر بخواند، بعد از آن به دعا مشغول گردد تا آنکه آفتاب روشن شود، و امامت را کسی به عهده گیرد که امامت نماز جمعه را به عهده دارد، و اگر امام حاضر نباشد باید مردم نماز را به شکل انفرادی اداء نمایند.

(۲) و در مهتاب گرفتگی نماز با جماعت نمی باشد، بلکه هر فرد به تنهایی نماز گزارد، و در نماز کسوف خطبه نمی باشد.

## شرح

### کسوف:

آنست که روشنی آفتاب به سبب حائل واقع شدن مهتاب در بین آفتاب و زمین زایل شود.

### شروط نماز کسوف

شروط نماز کسوف همان شروط سایر نمازها می باشد.

### جای ادای نماز کسوف

بهتر آنست که نماز کسوف در مساجد بزرگ ادا گردد، مساجدی که در آن نماز جمعه برپا می شود، و اگر در محلی دیگری ادا گردد نیز جواز دارد.

### احکام نماز کسوف

گزاردن نماز کسوف با جماعت به صورت دو رکعتی سنت است.

در نماز کسوف جماعت سنت مؤکد است.

برای نماز کسوف اذان و اقامت نمی باشد.

در نماز کسوف برای امام مستحب است که قرائت، رکوع و سجده را طولانی نماید.

وقتی امام از نماز فارغ گردید به دعا شروع کند و مقتدیان آمین بگویند تا آنکه آفتاب روشن گردد.

در صورت عدم موجودیت امام جمعه و یا نایب سلطان نماز کسوف نباید با جماعت اداء گردد، تا جلو فتنه گرفته شود.

اگر امام حاضر نشود مردم به صورت انفرادی مانند نماز خسوف نماز گزارند.

## خسوف

خسوف ناپدید شدن روشنی از تمام مهتاب و یا از بعضی حصه آن را گویند، و این حالت هنگامی واقع می شود که زمین در بین مهتاب و آفتاب حایل واقع شود.

## حکم نماز خسوف

در نماز خسوف، جماعت سنت نمی باشد، بلکه مردم بدون جماعت و به صورت انفرادی این نماز را ادا می کنند.

در اوقات ممنوعه (وقت آفتاب بر آمدن، غروب آفتاب و در وقت استوا) نماز ادا نکنند، بلکه در این اوقات به ذکر و تسبیح مشغول گردند و به فقرا و مساکین صدقه بدهند.

همچنان در هنگام آفت های دیگری از قبیل بادهای تند، باران های مسلسل، و خوف دشمن و مریضی مستحب است که مانند نماز خسوف به صورت انفرادی نماز ادا کنند.

## فعالت

با همصنفیان خود راجع به حکمت واقع شدن کسوف و خسوف گفتگو نمایید.

فرق بین نماز کسوف و خسوف را بیان کنید.

## ارزیابی



- ۱- کسوف چه را گویند؟
- ۲- خسوف چه را گویند؟
- ۳- شروط این نمازها کدامها اند؟
- ۴- نماز کسوف در کجا ادا می گردد؟
- ۵- احکام نماز کسوف و خسوف را بیان کنید؟

## کارخانه گی



راجع به مشروعیت نماز کسوف و خسوف مقاله ای بنویسید.

## نماز استسقاء

بعد از آنکه نماز کسوف و خسوف را شناختیم حالا می‌خواهیم نماز استسقاء را بشناسیم که به سبب نباریدن باران صورت می‌گیرد، و از الله تعالی طالب باران می‌شوند.

### بَابُ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ:

(۱) قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ - رَحِمَهُ اللَّهُ: لَيْسَ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ صَلَاةٌ مَسْنُونَةٌ فِي جَمَاعَةٍ، فَإِنْ صَلَّى النَّاسُ وَحْدَانًا جَارَ، وَإِنَّمَا الْإِسْتِسْقَاءُ: الدُّعَاءُ وَالِاسْتِغْفَارُ.

(۲) وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: يُصَلِّي الْإِمَامُ بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ، وَيَجْهَرُ فِيهِمَا بِالْقِرَاءَةِ

(۳) ثُمَّ يَخْطُبُ، وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِالْأُذُنِ، وَيَقْلِبُ رِدَاءَهُ، وَلَا يُقَلِّبُ الْقَوْمَ أَرْدِيَّتَهُمْ، وَلَا يَحْضُرُ أَهْلُ الذِّمَّةِ الْإِسْتِسْقَاءَ.

### ترجمه

باب در بیان نماز استسقاء (طلب باران)

(۱) امام ابو حنیفه رحمه الله علیه گفته است: برای طلب باران نماز با جماعت مسنون نمی‌باشد، و اگر مردم به شکل انفرادی نماز گزارند جایز است، زیرا استسقاء عبارت از دعا و استغفار است.

(۲) و صاحبین رحمه الله علیهما گفته اند: امام با مردم دو رکعت نماز ادا کند و در هر دو رکعت با آواز بلند قرائت نماید.

(۳) بعد از آن خطبه بخواند و در هنگام دعا روی خود را به طرف قبله گرداند، و چادر خود را چپ بگرداند، مقتدیان چادر خود را سرچپ بگردانند، و اهل ذمه برای نماز استسقاء حاضر نشوند.

### شرح

**تعریف استسقاء:** استسقاء در لغت طلب باران را گویند و در اصطلاح استسقاء در وقتی است که باران نبارد و به آب ضرورت شدید احساس شود تا انسان‌ها و حیوانات از آن بنوشند، و بخاطر آبیاری زراعت نیز آب وجود نداشته باشد در این وقت مسلمانان به شیوه خاصی از

جمله ادای نماز از الله تعالی طلب باران می کنند، و این نوع طلب را استسقاء گویند.

**مسایل مربوط استسقاء:** جماعت در نماز استسقا نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه سنت نمی باشد. و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: امام دو رکعت نماز را با جماعت با مردم اداء کند و در هر دو رکعت به جهر قرائت نماید، بعد از آن دو خطبه بخواند و امام روبرو قبله دعاء کند و اهل ذمه به آن حاضر نمی شوند.

بیرون شدن مردم از شهر و آبادی تا سه روز بخاطر ادای نماز استسقا مستحب است. همچنان مستحب است که مردم در لباس های معمولی و کهنه و به حالت عجز و ناتوانی و خوف از الله عزوجل و با سرهای افکنده و پیاده بیرون شوند. و نیز مستحب است که قبل از بیرون شدن از خانه های خود صدقه بدهند و روزه بگیرند. و نیز مستحب است که بخاطر مغفرت گناهان خود از الله تعالی به کثرت استغفار و آمرزش بخواهند و نیز مستحب است که: همراه خود حیوانات، و افراد کهن سال و اطفال را بیرون کنند.

امام در جمله دعا های که می خواند، دعای ذیل را نیز بخواند

{اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا نَافِعًا، غَيْرَ ضَارٍّ، عَاجِلًا غَيْرَ آجِلٍ، اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ، وَانْشُرْ رَحْمَتَكَ وَأَخِي بَلَدَكَ الْمَيِّتَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ، أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ، وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ لَنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا إِلَى حِينٍ}.

## فعالیت

به سوالات ذیل پاسخ بگویید:

به خاطر طلب باران کدام دعا خوانده می شود؟  
در صورتی که باران زیاد شود کدام دعا باید خوانده شود؟

## ارزیابی

- ۱- استسقاء را تعریف کنید؟
- ۲- احکام مهم این باب کدام اند؟
- ۳- امام کدام دعا را بخواند؟

## کارخانه گی

دعای طلب نزول باران را در کتابچه های خود بنویسید.



## نماز تراویح

نماز تراویح نیز سنت است، وقت معین و احکام جداگانه دارد، کسی که این نماز را ادا کند برایش اجر و پاداش زیاد داده می‌شود، پس بیاید که آن را بشناسیم.

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ:

- (۱) وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَجْتَمَعَ النَّاسُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْدَ الْعِشَاءِ، فَيُصَلِّيَ بِهِمُ الْإِمَامُ خَمْسَ تَرَوِيحَاتٍ فِي كُلِّ تَرَوِيحَةٍ تَسْلِيمَتَانِ، وَيَجْلِسُ بَيْنَ كُلِّ تَرَوِيحَتَيْنِ مَقْدَارَ تَرَوِيحَةٍ، ثُمَّ يُوتِرُ بِهِمْ.
- (۲) وَلَا يُصَلِّيُ الْوُتْرَ فِي جَمَاعَةٍ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ.

ترجمه

### باب در بیان نماز تراویح در ماه رمضان

- (۱) مستحب است که مردم در ماه رمضان بعد از نماز خفتن جمع شوند و امام برای شان پنج ترویحه (مجموعاً بیست رکعت نماز) ادا کند، و در هر ترویحه دو سلام (دورکعت) است، و در میان هر دو ترویحه به اندازه یک ترویحه بنشیند، بعد از آن برای شان نماز وتر بخواند.
- (۲) و در غیر رمضان نماز وتر را با جماعت ادا نکند.

شرح

**تراویح:** تراویح جمع ترویحه به معنای استراحت است.

ترویحه عبارت از همان چهار رکعت نمازی است که بعد از ادای آن برای مدتی از زمان آرام گرفتن و در آن نشستن سنت است.

نماز تراویح که آن را قیام رمضان گویند بگونه خاص در ماه رمضان مشروع گردیده است.

**حکم تراویح:** نماز تراویح بر مرد و زن هر دو سنت است.

ادای نماز تراویح با جماعت بر مردان قریه سنت کفایی است.

**تعداد رکعت‌های تراویح** « نماز تراویح بیست رکعت با ده سلام است.  
**وقت نماز تراویح:** وقت نماز تراویح بعد از نماز خفتن تا هنگام برآمدن صبح صادق است.

### مسایل مربوط به این باب

- تقدیم نماز تراویح بر وتر سنت است.
- تاخیر تراویح تا حصه سوم و یا نصف شب مستحب است.
- بعد از هر چهار رکعت نشستن به اندازه آن مستحب است.
- یکبار ختم کردن قرآن کریم در نماز تراویح در همهٔ رمضان سنت است.
- نماز تراویح قضا ندارد نه با جماعت و نه انفرادی.

## فعالیت

با همصنفیان خود در باره فرق بین نماز تراویح و تهجد گفتگو نمایید.

## ارزیابی

- ۱- معنای تراویح را بیان کنید.
- ۲- حکم نماز تراویح چیست؟
- ۳- تراویح را چرا تراویح گویند؟
- ۴- تعداد رکعات نماز تراویح چند است؟

## کارخانه گی

در باره مشروعیت نماز تراویح مقاله‌ی بنویسید.

## نماز خوف

اسلام بر نماز با جماعت تاکید زیادی نموده تا روابط اجتماعی مسلمانان ثابت و پایدار باقی بماند و حتی در حالات جنگ و خطر نیز بر جماعت تاکید نموده است، ازین رو در هنگام خوف و جنگ نماز خوف را بشکل خاص جایز قرار داده وساقط نکرده است.

### بَابُ صَلَاةِ الْخَوْفِ:

(۱) إِذَا اشْتَدَّ الْخَوْفُ جَعَلَ الْإِمَامُ النَّاسَ طَائِفَتَيْنِ: طَائِفَةً إِلَى وَجْهِ الْعَدُوِّ، وَطَائِفَةً خَلْفَهُ، فَيُصَلِّي بِهَذِهِ الطَّائِفَةِ رُكْعَةً وَسَجْدَتَيْنِ، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ مَضَتْ هَذِهِ الطَّائِفَةُ إِلَى وَجْهِ الْعَدُوِّ، وَجَلَّتْ تِلْكَ الطَّائِفَةُ، الْأُخْرَى فَيُصَلِّي بِهِمُ الْإِمَامُ رُكْعَةً وَسَجْدَتَيْنِ، وَتَشْهَدُ وَسَلِّمَ، وَلَمْ يُسَلِّمُوا، وَذَهَبُوا إِلَى وَجْهِ الْعَدُوِّ، وَجَلَّتْ الطَّائِفَةُ الْأُولَى فَصَلُّوا وَحْدَانًا، رُكْعَةً وَسَجْدَتَيْنِ، بِغَيْرِ قِرَاءَةٍ، وَتَشْهَدُوا وَسَلِّمُوا، وَمَضُوا إِلَى وَجْهِ الْعَدُوِّ، وَجَلَّتْ الطَّائِفَةُ الْأُخْرَى فَصَلُّوا رُكْعَةً وَسَجْدَتَيْنِ بِقِرَاءَةٍ، وَتَشْهَدُوا وَسَلِّمُوا.

(۲) فَإِنْ كَانَ الْإِمَامُ مُقِيمًا، صَلَّى بِالطَّائِفَةِ الْأُولَى رُكْعَتَيْنِ وَبِالثَّانِيَةِ رُكْعَتَيْنِ، وَيُصَلِّي بِالطَّائِفَةِ الْأُولَى مِنَ الْمَغْرِبِ، رُكْعَتَيْنِ وَبِالثَّانِيَةِ رُكْعَةً.

(۳) وَلَا يُقَاتِلُونَ فِي حَالِ الصَّلَاةِ، فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ بَطَلَتْ صَلَاتُهُمْ، وَإِنْ اشْتَدَّ الْخَوْفُ صَلُّوا رُكْبَانًا وَحْدَانًا، يُؤْمِنُونَ بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ إِلَى أَيِّ جِهَةٍ شَاءُوا، إِذَا لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى التَّوَجُّهِ إِلَى الْقِبْلَةِ.

ترجمه

### باب در بیان نماز خوف

(۱) هرگاه خوف و ترس شدت یابد، امام مردم را به دو گروه تقسیم کند، گروهی را در مقابل دشمن قرار دهد و گروه دیگر در عقب او بایستند، امام با گروهی که در عقبش قرار دارند یک رکعت و دو سجده ادا کند، وقتی سر خود را از سجده دوم بلند کنند این گروه به

مقابل دشمن بروند، و گروهی که در مقابل دشمن قرار داشتند بیایند و در عقب امام بایستند و امام یک رکعت و دو سجده با ایشان گزارد، تشهد بخواند و سلام بگرداند، و گروهی که در عقب وی اند سلام نگردانند و به مقابله دشمن بروند، و گروه اولی بیایند و یک رکعت و دو سجده را بدون قرائت و به شکل انفرادی ادا کنند، تشهد بخوانند و سلام بگردانند.

(۲) و اگر امام مقیم بود با گروه اول دو رکعت و با گروه دوم دو رکعت ادا کند، و در نماز شام با گروه اول دو رکعت و با گروه دوم یک رکعت ادا کند.

(۳) و در حال ادای نماز جنگ نکنند، اگر جنگ کردند نماز شان باطل شود، و اگر خوف از دشمن شدت بیشتر اختیار نمود، بر بالای سواری به صورت انفرادی به هر جهتی که می‌توانند نماز گزارند اگر نمی‌توانستند رو به قبله کنند و رکوع و سجده را به اشاره کنند.

### شرح

**شرط نماز خوف:** یگانه شرط صحت نماز خوف وجود و نزدیکی دشمن است، ازینرو اگر دشمن دور باشد نماز خوف جواز ندارد.

خوف از دشمن و خوف از حیوانات درنده یک حکم دارد

### جنگ در حال نماز

جنگ در حال نماز درست نمی‌باشد، و اگر جنگ کند نمازش باطل شود.

اگر خوف از دشمن شدت بیشتر اختیار کند مسلمانان می‌توانند بر بالای سواری‌های شان به صورت انفرادی به هر جهتی که می‌توانند نماز گزارند و رکوع و سجده را به اشاره کنند.

## فعالیت

شاگردان در بین خود کیفیت نماز خوف را تشریح کنند همینطور درباره حکمت روا بودن نماز خوف بین خود مناقشه کنند.

## ارزیابی



- ۱- شرط نماز خوف چیست؟
- ۲- طریقه ادای نماز خوف را بیان کنید؟
- ۳- حکم جنگ در حال نماز چیست؟
- ۴- در اثنای نماز داشتن سلاح چه حکم دارد؟

## بیان احکام جنازه

یکی از حقوقی که یک مسلمان بالای مسلمان دیگر دارد حاضر شدن به جنازه و خواندن نماز بالای آن است، در این درس می‌خواهیم که به احکام پیرامون جنازه بفهمیم .

### بَابُ الْجَنَائِزِ:

(۱) وَإِذَا أُحْتَضِرَ الرَّجُلُ بِالمَوْتِ وَجَّهَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ وَلَقَّنَ الشَّهَادَتَيْنِ، فَإِذَا مَاتَ شَدُّوا لِحْيَتَهُ، وَعَمَّضُوا عَيْنَيْهِ.

(۲) وَإِذَا أَرَادُوا غُسْلَهُ، وَضَعُوهُ عَلَى السَّرِيرِ، وَجَعَلُوا عَلَى عَوْرَتِهِ خِرْقَةً، وَنَزَعُوا ثِيَابَهُ، وَوَضَعُوهُ، وَلَا يُمَضَّمُضٌ، وَلَا يُسْتَشَقُّ.

(۳) ثُمَّ يُقَيِّضُونَ المَاءَ عَلَيْهِ، وَيَجْمُرُ سَرِيرَهُ وَتَرًا، وَيُغْلَى المَاءُ بِالسُّدْرِ أَوْ بِالْخُرْصِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَالْمَاءُ الْقَرَّاحُ، وَيُغْسَلُ رَأْسُهُ وَلِحْيَتُهُ بِالْخِطْمِيِّ.

(۴) ثُمَّ يُضَجِّعُهُ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْسَرِ فَيُغْسَلُ بِالمَاءِ، حَتَّى يَرَى أَنَّ المَاءَ قَدْ وَصَلَ إِلَى مَا يَلِي التَّخْتَ مِنْهُ، ثُمَّ يُضَجِّعُهُ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ، فَيُغْسَلُ بِالمَاءِ، حَتَّى يَرَى أَنَّ المَاءَ قَدْ وَصَلَ إِلَى مَا يَلِي التَّخْتَ مِنْهُ.

(۵) ثُمَّ يُجْلِسُهُ وَيُسْنِدُهُ إِلَيْهِ، وَيَمْسَحُ بَطْنَهُ مَسْحًا رَقِيقًا، فَإِنْ خَرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ غَسَلَهُ، وَلَا يُعِيدُ غُسْلَهُ، وَلَا وُضُوَّهُ.

(۶) ثُمَّ يَنْشِفُهُ بِثَوْبٍ، وَيَجْعَلُهُ فِي أَكْفَانِهِ، وَيَجْعَلُ الْحَنُوطَ عَلَى لِحْيَتِهِ، وَرَأْسِهِ وَالْكَافُورَ عَلَى مَسَاجِدِهِ.

## ترجمه

### باب در بیان نماز جنازه

(۱) وقتی شخصی به حالت جان کندن رسد باید بر پهلوی راست گذاشته شده و رویش به طرف قبله گردانیده شود و برایش شهادتین تلقین گردد، و چون وفات نماید الاشه‌ها و هردو چشمش را ببندند.

(۲) و زمانی که بخواهند میت را غسل دهند او را بر چارپایی یا تخته نهند و پارچه را بر شرمگاهش ببندازند، لباس هایش را از تنش بیرون کنند، او را وضو دهند، مضمضه و استنشاق داده نمی شود.

(۳) بعد از آن بر تمام بدنش آب بریزند، و چهارپایی را به عدد طاق خوشبویی بزنند، آب غسلش را به سدر و اشنان جوش بدهند، و اگر سدر و اشنان نیابند آب خالص کافی است، موی سر و ریشش را به گل خطمی بشویند.

(۴) بعد از آن او را بر پهلوی چپ بخوابانند و به آب او را بشویند، تا جایکه آب به نقطه برسد که پیوست به تخته است، بعد از آن او را بر پهلوی راست بخوابانند و توسط آب بشویند تا آنکه آب به نقطه برسد که پیوست به تخته است.

(۵) بعد از آن او را بنشانند و به طرف خود تکیه بدهد، و دست خود را بر شکمش آهسته آهسته کش کند، اگر چیزی از او بیرون شد آن را بشویند و بار دیگر برایش غسل و وضوء ندهند.

(۶) بعد از آن توسط جان پاک او را خشک کنند و در کفن داخلش نمایند و بر سر و ریشش عطر بزنند، و بر اماکن سجده اش کافور بنهند.

## شرح

### در حالت جان کندن

انسان وقتی به حالت جان کندن رسد سنت آنست که بر پهلوی راست قرار داده شده و رویش به طرف قبله گردانیده شود.

و اگر نشانی مرگ در او مشاهده گردید مستحب آنست که شهادتین برایش تلقین شود،

بگونه‌ی بی که کلمه شهادت در پیشروی او به صدای بلند خوانده شود تا آن را بشنود، ولی برایش گفته نشود که این کلمه را بخوان تا مبدا از آن انکار کند و در مورد آن گمان بد پیدا نشود.

**قبل از غسل دادن:** وقتی انسان بمیرد باید با پارچه هردو الاشه اش را به طرف سرش بسته و چشم‌هایش را ببندند.

**حکم غسل میت:** غسل دادن و شستن میت بر زنده‌ها فرض کفایی است. اگر تعدادی از مسلمانان در غسل دادن میتی شرکت کنند فرض از ذمه دیگران ساقط می‌گردد، و اگر کسی در این کار شرکت نکند همه گنهگار می‌شوند.

**کیفیت غسل دادن میت:** میت را بر تخته یا چهار پایی بنهند و به عدد طاق آن را خوشبویی بزنند، و عورت میت را از ناف تا زیر زانو بپوشانند، بعد از آن لباس‌هایش را از تنش بیرون کنند، و او را وضو دهند، چنانکه برای نماز وضو داده می‌شود لیکن بینی و دهنش را غسل ندهند بلکه با پارچه‌ی بی آن را مسح کنند، بعد از آن تمام بدنش را با آبی که در آن سدر و اشنان خلط گردیده بشویند، و اگر آب سدر و اشنان پیدا نکنند با آب خالص او را بشویند.

سر و ریش میت را توسط گل خطمی و یا صابون بشویند، بعد از آن او را بر پهلوی چپ بخوابانند و به اندازه بر او آب بریزند که آب به زیر تخته برسد، بعد از آن او را بر پهلوی راست بخوابانند و تا اندازه‌ی بی بر او آب بریزند که آب به زیر تخته برسد، بعد از آن میت را به سوی خود تکیه بدهند و با دست خود شکم او را مسح کنند و اگر چیزی از او خارج گردید آن را بشویند و بار دیگر او را غسل ندهند، بعد از آن آب را از بدن او توسط جان پاک خشک کنند، و حنوط (نوعی از عطر) بر سر و ریش او بمالند و کافور را بر اعضای که بر آن سجده می‌کرد بزنند. باید گفت که ناخن‌ها و موی میت قطع کرده نمی‌شود. همچنان موی سر و ریش میت را نباید شانه کرد.

## فعالیت

اگر تو نزد کسی که در حال جان کندن قرار دارد حاضر شوی چه خواهی کرد؟ و خواندن کدام دعاها سنت است؟ در میان خود کیفیت غسل دادن میت را بحث کنید.

## ارزیابی



- ۱- کسی که در حال جان کندن باشد چه کاری باید با وی صورت گیرد؟
- ۲- قبل از غسل دادن میت چه باید شود؟
- ۳- حکم غسل دادن میت را بیان کنید.
- ۴- طریقه غسل دادن میت را بیان کنید.

## کارخانه گی



آدابی را که باید در برابر انسان محتضر رعایت شود در کتابچه‌های خود بنویسید.



## احکام تکفین میت

در درس قبلی دانستیم که همراه مریض در حالت جان کندن و قبل از غسل چه کاری باید صورت گیرد، همچنان احکام غسل میت را شناختیم، حالا می‌خواهیم در باره تکفین میت چیزی بدانیم.

(۱) وَالسُّنَّةُ أَنْ يُكْفَنَ الرَّجُلُ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ: إِزَارٍ، وَقَمِيصٍ، وَلِفَافَةٍ، فَإِنْ اقْتَصَرُوا عَلَى ثَوْبَيْنِ جَازَ، فَإِذَا أَرَادُوا لَفَّ اللَّفَافَةِ عَلَيْهِ، ابْتَدَعُوا بِالْجَانِبِ الْأَيْسَرِ فَأَلْقَوْهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ بِالْأَيْمَنِ، فَإِنْ خَافُوا أَنْ تَنْتَشِرَ الْأَكْفَانُ عَنْهُ عَقَدُوهَا.

(۲) وَتُكْفَنُ الْمَرْأَةُ فِي خَمْسَةِ أَثْوَابٍ: إِزَارٍ، وَقَمِيصٍ، وَخِمَارٍ، وَخِرْقَةٍ تُرْبَطُ بِهَا تَدْيَاهَا، وَلِفَافَةٍ، فَإِنْ اقْتَصَرُوا عَلَى ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ جَازَ، وَيَكُونُ الْخِمَارُ فَوْقَ الْقَمِيصِ تَحْتَ اللَّفَافَةِ، وَيُجْعَلُ شَعْرُهَا عَلَى صَدْرِهَا.

(۳) وَلَا يُسْرَحُ شَعْرُ الْمَيِّتِ وَلَا لِحْيَتُهُ، وَلَا يُقَصُّ ظَفْرُهُ، وَلَا يُعَقَّصُ شَعْرُهُ، وَتُجَمَّرُ الْأَكْفَانُ قَبْلَ أَنْ يُدْرَجَ فِيهَا وَتُرَا.

### ترجمه

(۱) (طریقه مسنون تکفین) آنست که مرد در سه لباس تکفین شود: ازار، پیراهن و چادر، و اگر به دو لباس اکتفا کنند جایز است، و چون بخواهند به میت کفن بپوشانند، چادر را بر وی برگردانند و نخست از طرف چپ شروع نمایند و آنرا بالایش بیاندازند، بعد از آن به طرف راست شروع کنند، و اگر بیم آن می‌رفت که کفن باز شود آن را بسته کنند.

(۲) کفن مسنون برای زن پنج لباس است: ازار، پیراهن، چادر، پارچه کوچکی که سینه اش به آن بسته می‌شود و چادر کلان، و اگر به سه لباس اکتفا صورت گیرد جایز است، و چادر سینه بر بالای پیراهن و زیر چادر افکنده می‌شود، و موی‌هایش را بر سینه اش بنهند.

(۳) موی و ریش میت را شانه نکنند، و ناخن‌ها و موی‌هایش را قطع نکنند، و قبل از اینکه او را در کفن بیچانند به عدد طاق او را خوشبویی بزنند.

## شرح

### احکام تکفین میت

تکفین میت مسلمانان فرض کفایی است.

اگر بعضی از مسلمانان میت را کفن نمایند این فرض از ذمه تمام مسلمانان ساقط می‌گردد. و اگر کسی به این کار اقدام نکند همه گنهگار می‌شوند. حد اقل کفن که با انجام آن ذمه مسلمانان فارغ می‌شود کفنی است که تمام بدن میت به آن پوشانده شود.

کفن باید از مال خالص میت ساخته شود، مالی که حق کسی در آن نباشد و اگر میت را مال نبود پس کفن بر کسی لازم می‌شود که در زندگی نفقه‌اش بر وی لازم بود، و اگر او هم مالی نداشت پس کفن از بیت المال داده می‌شود. و اگر مسلمانان را بیت المال نبود، یا اینکه گرفتن کفن از آن مشکل بود پس کفن همچو میت بر گروهی واجب است که قدرت و توانایی مالی دارند.

### اقسام کفن

کفن به سه نوع است:

کفن سنت

کفن کفایت

کفن ضرورت

**کفن سنت:** برای مردان پیراهن، ازار و چادر است.

**کفن کفایت:** برای مردان ازار و چادر است و کمتر از آن مکروه می‌باشد.

**کفن ضرورت:** در وقت ضرورت هر اندازه از پارچه که پیدا شود درست است ولو به اندازه‌ی کم باشد که فقط عورت میت پنهان شود.

بهتر آنست که رنگ کفن سفید و پارچه ساخته شده از نخ و تار باشد.

ازار باید از قسمت سر تا پای باشد، و چادر باید نسبت به ازار یک گز دراز تر، و پیراهن از

قسمت گردن تا پای باشد و پیراهن نباید آستین داشته باشد.

### طریقه تکفین مرد

طریقه تکفین میت مرد آنست که نخست باید چادر را هموار کنند، و بر بالای آن ازار را بنهند، و بر بالای آن پیراهن بنهد، اول به او پیراهن بپوشانند، بعد از آن بالای او ازار برگردانند، اول طرف چپ را بعد طرف راست آن بعد از آن چادر را بر او پیچ دهند، اول طرف چپ بعد طرف راست، بعد از آن هر دو طرف کفن را ببندند تا آنکه از هم جدا نشود.

**کفن مسنون برای زن:** چادر کلان، پیراهن، ازار، خرقه (چادر سر سینه) و خمار (چادر کوچک) است

**کفن کفایت برای زن:** ازار، چادر کلان و چادر کوچک است.

**کفن ضرورت برای زن:** هر اندازه پارچه که در وقت ضرورت پیدا شود، و بهتر آنست که خرقه (چادر سر سینه) از قسمت سینه تا رانها باشد و اگر تا ناف باشد نیز جواز دارد.

### طریقه تکفین زن

طریقه تکفین میت زن این است که نخست چادر کلان را هموار کنند و بر بالای آن ازار را بگزارند، بعدا پیراهن، اول به او پیراهن را بپوشانند و موهایش را دو قسمت نموده بر بالای سینه و پیراهنش ببندازند، بعد خمار را بر سرش بپوشانند، و آن را نه پیچ دهند و نه گره، بعد از آن ازار را از طرف چپ و بعد از طرف راست بر وی ببندازند، و توسط خرقه سینه اش را ببندند، و در آخر او را در چادر کلان بپیچانند.

## فعالیت

با معلم خود در باره فرق کفن مرد و کفن زن مناقشه و گفتگو نمایید.

## ارزیابی



۱- تکفین میت بر مسلمانان چه حکم دارد؟

۲- اگر شماری از مردم میتی را کفن دهند آیا فرض از ذمه دیگران ساقط می گردد؟

- ۳- حد اقل کفن مرد و زن که از ذمه مسلمانان فرض کفایه ساقط می شود کدام است؟
- ۴- کفن از کدام قسم مال داده می شود؟
- ۵- کفن به چند قسم است؟
- ۶- طریقه تکفین مرد و زن را بیان کنید.

## کارخانه گی



کفن مسنون کدام است؟ جواب این سوال را در کتابچه های خود بنویسید.

## نماز جنازه

در درس قبلی احکام تکفین میت را دانستیم، حالا می‌خواهیم احکام نماز جنازه را بدانیم.

- (۱) فَإِذَا فَرَّغُوا مِنْهُ صَلُّوا عَلَيْهِ، وَأَوَّلَى النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ السُّلْطَانُ إِذَا حَضَرَ، فَإِنْ لَمْ يَحْضَرْ، فَيُسْتَحَبُّ تَقْدِيمُ إِمَامٍ حَيٍّ، ثُمَّ الْوَلِيِّ، فَإِنْ صَلَّى عَلَيْهِ غَيْرُ الْوَلِيِّ، وَالسُّلْطَانِ، أَعَادَ الْوَلِيُّ، وَإِنْ صَلَّى الْوَلِيُّ لَمْ يُجْزَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَهُ.
- (۲) فَإِنْ دُفِنَ وَلَمْ يُصَلَّ عَلَيْهِ صَلَّ عَلَى قَبْرِهِ.
- (۳) وَالصَّلَاةُ: أَنْ يُكَبَّرَ تَكْبِيرَةً يَحْمَدُ اللَّهُ تَعَالَى عَقِيْبَهَا، ثُمَّ يُكَبَّرُ تَكْبِيرَةً ثَانِيَةً وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ، ثُمَّ يُكَبَّرُ تَكْبِيرَةً يَدْعُو فِيهَا لِنَفْسِهِ، وَلِلْمَيِّتِ، وَلِلْمُسْلِمِينَ، ثُمَّ يُكَبَّرُ تَكْبِيرَةً رَابِعَةً، وَيُسَلِّمُ.
- (۴) وَلَا يُصَلِّيَ عَلَى مَيِّتٍ فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ.

### ترجمه

- (۱) وقتی از تکفین میت فارغ شوند بر وی نماز ادا کنند، و سزاوار تر از همه به امامت سلطان است اگر حاضر شود، و اگر حاضر نشود تقدیم امام قریه در نماز جنازه مستحب است، بعد از آن ولی میت، و اگر شخص دیگری غیر از ولی و سلطان بر وی نماز گزارد، ولی می‌تواند نماز جنازه را اعاده کند، و اگر ولی بر وی نماز گزارد کسی دیگری بر وی نماز نخواند.
- (۲) و اگر میت بدون جنازه دفن شود، باید بر قبرش جنازه اداء گردد.
- (۳) طریقه نماز جنازه این است که اول تکبیر گوید، بعد حمد و ثنای الله تعالی را بخواند، باز تکبیر گوید و به نبی کریم ﷺ درود بفرستد، باز تکبیر گوید و برای خود و برای میت و

مسلمانان دعا کند، باز تکبیر گوید و سلام بگردانند.  
(۴) و نماز جنازه را در مسجدی که در آن جماعت اقامه می‌شود ادا نکند.

## شرح

### حکم نماز جنازه

نماز جنازه بر مسلمانان فرض کفایی است.  
نماز جنازه مشتمل بر دو رکن است

**اول:** چهار تکبیر، و هر تکبیر از نگاه درجه معادل یک رکعت نماز است.

**دوم:** قیام، زیرا نشسته خواندن نماز جنازه بدون عذر جواز ندارد.

اگر میت، بالغ باشد، مرد باشد یا زن این دعا را بخواند: {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا، وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَغَائِبِنَا، وَصَغِيرِنَا، وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا، وَأُنْثَانَا، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ}.

و اگر میت پسر بچه نابالغ باشد این دعا را بخواند: {اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَمُشَفَّعًا}

و اگر میت دختر نابالغ باشد این دعا را بخواند: {اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا فَرَطًا، وَاجْعَلْهَا لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهَا لَنَا شَافِعَةً وَمُشَفَّعَةً} و بعد از تکبیر چهارم سلام بگرداند و نماز را به آخر رساند.

به جز از تکبیر تحریمه در سایر تکبیرات دست‌های خود را بلند نکند.

## مسایل

- اگر ولی (سرپرست) میت نماز جنازه را امامت کند، نماز جنازه بار دیگر بر گردانده نمی‌شود.
- اگر میتی بدون نماز جنازه دفن گردد تا زمانی که جسد وی خراب نشده نماز جنازه بر

قبر او درست است.

- اگر تعداد جنازه بیشتر از یک باشد بهتر آنست که بر هر میت جداگانه نماز گزارده شود و اگر بر تمام آنها یک نماز گزارده شود نیز جایز است.
- اگر امام بخواهد که بر تمام جنازه‌ها یک نماز ادا کند باید جنازه‌ها را پیش روی خود در یک صف قرار دهد، اول جنازه مردان بعد اطفال بعد زنان.

### طریقه نماز جنازه

طریقه ادای نماز جنازه چنین است که امام در مقابل سینه میت بایستد و مقتدی‌ها در عقب وی صف‌های خود را ترتیب کنند، و هر یکی ایشان این نیت را داشته باشد که فریضه نماز جنازه را بگونه عبادت الله تعالی ادا می‌کنم، و نیت متابعت امام را نیز کنند، بعد از آن تکبیر تحریمه گویند و همزمان با آن دست‌های شان را بلند نمایند، بعد از آن ثنا بخوانند، باز تکبیر دوم را بگویند و دست‌های شان را بلند نکنند، و به نبی کریم ﷺ درود بگویند، بعد از آن تکبیر سوم را بگویند و دست‌های شان را بلند نکنند، و در حق خود، حق میت و همه مسلمانان دعا کنند، بعد از آن تکبیر چهارم بگویند، و دست‌های شان را بلند نکنند، و به طرف راست و چپ خود سلام بگردانند.

### فعالیت

یک نفر شاگرد نماز جنازه را عملاً طور جهر به دیگران نشان دهد.

## ارزیابی



- ۱- نماز جنازه بر میت چه حکم دارد؟
- ۲- اگر یک مسلمان بر میتی نماز جنازه گزارد آیا فرض از ذمه دیگران ساقط می‌شود؟
- ۳- ارکان نماز جنازه کدام‌ها اند؟
- ۴- اگر میت بالغ باشد کدام دعا خوانده می‌شود؟
- ۵- اگر میت طفل باشد در جنازه پسر بچه و دختر کدام دعا خوانده می‌شود؟
- ۶- طریقه اداي نماز جنازه چگونه است؟

## کارخانه گی



دعایی که در نماز جنازه خوانده می‌شود آن را در کتابچه‌های خود بنویسید.



## احکام تدفین میت

در درس قبلی احکام نماز جنازه را دانستیم، حالا می‌خواهیم احکام تدفین میت را بدانیم

- (۱) فَإِذَا حَمَلُوهُ عَلَى سَرِيرِهِ أَخَذُوا بِقَوَائِمِهِ الْأَرْبَعِ، وَيَمْشُونَ بِهِ مُسْرِعِينَ دُونَ الْحَبَبِ، فَإِذَا بَلَّغُوا إِلَى قَبْرِهِ، كَرِهَ لِلنَّاسِ أَنْ يَجْلِسُوا قَبْلَ أَنْ يُوضَعَ عَنْ أَعْنَاقِ الرِّجَالِ.
- (۲) وَيُحْفَرُ الْقَبْرُ، وَيُلْحَدُ وَيُدْخَلُ الْمَيِّتُ مِمَّا يَلِي الْقِبْلَةَ، فَإِذَا وَضِعَ فِي لَحْدِهِ قَالَ الَّذِي يَضَعُهُ: بِاسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَيُوجَّهُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَيَسْوَى اللَّبْنُ عَلَيْهِ.
- (۳) وَيُكْرَهُ الْأَجْرُ، وَالْخَشَبُ، وَلَا بَأْسَ بِالْقَصَبِ ثُمَّ يَهَالُ التُّرَابُ عَلَيْهِ، وَيُسَنَّمُ الْقَبْرُ وَلَا يُسَطَّحُ.
- (۴) وَمَنْ اسْتَهَلَ بَعْدَ الْوِلَادَةِ سُمِّيَ، وَغُسِلَ وَصُلِّيَ عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ يَسْتَهَلَّ أُدْرِجَ فِي خِرْقَةٍ وَلَمْ يُصَلَّ عَلَيْهِ.

### ترجمه

- (۱) وقتی میت را بر چهارپایی بنهند هر چهار پایه آن را بگیرند و با عجله و بدون دوش ببرند، وقتی به قبرستان رسیدند برای مردم مکروه است که قبل از نهادن میت بر زمین بنشینند.
- (۲) برایش قبر حفر کنند و در آن لحد بسازند، و میت را از جهت قبله داخل قبر کنند، وقتی میت را در قبر داخل نمودند شخصی که او را در قبر داخل می‌کند این دعا را بخواند {بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ} و روی او را به طرف قبله بگرداند، گره‌های کفن را بگشاید و خشت‌ها را بر بالای لحدش برابر کنند.
- (۳) استعمال خشت پخته و چوب مکروه است، لیکن استعمال نی باکی ندارد، بعد از آن خاک بر بالای قبرش بریزند و قبرش را مانند کوهان شتر (ماهی پشت) سازند و مسطح

(چارکنج) نسازند.

(۴) و کسی که بعد از پیدایش گریه کند و بمیرد نامش گذارند، او را غسل دهند و نماز جنازه بر وی ادا کنند، و اگر گریه نکند در پارچه از لباس پیچانیده و دفنش کنند.

## شرح

### احکام برداشتن جنازه

- برداشتن جنازه میت تا قبرستان بر مسلمانان فرض کفایی است، نبی کریم ﷺ جنازه حضرت سعد بن معاذ را برداشته بود.
- سنت آنست که چهار نفر جنازه را بردارند، جنازه را به عجله و تیزی ببرند ولی نباید آنقدر عجله نمایند که میت را تکان بدهند.
- رفتن از عقب جنازه از رفتن در پیشاپیش آن بهتر است، و پیش از نهادن جنازه بر زمین، نشستن مکروه می باشد.

### احکام تدفین میت

- سنت آنست که چقری قبر کم از کم به اندازه نصف قامت انسان باشد، و اگر از آن بیشتر باشد بهتر است.
- بهتر آنست که برای میت لحد حفر شود نه شق، مگر اینکه زمین نرم باشد.
- روی میت در قبر باید به سوی قبله نهاده شود.
- و کسیکه میت را در قبر می نهد این دعا را بخواند: **{بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ}**.
- میت را در قبر به طرف راست به سوی قبله کند، وقتی او را در قبر نهادند گره های کفن را بکشایند.
- و اگر میت زن باشد در هنگام نهادن وی در قبر باید قبر را ستر کنند، و اگر میت مرد باشد ستر نمودن قبر ضروری نمی باشد.
- بعد از آن بر قبر خاک بیاندازند، تا آنکه قبر بند شود و قبر را مانند کوهان شتر بسازند و آن را چهار کنج نسازند.

ساختن تعمیر و آبادی بر قبر حرام است، همچنان تعمیر قبر به مقصد مستحکم نمودن آن جواز ندارد.

دفن نمودن میت در داخل خانه مکروه است، زیرا این عمل از خصوصیت پیامبران علیهم السلام می‌باشد.

در هنگام ضرورت دفن نمودن بیشتر از یک شخص در یک قبر جواز دارد. اگر در یک قبر بیشتر از یک نفر دفن گردد مستحب آنست که در میان دو میت توسط خاک جدایی بیاورند.

اگر کسی در کشتی بمیرد وی را غسل دهند، کفن کنند، و نماز بر وی گزارند و اگر از خشکه دور باشند و بیم آن رود که میت خراب می‌شود او را در بحر اندازند. مستحب آنست که میت را در محلی دفن کنند که در آنجا وفات نموده است، و نقل دادن میت از یک محل به محل دیگر به فاصله بیشتر از یک یا دو میل مکروه می‌باشد.

## فعالیت

شاگردان باهم راجع به موضوعات ذیل گفتگو نمایند:

۱. طریقه حمل و نقل جنازه چگونه است؟
- ۲- طریقه کندن قبر، نهادن میت در آن و دعاها مسنون

- ۱- حکم بردن میت به قبرستان چیست؟
- ۲- آیا رسول الله ﷺ جنازه کسی را حمل نموده است؟
- ۳- برای حمل و نقل جنازه کدام امور سنت است؟
- ۴- برای حمل و نقل جنازه کدام امور مستحب است؟
- ۵- احکام تدفین میت کدامها اند؟



آداب زیارت قبور را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## احکام شهید

در درسهای قبلی احکام میت مطلق را شناختیم، که به طور عادی وفات نموده باشد حالا می‌خواهیم احکام شهید را بدانیم، زیرا احکام شهید مثل غسل و تکفین با احکام یک میت عادی فرق دارد و شهید از نگاه فضیلت از جایگاه خاصی برخوردار است.

### بَابُ الشَّهِيدِ:

(۱) الشَّهِيدُ مَنْ قَتَلَهُ الْمُشْرِكُونَ، أَوْ وُجِدَ فِي الْمَعْرَكَةِ وَبِهِ أَثَرُ الْجَرَّاحَةِ، أَوْ قَتَلَهُ الْمُسْلِمُونَ ظُلْمًا، وَلَمْ يَجِبْ بِقَتْلِهِ دِيَّةٌ، فَيُكْفَنُ وَيُصَلَّى عَلَيْهِ، وَلَا يُغْسَلُ.

(۲) وَإِذَا أُسْتُشْهِدَ الْجَنْبُ غُسِلَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَكَذَا الصَّبِيُّ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: لَا يُغَسَّلَانِ.

(۳) وَلَا يُغْسَلُ عَنِ الشَّهِيدِ دَمُهُ، وَلَا تُنْزَعُ عَنْهُ ثِيَابُهُ، وَيُنْزَعُ عَنْهُ الْفَرُّ، وَالْخُفُّ، وَالْحَشْوُ، وَالسَّلَاحُ.

(۴) وَمَنْ أُرْتَتْ غُسِلَ وَالْإِرْتِنَاثُ: أَنْ يَأْكُلَ، أَوْ يَشْرَبَ، أَوْ يُدَاوَى، أَوْ يَبْقَى حَيًّا حَتَّى يَمْضِيَ عَلَيْهِ وَقْتُ صَلَاةٍ وَهُوَ يَعْقِلُ، أَوْ يُنْقَلُ مِنَ الْمَعْرَكَةِ حَيًّا.

(۵) وَمَنْ قُتِلَ فِي حَدٍّ أَوْ قِصَاصٍ غُسِلَ وَصُلِّيَ عَلَيْهِ، وَمَنْ قُتِلَ مِنَ الْبُعَاةِ، أَوْ قُطَّاعِ الطَّرِيقِ، لَمْ يُصَلَّ عَلَيْهِ.

### ترجمه

### باب در بیان احکام شهید:

(۱) شهید کسی است که مشرکان او را کشته باشند، و یا در صحنه جنگ پیدا شود و نشان زخم در او دیده شود، و یا اینکه مسلمانان به ظلم او را بکشند، و به قتل او دیت واجب نشده

باشد، پس به او کفن داده میشود و نماز جنازه بر او میشود و غسل برایش داده نمی‌شود.

(۲) و اگر کسی در حالت جنابت شهید شود به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه غسل داده می‌شود، همچنان اگر طفلی به شهادت رسد غسل داده می‌شود، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: به این افراد نیز غسل داده نمی‌شوند.

(۳) خون شهید از بدنش شسته نمی‌شود، لباس از بدنش بیرون کرده نشود، لیکن پوستین، یا لباسی که از پنبه ساخته شده باشد مثل چین، موزه و سلاح از او دور کرده می‌شود.

(۴) و کسی که (بعد از زخمی شدن) چیزی از دنیا بهره حاصل نمود باید غسل داده شود، بهره از دنیا این است که چیزی بخورد و بنوشد، یا تداوی شود، و یا به اندازه وقت یک نماز زنده و به هوش باشد، یا از میدان جنگ زنده انتقال داده شود.

(۵) و کسی که در اثر جاری شدن حد یا قصاص کشته شود غسل داده و نماز جنازه بر وی خوانده می‌شود، و اگر کسی از جمله باغیان و راه زنان کشته شود نباید نماز جنازه بر وی خوانده شود.

## شرح اقسام شهید

تعریف شهید در متن درس واضح گردید و شهداء سه قسم اند :

شهید دنیا و آخرت، و این شهید کامل است.

شهید آخرت.

شهید دنیا.

**شهید کامل :** شهید کامل کسی است که مسلمان، بالغ، عاقل و پاک از جنابت باشد، و همزمان با زدن از بین رود و از منافع زندگانی از قبیل خوردن، نوشیدن، خفتن و معالجه کردن استفاده نکند، و بر وی وقت یک نماز نگذرد که وی در این مدت به هوش باشد.

## حکم شهید کامل

حکم شهید کامل آنست که غسل داده نشود، همراه با خون و لباسش دفن کرده شود، و طبق ضرورت در لباسش کمی و زیادت صورت گیرد، اما بیرون کردن همه لباس هایش مکروه است و در آخرت برایش اجر و ثواب است.

### شهید آخرت :

شهیدی است که از جمله شروط مذکوره یک شرط در وی کم باشد، که به سبب آن احکام شهید بر وی جاری نمی‌شود، و فقط او را شهید آخرت گفته می‌شود و همان اجر و پاداشی که به شهدا وعده داده شده به وی نیز داده می‌شود.

### حکم شهید آخرت:

حکم شهید آخرت آنست که وی بسان مرده‌های دیگر غسل و کفن داده شده و نماز جنازه بر وی اداء می‌گردد.

### شهید دنیا :

شخص منافقی است که در صفوف مسلمانان باشد و کشته شود.

### حکم شهید دنیا:

حکم این نوع شهید آنست که او را غسل داده نمی‌شود و از بالای لباس‌هایش کفن پوشانیده می‌شود و نظر به ظاهر حالش نماز جنازه بر او اداء می‌گردد.

## فعالیت

در باره فرق شهید از سایر مرده‌ها و همچنان در باره فضیلت شهید در میان خود گفتگو نمایید.

## ارزیابی



- ۱- شهید کیست؟
- ۲- شهید را چرا شهید گویند؟
- ۳- اقسام شهید را بیان کنید؟
- ۴- شهید کامل کیست؟
- ۵- شهید آخرت و شهید دنیا کی‌ها اند؟



در باره شهادت و مقام و فضیلت شهید مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



## نماز در کعبه

قبل از این حکم نماز در خارج کعبه را دانستیم، حالا می‌خواهیم حکم نماز در داخل کعبه را بدانیم، فقها صورت اول را بخاطر این تقدیم نموده‌اند، که صورت مذکور به کثرت پیش می‌آید.

### بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكَعْبَةِ:

(۱) الصَّلَاةُ فِي الْكَعْبَةِ جَائِزَةٌ فَرَضُهَا وَنَفْلُهَا.

(۲) فَإِنْ صَلَّى الْإِمَامُ بِجَمَاعَةٍ فَجَعَلَ بَعْضُهُمْ ظَهْرَهُ إِلَى ظَهْرِ الْإِمَامِ جَازٍ، وَمَنْ جَعَلَ مِنْهُمْ ظَهْرَهُ إِلَى وَجْهِ الْإِمَامِ لَمْ تَحْزِ صَلَاتُهُ.

(۳) وَإِذَا صَلَّى الْإِمَامُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، تَحَلَّقَ النَّاسُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ، وَصَلَّوْا بِصَلَاةِ الْإِمَامِ، فَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ أَقْرَبَ إِلَى الْكَعْبَةِ مِنَ الْإِمَامِ جَازَتْ صَلَاتُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي جَانِبِ الْإِمَامِ. (۴) وَمَنْ صَلَّى عَلَى ظَهْرِ الْكَعْبَةِ جَازَتْ صَلَاتُهُ.

### ترجمه

#### باب در بیان نماز در کعبه:

- (۱) نماز در داخل کعبه جایز است، فرض باشد یا نفل.
- (۲) اگر امام نماز را در داخل کعبه با جماعت ادا کند و بعضی از مقتدی‌ها پشت خود را به طرف پشت امام بگردانند جایز است، و اگر بعضی از ایشان پشت خود را به طرف روی امام بگردانند نماز شان درست نمی‌شود.
- (۳) و هرگاه امام در مسجد الحرام نماز گزارد، باید مردم در چهار طرف کعبه بایستند، و به نماز امام نماز بخوانند، و اگر کسی از ایشان نسبت به امام به کعبه نزدیک تر بود نمازش درست است. بشرط آنکه در جانب امام نباشد.
- (۴) و اگر کسی بر سقف کعبه نماز گزارد جواز دارد.

### شرح

کعبه: کعبه را بخاطر آن کعبه گویند که بنای آن بلند و بارز است، و شتالنگ پای را بخاطر

آن کعب گویند که بلند، ظاهر و برجسته است.

**نماز در داخل و اطراف کعبه:** قبلاً دانستیم که روبروی ایستاد شدن به سوی یک بخش کعبه یا به سوی فضای آن از نظر شریعت یک امر لازمی و حتمی است، و همچنان از رسول الله ﷺ ثابت گردیده که در روز فتح مکه داخل کعبه شد و آنجا نماز را ادا نمود. نماز در داخل کعبه چه فرض و یا نفل جواز دارد. و اگر امام نماز را با جماعت ادا کند، چهار صورت دارد:

- ۱- اگر مقتدی روی خود را به سوی پشت امام بگرداند جواز دارد.
  - ۲- اگر پشت خود را به سوی پشت امام بگرداند جواز دارد.
  - ۳- اگر روی خود را به طرف روی امام بگرداند جواز دارد، لیکن اگر در بین آنها پرده نباشد مکروه است.
  - ۴- اما اگر پشت خود را به طرف روی امام بگرداند این صورت جواز ندارد، زیرا در این صورت مقتدی از امام پیش می‌شود. و اگر امام در داخل کعبه بایستد و دروازه آن باز باشد، و مردم از بیرون به او اقتدا کنند درست است، زیرا ایستاد شدن امام به این کیفیت مانند این است که امامان در محراب‌های مساجد می‌ایستند.
- نماز بر سقف کعبه:** اگر کسی بر سقف کعبه نماز گزارد، باوجود کراهیت جواز دارد، زیرا این کار خلاف تعظیم کعبه است و رسول کریم ﷺ از آن منع فرموده اند.
- داخل شدن در کعبه:** داخل شدن در کعبه شریفه در صورتی که کسی اذیت نشود مستحب است، و دخول رسول الله ﷺ در کعبه ثابت می‌باشد، و او ﷺ در آنجا دعا نموده و در نواحی آن تکبیر گفته است.

## فعالیت

در درس حاضر گفتیم: اگر امام نماز را با جماعت ادا کند چهار صورت دارد، آن چهار صورت را بیان کنید.

## ارزیابی

- ۱- حکم نماز در داخل کعبه را بیان کنید. ۲- آیا نماز بر سقف کعبه جواز دارد؟

## کارخانه گی

به کمک استاد خود فضایل و اهمیت کعبه معظمه را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## زکات

زکات یکی از پنج رکن دین اسلام است و نماینگر توجه جدی اسلام به بعد اقتصادی زندگی و مبارزه به فقر و تنگدستی در جامعه می باشد. درین درس احکام زکات بیان می شود:

### کِتَابُ الزَّكَاةِ:

(۱) الزَّكَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْحُرِّ الْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ الْبَالِغِ: إِذَا مَلَكَ نَصَابًا، مِلْكًا تَامًّا، وَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

(۲) وَلَيْسَ عَلَى صَبِيٍّ، وَلَا مَجْنُونٍ، وَلَا مُكَاتَبٍ زَكَاةٌ، وَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ يُحِيطُ بِمَالِهِ فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ مَالُهُ أَكْثَرَ مِنَ الدَّيْنِ، زَكَّى الْفَاضِلَ إِذَا بَلَغَ نَصَابًا.

(۳) وَلَيْسَ فِي دَوْرِ السُّكْنَى، وَثِيَابِ الْبَدَنِ، وَأَثَاثِ الْمَنْزِلِ، وَدَوَابِّ الرُّكُوبِ، وَعَبِيدِ الْخِدْمَةِ، وَسِلَاحِ الْإِسْتِعْمَالِ زَكَاةٌ.

(۴) وَلَا يَجُوزُ أَدَاءُ الزَّكَاةِ إِلَّا بِنَيْيَةِ مُقَارَنَةِ لِلْأَدَاءِ، أَوْ مُقَارَنَةِ لِعَزْلِ مِقْدَارِ الْوَاجِبِ، وَمَنْ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ، وَلَمْ يَنْوِ الزَّكَاةَ، سَقَطَ فَرَضُهَا عَنْهُ.

### ترجمه

#### کتاب بیان زکات

(۱) زکات بر هر مسلمان آزاد، عاقل و بالغ که مالک نصاب کامل باشد و یکسال بر آن بگذرد، فرض است.

(۲) بر طفل، دیوانه و مکاتب زکات فرض نمی باشد، و کسی که بالایش دین به اندازه دارایی وی باشد بر وی زکات نیست، و اگر مال و دارایی وی از دینش بیشتر باشد باید از همان مقدار اضافی که به حد نصاب رسد زکات بدهد.

(۳) از خانه نشین، لباس بدن، سامان منزل، حیوانات سواری، غلامان خدمت و از سلاح

استعمال شدنی زکات لازم نمی‌باشد.

(۴) زکات صحت پیدا نمی‌کند مگر وقتی که مال جدا کرده شده برای زکات یا وقت دادن زکات با نیت همزمان باشد، و اگر کسی تمام دارایی خود را صدقه بدهد و نیت زکات را نکند فریضه یی زکات از وی ساقط می‌گردد.

## شرح

### تعریف زکات

در لغت: زکات به معنای زیادت و نموآمده و به معنای طهارت و پاکی نیز استعمال می‌شود. در اصطلاح: زکات عبارت از همان مقدار معین از مال است که الله تعالی بر ثروتمندان فرض نموده تا هر سال آن را بر بینوایان بدهند.

**حکم زکات:** زکات یکی از فرایض و ارکان اسلام است که به دلایل قطعی ثابت گردیده است، و منکر آن کافر می‌باشد.

**شروط فرضیت زکات:** هرگاه شروط ذیل (در شخصی) موجود نگردد زکات بالای وی فرض نمی‌شود:

۱. اسلام، زکات بر کافر فرض نیست.
۲. آزادی، زکات بر غلام فرض نمی‌باشد.
۳. بلوغ، بر طفل نابالغ زکات فرض نیست.
۴. عقل، زکات بر دیوانه فرض نیست.
۵. ملکیت کامل، یعنی کسی باشد که مال در اختیار خود داشته باشد، و اگر مالک مالی شود و آن مال در دستش نباشد، زکات در آن بر وی فرض نیست، مثلاً مهر زن که هنوز آن را قبض نکرده باشد در آن زکات فرض نیست.
۶. مالی که به حد نصاب رسیده باشد، و مالی که به حد نصاب نرسیده است زکات در آن فرض نیست.
۷. مالی که افزون بر حاجت اصلی باشد، بناء در خانه نشیمن، لباس‌های بدن، سامان منزل، حیوانات برای سواری، غلامان خدمتگار، سلاح‌های مورد استعمال و نفقه یکساله عیال زکات فرض نمی‌باشد.
۸. مالی که افزون بر قرض باشد، بناء کسی که به اندازه مال خود قرض دار باشد یا قرضش

بیشتر از مالش باشد زکات بالای وی فرض نمی‌باشد.

۹. مال نامی (زیاد شونده) باشد، برابر است که نموی آن حقیقی باشد مانند حیوانات یا تقدیری مانند طلا و نقره، به شکل پول باشد یا به شکل زیورات و ظروف، زکات در آن فرض است.

### زکات چه وقت واجب می‌شود؟

- در وجوب ادای زکات این شرط است که یک سال قمری باید بر آن گذشته باشد. مقصد از گذشتن یک سال قمری بر مال این است که نصاب در اول و آخر سال کامل باشد، و اگر در جریان سال کم و زیاد شود باکی ندارد. مثلاً کسی در اول سال مالک نصاب کامل باشد و با همین حال باقی بماند تا آنکه سال بر وی بگذرد، زکات بر او واجب است.
- و اگر کسی در اول سال مالک نصاب کامل بود، ولی مال او در جریان سال از حد نصاب کم گردید، باز در آخر سال نصاب کامل گردید، زکات بر وی واجب است.
- ادا کردن زکات تا وقتی صحت پیدا نمی‌کند که در وقت دادن مال به فقیر نیت زکات نکرده باشد، یا وقتی مال را به وکیل خود می‌دهد که زکات آن را به مستحقین تقسیم کند، یا وقتی نیت کند که زکات را از دارایی خود جدا می‌کند.
- برای صحت زکات شرط نیست که فقیر بداند مالی را که گرفته مال زکات است.
- کسی که تمام دارای خود را بدون اینکه نیت زکات را داشته باشد صدقه بدهد زکات از وی ساقط می‌گردد.
- اگر از کسی با گذشت یک سال مالش گم شود، زکات از همان اندازه مال گمشده ساقط می‌شود، مثلاً اگر همراه کسی مبلغ (۱۰۰۰۰۰) افغانی باشد (۲۵۰۰) افغانی زکات بر وی واجب است ولی بعد از گذشت یک سال (۲۰۰۰۰) افغانی از وی گم شد مبلغ (۵۰۰) افغانی از جمله (۲۵۰۰) افغانی زکات از وی ساقط شد و مبلغ (۲۰۰۰) افغانی زکات را باید به مستحقین بدهد.
- اگر کسی بر بالای مستحق زکات قرض داشت و آن را به نیت زکات از او وضع کرد، زکات از وی ادا نمیشود، زیرا در این طریقه تملیک حاصل نگردیده و بدون تملیک زکات درست نمی‌شود.

## فعالیت

با استاد خود در این باره گفتگو نمایید که احتیاجات اصلی انسان چیست و آیا موثر از جمله  
یی احتیاجات اصلی است؟

## ارزیابی



- ۱- زکات را تعریف نمایید.
- ۲- شروط صحت زکات کدامها اند؟
- ۳- حاجت اصلی کدام چیزها است؟
- ۴- مال نامی کدام مال را گویند؟
- ۵- آیا در جواهرات، یاقوت و زمرد زکات فرض است؟
- ۶- زکات چی وقت صحیح می شود؟

## کارخانه گی



شرط وجوب ادای زکات این است که یک سال قمری بر نصاب بگذرد، مطلب فوق را در  
کتابچه‌های خود تشریح کنید.

## زکات شتر

در دارایی مسلمان زکات لازم است ولی مردم دارایی‌های مختلف دارند، حالا در باره زکات شتران به شما معلومات ارایه می‌گردد.

بَابُ زَكَاةِ الْإِبِلِ:

(۱) لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ خَمْسِ ذَوْدٍ صَدَقَةٌ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا سَائِمَةً، وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ، فَفِيهَا شَاةٌ، إِلَى تِسْعٍ، فَإِذَا كَانَتْ عَشْرًا، فَفِيهَا شَاتَانِ، إِلَى أَرْبَعٍ عَشْرَةَ، فَإِذَا كَانَتْ خَمْسَ عَشْرَةَ، فَفِيهَا ثَلَاثُ شِيَاءٍ، إِلَى تِسْعٍ عَشْرَةَ، فَإِذَا كَانَتْ عَشْرِينَ فَفِيهَا أَرْبَعُ شِيَاءٍ إِلَى أَرْبَعٍ وَعَشْرِينَ، فَإِذَا كَانَتْ خَمْسًا وَعَشْرِينَ، فَفِيهَا بِنْتُ مَخَاضٍ إِلَى خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ، فَإِذَا كَانَتْ سِتًّا وَثَلَاثِينَ، فَفِيهَا بِنْتُ لَبُونٍ إِلَى خَمْسٍ وَأَرْبَعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ سِتًّا وَأَرْبَعِينَ فَفِيهَا حِقَّةٌ إِلَى سِتِّينَ، فَإِذَا كَانَتْ إِحْدَى وَسِتِّينَ، فَفِيهَا جَذَعَةٌ إِلَى خَمْسٍ وَسَبْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ سِتًّا وَسَبْعِينَ فَفِيهَا بِنْتُ لَبُونٍ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ إِحْدَى وَتِسْعِينَ، فَفِيهَا حِقَّتَانِ إِلَى مِائَةٍ وَعَشْرِينَ.

(۲) ثُمَّ يُسْتَأْنَفُ الْفَرِيضَةُ، فَيَكُونُ فِي الْخَمْسِ شَاةٌ مَعَ الْحَقَّتَيْنِ وَفِي الْعَشْرِ شَاتَانِ، وَفِي خَمْسَ عَشْرَةَ ثَلَاثُ شِيَاءٍ، وَفِي عَشْرِينَ أَرْبَعُ شِيَاءٍ، وَفِي خَمْسٍ وَعَشْرِينَ بِنْتُ مَخَاضٍ، إِلَى مِائَةٍ وَخَمْسِينَ فَيَكُونُ فِيهَا ثَلَاثُ حِقَاقٍ، ثُمَّ تُسْتَأْنَفُ الْفَرِيضَةُ: فَيَكُونُ فِي الْخَمْسِ شَاةٌ، وَفِي الْعَشْرِ شَاتَانِ، وَفِي خَمْسَ عَشْرَةَ ثَلَاثُ شِيَاءٍ، وَفِي عَشْرِينَ أَرْبَعُ شِيَاءٍ، وَفِي خَمْسٍ وَعَشْرِينَ بِنْتُ مَخَاضٍ، وَفِي سِتِّ وَثَلَاثِينَ بِنْتُ لَبُونٍ، فَإِذَا بَلَغَتْ مِائَةً وَسِتًّا وَتِسْعِينَ فَفِيهَا أَرْبَعُ حِقَاقٍ إِلَى مِائَتَيْنِ.

(۳) ثُمَّ تُسْتَأْنَفُ الْفَرِيضَةُ أَبَدًا كَمَا اسْتُؤْنِفَتْ فِي الْخَمْسِينَ الَّتِي بَعْدَ الْمِائَةِ وَالْخَمْسِينَ، وَالْبُخْتُ وَالْعِرَابُ سَوَاءٌ.

## ترجمه

### باب در بیان زکات شتر:

(۱) در کمتر از پنج شتر زکات فرض نمی‌باشد، وقتی شمار شتران به پنج شتر چرنده در صحرا برسد و یک سال بر آن بگذرد، یک گوسفند<sup>۱</sup> واجب می‌گردد تا آنکه به ۹ شتر برسد، وقتی به ۱۰ شتر رسید دو گوسفند واجب می‌گردد، تا آنکه به ۱۹ شتر برسد، وقتی به ۲۰ شتر رسید ۳ گوسفند واجب می‌شود، تا آنکه به ۲۹ شتر برسد، وقتی شمار آن به ۳۰ شتر رسید ۴ گوسفند واجب می‌گردد تا آنکه به ۳۹ شتر برسد، وقتی ۴۰ شتر پوره گردید یک بنت مخاض (بوتله یک ساله) واجب است، تا آنکه به ۴۹ شتر برسد، وقتی به ۵۰ شتر رسید یک بنت لبون (شتر دو ساله) واجب است، تا آنکه به ۵۹ شتر برسد، وقتی شمار آنها به ۶۰ شتر برسد حقه (شتر سه ساله) واجب می‌گردد، تا آنکه به ۶۹ شتر برسد، وقتی شمار آنها به ۷۰ شتر برسد یک جذعه (شتر چهار ساله) واجب می‌شود، تا آنکه به ۷۹ شتر برسد، وقتی شمار آنها به ۸۰ شتر رسید دو بنت لبون (دو شتر ۲ ساله) واجب است، تا آنکه به ۹۰ شتر برسد، وقتی شمار آنها به ۹۱ شتر رسید دو حقه (دو شتر ۳ ساله) واجب می‌گردد تا آنکه به ۱۲۰ شتر برسد.

(۲) بعد از ۱۲۰، نصاب از سر گرفته می‌شود، یعنی در پنج شتر همراه با دو حقه یک گوسفند، و در ۱۰ شتر دو گوسفند و در ۱۵ شتر ۳ گوسفند، و در ۲۰ شتر ۴ گوسفند، و در ۲۵ شتر تا ۱۵۰ شتر یک بنت مخاض واجب است، وقتی به ۱۵۰ شتر برسد، سه حقه (۳ شتر سه ساله) واجب می‌شود، (۳) بعد از آن فرض (نصاب) از اول شروع می‌شود، یعنی از پنج شتر یک گوسفند نر یا ماده، و از ده شتر دو گوسفند، و از ۱۵ شتر سه گوسفند، و از ۲۰ شتر ۴ گوسفند و از ۲۵ شتر یک بنت مخاض (بوتله یک ساله) واجب می‌شود، و از ۳۶ شتر یک بنت لبون (شتر دو ساله) است، وقتی شمار شتران به ۱۹۶ برسد چهار حقه (شتر سه ساله) لازم است تا آنکه به ۲۰۰ شتر برسد.

(۴) بعد از آن نصاب برای همیشه از اول گرفته می‌شود، چنانکه در پنجاه که بعد از ۱۵۰ از سر گرفته می‌شد. و بخت (شتری که از نسل عربی و عجمی باشد) و عراب (شتر خالص عربی) هر دو به حساب زکات برابر است.

## شرح

۱ - مراد از گوسفند مال خورد است یعنی گوسفند نر یا ماده و بز نر یا ماده.





## اِبِل (شتر)

اِبِل : اسم جمع مؤنث است، یک شتر و بیشتر از آن را اِبِل گفته می‌شود، و برای مفرد آن کدام لفظ خاص وجود ندارد، جمع آن اَبَالٌ وَأَيِّلٌ است.<sup>۱</sup>

**حکم زکات شتران:** فقهای کرام متفق اند که در سوائم (در حیوانات چرنده) مثل: شتران، گاوها و گوسفندان زکات فرض است.

**نصاب شتر:** همه فقها به این نظر اند که نصاب شتران، پنج شتر است، و در کمتر از آن زکات نمی‌باشد که تفصیل زکات شتر در جدول ذیل بیان گردیده است.

## تفصیل زکات شتر

| شماره | نصاب | زکات               | نصاب | زکات                 | نصاب | زکات              | نصاب | زکات       |
|-------|------|--------------------|------|----------------------|------|-------------------|------|------------|
| ۱     | ۵    | یک گوسفند          | ۲۰   | چهار گوسفند          | ۴۶   | حَقَّة            | ۹۱   | دو حقه     |
|       | ۱۰   | دو گوسفند          | ۲۵   | بنت مخاض             | ۶۱   |                   |      |            |
|       | ۱۵   | سه گوسفند          | ۳۶   | بنت لبون             | ۷۶   | دوبنت لبون        | ۱۲۰  | دو حقه     |
| ۲     | ۱۲۵  | یک گوسفند و دو حقه | ۱۳۵  | سه گوسفند و دو حقه   | ۱۴۵  | بنت مخاض و دو حقه |      |            |
|       | ۱۳۰  | دو گوسفند و دو حقه | ۱۴۰  | چهار گوسفند و دو حقه | ۱۵۰  | سه حقه            |      |            |
| ۳     | ۱۵۵  | یک گوسفند و سه حقه | ۱۶۵  | سه گوسفند و سه حقه   | ۱۷۵  | سه حقه و بنت مخاض | ۱۹۶  | چهار حقه   |
|       | ۱۶۰  | دو گوسفند و سه حقه | ۱۷۰  | چهار گوسفند و سه حقه | ۱۸۶  | سه حقه و بنت لبون | ۲۰۰  | چهار حقه ۳ |

## صفت واجب در شتر

۱ - المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر - (۱۱/۱).

۳- معدن الحقائق شرح کنز الدقائق اردو: ۲۱۳.

از جمله صفات واجب در زکات شتر انوث است، یعنی شتری را که زکات می‌دهد باید ماده باشد، و شتر نر در زکات جواز ندارد، مگر اینکه قیمت آن معادل شتر ماده باشد.

## ارزیابی



- ۱- نصاب شتر را مختصراً بیان کنید.
- ۲- در زکات شتر کدام صفت ضروری است؟
- ۳- نصاب زکات شتر چه وقت از سر گرفته می‌شود؟
- ۴- بنت مخاض، بنت لبون، حقه، جذعه کدام شتران اند؟

## کارخانه گی



تفصیل زکات شتر را مطابق جدول در کتابچه‌های خود بنویسید.

## زکات گاو

از جمله زکات سوائم زکات شتر را دانستیم، اکنون می‌خواهیم زکات گاو را بدانیم

بَابُ صَدَقَةِ الْبَقَرِ:

(۱) لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثِينَ مِنَ الْبَقَرِ صَدَقَةٌ، فَإِذَا كَانَتْ ثَلَاثِينَ سَائِمَةً، وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ، فَفِيهَا تَبِيعٌ أَوْ تَبِيعَةٌ، وَفِي أَرْبَعِينَ مُسِنًَّ أَوْ مُسِنَّةً.

(۲) فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الْأَرْبَعِينَ، وَجَبَ فِي الزِّيَادَةِ بِقَدْرِ ذَلِكَ إِلَى سِتِّينَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، فَفِي الْوَاحِدَةِ رُبْعُ عَشْرِ مُسِنَّةٍ، وَفِي الْإِثْنَيْنِ نِصْفُ عَشْرِ مُسِنَّةٍ، وَفِي الثَّلَاثَةِ ثَلَاثَةُ أَرْبَاعِ عَشْرِ مُسِنَّةٍ، وَفِي الْأَرْبَعِ عَشْرِ مُسِنَّةٍ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا شَيْءَ فِي الزِّيَادَةِ حَتَّى تَبْلُغَ سِتِّينَ، فَيَكُونُ فِيهَا تَبِيعَانِ؟ أَوْ تَبِيعَتَانِ، وَفِي سَبْعِينَ مُسِنَّةً وَتَبِيعٌ، وَفِي ثَمَانِينَ مُسِنَّةً، وَفِي تِسْعِينَ ثَلَاثَةَ أَتْبَعَةٍ، وَفِي مِائَةِ تَبِيعَانِ وَمُسِنَّةً.

(۳) وَالْجَوَامِيسُ وَالْبَقَرُ سَوَاءٌ.

ترجمه

(۱) باب در زکات گاو: در کمتر از ۳۰ گاو زکات واجب نمی‌باشد، وقتی شمار گاوها به ۳۰ برسد و در چراگاه‌های صحرا بچرند و یک سال بر آن بگذرد یک راس گوساله یک ساله و در چهل گاو یک گوساله دو سال نر یا ماده واجب می‌شود.

(۲) و از چهل به بالا تا شصت به قول امام ابو حنیفه رحمه الله علیه همان اندازه قبلی زکات با زیادت واجب می‌گردد، یعنی در یک گاو ربع عشر مسنه (گوساله دوساله) است، و در دو گاو نصف عشر مسنه است، و در سه گاو سه چهارم عشر مسنه است، و در چهار عشر مسنه است. اما امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: در اضافه از چهل گاو زکات نمی‌باشد تا آنکه شمار آن به ۶۰ گاو نرسیده است، وقتی شمار آن به ۶۰ رسد، دو تبیع یا دو تبیعه (دو گوساله دو ساله) است، و در ۷۰ گاویک مسنه و یک تبیع است در هشتاد دو مسنه (دو گوساله دو ساله) می‌باشد، و در ۹۰ گاو سه تبیعه (سه گوساله یک ساله) است، و در ۱۰۰

گاو دو تبیع (دو گوساله یک ساله) و یک مسنه (یک گوساله دو ساله) می‌باشد.  
(۳) و در باب زکات، گاو میش و گاو یک حکم دارد.

### شرح

**بقر (گاو):** بقر: اسم جنس بوده و به گاو نر و ماده هر دو استعمال می‌شود.  
بقرة: تاء در بقرة برای مفرد است، گاو نر و گاو ماده هر دو را شامل می‌گردد.  
**حکم زکات گاو:** زکات از گاوهای نر و ماده فرض می‌باشد.

تفصیل زکات گاو نر و ماده

| نصاب | زکات                               | نصاب | زکات                                                         | نصاب | زکات                         | نصاب | زکات                                                   |
|------|------------------------------------|------|--------------------------------------------------------------|------|------------------------------|------|--------------------------------------------------------|
| ۳۰   | یک گوساله<br>نر یا ماده<br>یک ساله | ۶۰   | دو گوساله نر<br>یا ماده یک<br>ساله                           | ۸۰   | دو گوساله<br>ماده دو<br>ساله | ۱۰۰  | دو گوساله نر<br>یک ساله و<br>یک گوساله<br>ماده دو ساله |
| ۴۰   | یک گوساله<br>نر یا ماده دو<br>ساله | ۷۰   | یک گوساله<br>ماده دو<br>ساله و یک<br>گوساله نر یا<br>یک ساله | ۹۰   | سه گوساله<br>ماده یک<br>ساله |      |                                                        |

**انوث در گاو:** سنت نبوی در موضوع زکات گاو، گاو متوسط را تعیین نموده است، و در زکات گاو و گوسفند مانند شتر صفت انوث تعیین نگردیده بلکه هر کدام از نر و یا ماده در زکات داده شود درست است.

## ارزیابی



- ۱- بقر چه معنی دارد و حکم زکات گاو چیست؟
- ۲- بقره چه معنی دارد و حکم زکات بقره چیست؟
- ۳- نصاب زکات گاو را به طور مختصر بیان کنید؟
- ۴- آیا حکم زکات گاو و گاو میش یکی است؟
- ۵- آیا در زکات این شرط ضرور است که گاو متوسط باشد؟
- ۶- تفصیل زکات گاو که در جدول داده شده آن را بیان کنید.

## کارخانه گی



جدول تفصیلی زکات گاو را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## زکات گوسفند و بز

در درس قبلی راجع به زکات دو نوع از سوائم: شتر و گاو معلومات حاصل کردیم، حالا می‌خواهیم احکام زکات گوسفند را بدانیم.

### بَابُ زَكَاةِ الْغَنَمِ:

(۱) لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ أَرْبَعِينَ شَاةً صَدَقَةٌ، فَإِذَا كَانَتْ أَرْبَعِينَ سَائِمَةً وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَفِيهَا شَاةٌ إِلَى مِائَةٍ وَعِشْرِينَ فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا سَاتَانِ إِلَى مِائَتَيْنِ فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا ثَلَاثُ شِيَاهٍ فَإِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِمِائَةٍ فَفِيهَا أَرْبَعُ شِيَاهٍ ثُمَّ فِي كُلِّ مِائَةِ شَاةٍ.

(۲) وَالضَّأْنُ وَالْمَعْزُ سَوَاءٌ.

### ترجمه

### باب در بیان زکات گوسفند:

(۱) در کمتر از ۴۰ راس گوسفند<sup>۱</sup> زکات نمی‌باشد، وقتی شمار گوسفندان به ۴۰ رسد و در صحرا بچرند و یک سال بر آن بگذرد، زکات آنها یک گوسفند است تا آنکه به ۱۲۰ برسد، وقتی به او یک گوسفند اضافه گردد (شمار آنها به ۱۲۱ رسید) دو گوسفند واجب است، تا آنکه شمار شان به ۲۰۰ می‌رسد، وقتی به ۲۰۱ رسید زکات آنها سه گوسفند است، و زمانی که شمار آنها به ۴۰۰ رسید زکات آنها چهار گوسفند است، بعد از آن از هر ۱۰۰ گوسفند یک گوسفند واجب می‌شود.

(۲) گوسفند و بز در باب زکات حکم واحد را دارند.

### شرح

**غنم (گوسفند) غنم:** اسم مؤنث بوده بر بز و گوسفند نر و ماده هر دو اطلاق می‌شود و برای مفرد آن کدام لفظی وجود ندارد و جمع آن أغنام و غنوم می‌آید.<sup>۲</sup>

۱ - مراد از گوسفند مال خورد است یعنی گوسفند نر یا ماده و بز نر و ماده.

۲ - لسان العرب - (۱۲/ ۴۴۵)، المعجم الوسيط - (ج ۲/ ۲۴۰) - مختار الصحاح - (۱/ ۴۸۸) -

## حکم زکات گوسفند

زکات از گوسفند فرض است.

تفصیل زکات گوسفند در جدول ذیل بیان میگردد.

| زکات واجب | نصاب | زکات واجب  | نصاب | زکات واجب   | نصاب | زکات واجب | نصاب |
|-----------|------|------------|------|-------------|------|-----------|------|
|           |      | پنج گوسفند | ۵۰۰  | سه گوسفند   | ۲۰۱  | یک گوسفند | ۴۰   |
|           |      | شش گوسفند  | ۶۰۰  | چهار گوسفند | ۴۰۰  | دو گوسفند | ۱۲۱  |

**صفات واجب در گوسفند:** در زکات گوسفند و بز، نر و ماده هر دو جواز دارد.

- مالی که زکات داده می شود باید متوسط باشد نه اعلی باشد و نه ادنی.
- و از جمله صفات مال زکات یکی این است که در سال دوم عمرش قدم گذاشته باشد و یا از آن زیادتیر باشد، اما جدع، (شش ماهه) آن گرفته نمی شود.

## فعالیت

شاگردان با همکاری استاد خود فرق بین زکات گاو و گوسفند را توضیح بدهند.

## ارزیابی

- ۱- غنم چه را گویند؟
- ۲- حکم زکات گوسفند چیست؟
- ۳- نصاب زکات گوسفند چند است؟
- ۴- صفاتی که در زکات گوسفند واجب است کدامها اند؟
- ۵- آیا در زکات گوسفند، میش و بز نر و ماده فرق دارد؟

## کارخانه گی

تفصیل زکات گوسفند را که در جدول نشاندهی شده در کتابچه های خود بنویسید.

## زکات اسپها

در درس های قبلی در مورد زکات شتر، گاو، گوسفند حرف زدیم، حالا می خواهیم در باره زکات اسپها معلومات به دست آریم.

بَابُ زَكَاةِ الْخَيْلِ:

(۱) إِذَا كَانَتْ الْخَيْلُ سَائِمَةً، ذُكُورًا وَإِنَاثًا، فَصَاحِبُهَا بِالْخِيَارِ: إِنْ شَاءَ أَعْطَى عَنْ كُلِّ فَرَسٍ دِينَارًا، وَإِنْ شَاءَ قَوْمَهَا وَأَعْطَى عَنْ كُلِّ مَائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ، وَلَيْسَ فِي ذُكُورِهَا مِنْفَرَدَةً زَكَاةً وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا زَكَاةَ فِي الْخَيْلِ، وَلَا فِي شَيْءٍ بَيْنَ الْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ لِلتَّجَارَةِ.

(۲) وَلَيْسَ فِي الْفُضْلَانِ، وَالْعَجَاجِيلِ وَالْحُمَلَانِ صَدَقَةٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَمُحَمَّدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهَا كِبَارٌ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ: فِيهَا وَاحِدَةٌ مِنْهَا.

(۳) وَمَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ سِنٌّ فَلَمْ يُوْجَدْ مَعَهُ أَخَذَ الْمَصْدُقَ أَعْلَى مِنْهَا وَرَدَّ الْفَضْلَ، أَوْ أَخَذَ دُونَهَا وَأَخَذَ الْفَضْلَ.

(۴) وَيَجُوزُ دَفْعُ الْقِيَمَةِ فِي الزَّكَاةِ:

(۵) وَلَيْسَ فِي الْعَوَامِلِ وَالْحَوَامِلِ وَالْمَعْلُوفَةِ صَدَقَةٌ.

(۶) وَلَا يَأْخُذُ الْمَصْدُقُ خِيَارَ الْمَالِ وَلَا رِذَالَتَهُ، وَيَأْخُذُ الْوَسْطَ مِنْهُ.

(۷) وَمَنْ كَانَ لَهُ نِصَابٌ فَاسْتَفَادَ فِي أَثْنَاءِ الْحَوْلِ مَالًا مِنْ جَنْسِهِ، ضَمَّهُ إِلَى مَالِهِ وَزَكَّاهُ.

(۸) وَالسَّائِمَةُ هِيَ الَّتِي تَكْتَفِي بِالرَّعْيِ فِي أَكْثَرِ حَوْلِهَا، فَإِنْ عَلَفَهَا نِصْفَ الْحَوْلِ أَوْ أَكْثَرَ فَلَا زَكَاةَ فِيهَا.

(۹) وَالزَّكَاةُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَأَبِي يُوسُفَ وَاجِبَةٌ فِي النَّصَابِ دُونَ الْعَفْوِ وَقَالَ مُحَمَّدٌ: فِيهِمَا.

- (۱۰) وَإِذَا هَلَكَ أَمَالُ بَعْدَ وُجُوبِ الزَّكَاةِ سَقَطَتْ عَنْهُ.
- (۱۱) فَإِنْ قَدَّمَ الزَّكَاةَ عَلَى الْحَوْلِ وَهُوَ مَالِكٌ لِلنِّصَابِ جَازَ.

## ترجمه

### باب در بیان زکات اسپ‌ها:

(۱) وقتی بر اسپان نر و ماده یی که می‌چرند یک سال بگذرد. مالک آن اختیار دارد که از یک راس اسپ یک دینار می‌دهد یا آن را قیمت گذاری نموده از هر (۲۰۰) درهم (۵) درهم زکات می‌پردازد، و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله از اسپان نری که همراه اسپان ماده نباشد زکات واجب نمی‌باشد، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: از اسپان، قاطرها و خران زکات واجب نیست مگر اینکه به مقصد تجارت نگهداری شوند که در آنصورت زکات واجب می‌گردد.

(۲) به قول امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله از اولاد شتران، گاوها و میش‌ها زکات واجب نمی‌باشد مگر آنکه همراه شان کلان‌ها باشد، و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: یکی از آنها (اولاد) در آن واجب است.

(۳) بر کسی که زکات یک حیوان در عمر معین واجب باشد، و حیوان مطابق آن عمر را پیدا کرده نتواند، زکات گیرنده، حیوان قیمت تر از آن را بگیرد و قیمت اضافی آن را پس دهد، یا اینکه حیوان کم قیمتی را بگیرد، و علاوه بر آن قیمت اضافی را نیز اخذ نماید.

(۴) و در ادای زکات به عوض مال پرداخت قیمت جواز دارد.

(۵) در حیوانات کارکننده، و حیوانات باربرنده و حیواناتی که در منزل علوفه می‌خورند زکات واجب نیست.

(۶) زکات گیرنده نباید بهترین مال یا خراب ترین آن را بگیرد بلکه مال متوسط را بگیرد.

(۷) و اگر کسی مالک نصاب مالی باشد و در جریان سال از جنس همان مال چیزی بر آن افزوده گردد، باید مال اضافه شده را با اصل سرمایه یکجا نموده از همه آن زکات بدهد.

(۸) سائمه: حیوانی است که اکثر اوقات سال را به چریدن در خارج منزل اکتفا کند، و اگر در اکثر سال یا نصف سال از منزل علوفه بخورد در آن زکات واجب نمی‌باشد.

(۹) و نزد امام ابو حنیفه و ابو یوسف رحمهما الله زکات در اصل نصاب است نه در عفو (زیادت) و امام محمد رحمه الله گفته است: در هردو زکات واجب است.



- (۱۰) و اگر مال بعد از واجب شدن زکات در آن از بین رود، زکات آن نیز ساقط می‌گردد.  
 (۱۱) و اگر زکات را پیش از گذشتن سال بدهد و او مالک نصاب باشد جواز دارد.

## شرح

**خیل:** خیل جمع اسپان را گویند، و برای مفرد آن کدام لفظی وجود ندارد، و جمع آن اخیال و خیول می‌آید.

**حکم زکات اسپ‌ها:** نزد امام ابو حنیفه رحمه الله در اسپهای چرنده که برای شیر و نسل نگهداری می‌شوند، و نر و ماده آنها یکجا باشند زکات واجب است.

## در زکات اسپ‌ها مالک اختیار دارد:

**الف:** اگر بخواهد از هر اسپ یک دینار می‌دهد.

**ب:** یا اینکه قیمت اسپ‌ها را معلوم کند و از هر دو صد درهم پنج درهم زکات بدهد، لیکن تنها از اسپان نر زکات نمی‌باشد.

امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: در اسپان، قاطرها و خران زکات نمی‌باشد مگر آنکه این حیوانات به مقصد تجارت نگهداری شوند، و فتوا بر قول ایشان است<sup>۱</sup>.

به قول امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله در اولاد حیوانات ذیل زکات نمی‌باشد:

فصلان: اولاد کوچک شتران.

حملان: اولاد کوچک میش‌ها.

عجاجیل: اولاد کوچک گاوها.

اما اگر با این اولاد کوچک حیوانات کلان نیز باشند در آن صورت زکات واجب است، و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: از جمله آنها (اولاد) یکی واجب است.

**مسایل مربوط:** آن تعداد اسپانی که به مقصد تجارت نگهداری می‌شوند زکات در آنها اتفاقاً واجب است. و در ادای زکات به عوض مال پرداخت قیمت جواز دارد.

در حیوانات کار کننده، حیوانات بار برنده و حیواناتی که در منزل علوفه می‌خورند زکات واجب نیست.

زکات گیرنده نباید بهترین مال یا خراب ترین آن را بگیرد بلکه مال متوسط را بگیرد.

در حیواناتی از قبیل قاطر، خر زکات نمی‌باشد مگر آنکه بخاطر تجارت نگهداری شوند.

۱ - فتح القدیر - (ج ۴/ص ۲۶). رد المختار - (ج ۷/ص ۳۳). الفقه الإسلامی وأدلته - (ج ۳/ص ۲۷۶). فتاوی قاضیخان.

اگر کسی مالک نصاب مالی باشد و در جریان سال از جنس همان مال چیزی بر آن افزوده گردد، باید مال اضافه شده را با اصل سرمایه یکجا نموده از جمله آن زکات بدهد. و اگر مال بعد از واجب شدن زکات در آن از بین رود، زکات نیز ساقط می گردد. و اگر زکات را پیش از گذشتن یک سال مقدم کند و مالک نصاب باشد جایز است. در نزد امام ابو حنیفه و ابویوسف رحمهما الله زکات در نصاب است، نه در زیادت، و امام محمد رحمهما الله گفته اند: زکات در هردو واجب است.

**سائمه:** حیوانی است که اکثر اوقات سال را به چریدن اکتفا کند، و اگر در اکثر سال یا نصف سال از منزل علوفه بخورد زکات در آن واجب نیست.

## فعالیت

شاگردان در ارتباط به موضوع زکات اسپها با هم گفتگو نمایند.

## ارزیابی

- ۱- خیل را تعریف کنید.
- ۲- حکم زکات اسپها چیست؟
- ۳- چه اندازه زکات در اسپها واجب است؟
- ۴- فصلان، حملان و عجاجیل چی را می گویند؟

## کارخانه گی

حکم زکات اسپها چیست، در این باره کدام حکمی که بر آن فتوا داده شده در کتابچه های خود بنویسید.

### زکات طلا و نقره

طلا و نقره از جمله فلزات قیمتی و بیش بها اند، و الله تعالی منافع زیادی را به آن دو مربوط ساخته است، که در فلزات دیگر نیست، و به همین منظور شریعت اسلامی توجه خاصی به آن نموده و آن را یک سرمایه نمو کننده قرار داده و زکات را در آن فرض گردانیده است.

#### بَابُ زَكَاةِ الْفِضَّةِ:

(۱) لَيْسَ فِيمَا دُونَ مِائَتِي دِرْهَمٍ صَدَقَةٌ، فَإِذَا كَانَتْ مِائَتِي دِرْهَمٍ، وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ، فَفِيهَا خُمُسَةٌ دَرَاهِمٍ، وَلَا شَيْءَ فِي الزِّيَادَةِ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا فَيَكُونُ فِيهَا دِرْهَمٌ، مَعَ الْخُمُسَةِ ثُمَّ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمٌ.

(۲) وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: مَا زَادَ عَلَى الْمِائَتَيْنِ فَرَكَاةٌ بِحِسَابِهِ.

(۳) وَإِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْوَرَقِ الْفِضَّةُ فَهِيَ فِي حُكْمِ الْفِضَّةِ، وَإِنْ كَانَ الْغَالِبُ عَلَيْهَا الْغِشُّ فَهِيَ فِي حُكْمِ الْعُرُوضِ، وَيُعْتَبَرُ أَنْ تَبْلُغَ قِيمَتُهَا نِصَابًا.

#### بَابُ زَكَاةِ الذَّهَبِ:

(۴) لَيْسَ فِيمَا دُونَ عِشْرِينَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ صَدَقَةٌ، فَإِذَا كَانَتْ عِشْرِينَ مِثْقَالًا، وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ، فَفِيهَا نِصْفُ مِثْقَالٍ.

(۴) ثُمَّ فِي كُلِّ أَرْبَعَةِ مِثْقَالٍ، قِيرَاطَانِ، وَلَيْسَ فِيمَا دُونَ أَرْبَعَةِ مِثْقَالٍ صَدَقَةٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ.

(۶) وَفِي تَبْرِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَحُلِيِّهِمَا، وَالْأَيَّةِ مِنْهُمَا الزَّكَاةُ.

#### ترجمه

#### باب در بیان زکات نقره:

(۱) در کمتر از (۲۰۰) درهم زکات نمی باشد، وقتی به (۲۰۰) رسد و یک سال بر آن بگذرد

پنج درهم زکات واجب است، و در بیشتر از آن زکات واجب نمی‌باشد تا آنکه به (۴۰) درهم رسد وقتی به (۴۰) درهم برسد یک درهم در آن با پنج درهم یکجا واجب است، بعد از آن در هر (۴۰) درهم (نزد امام ابو حنیفه رحمه الله) یک درهم واجب می‌شود.

(۲) و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: در اضافه از (۲۰۰) درهم به همان اندازه یی که اضافه می‌شود به حساب آن زکات واجب می‌گردد.

(۳) یک چیز مخلوط، که نقره آن غالب باشد، در حکم نقره است، و اگر چیز دیگر غالب باشد در حکم سامان تجارتی می‌باشد، شرط این است که آن شی به حد نصاب برسد.

### باب در بیان زکات طلا:

(۴) در کمتر از (۲۰) مثقال طلا زکات واجب نمی‌باشد، وقتی به (۲۰) مثقال برسد و یک سال بر آن بگذرد نیم مثقال زکات در آن واجب است.

(۵) بعد از آن از هر چهار مثقال دو قیراط زکات واجب می‌شود، و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله در کمتر از چهار مثقال زکات واجب نمی‌باشد.

(۶) و در قطعه‌های طلا و نقره و زیورات ساخته شده از این دو (طلا و نقره) و ظروف طلایی و نقره یی زکات واجب است.

### شرح

#### زکات نقدین (طلا و نقره)

**نقدین:** این اصطلاح بر طلا و نقره و هر آن چیزی اطلاق می‌شود که قائم مقام آن گردد مثل پول رائج حکم نقدین را دارد.

در زمانه رسول الله ﷺ مردم به وزن طلا (دینار) و نقره (درهم) معاملات داد و ستد خود را پیش می‌بردند.

فقهای گویند که وقتی طلا و نقره و پول رائج به حد نصاب رسد در آن از دهم حصه یکی بر چهار حصه (یک از چهل یا دو نیم فیصد ۲،۵٪) زکات فرض است.

**فضه (نقره):** نقره یک فلز سفید رنگ و از جمله جواهر با ارزشی است که بعد از سکه زدن بحیث پول نقد از آن کار گرفته می‌شود.

**نصاب نقره:** در کمتر از (۲۰۰) درهم زکات واجب نمی‌باشد، و (۲۰۰) درهم نصاب آن است، و دوصد درهم معادل تقریباً (۵۹۵) گرام است.

**حکم زکات نقره:** کسی که مالک (۲۰۰) درهم شود و یک سال بر آن بگذرد (۵) درهم زکات در آن فرض است، و پنج درهم تقریباً (۱۵) گرام است.

و در بیشتر از (۲۰۰) درهم زکات واجب نمی‌باشد تا آنکه به (۴۰) درهم رسد وقتی به (۴۰) درهم برسد یک درهم در آن با پنج درهم واجب است، بعد از آن در هر (۴۰) درهم نزد امام ابو حنیفه (رحمة الله) یک درهم واجب می‌شود، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته‌اند: در اضافه از (۲۰۰) درهم به همان اندازه‌ی که اضافه می‌شود به حساب آن زکات واجب است (از دهم حصه هر درهم چهارم آن واجب است).

**صفت نصاب نقره:** صفتی که در نقره ضروری بوده این است که باید نقره باشد، و به صفت اضافی اعتبار داده نمی‌شود، زکات در همچو نقره واجب است، برابر است که به شکل درهم باشد، قالب شده باشد (به شکل قطعه قطعه باشد)، زیورات باشد، یا در شمشیر، لجام و زین اسپ استعمال گردیده باشد، و به سبب گداختن خالص شده و به (۲۰۰) درهم برسد، به مقصد تجارت نگهداشته شده باشد و یا به خاطر زینت و یا اینکه نیت هیچ کدام را نکرده باشد یک حکم دارد.

**ذهب (طلا):** ذهب یا طلا نوعی از فلز است که رنگ زرد دارد، از جمله فلزات نجیبه، قیمتی و نادر می‌باشد.

**نصاب طلا:** در کمتر از (۲۰) مثقال طلا زکات واجب نمی‌باشد، و (۲۰) مثقال نصاب آن است، و (۲۰) مثقال معادل تقریباً (۸۵) گرام است.

**زکات طلا:** کسی که مالک یک نصاب از طلا شود و یک سال بر آن بگذرد باید از (۲۰) مثقال آن نیم مثقال زکات بدهد، و نیم مثقال معادل تقریباً (۲,۵۰) گرام است.

بعد از آن وقتی اندازه طلا از (۲۰) مثقال بیشتر شود در هر چهار مثقال دو قیراط زکات واجب می‌گردد، و در کمتر از چهار مثقال نزد امام ابو حنیفه رحمة الله زکات واجب نمی‌باشد. اما صاحبین رحمهما الله گفته‌اند: اگر اندازه طلا از (۲۰) مثقال زیاد شود به حساب اضافه شده آن زکات در آن واجب است.

**صفت نصاب طلا:** صفتی که در نصاب طلا باید وجود داشته باشد این است که باید طلا باشد، و به صفت اضافی اعتبار داده نمی‌شود، پس هر طلای که دارای همچو صفتی باشد زکات در آن فرض است، قالب شده و قطعه قطعه شده باشد و یا به شکل جواهر و دنانیر هرچه باشد در صورتیکه طلای آن غالب باشد زکات در آن فرض است.

**پول نقد:** پول نقد عبارت از همان پول‌های کاغذی و فلزی است که به جای طلا و نقره تبادل می‌شود.

**حکم زکات پول نقد:** از نظر جمهور فقها (حنفی، مالکی و شافعی) زکات در پول نقد فرض است، و حصه مفروضه از دهم حصه چهارم (۲,۵٪) است، زیرا این پول در خزانه دولت به منزله یک دین قوی و یا اسناد قوی می‌باشد.

بناءً کسی که مالک یکصد هزار افغانی باشد (۲,۵٪) افغانی بر وی فرض است.

### مسایل مربوط:

در قطعه‌های طلا و نقره و زیورات ساخته شده از این دو (طلا و نقره) و ظروف طلای و نقره یی زکات واجب است.

اگر جنس دیگری با طلا خلط گردد و طلا بر آن غالب باشد آن جنس نیز در حکم طلا است. همچنان اگر چیزی مثل آهن در نقره خلط گردد و نقره آن غالب باشد آن چیز در حکم نقره است، و اگر آهن بر آن (طلا و نقره) غالب باشد، آن طلا و نقره در حکم عروض (سامان) است.

در زکات طلا و نقره شخص زکات دهنده اختیار دارد که یک قطعه آن را وزن نموده می‌دهد و یا اینکه قیمت مقدار زکات را می‌پردازد، هر کدام که در بازار مورد استعمال باشد همان را اختیار کند، و یا اگر خواسته باشد به قیمت طلا و نقره سامان دیگری یا اشیاء کیلی و وزنی می‌دهد.

### طریقه پرداخت زکات

**الف:** طریقه اول: به حساب گرام یا پول نقد  $۱۰۰ \div ۲,۵ \times$

ب: طریقه دوم: به اندازه گرام یا پول نقد  $\div 40$ .

### تطبیقات

زکات ۱۰۰۰ گرام طلا  $= 1000 \times 2,5 \div 100 = 25$  گرام است.

زکات ۲۰۰۰ گرام نقره  $= 2000 \times 2,5 \div 100 = 50$  گرام است.

زکات ۴۰۰۰۰ - پول نقد افغانی  $= 40000 \times 2,5 \div 100 = 1000$  - افغانی است.

## فعالیت

با استاد خود در رابطه به موضوعات ذیل گفتگو نمایید:

- ۱- در صدر اسلام پول‌های نقد کاغذی رایج نبود، و کاغذ در ذات خود ارزشی ندارد پس چگونه آن را مال گفته می‌توانیم؟
- ۲- اگر اهالی قریه به خاطر تعمیر مسجد پول زیادی جمع‌آوری کنند و این پول سه سال نزد آنها باقی ماند، حکم زکات آن چیست؟

## ارزیابی



- ۱- نقدین چه را گویند؟
- ۲- حکم زکات نقدین چیست؟
- ۳- نصاب نقره چقدر است؟
- ۴- زکات نصاب نقره چقدر است؟
- ۵- نصاب طلا چقدر است؟
- ۶- زکات نصاب طلا چقدر است؟
- ۷- پول نقد کدام پول را گویند؟
- ۸- آیا در پول نقد زکات واجب است، و نصاب زکات آن چقدر است؟
- ۹- طریقه اداء زکات اشیای ذکر شده را بیان کنید.



نصاب طلا و نقره و پولی را که به جای این دو استعمال می شود و همچنان مقدار زکات طلا، نقره و پول را در کتابچه های خود بنویسید.



## زکات عروض (سامان)

در درس قبلی احکام زکات طلا، نقره و پول نقد را شناختیم، حالا می‌خواهیم احکام زکات سامان تجارتی را بدانیم.

### بَابُ زَكَاةِ الْعُرُوضِ:

- (۱) الزَّكَاةُ وَاجِبَةٌ فِي عُرُوضِ التِّجَارَةِ، كَأَيُّنَ مَا كَانَتْ إِذْ بَلَغَتْ قِيَمَتُهَا نِصَابًا مِنَ الذَّهَبِ، وَالْوَرَقِ، وَ يُقَوِّمُهَا بِمَا هُوَ أَنْفَعُ لِلْفُقَرَاءِ، وَالْمَسَاكِينِ مِنْهُمَا.
- (۲) وَإِذَا كَانَ النِّصَابُ كَامِلًا فِي طَرَفِي الْحَوْلِ، فَتَقْصَانُهُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ لَا يُسْقِطُ الزَّكَاةَ.
- (۳) وَتُضَمُّ قِيَمَةُ الْعُرُوضِ إِلَى الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.
- (۴) وَكَذَلِكَ يُضَمُّ الذَّهَبُ إِلَى الْفِضَّةِ بِالْقِيَمَةِ حَتَّى يَتِمَّ النِّصَابُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: لَا يُضَمُّ الذَّهَبُ إِلَى الْفِضَّةِ بِالْقِيَمَةِ وَيُضَمُّ بِالْأَجْزَاءِ.

### ترجمه

### باب در بیان زکات عروض

- (۱) زکات در سامانی که به مقصد تجارت باشد و قیمت آن به نصاب طلا و نقره برسد واجب است، و زکات دهنده به یکی از این دو (طلا و نقره) که به فقرا و مساکین نفع بخش تر باشد قیمت گذاری می‌کند.
- (۲) و اگر نصاب در اول و آخر سال کامل باشد و در وسط آن کم شود زکات ساقط نمی‌گردد.
- (۳) و قیمت سامان تجارتی با طلا و نقره جمع می‌شود.
- (۴) همچنان (بخاطر تکمیل نصاب) طلا با نقره از روی قیمت نزد امام ابو حنیفه رحمه الله با هم

جمع کرده می‌شود تا نصاب تکمیل گردد، و ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: طلا با نقره از روی قیمت یکجا کرده نمی‌شود، بلکه به اجزاء با هم یکجا می‌شود.

## شرح عروض

عروض: جمع عرض است و آن متاع ناچیز دنیا را گویند. عروض غیر از نقدین (طلا و نقره) و حیوانات، شامل تمام انواع مال می‌شود، مثلاً اجناس، جایداد، لباس و چیزی‌های دیگری مانند آن.

## حکم زکات عروض

هر نوع مالی که به مقصد تجارت آماده گردیده باشد زکات در آن فرض است، برابر است که اجناس باشد و یا جایداد، اشیاء کیلی باشد و یا وزنی، و قیمت آن به نصاب طلا و یا نقره برسد و یک سال بر آن بگذرد، زکات یعنی ربع عشر در آن فرض است.

## شروط وجوب زکات در سامان تجارتي

زکات در اجناس تجارتي به شروط ذیل واجب می‌شود:

- ۱- نیت صاحب اجناس، تجارت باشد. نیت تجارت با کار تجارت همراه باشد، زیرا تنها نیت کفایت نمی‌کند.
- ۲- باید نصاب عروض (سامان) به حد نصاب طلا و یا نقره برسد.
- ۳- یک سال بر آن گذشته باشد.

## نصاب عروض

نصاب واجبی سامان تجارت مانند نصاب واجبی نصاب طلا و نقره می‌باشد که آن ربع عشر ۲,۵٪ است.

بر هر مسلمان لازم است که در پایان هر سال سامان تجارت خود را حساب کند، اگر به حساب قیمت بازار به حد نصاب زکات می‌رسید زکات آن را بدهد که آن ربع عشر است، و اگر به حد نصاب طلا و نقره نمی‌رسید، پس زکات در آن واجب نمی‌باشد.

## چگونگی ادا زکات در مال‌های تجاری

از نظر امام ابو حنیفه (رحمه الله) مالک اختیار دارد:

- أ- یا اینکه خود همان چیز را در زکات می‌دهد.
- ب- و یا ربع عشر از قیمت آن را به زکات می‌دهد.

### مسایل مربوط

- قیمت‌های اجناس تجاری مطابق عرف رایج در بازار حساب کرده می‌شود، و سامان آلاتی که در دکان مورد استفاده قرار می‌گیرد در جمله اجناس تجاری شمرده نمی‌شود.
- و کسی که مالک زمین و یا حیوانات برای تجارت باشد، زکات آن از وقتی شروع می‌شود که عملاً به تجارت آن آغاز نماید.

## فعالیت

با استاد تان پیرامون موضوع زیر بحث و گفتگو نمایید:

- أ- زکات حیواناتی که مقصد از نگهداشت آن تجارت باشد.
- ب- در باب زکات، فرق بین زمینی را که برای زراعت و زمینی را که برای بود و باش خود و تجارت نمودن خریده شده است ذکر نمایید.

## ارزیابی

- ۱- عروض چیست؟
- ۲- حکم زکات عروض را بیان کنید؟
- ۳- شروط وجوب زکات سامان تجارت کدام‌ها اند؟
- ۴- نصاب عروض چقدر است؟
- ۵- زکات اموال تجاری از خود مال تادیه می‌شود یا از قیمت آن؟



در چیزهای که از بحر بیرون کرده می شود مثل، مروارید، مرجان و ماهی، چه وقت در آن زکات واجب می گردد؟ پاسخ این پرسش را در کتابچه های خود بنویسید.

## زکات زراعت و میوه

زکات زراعت و میوه جات عشر است، می خواهیم در این درس احکام آن را بشناسیم.

بَابُ زَكَاةِ الزُّرُوعِ وَالشَّمَارِ:

(۱) قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: فِي قَلِيلٍ مَا أَخْرَجَتْهُ الْأَرْضُ وَكَثِيرِهِ الْعُشْرُ سَوَاءٌ سُقِيَ سَيِّحًا، أَوْ سَقَتْهُ السَّمَاءُ، إِلَّا الْحَطَبَ وَالْقَصَبَ وَالْحَشِيشَ.

(۲) وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: لَا يَجِبُ الْعُشْرُ إِلَّا فِيمَا لَهُ ثَمَرَةٌ بَاقِيَةٌ إِذَا بَلَغَ خَمْسَةَ أَوْسُقٍ، وَالْوَسْقُ: سِتُّونَ صَاعًا بِصَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَيْسَ فِي الْخَضِرَاوَاتِ عِنْدَهُمَا عُشْرٌ.

(۳) وَمَا سُقِيَ بِغَرْبٍ أَوْ دَالِيَةٍ أَوْ سَانِيَةٍ فَبِهِ نِصْفُ الْعُشْرِ عَلَى الْقَوْلَيْنِ.

(۴) وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ فِيمَا لَا يُوسُقُ كَالزَّعْفَرَانِ وَالْقُطْنِ، يَجِبُ فِيهِ الْعُشْرُ إِذَا بَلَغَتْ قِيمَتُهُ قِيمَةَ خَمْسَةِ أَوْسُقٍ، مِنْ أَدْنَى مَا يَدْخُلُ تَحْتَ الْوَسْقِ.

(۵) وَقَالَ مُحَمَّدٌ يَجِبُ الْعُشْرُ إِذَا بَلَغَ الْخَارِجُ خَمْسَةَ أَمْثَالٍ، مِنْ أَعْلَى مَا يُقَدَّرُ بِهِ نَوْعُهُ فَاعْتَبَرَ فِي الْقُطْنِ خَمْسَةَ أَحْمَالٍ، وَفِي الزَّعْفَرَانِ خَمْسَةَ أَمْنَاءَ.

(۶) وَفِي الْعَسَلِ الْعُشْرُ إِذَا أُخِذَ مِنْ أَرْضِ الْعُشْرِ قَلٌّ أَوْ كَثْرٌ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ لَا شَيْءَ فِيهِ حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرَةَ أَزْقَاقٍ. وَقَالَ مُحَمَّدٌ: خَمْسَةُ أَفْرَاقٍ وَالْفَرَقُ سِتَّةٌ وَثَلَاثُونَ رِطْلًا وَلَيْسَ فِي الْخَارِجِ مِنْ أَرْضِ الْخِرَاجِ عُشْرٌ.

ترجمه

باب در بیان زکات حاصلات کشت و میوه:

(۱) امام ابو حنیفه رحمه الله گفته است: حاصلاتی که از زمین برداشته می شود، کم باشد یا زیاد

در آن عشر (دهم حصه) زکات واجب است، برابر است که زمین توسط آب جاری آبیاری شود یا به آب باران، لیکن چوب، نی و گیاه از آن مستثنی است.

(۲) و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: عشر در اشیایی واجب است که میوه آن تا مدتی از زمان باقی بماند، و به اندازه پنج وسق باشد، و وسق شصت صاع (پیمانه) به صاع رسول الله ﷺ می باشد، و نزد صاحبین در سبزی جات زکات واجب نیست.

(۳) و کشتی که توسط دولچه، و یا دلو بسته به چرخ، و یا توسط شتر آبیاری گردد زکات آن بنا بر هر دو قول نصف عشر است.

(۴) و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: هر آنچه به وسق فروخته نشود مانند زعفران و پنبه، عشر وقتی در آن واجب می گردد که قیمت آن به پنج وسق از اشیاء وسقی کم قیمت برسد.

(۵) و امام محمد رحمه الله گفته است: عشر وقتی واجب می گردد که محصول کشت به پنج چند از عالی ترین چیزهای که نوع آن اندازه کرده می شود برسد، پس در پنبه پنج بار و در زعفران پنج من معتبر دانسته شده.

(۶) و در عسل، کم باشد یا زیاد عشر است، در صورتی که از زمین عشری گرفته شود، و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: در کمتر از (۱۰) مشک عسل عشر نمی باشد، و امام محمد رحمه الله گفته است: در عسل تا آنکه به پنج افراق نرسیده زکات واجب نمی باشد، و یک فرق



۳۶ رطل عراقی می‌باشد، و در محصولات زمین‌های خراجی عشر لازم نیست.

## شرح

### عُشر

عُشر یک شی از ده حصه یک حصه آن است و همان زکاتی را گویند که از زمین گرفته می‌شود، زمینی که اهل آن مسلمانان بوده و آن را زنده (آباد) کرده باشند.

### حکم عُشر

عُشر در محصولی فرض است که برای فایده و به نیت کشت به دست آید، برابر است که صلاحیت باقی ماندن را داشته باشد مثل غله جات چون گندم، جواری و یا نداشته باشد مثل میوه و سبزیجات چون شفتالو، خربوزه و بادنجان.

**اشیای مستثنی شده:** پنج چیز به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله مستثنی بوده که در آن زکات (عشر) لازم نیست:

۱- سعف (شاخه‌های درخت)، زیرا در تنه درخت چیزی واجب نمی‌باشد (پس در شاخه‌های آن نیز واجب نمی‌باشد).

۲- تبین (سفاره)، زیرا سفاره عبارت از ساق دانه است، چنانکه درخت ساقه میوه است.

۳- حشیش (علف)، زیرا علف بدون کشت در زمین سبز می‌شود و چیزی مقصودی نمی‌باشد.

۴- طرفاء، زیرا عاداتاً زمین به آن مشغول نمی‌شود.

۵- قصب (نی) زیرا از آن هیچ نفعی به دست نمی‌آید بلکه زمین را خراب می‌کند.

### نصاب عشر

برای فرضیت عشر کدام نصاب معینی وجود ندارد، بلکه از محصولات زمین کم باشد یا زیاد، به آب جاری سیراب شود یا به آب باران نزد امام ابوحنیفه رحمه الله عشر در آن واجب است.

و نزد صاحبین: زکات در چیزی واجب است که میوه اش تا دیر زمان باقی بماند و به پنج وسق برسد، و نزد ایشان در سبزیجات زکات نمی‌باشد، زیرا سبزیجات از جمله اشیاء است که تا دیر زمان دوام پیدا نمی‌کند.

**وسق:** به صاع رسول الله ﷺ شصت صاع است.

**صاع:** یک صاع: چهار مد و (۳,۶) کیلوگرام میشود.

**وسق:** یک وسق (۶۰) صاع (۲۱۶) کیلوگرام می شود.

پنج وسق (۳۰۰) صاع (۱۰۸۰) کیلوگرام که به حساب ما (۱۵۴,۲۸) سیر می شود.

### **شروط زمین عشری**

زمین باید عشری باشد، زیرا از زمین خراجی خراج واجب است نه عشر.

زمین باید کشت شود، و زمینی که محصول ندهد عشر در آن واجب نمی باشد.

از زمین چیزی به دست آید که از آن استفاده صورت گیرد و همیشه در زمین کشت شود،

لذا از چوب سوخت، علف و نی عشر واجب نیست، زیرا زمین به آن مشغول ساخته نمی شود،

و در صورت سبز شدن این اشیاء زمین از استفاده خارج می گردد.

### **اشیایی که در زکات زراعت شرط نمی باشد**

گذشتن یک سال بر محصولات زمین شرط نمی باشد، بلکه در هر زمانی که به دست آید در

همان وقت عشر واجب می گردد.

حد معینی برای نصاب ندارد، هر آنچیزی که زمین آن را سبز کند، کم باشد یا زیاد عشر در

آن واجب است.

عاقل و بالغ بودن برای عشر دهنده شرط نمی باشد، در محصولات زمین طفل و دیوانه نیز

عشر واجب می باشد.

در زمین عشری ملکیت نیز شرط نمی باشد، زیرا از زمین وقفی نیز باید عشر گرفته شود.

و این هم شرط نیست که عشر دهنده مدیون نباشد.

در کشت نزد ابوحنیفه رحمه الله این هم شرط نیست که محصول آن تا دیر زمانی باقی بماند،

بلکه در سبزیجات و میوه نیز عشر واجب است.

**وقت وجوب عشر در زراعت:** نزد امام ابوحنیفه رحمه الله، عشر زمانی واجب

می گردد که سبز شود و میوه خود را آشکار سازد، و در نزد امام محمد رحمه الله عشر زمانی

واجب می گردد که حاصل برداشته شود.

**وقت بیرون نمودن عشر:** اخراج عشر سه صورت دارد:

۱- صورت اول که بدون اختلاف جواز دارد این است که بعد از گرفتن حاصل عشر

بدهد.

۲- صورت دوم که بدون اختلاف جواز ندارد، این است که پیش از کشت کردن عشر



بدهد.

۳- صورت سوم که مختلف فيه است: آنست که بعد از کشت نمودن و قبل از حاصل دادن عشر بدهد.

### مسایل مربوط

امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: اشیاء که به وسق داده نمی شود مثل زعفران و پنبه، عشر در آن وقتی واجب می شود که قیمت آن به قیمت پنج وسق از اشیاء وسقی ادنا برسد. و امام محمد رحمه الله گفته است: عشر وقتی واجب می گردد که محصول کشت به پنج چند از عالی ترین چیزهای که نوع آن اندازه کرده می شود برسد.

عشر در عسلی که از زمین عشری به دست می آید واجب است، کم باشد یا زیاد. این حکم نزد امام رحمه الله علیه است و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: در کمتر از (۱۰) مشک عسل عشر واجب نمی باشد، و امام محمد رحمه الله گفته است: در کمتر از پنج افراق عسل عشر واجب نیست.

اگر ذمی زمین عشری را بگیرد آن زمین خراجی می گردد.

اما زمین خراجی هیچگاهی عشری نمی شود.

و دانه های قیمتی که از بحر استخراج می گردد چیزی در آن واجب نیست، مانند لؤلؤ، مرجان و عنبر.

همچنان معادن که غالباً در کوه ها وجود دارد مانند جص، کچ، چونه، یاقوت، فیروزه و زمرد عشر در آن واجب نمی باشد!

### فعالیت

با استاد خود اندازه صاع و وسق را بحساب امروزی مناقشه کنید.



- ۱- مراد از عشر چیست؟
- ۲- حکم عشر چیست؟
- ۳- کدام اشیاء از زکات مستثنی است؟
- ۴- شروط فرضیت عشر کدامها اند؟
- ۵- آنچه در زکات زراعت شرط نمی باشد کدامها اند؟
- ۶- وقت وجوب زکات زراعت و میوه کدام است؟



معنای لغات ذیل را در کتابچه های خود بنویسید:  
 أحمال. أزقاق. أفراق. الجص. النورة. الياقوت. الفيروزج. والزمرد

## موارد مصرف زکات

در درس های قبلی اموالی را شناختیم که زکات در آن واجب است، و در این درس می خواهیم موارد مصرف زکات را بدانیم.

بَابُ مَنْ يَجُوزُ دَفْعُ الصَّدَقَةِ إِلَيْهِ وَمَنْ لَا يَجُوزُ:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: {إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ} الْآيَةُ، فَهَذِهِ ثَمَانِيَةُ أَصْنَافٍ، قَدْ سَقَطَ مِنْهَا الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعَزَّ الْإِسْلَامَ وَأَغْنَى عَنْهُمْ، فَالْفَقِيرُ: مَنْ لَهُ أَذْنَى شَيْءٍ، وَالْمَسْكِينُ: مَنْ لَا شَيْءَ لَهُ، وَالْعَامِلُ يَدْفَعُ إِلَيْهِ الْإِمَامُ إِنْ عَمِلَ بِقَدْرِ عَمَلِهِ، وَفِي الرِّقَابِ يُعَانُ الْمُكَاتِبُونَ فِي فَكِّ رِقَابِهِمْ، وَالْغَارِمُ: مَنْ لَزِمَهُ دَيْنٌ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ: مُنْقَطِعُ الْغَزَاةِ، وَابْنُ السَّبِيلِ: مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فِي وَطَنِهِ، وَهُوَ فِي مَكَانٍ لَا شَيْءَ لَهُ فِيهِ، فَهَذِهِ جِهَاتُ الزَّكَاةِ.

(۲) وَلِلْمَالِكِ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ، وَلَهُ أَنْ يَقْتَصِرَ عَلَى صِنْفٍ وَاحِدٍ.

(۳) وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُدْفَعَ الزَّكَاةُ إِلَى ذِمِّيٍّ، وَلَا يُبْنَى بِهَا مَسْجِدٌ، وَلَا يُكْفَنُ بِهَا مَيِّتٌ، وَلَا يُشْتَرَى بِهَا رَقَبَةٌ تُعْتَقُ، وَلَا تُدْفَعُ إِلَى غَنِيِّ، وَلَا يُدْفَعُ الْمَرْكَبُ زَكَاتُهُ إِلَى أَبِيهِ، وَجَدِّهِ وَإِنْ عَلَا، وَلَا إِلَى وَلَدِهِ، وَوَلَدِ وَلَدِهِ، وَإِنْ سَفَلَ، وَلَا إِلَى امْرَأَتِهِ.

(۴) وَلَا تُدْفَعُ الْمَرْأَةُ إِلَى زَوْجِهَا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: تُدْفَعُ إِلَيْهِ، وَلَا يُدْفَعُ إِلَى مُكَاتِبِهِ وَلَا إِلَى مَمْلُوكِهِ، وَلَا إِلَى مَمْلُوكِ غَنِيِّ، وَلَا إِلَى وَلَدِ غَنِيِّ إِذَا كَانَ صَغِيرًا.

(۵) وَلَا يُدْفَعُ إِلَى بَنِي هَاشِمٍ، وَمَوَالِيهِمْ وَ هُمَ آلُ عَلِيٍّ وَ آلُ عَبَّاسٍ، وَ آلُ جَعْفَرٍ، وَ آلُ عَقِيلٍ، وَ آلُ حَارِثٍ وَ ابْنُ عَبْدِ الْمَطْلَبِ وَمَوَالِيهِمْ.

(۶) وَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَ مُحَمَّدٌ: إِذَا دَفَعَ الزَّكَاةَ إِلَى رَجُلٍ يَظُنُّهُ فَقِيرًا، ثُمَّ بَانَ أَنَّهُ غَنِيٌّ، أَوْ

هَاشِمِيٍّ، أَوْ كَافِرٍ، أَوْ دَفَعَ فِي ظُلْمَةٍ إِلَى فَقِيرٍ ثُمَّ بَانَ أَنَّهُ أَبُوهُ، أَوْ ابْنُهُ، فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ لَا يَجُوزُ وَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَلَوْ دَفَعَ إِلَى شَخْصٍ، يَظُنُّهُ فَقِيرًا ثُمَّ بَانَ أَنَّهُ عَبْدُهُ، أَوْ مُكَاتَبُهُ، لَمْ يَجُزْ.

(۷) وَلَا يَجُوزُ دَفْعُ الزَّكَاةِ إِلَى مَنْ يَمْلِكُ نِصَابًا، مِنْ أَيِّ مَالٍ كَانَ.

(۸) وَيَجُوزُ دَفْعُهَا إِلَى مَنْ يَمْلِكُ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ صَحِيحًا مُكْتَسِبًا وَيُكْرَهُ نَقْلُ الزَّكَاةِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَإِنَّمَا تُصْرَفُ صَدَقَةٌ كُلُّ قَوْمٍ فِيهِمْ، إِلَّا أَنْ يَنْقُلَهَا الْإِنْسَانُ إِلَى قَرَابَتِهِ، أَوْ إِلَى قَوْمٍ هُمْ أَحْوَجُ إِلَيْهَا مِنْ أَهْلِ بَلَدِهِ.

## ترجمه

### باب در بیان موارد مصرف زکات

(۱) الله تعالى فرموده است: « محققاً صدقه برای فقرا و مساکین است»، ایشان هشت صنف از مردم اند، از آنجمله مؤلفه القلوب (کسانی که قلب‌های آنان باید به طرف اسلام میلان داده شود) ساقط گردیده، زیرا الله تعالى اسلام را عزت بخشید و اسلام از ایشان مستغنی و بی پروا است، و فقیر کسی است که چیزی ادنی و کم داشته باشد، و مسکین آنکه چیزی نداشته باشد، و عامل کسی است که مسؤولین امور به اندازه کارش برای وی اگر کار کند زکات می‌دهند، و به خاطر رهایی گردن مکاتبین کمک شود، و غارم کسی است که بر ذمه وی قرض باشد، و فی سبیل الله عبارت از مجاهدی است که (به سبب فقر و ناداری از صف مجاهدین) عقب مانده، و ابن السبیل (مسافری است) که در وطن خود مال دارد ولی به جای که سفر نموده در آنجا چیزی ندارد، و این مواردی (که ذکر گردید) موارد مصرف زکات می‌باشد.

(۲) شخص زکات دهنده اختیار دارد که زکات مال خود را به تمام این اصناف می‌دهد و یا به یکی آنها.

(۳) دادن مال زکات برای ذمی جواز ندارد، و نه به مال زکات مسجدی ساخته می‌شود، و نه به میتی از آن کفن گرفته می‌شود، و نه به آن غلامی خریده می‌شود که آزاد گردد، و نه از آن مال به شخص غنی داده می‌شود، شخص زکات دهنده زکات مال خود را نه به پدر،



آزادی برده گان، پرداخت قرض قرضداران و در راه خدا و برای مسافران فریضه ای است از جانب الله و الله دانا و با حکمت است».

### هشت محل مصرف زکات

قرآن کریم هشت صنف از مردم را ذکر نموده که زکات بر آنان به مصرف می رسد، لیکن حضرت عمر رضی الله عنه مؤلفه القلوب را از موارد مصرف زکات بیرون نمود، و دلیلش این بود که اسلام حالا قوی گردیده و صحابه کرام نیز این عمل او را انکار نکردند، لهذا به اجماع صحابه رضی الله عنهم این صنف از اصناف هشتگانه ساقط گردید و هفت صنف دیگر باقی ماند و اینک تفصیل آن:

**فقیر:** کسی است که مالک کمتر از اندازه نصاب باشد.

و کسی که مالش کمتر از حد نصاب باشد صرف زکات به وی جواز دارد هرچند که دارای صحت کامل و صاحب کسب و پیشه باشد.

**مسکین:** کسی که هیچ مال ندارد.

**عامل:** موظف و کارمندی است که بخاطر جمع آوری عشر و زکات تعیین گردیده، برای وی به اندازه کارش از مال زکات داده می شود.

**فی الرقاب:** برده ها و غلامانی اند که آقایان آنها در بدل آزادی شان مال معینی از ایشان طلب می کنند، این صنف از مردم در حال حاضر وجود ندارند و اگر وجود داشته باشند دادن زکات به آنان درست است.

**الغارم:** شخص مدیونی است که بعد از ادای دین دیگر مالک نصاب باقی نمی ماند و دادن زکات به وی نسبت به فقیر بهتر است.

**فی سبیل الله:** کسانی هستند که در راه الله تعالی جهاد می کنند، و یا حجاجی هستند که از منازل خود به نیت حج بیرون شده اند ولی به خاطر قلت خرج و مصرف از رسیدن به کعبه عاجز مانده اند.

**ابن السبیل:** مسافری است که در وطن خود مال دارد اما در امتداد راه مالش خلاص شده، باید به وی زکات داده شود تا توسط آن به وطنش برسد.

بر کسی که زکات فرض است می تواند که زکات خود را به همه اصناف مذکوره و یا به یکی از این اصناف بدهد.

## اشخاصی که دادن زکات به ایشان جایز نمی‌باشد

- ۱- کافر.
- ۲- غنی (مالدار).
- ۳- طفل خورده سال غنی (مالدار).
- ۴- بنی‌هاشم و موالی ایشان، بنی‌هاشم اولاده علی، عباس، جعفر، عقیل و حارث بن عبد المطلب و موالی (آزاد شده گان) آنان اند.
- ۵- اصل خود مثل پدر، پدر کلان و بالاتر از وی.
- ۶- فرع خود مثل پسر دختر، نواسه و پایین تر از وی.
- ۷- زوج به زوجه خود، و زوجه به زوج خود زکات نمی‌دهند، ولی به خویشاوندان دیگر دادن زکات افضل و بهتر است.
- ۸- بخاطر تعمیر مسجد، مدرسه، راه و پل.

همچنان مال زکات به خاطر خریدن کفن برای میت و ادای دین وی صحیح نمی‌شود، بهتر آنست که برای اقارب و خویشاوندان، خویش بعد به همسایه‌ها که مستحق باشند به مصرف برسد.

## مسایل مربوط

- ۱- اگر به فقیری به اندازه از مال زکات داده شود که به حد نصاب برسد مکروه است، مثلاً به کسی (۲۰۰) درهم یا (۲۰) مثقال طلا زکات بدهد.
- ۲- و اگر بخاطر ادای دین از مدیونی بیشتر از نصاب بدهد مکروه نمی‌باشد، مثلاً به کسی از نصاب زیاد پول افغانی بدهد تا دین خود را اداء کند این کار مکروه نمی‌باشد.
- ۳- انتقال مال زکات از یک شهر به شهر دیگر بدون ضرورت مکروه است، ولی اگر برای خویشاوندان انتقال بدهد مکروه نمی‌باشد، همچنان انتقال زکات به فقرا شهر دیگری که نسبت به فقراء شهری که زکات دهنده در آن مقیم است بیشتر نیازمند باشد مکروه نیست.
- ۴- امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله گفته اند: اگر کسی زکات مال خود را به شخصی به گمان اینکه فقیر است بدهد، بعد معلوم گردد که غنی است، یا هاشمی، و یا کافر است، و یا اینکه زکات مال خود را در تاریکی به کسی بدهد و بعدتر معلوم شود که او پدر و یا پسر وی است، زکاتش ادا گردیده و دوباره زکات بر وی واجب نیست، و ابو یوسف رحمه الله گفته است: در همه این صورت‌ها باید دوباره زکات بدهد.

۵- اگر زکات مال خود را به کسی داد، بعدتر معلوم گردید که وی غلام یا مکاتب وی است به قول همه امامان این صورت جواز ندارد و باید دوباره زکات بدهد.

## فعالیت

شاگردان به همکاری استاد خود موضوعات ذیل را روشن سازند:

- مصرف نمودن زکات در مساجد، مدارس و حلقات تحفیظ قرآن چه حکم دارد؟
- جوانی قصد ازدواج را کند ولی توانایی مالی نداشته باشد دادن زکات به وی چه حکم دارد؟

## ارزیابی



- ۱- قرآن کریم موارد مصرف زکات را هشت مورد تعیین نموده این موارد کدامها اند؟
- ۲- آیا مؤلفه القلوب از این هشت صنف ساقط گردیده، اگر ساقط گردیده دلیل آن چیست؟
- ۳- اشخاصی که دادن زکات به آنها جواز ندارد کیها اند؟
- ۴- چند مسایل مهم درس را بیان کنید.

## کارخانه گی



بنی هاشم کی هستند و چرا به ایشان زکات داده نمی شود؟ جواب این پرسش را در کتابچه های خود بنویسید.



## صدقه فطر

در درس‌های قبلی اقسام اموال زکات و موارد مصرف آن را شناختیم، و در این درس می‌خواهیم صدقه فطر را بشناسیم، صدقه فطر از جانبی به زکات مناسبت دارد که در هر کدام آنها مال به مصرف می‌رسد، و از جانب دیگر به روزه مناسبت دارد، زیرا برای صحت صدقه فطر، افطار (خوردن و روزه نداشتن) شرط است و آن عبارت از عید فطر است.

### بَابُ صَدَقَةِ الْفِطْرِ:

- (۱) صَدَقَةُ الْفِطْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى الْحُرِّ الْمُسْلِمِ، إِذَا كَانَ مَالِكًا لِمَقْدَارِ النَّصَابِ، فَاضِلًا عَنْ مَسْكَنِهِ، وَثِيَابِهِ، وَأَتَانِهِ، وَفَرَسِهِ، وَسِلَاحِهِ، وَعَبِيدِهِ لِلْخِدْمَةِ.
- (۲) يُخْرَجُ ذَلِكَ عَنْ نَفْسِهِ، وَعَنْ أَوْلَادِهِ الصَّغَارِ، وَعَنْ مَمَالِكِهِ وَلَا يُؤَدِّي عَنْ زَوْجَتِهِ، وَلَا عَنْ أَوْلَادِهِ الْكِبَارِ، وَإِنْ كَانُوا فِي عِيَالِهِ. وَلَا يُخْرَجُ عَنْ مَمَالِكِهِ لِلتَّجَارَةِ، وَالْعَبْدُ بَيْنَ شَرِيكَيْنِ لَا فِطْرَةَ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا، وَيُؤَدِّي الْمَوْلَى الْمُسْلِمُ الْفِطْرَةَ عَنْ عَبْدِهِ الْكَافِرِ.
- (۳) وَالْفِطْرَةُ: نِصْفُ صَاعٍ مِنْ بُرٍّ أَوْ صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ أَوْ زَبِيبٍ أَوْ شَعِيرٍ، وَالصَّاعُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ ثَمَانِيَّةُ أَرْطَالٍ بِالْعِرَاقِيِّ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ: خَمْسَةُ أَرْطَالٍ وَثُلُثُ رِطْلٍ.
- (۴) وَوُجُوبُ الْفِطْرَةِ، يَتَعَلَّقُ بِطُلُوعِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الْفِطْرِ، فَمَنْ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ لَمْ تَحِبْ فِطْرَتُهُ، وَمَنْ أَسْلَمَ، أَوْ وُلِدَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، لَمْ تَحِبْ فِطْرَتُهُ.
- (۵) وَيُسْتَحَبُّ لِلنَّاسِ أَنْ يُخْرِجُوا الْفِطْرَةَ: يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَصَلَّى، فَإِنْ قَدَّمُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْفِطْرِ جَازَ، وَإِنْ أَخَّرُوهَا عَنْ يَوْمِ الْفِطْرِ لَمْ تَسْقُطْ وَكَانَ عَلَيْهِمْ إِخْرَاجُهَا.

ترجمه

### باب در بیان صدقه فطر

(۱) صدقه فطر بالای هر مسلمان آزاد واجب است وقتی که مالک مالی به اندازه نصاب باشد

و آن (نصاب) از حاجات اصلی از خانه، لباس، سامان، مرکب سواری، اسلحه و غلامان خدمتگار، اضافه باشد.

(۲) صدقه فطر را از خود، و از طرف اولاد خورد سال و غلامان خود می دهد، اما از طرف زن، و اولاد بالغش هر چند که در خانواده او شامل باشند نمی دهد، (همچنان) از طرف مکاتب خود، و غلامانی که به مقصد تجارت نگهداشته است صدقه فطر نمی دهد، همچنان غلامی که در میان دو نفر مشترک باشد هیچ کدام از وی صدقه فطر نمی دهد، و مسلمان از مملوک (غلام) کافر خود صدقه فطر می دهد.

(۳) مقدار صدقه فطر: از گندم نیم صاع (نیم پیمانه) یا از خرما، کشمش و جو یک پیمانه است، و پیمانه نزد امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله هشت رطل عراقی می باشد، و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: یک پیمانه پنج رطل و سوم حصه رطل است.

(۴) وجوب صدقه فطر به طلوع آفتاب روز اول عید فطر تعلق دارد، بناء کسی که قبل از آن وفات نماید صدقه فطر بر وی واجب نیست، و کسیکه بعد از طلوع فجر مسلمان شد و یا بعد از صبحدم تولد گردید صدقه فطر بر وی واجب نیست.

(۵) و برای مردم مستحب آنست که قبل از رفتن به سوی عیدگاه صدقه فطر بدهند، و اگر صدقه فطر را بر روز اول عید مقدم کنند جواز دارد، و اگر صدقه فطر را از روز عید تاخیر کنند از ذمه شان ساقط نمی شود بلکه اداء نمودن آن بر ایشان لازمی است.

## شرح

### صدقه فطر

صدقه فطر آنست که مسلمانان در روز عید فطر چیزی از مال خود را به خاطر تزکیه نفس و جبران نقصاناتی که در دوران روزه ماه رمضان از ایشان صادر شده باشد مثل سخنان بیهوده و غیره، به نیازمندان بدهند.

**حکم صدقه فطر:** صدقه فطر بر هر مسلمانی که مکلف باشد واجب است، وی از خود و از عیال خود واز کسانی که زیر سرپرستی وی قراردارند و ذکر آن در بالا گذشت صدقه میدهد.

### صدقه فطر بر کی واجب است؟

صدقه فطر بر کسی واجب است که سه شرط ذیل در او موجود باشد:

- ۱- مسلمان باشد، صدقه فطر بر کافر واجب نیست.
- ۲- آزاد باشد، بر غلام صدقه فطر واجب نیست.
- ۳- مالک نصاب، که از قرض، حوایج اصلی و ضروریات عیال وی اضافه باشد، کسی

که مالک چنین یک نصاب نباشد، صدقه فطر بر وی واجب نیست.

### اشیاء ذیل شامل حاجت اصلی است

۱- خانه رهاشی.

۲- سامان منزل.

۳- لباس پوشیدنی

۴- وسایل حمل و نقل: مانند موتر، موتر سایکل و امثال آن.

۵- اسبابی که به خاطر طلب روزی از آن استفاده می شود.

برای وجوب صدقه فطر گذشتن یک سال شرط نمی باشد، بلکه برای وجوب آن شرط

این است که صدقه دهنده در هنگام صبح روز عید مالک نصاب مال معین باشد.

همچنان برای وجوب صدقه فطر عقل و بلوغ شرط نمی باشد، بلکه طفل و دیوانه نیز اگر

مالک نصاب باشند از مال ایشان صدقه داده می شود.

**صدقه فطر چه وقت واجب می گردد؟** صدقه فطر در روز اول عید فطر همزمان با

طلوع صبح صادق واجب می گردد، و اگر کسی قبل از آن بمیرد و یا فقیر شود صدقه فطر

بر وی واجب نیست.

همچنان کسی که بعد از این وقت تولد شود و یا مسلمان گردد و یا مالک نصاب گردد صدقه

فطر بر وی واجب نمی شود.

ادای صدقه فطر قبل از روز عید جایز است، لیکن مستحب آنست که قبل از رفتن به سوی

عیدگاه ادا گردد.

اگر کسی صدقه فطر را در ماه رمضان ادا کند جایز است، بلکه این کار افضل و بهتر می باشد،

تا اینکه فقرا بتوانند برای خود و خانواده های خود لباس و چیزهای مورد ضرورت شان را

بخرند. اما تاخیر صدقه فطر از وقت نماز عید بدون عذر مکروه است.

**صدقه فطر از طرف کی ادا می شود؟** صدقه فطر از طرف اشخاص ذیل واجب است:

۱- از طرف خود شخص.

۲- از طرف اولاد خوردسالش که فقرا باشند، و اگر مالدار باشند از مال خود شان گرفته

می شود.

ادای صدقه فطر از طرف زوجه، بر زوج واجب نمی باشد، ولی اگر از طرف وی ادا کند جایز

است. همچنان صدقه فطر اولاد کلان و عاقل که فقرا باشند بر پدر واجب نیست، و اگر بدهد

اداء می شود. اما اگر اولاد بزرگ وی فقرا و دیوانه ها باشند در این صورت اداء صدقه فطر بر

پدر واجب است.

**اندازه صدقه فطر:** به ارتباط صدقه فطر اشیای که در موردش نص وارد شده چهار چیز است:

۱- گندم      ۲- جو      ۳- خرما      ۴- کشمش.

صدقه فطر از یک نفر، نیم صاع گندم و یا آرد، و یا یک صاع جو و یا خرما و یا کشمش می‌باشد. یک صاع (۳) کیلو و (۶۰۰) گرم است.

و اگر کسی از غله جات دیگر صدقه فطر بدهد نیز جواز دارد، لیکن لازم است که قیمت آن مساوی به قیمت نیم صاع گندم و یا یک صاع جو باشد.

همچنان اگر صدقه فطر را به عوض اجناس ذکر شده پول نقد طور عادلانه بدهد جواز دارد بلکه بهتر می‌باشد، زیرا در پرداخت پول برای فقرا فایده بیشتر می‌رسد.

**موارد مصرف صدقه فطر:** به کسانی که زکات فرضی داده می‌شود، صدقه فطر نیز به ایشان داده می‌شود، و ایشان کسانی اند که ذکر آنها در قرآن کریم صراحتاً آمده است.

## فعالیت

شاگردان به کمک استاد محترم در مورد اهمیت اجتماعی صدقه فطر باهم مباحثه نمایند.

## ارزیابی

- ۱- صدقه فطر را تعریف کنید.
- ۲- حکم صدقه فطر چیست؟
- ۳- صدقه فطر بر کدام شخص واجب است؟
- ۴- کدام چیزها در حوایج اصلی شامل هستند؟
- ۵- صدقه فطر از طرف کدام اشخاص داده می‌شود؟
- ۶- مقدار صدقه فطر را بیان کنید.

## کارخانه گی

آیت مبارکه که موارد مصرف زکات را تعیین نموده در کتابچه‌های خود بنویسید.

## روزه

روزه مانند نماز یک عبادت بدنی و یکی از ارکان اسلام است، که به اساس حکمت‌های بزرگ به خاطر پیشه نمودن صبر و تقویه عزم و اراده در مقابل شهوات در سال دوم هجرت فرض گردید.

### کِتَابُ الصَّوْمِ:

(۱) الصَّوْمُ ضَرْبَانِ: وَاجِبٌ وَنَفْلٌ، فَالْوَاجِبُ ضَرْبَانِ مِنْهُ مَا يَتَعَلَّقُ بِرَمَانٍ بِعَيْنِهِ كَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَالنَّذْرُ الْمُعَيَّنُ، فَيَجُوزُ صَوْمُهُ بِنِيَّةٍ مِنَ اللَّيْلِ، فَإِنْ لَمْ يَنْوِ حَتَّى أَصْبَحَ، أَجْرَأَتْهُ النِّيَّةُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الزَّوَالِ.

(۲) وَالضَّرْبُ الثَّانِي: مَا يَثْبُتُ فِي الذِّمَّةِ، كَقَضَاءِ رَمَضَانَ، وَالنَّذْرِ الْمُطْلَقِ، وَالْكَفَّارَاتِ، فَلَا يَجُوزُ إِلَّا بِنِيَّةٍ مِنَ اللَّيْلِ. وَالنَّفْلُ كُلُّهُ يَجُوزُ بِنِيَّةٍ قَبْلَ الزَّوَالِ.

(۳) وَيَنْبَغِي لِلنَّاسِ أَنْ يَلْتَمِسُوا الْهِلَالَ فِي الْيَوْمِ التَّاسِعِ وَالْعَشْرِينَ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنْ رَأَوْهُ صَامُوا، وَإِنْ غَمَّ عَلَيْهِمْ أَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، ثُمَّ صَامُوا.

(۴) وَمَنْ رَأَى هِلَالَ رَمَضَانَ وَحْدَهُ، صَامَ. وَإِنْ لَمْ يَقْبَلِ الْإِمَامُ شَهَادَتَهُ، وَإِذَا كَانَ بِالسَّمَاءِ عِلَّةٌ قَبْلَ الْإِمَامِ شَهَادَةُ الْوَاحِدِ الْعَدْلِ فِي رُؤْيَا الْهِلَالِ، رَجُلًا أَوْ امْرَأَةً، حُرًّا أَوْ عَبْدًا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِالسَّمَاءِ عِلَّةٌ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَتُهُ حَتَّى يَرَاهُ جَمْعٌ كَثِيرٌ يَقَعُ الْعِلْمُ بِخَبَرِهِمْ.

(۵) وَوَقْتُ الصَّوْمِ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ الثَّانِي إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ.

(۶) وَالصَّوْمُ هُوَ الْإِمْسَاكُ عَنِ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالْجِمَاعِ نَهَارًا مَعَ النِّيَّةِ.

## ترجمه

### کتاب در بیان روزه

(۱) روزه به دو قسم است: واجب و نفل، و واجب نیز به دو نوع است: اول: واجبی که به یک زمان خاص ارتباط دارد مانند روزه رمضان و روزه نذر معین، نیت کردن برای همچو روزه از شب جواز دارد، و اگر تا هنگام طلوع صبح نیت نکرد می تواند از همین وقت تا هنگام زوال نیت کند.

(۲) نوع دوم از روزه واجب آنست که بر ذمه انسان ثابت می شود، مانند قضای ماه رمضان، نذر مطلق و روزه کفارات، پس گرفتن این نوع روزه وقتی صحیح می شود که از شب نیت کرده باشد، اما روزه های نفلی به طور عام اگر تا قبل از زوال نیت کند صحیح می گردد.

(۳) بکار است مردم در روز ۲۹ شعبان و شب سیم به خاطر دیدن ماه تلاش کنند، اگر ماه را دیدند روزه بگیرند و اگر دیده نتوانستند، شعبان را سی روز پوره کنند بعد روزه بگیرند.

(۴) و کسی که هلال ماه رمضان را به تنهایی ببیند باید روزه بگیرد هر چند که قاضی شهادت وی را قبول نکند، و اگر آسمان ابری بود، امام شهادت یک شخص را در باره دیدن ماه قبول کند مشروط بر اینکه شخص مذکور عادل باشد، برابر است که مرد باشد یا زن، آزاد باشد یا

غلام، و اگر آسمان ابری نبود شهادت یک نفر پذیرفته نمی شود بلکه شهادت گروهی را قبول نماید که به خبر آنان علم حاصل می شود.

(۵) و وقت روزه از طلوع صبح دوم (صبح صادق) تا غروب آفتاب است.

(۶) و روزه عبارت از امتناع ورزیدن از خوردن، نوشیدن و جماع در طول روز با داشتن نیت است.

## شرح

### تعریف صوم (روزه)

صوم در لغت: امتناع ورزیدن از کاری و یا سخنی است.



صوم در اصطلاح: امتناع از خوردن، نوشیدن، جماع (همبستری بین زن و مرد) با داشتن نیت از طلوع صبح دوم تا غروب آفتاب است.

## حکم روزه

روزه داشتن در رمضان فرض است، و فرضیت آن به کتاب الله، سنت رسول الله و اجماع ثابت گردیده است.

## شروط فرضیت روزه رمضان

اداء و قضاء روزه بر کسی فرض است که شروط ذیل در او تحقق یابد:

۱- بالغ باشد، بر طفل نابالغ روزه فرض نیست.

۲- مسلمان باشد، بر کافر فرض نیست.

۳- صاحب عقل باشد، بر دیوانه فرض نیست.

بر زنان در حالت حیض و نفاس روزه فرض نمی‌باشد بلکه روزه داشتن آنها در آن حالت ناجایز است و قضایی آن بیاورد.

## وقت نیت روزه

بدون داشتن نیت، روزه صحیح نمی‌شود، و محل نیت قلب است.

وقت نیت در روزه رمضان، روزه نذر معین و روزه‌های نفلی از هنگام طلوع آفتاب تا اندکی قبل از زوال آفتاب است.

وقت نیت روزه قضایی، نذر مطلق و روزه کفاره: تمام اجزاء شب است، و نیت بعد از طلوع صبح دوم، صحیح نمی‌شود.

## اقسام روزه

روزه به شش قسم است:

۱. فرض. ۲. واجب. ۳. مسنون. ۴. مندوب. ۵. مکروه. ۶. حرام.

**روزه فرض:** روزه ماه مبارک رمضان است.

**روزه واجب:** به سه قسم است:

**الف:** قضاء آوردن روزه که بعد از شروع نمودن آن را فاسد نموده باشد.

**ب:** روزه نذر: نذر آنرا گویند که بنده مسلمان بخاطر قربت بالای خود روزه را لازم گرداند.

ج: گرفتن روزه كفاره<sup>۱</sup>.

۳- **روزه مسنون**: روزه نهم یا یازدهم محرم با روزه عاشورا (دهم محرم).

۴- **روزه مستحب**: عبارت از صورت‌های ذیل است:

- سه روز از هر ماه روزه گرفتن (هر روزی که باشد).

- روزه ایام البیض: روزهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ هر ماه.

- روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه در هر هفته.

- شش روز ماه شوال

- روزه روز عرفه، برای کسی که به حج نرفته است.

روزه داود علیه السلام، یعنی یک روز، روزه بگیرد و یک روز بخورد، و این بهترین انواع روزه نزد الله تعالی است.

۵- **روزه مکروه**: روز شنبه را به تنهایی روزه گرفتن.

۶- **روزه حرام**: روزه ایام عید فطر و عید قربان. روزه بقیه ایام تشریق ۱۱، ۱۲، ۱۳ ذو الحجه.

## رؤیت هلال

دیدن ماه رمضان به دو طریقه ثابت می‌شود:

به دیدن ماه.

اگر ماه دیده نشود ماه شعبان سی روز پوره کرده می‌شود.

حلول ماه مبارک رمضان به شهادت یک مرد و یا یک زن ثابت می‌شود، اما حلول هلال عید

به شهادت دو مرد و یا یک مرد و دو زن ثابت می‌گردد، به شرط آنکه در آسمان ابر، غبار

و دود باشد، و اگر در آسمان علتی مثل ابر و غیره نباشد، در این صورت برای ثبوت عید،

شهادت شمار زیادی از مردم ضروری است.

---

۱- روزه كفاره در صورت‌های ذیل واجب می‌گردد:

- در ماه رمضان قصداً روزه خود را بشکناند (افطار نماید)

- روزه كفاره روزه شکستن، در حالت احرام یکی از ممنوعات احرام را مرتکب شود

- قتل خطا یا آن که در حکم آن است مرتکب شود.



اما روئیت هلال ماه‌های دیگر غیر از رمضان و عید، به شهادت دو شاهد مرد که عادل باشند و یا یک مرد و دو زن ثابت می‌شود، مشروط بر اینکه حد قذف بالای ایشان جاری نشده باشد.

اگر روئیت هلال در یک گوشه از وطن به ثبوت رسد، بر تمام کسانی که به آنجا نزدیک اند و مطلع شان یکی است، گرفتن روزه لازم می‌گردد، مشروط بر اینکه خبر ثبوت روزه به گونه صحیح به ایشان رسیده باشد.

و اگر کسی به تنهایی ماه رمضان را ببیند و امام شهادت وی را قبول نکند، گرفتن روزه بر وی لازم است، و اینچنین کسی که هلال عید را به تنهایی ببیند و کسی دیگری شهادت او را قبول نکند، گرفتن روزه بر او لازم است، و افطار برایش جواز ندارد.

### حکم روزه یوم الشک

یوم الشک روز بعد از ۲۹ شعبان است، روزی که در آسمان به سبب وجود علت طلوع ماه به چشم نخورد.

در این روز، روزه گرفتن به نیت فرض و یا با نیت تردد در بین فرض و نفل مکروه است، اما اگر به نیت نفل روزه بگیرد و به نفل بودن روزه خود یقین داشته باشد، کراهیت ندارد. و اگر کسی در روز یوم الشک نیت روزه نفلی کند بعد معلوم گردد که این روز، روز اول رمضان است، قضا بر وی لازم نیست، و این روز به عوض فرض حساب می‌شود.

## فعالیت

شاگردان در بین خود در باره انواع و شروط روزه با هم گفتگو نمایند.

## ارزیابی



- ۱- روزه را تعریف کنید.
- ۲- شروط فرضیت روزه کدامها اند؟
- ۳- اقسام روزه را بیان کنید.
- ۴- رؤیت هلال (دیدن ماه) چگونه ثابت می شود؟
- ۵- حکم روزه يوم الشك چیست؟

## کارخانه گی



در باره حکمت های فرضیت روزه مقاله یی بنویسید.

## روزه (۲)

### چیزهای شکننده و غیر شکننده روزه و کفاره روزه

(۱) فَإِنْ أَكَلَ الصَّائِمُ أَوْ شَرِبَ أَوْ جَامَعَ نَاسِيًا لَمْ يُفْطِرْ، وَإِنْ نَامَ فَاحْتَلَمَ، أَوْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَأَنْزَلَ، أَوْ إِدْهَنَ أَوْ احْتَجَمَ أَوْ اكْتَحَلَ أَوْ قَبَّلَ، لَمْ يُفْطِرْ، فَإِنْ أَنْزَلَ بِقُبْلَةٍ، أَوْ لَمَسَ، فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ.

(۲) وَلَا بَأْسَ بِالْقُبْلَةِ إِذَا أَمِنَ عَلَى نَفْسِهِ، وَيُكْرَهُ إِنْ لَمْ يَأْمَنْ.

(۳) وَإِنْ ذَرَعَهُ الْقَيُّ لَمْ يُفْطِرْ، وَإِنْ اسْتَفَلَ عَامِدًا مَلَأَ فِيهِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَمَنْ ابْتَلَعَ الْحَصَاةَ أَوْ الْحَدِيدَ أَفْطَرَ.

(۴) وَمَنْ جَامَعَ عَامِدًا فِي أَحَدِ السَّبِيلَيْنِ، أَوْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ مَا يُتَغَذَى بِهِ، أَوْ يُتَدَاوَى بِهِ، فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَالْكَفَّارَةُ؛ وَالْكَفَّارَةُ مِثْلُ كَفَّارَةِ الظَّهَارِ.

(۵) وَمَنْ جَامَعَ فِيمَا دُونَ الْفَرْجِ فَأَنْزَلَ، فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ، وَلَيْسَ فِي إِفْسَادِ صَوْمٍ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ كَفَّارَةٌ.

#### ترجمه

(۱) اگر روزه دار از روی فراموشی بخورد، و یا بنوشد و یا جماع کند روزه اش نمی شکند، و اگر بخوابد و احتلام شود، یا به سوی زنی بیند و انزال گردد، و یا سر خود را به روغن چرب کند و یا حجامت (خون کشی) نماید، و یا چشم خود را سرمه نماید، و یا زنی را بوسه کند، روزه اش نمی شکند، و اگر به سبب بوسه کردن و یا لمس کردن انزال گردد (روزه اش فاسد می شود) بالایش قضاء است ولی کفاره بر وی لازم نمی گردد.

(۲) و اگر از خانم خود بوسه گیرد و بر خود مطمئن باشد باکی ندارد، و اگر بر خود مطمئن نبود بوسه کردنش مکروه است.

(۳) و اگر بدون اختیار استغراغ کند روزه اش نمی شکند، اما اگر قصداً به پُری دهن استغراغ

نماید روزه اش می‌شکند بالایش قضاء است، همچنان کسی که سنگریزه و یا آهنی را ببلعد روزه اش می‌شکند و قضا بر وی لازم است.

(۴) و کسی که در یکی از دو راه (پیش و یا پس) جماع کند، یا چیزی را بخورد و بنوشد که از آن به بدن فایده رسد، یا به سبب آن تداوی حاصل شود، قضا و کفاره هردو بر وی لازم است، و کفاره روزه مثل کفارهظهار است.

(۵) کسی که در ماسوای فرج جماع کند و انزال شود قضا بر وی لازم است، نه کفاره. در فاسد کردن روزه که غیر از ماه رمضان باشد کفاره واجب نمی‌باشد.

### شرح

#### چیزهایی که روزه را فاسد نمی‌کند

در صورت‌های ذیل روزه فاسد نمی‌شود:

- ۱- خوردن و نوشیدن در حالت فراموشی.
- ۲- جماع در حالت فراموشی.
- ۳- چرب کردن موی با روغن.
- ۴- سرمه کشیدن، اگرچه طعم و مزه سرمه به حلق برسد.
- ۵- حجامت (خون کشی) کردن.
- ۶- غیبت کردن.
- ۷- قصد خوردن روزه کند و نخورد.
- ۸- داخل شدن گرد و غبار ولو گرد اسباب باشد.
- ۹- داخل شدن غیر اختیاری دود در حلق.
- ۱۰- داخل شدن مگس در حلق.
- ۱۱- شخص جنب شود، اگرچه تمام روز را به حالت جنابت سپری کند روزه اش نمی‌شکند، لیکن این عمل مکروه تحریمی می‌باشد، زیرا نمازهای فرضی از وی فوت می‌گردد.
- ۱۲- در آب غوطه بزند و آب در گوشش داخل گردد.
- ۱۳- بلعیدن چیزی موجود در بینی را به قصد.
- ۱۴- باز گرداندن قی بدون اختیار، کم باشد یا زیاد.
- ۱۵- به قصد استفراغ کند، و کمتر از پُری دهن باشد، و بدون عمل وی برگردد. برگردیدن

قی که به قصد بوده و کمتر از پری دهن باشد و بدون اختیار برگردد.

۱۶- خوردن ریزه‌های بین دندان‌ها که از اندازه نخود کمتر باشد.

### **صورت‌هایی که قضا و کفاره هر دو در آن واجب می‌گردد:**

در صورت‌های ذیل روزه می‌شکند و کفاره نیز واجب می‌گردد:

- ۱- خوردن چیزی را که طبیعتش به آن میلان داشته و اشتهايش بدان پوره گردد.
- ۲- خوردن دوا بدون هیچ عذر شرعی.
- ۳- نوشیدن آب و یا مشروب دیگری.
- ۴- جماع نمودن.
- ۵- بلعیدن قطره از باران که در دهنش بریزد.
- ۶- خوردن دانه‌های گندم، و مانند آن برابر است که آن را سالم بخورد و یا جویده ببلعد.
- ۷- خوردن نمک هر چند که کم باشد.
- ۸- خوردن خاک در صورتی که، به خوردن آن معتاد باشد، اگر معتاد نبود کفاره لازم نمی‌شود.
- ۹- خوردن دانه کنجد و یا چیزی دیگری که در دهنش وجود داشته باشد<sup>۱</sup>.

### **شروط وجوب کفاره**

کفاره وقتی واجب می‌گردد که شروط ذیل تحقق یابد:

- ۱- خوردن و نوشیدن در ماه رمضان صورت گیرد، در غیر ماه رمضان کفاره نمی‌باشد.
- ۲- خوردن و نوشیدن از روی قصد باشد، اگر به فراموشی باشد کفاره واجب نمی‌گردد.
- ۳- در خوردن و نوشیدن مرتکب خطا نشده باشد؛ مانند اینکه در وقت وضوء مضمضه می‌کند و آب از گلویش تیر شود. و اگر از روی خطا باشد کفاره واجب نمی‌شود، همچنان اگر گمان کند که هنوز از شب چیزی باقی است و بخورد و یا گمان کند که آفتاب غروب نموده و افطار نماید.
- ۴- به خوردن و نوشیدن ضرورت زیاد نباشد، اما در حالت اضطرار (احتیاج شدید) کفاره نمی‌باشد.

۱ - مراقی الفلاح (۲۴/۸)، فتح القدیر (۳۳۳/۴)، رد المختار (۴۶۷/۷)، تبیین الحقائق (۸/۴)، البحر الرائق (۱۹۵/۶).



۵- به خوردن و نوشیدن مجبور ساخته نشده باشد، و اگر کسی او را به جبر و اکراه کامل به خوردن و نوشیدن و ادارد کفاره واجب نمی شود.

### بیان کفاره

کفاره که روی آن بحث نمودیم بگونه ذیل است :

۱- آزاد ساختن یک غلام، مسلمان باشد یا کافر.

۲- دوماه متواتر روزه گرفتن مشروط بر اینکه در بین آن روزهای عیدین و ایام تشریق نباشد.

۳- شصت مسکین را غذای متوسط دادن.

### ترتیب اداء کفاره

در ادای کفاره واجب است که غلامی را آزاد کند، اگر غلام پیدا نکند دوماه پی در پی روزه گیرد، و اگر توان گرفتن روزه را نداشت شصت مسکین را طعام بدهد، و هر مسکین را به اندازه طعام بدهد که دو وقت به سیری بخورد، و اگر مسکین ها به عوض طعام پخته خواهش دانه و غله را داشته باشند باید به هر مسکینی نیم پیمانه یک کیلو و ۸۰۰ گرام (تقریباً یک چارک) گندم یا آرد، و یا قیمت آن را و یا یک پیمانه (تقریباً دو چارک) جو یا خرما و یا قیمت آن را بدهد.

## فعالیت

شاگردان در مورد احکام کفاره با هم گفتگو نمایند.

## ارزیابی



۱- اشیای ده گانه را که سبب فاسد شدن روزه نمی شود بیان کنید.

۲- صورت های که علاوه بر قضا کفاره را نیز واجب می گرداند مشخص سازید.

۳- شروط وجوب کفاره را بیان کنید.

۴- کفاره به کدام ترتیب داده می شود؟

## کارخانه گی



برخی از اموری را که باعث فاسد شدن روزه نمی شود در کتابچه های خود بنویسید.

## روزه (۳) (شکننده‌های روزه، مکروهات و مستحبات آن)

در درس گذشته همراه با روزه قضای و جوب کفاره و شرایط آنرا شناختیم در این درس می‌خواهیم شکننده‌ها، مکروهات و چیزهایی که روزه را مکروه نمی‌کند بدانیم:

(۱) وَمَنْ أَحْتَقَنَ، أَوْ اسْتَعَطَ، أَوْ أَقْطَرَ فِي أُذُنَيْهِ أَفْطَرَ أَوْ دَاوَى جَائِفَةً<sup>۱</sup>، أَوْ آمَةً بِدَوَاءٍ فَوَصَلَ الدَّوَاءَ إِلَى جَوْفِهِ، أَوْ دِمَاعِهِ، أَفْطَرَ، وَإِنْ أَقْطَرَ فِي إِحْلِيلِهِ، لَمْ يُفْطَرْ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَ مُحَمَّدٍ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ يُفْطَرُ.

(۲) وَمَنْ ذَاقَ شَيْئًا فِيهِ لَمْ يُفْطَرْ، وَيُكْرَهُ لَهُ ذَلِكَ، وَيُكْرَهُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَمَضَّعَ لِصَبِيَّهَا الطَّعَامَ، إِذَا كَانَ لَهَا مِنْهُ بُدٌّ، وَمَضَّعَ الْعِلَكِ لَا يُفْطَرُ الصَّائِمُ وَيُكْرَهُ.

(۳) وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَخَافَ أَنْ صَامَ أَزْدَادَ مَرَضُهُ أَفْطَرَ وَقَضَى، وَإِنْ كَانَ مُسَافِرًا لَا يَسْتَضِيرُ بِالصَّوْمِ، فَصَوْمُهُ أَفْضَلُ؛ فَإِنْ أَفْطَرَ وَقَضَى جَازَ.

(۴) وَإِنْ مَاتَ الْمَرِيضُ أَوْ الْمُسَافِرُ، وَهُمَا عَلَى حَالِهِمَا، لَمْ يَلْزَمَهُمَا الْقَضَاءُ، وَإِنْ صَحَّ الْمَرِيضُ، أَوْ أَقَامَ الْمُسَافِرُ، ثُمَّ مَاتَا، لَزِمَهُمَا الْقَضَاءُ بِقَدْرِ الصَّحَّةِ وَالْإِقَامَةِ.

(۵) وَقَضَاءُ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنْ شَلَّ فَرَقَهُ وَإِنْ شَلَّ تَابَعَهُ، فَإِنْ أَخَّرَهُ حَتَّى دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ آخَرَ، صَامَ رَمَضَانَ الثَّانِي، وَقَضَى الْأَوَّلَ بَعْدَهُ، وَلَا فِدْيَةَ عَلَيْهِ.

### ترجمه

(۱) کسی که حقنه کند (در مجرای مواد غایط خود دوا اندازد) یا سعوپ نماید (در بینی خود دوا داخل کند) یا در گوش‌های خود قطره اندازد، یا در زخم شکم و سر خود دوا استعمال کند و آن دوا به شکم یا دماغش برسد، روزه اش می‌شکند، و اگر در آله تناسلی خود قطره

۱ - الجائفة: زخمی که به خالیگاه بدن مانند شکم و سینه برسد. الامة: زخمی که به دماغ برسد (۳ / ۳۰۴)

اندازد در نزد امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله روزه اش نمی شکند، و امام ابو یوسف رحمه الله گفته است: روزه اش می شکند.

(۲) و کسی که چیزی را بچشد روزه اش نمی شکند، لیکن این کارش مکروه است، و برای زن طفل دار مکروه است که طعام را برای طفلش بجود اگر بدون آن چاره وجود داشته باشد، و جویدن ساجق (که چیزی از آن به لعاب دهن به شکم نرود) روزه را فاسد نمی کند لیکن مکروه است.

(۳) و کسی که در رمضان مریض باشد و در صورت گرفتن روزه بترسد که مرضش زیاد شود، افطار کند و قضاء آن را بیاورد، و اگر مسافر باشد و گرفتن روزه به وی ضرر نرساند، گرفتن آن بهتر است، و اگر افطار کند و قضا ارد جایز است.

(۴) و اگر مریض در حالت مریضی و مسافر در حالت سفر وفات نمایند قضا بر ایشان لازم نمی باشد، اما اگر مریض صحتیاب و مسافر مقیم شد پس از آن وفات نمود به اندازه مدت اقامت و صحت قضا بر ایشان لازم است.

(۵) قضاء ماه رمضان را اگر خواهد به صورت متفرق (پراکنده) بیاورد و یا به صورت پی در پی آن قضا آورد، و اگر قضاء رمضان را تا وقتی به تعویق اندازد که رمضان دیگر داخل شود، باید روزه رمضان دوم را بگیرد و قضاء روزه رمضان اول را پس از آن بگیرد، و کسی که بدون عذر آن را به تعویق اندازد فدیة بالایش نیست<sup>۱</sup>.

## شرح

### اشیای که روزه را می شکند و کفاره در آن نیست

در صورت های ذیل روزه می شکند، و تنها قضاء بدون کفاره واجب است.

۱ به سبب کدام عذر شرعی از قبیل سفر، مرض، حمل (بارداری) و رضاع (شیردهی) روزه خود را بخورد.

۲ سنگریزه، ریگ، آهن، طلا و نقره و امثال آن را ببلعد.

۳ چیزی را بخورد که عادتاً خورده نمی شود، و خواهش نفس بدان پوره نمی گردد، مثلاً به سبب کدام عذر شرعی دوا، پنبه، کاغذ و خاک<sup>۲</sup> را بخورد.

۱ - در مذهب امام شافعی رحمه الله با تاخیر کردن قضای روزه رمضان، از هر روز نیم پیمانه گندم فدیة لازم است.  
۲ - خاک را بگونه بخورد که به خوردن آن عادت نداشته باشد، اگر عادت داشت کفاره نیز واجب می گردد.



- ۴ در غیر ماه رمضان، روزه خود را بشکنند.
- ۵ حقنه کند، (در مقعد خود دوا استعمال کند).
- ۶ در بینی خود دوا اندازد.
- ۷ در گوش خود روغن یا آب بریزد.
- ۸ بر زخمی که بر سر و یا شکمش باشد دوا استعمال کند و دوا به دماغ و شکمش برسد.
- ۹ در حلقش قطره باران یا برف -اگرچه به گونه غیر قصدی باشد- داخل شود.
- ۱۰ قصداً استفراغ کند به پیمانه که دهنش پُر گردد.
- ۱۱ به گمان اینکه هنوز شب است و یا آفتاب غروب نموده، چیزی را اشتباهاً بخورد و یا بنوشد.
- ۱۲ در حالت اضطرار و ضرورت چیزی بخورد و یا بنوشد.
- ۱۳ به خوردن و یا نوشیدن مجبور کرده شود.

### **کارها که برای روزه دار مکروه است**

- برای روزه دار افعال ذیل مکروه است، و بر وی لازم است تا از آن خود را نگه دارد.
- ۱- بدون ضرورت چیزی را چشیدن و مزه آنرا دیدن.
  - ۲- جمع کردن لعاب در دهن و بلعیدن آن.
  - ۳- هر عملی که سبب ضعف انسان گردد مانند، حجامت (خونکشی) و غیره.

### **افعالی که برای روزه دار مکروه نمی باشد**

- ۱- چرب کردن ریش و بروت.
- ۲- استعمال سرمه.
- ۳- غسل کردن از جهت دفع گرمی.
- ۴- پیچانیدن لباس تر بر بدن بخاطر دفع گرمی.
- ۵- گرفتن آب در دهن و بینی بدون آنکه وضو کند.
- ۶- در آخر روز مسواک زدن، بلکه در آخر روز مسواک زدن سنت است، مثلی که در اول روز سنت است.

## امور که برای روزه دار مستحب است:

- ۱- سحری خوردن.
- ۲- تاخیر نمودن سحور، لیکن لازم است که چند دقیقه پیش از صبحدم از خوردن و نوش خود را فارغ کند تا آنکه روزه اش اشتباهی نشود.
- ۳- عجله نمودن در افطار زمانی که غروب یقینی شود.
- ۴- قبل از صبحدم از جنابت غسل کردن تا عبادت وی در پاکی انجام یابد.
- ۵- در دوران روزه زبان خود را از دروغ، غیبت، سخن چینی و دشنام دادن مردم نگهدارد.
- ۶- فرصت روزه را غنیمت شمارد و خود را به تلاوت قرآن کریم و خواندن اذکار مسنون مشغول نگهدارد.
- ۷- خود را از قهر، خشم و شهوت‌ها هر چند که حلال باشد نگهدارد.

## فعالیت

شاگردان بین خود در مورد اشیای مکروه و غیر مکروه روزه بحث کنند.

## ارزیابی

- ۱- شکننده‌های روزه کدام‌ها اند؟
- ۲- اشیای مکروهه و غیر مکروهه روزه کدام‌ها اند؟
- ۳- مستحبات روزه را بیان کنید.

## کارخانه گی

اشیای که برای روزه دار مکروه است آن را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## روزه (٤) اعذاری که افطار روزه را جایز می‌گرداند

(١) وَالْحَامِلُ وَالْمُرْضِعُ إِنْ خَافَا عَلَى وَلَدَيْهِمَا، أَفْطَرَا وَقَضَا وَلَا فِدْيَةُ عَلَيْهِمَا. وَالشَّيْخُ الْفَانِي الَّذِي لَا يَقْدِرُ عَلَى الصَّوْمِ، يُفْطِرُ وَيُطْعِمُ لِكُلِّ يَوْمٍ مَسْكِينًا كَمَا يُطْعِمُ فِي الْكَفَّارَاتِ.

(٢) وَمَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ قَضَاءُ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِنْ أَوْصَى بِهِ أَطْعَمَ عَنْهُ وَلِيُّهُ لِكُلِّ يَوْمٍ نِصْفَ صَاعٍ مِنْ بُرٍّ، أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ.

(٣) وَمَنْ دَخَلَ فِي صَوْمِ التَّطَوُّعِ، أَوْ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ، ثُمَّ أَفْسَدَهُمَا، قَضَاهُمَا.

(٤) وَإِذَا بَلَغَ الصَّبِيُّ، أَوْ أَسْلَمَ الْكَافِرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، أَمْسَكَ بِقِيَّتِهِ يَوْمَهُمَا، وَصَامَا مَا بَعْدَهُ، وَلَمْ يَقْضِيَا مَا مَضَى، وَمَنْ أُغْمِيَ عَلَيْهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يَقْضِ الْيَوْمَ الَّذِي حَدَثَ فِيهِ الْإِغْمَاءُ، وَقَضَى مَا بَعْدَهُ.

(٥) وَإِذَا أَفَاقَ الْجُنُونُ فِي بَعْضِ شَهْرِ رَمَضَانَ، قَضَى مَا مَضَى مِنْهُ، وَإِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ أَفْطَرَتْ وَقَضَتْ، وَإِذَا قَلِمَ الْمَسَافِرُ، أَوْ طَهَّرَتْ الْحَائِضُ فِي بَعْضِ النَّهَارِ، أَمْسَكَ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِقِيَّتِهِ يَوْمَهُمَا.

(٦) وَمَنْ تَسَحَّرَ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّ الْفَجَرَ لَمْ يَطْلُعْ، أَوْ أَفْطَرَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ الشَّمْسَ قَدْ غَرَبَتْ، ثُمَّ تَبَيَّنَ أَنَّ الْفَجَرَ كَانَ قَدْ طَلَعَ، أَوْ أَنَّ الشَّمْسَ لَمْ تَغْرُبْ قَضَى ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ.

(٧) وَمَنْ رَأَى هِلَالَ الْفِطْرِ وَحْدَهُ لَمْ يُفْطِرْ، وَإِنْ كَانَ بِالسَّمَاءِ عَلَّةٌ لَمْ يُقْبَلْ فِي هِلَالِ الْفِطْرِ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ، أَوْ رَجُلٍ وَامْرَأَتَيْنِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِالسَّمَاءِ عَلَّةٌ، لَمْ يُقْبَلْ إِلَّا شَهَادَةُ جَمْعٍ كَثِيرٍ يَقَعُ الْعِلْمُ بِخَبَرِهِمْ.



## ترجمه

(۱) اگر زنان باردار و شیرده در صورت عدم افطار بیم هلاکت اطفال خود را داشته باشند، افطار کنند و قضاء آن را بیاورند، و فدیة بر ایشان لازم نیست، و شیخ فانی (کسی که توان گرفتن روزه را ندارد) نیز افطار کند و از هر روز رمضان یک مسکین را طعام بدهد چنانکه در کفارات داده می‌شود.

(۲) و کسی که در حالی بمیرد که بر ذمه اش قضایی روزه ماه رمضان باشد، اگر به اداء آن وصیت کرده باشد، ولی (وارث) وی از هر روز نیم پیمانه گندم یا یک پیمانه از خرما و یا جو برای یک مسکین بدهد.

(۳) و کسی که به روزه نفلی یا نماز نفلی شروع کرد و آن را فاسد نمود قضاء آن را بیاورد. (۴) و اگر طفلی در ماه رمضان بالغ گردید و یا کافری مسلمان شد، در باقی آن روز امساک کند (چیزی نخورد)، بعد از آن روزه بگیرد و قضاء گذشته بر وی لازم نیست. و کسی که در یکی از روزهای رمضان بیهوش شود، قضاء روزی را که در آن بیهوش گردیده است نمی‌آرد و روزهای دیگر را قضا می‌آورد.

(۵) اگر شخص دیوانه در بعضی از روزهای رمضان صحتیاب گردید، باید قضاء ایام گذشته را بیارد، و اگر به زنی در ماه رمضان حالت حیض (و نفاس) پیش شد باید روزه خود را افطار کند، و زمانی که از آن پاک گردید قضاء بیاورد، و اگر مسافری در بعضی از حصه‌های روز مقیم گردید و یا زن حیض از حیض پاک شد نباید که در باقی آن روز چیزی بخورند و یا بنوشند.

(۶) و کسی که سحری کند و گمان نماید که هنوز صبح طلوع نکرده، یا روزه خود را افطار نمود و گمان داشت که آفتاب غروب نموده است، بعد معلوم شد که صبح طلوع نموده و یا آفتاب غروب نکرده، قضاء این روز را بیارد و کفاره لازم نیست.

(۷) و کسی که هلال ماه عید فطر را به تنهایی بدید افطار نکند، و اگر آسمان ابری بود امام شهادت رؤیت هلال را زمانی قبول کند که دو مرد یا یک مرد و دو زن گواهی بدهند، و اگر آسمان ابری نبود (صاف بود) در این صورت شهادت گروهی را قبول می‌کند که به اخبار و اطلاع آنان علم (گمان غالب) حاصل شود.



## شرح:

### اعذاری که به سبب آن افطار جایز است

اسلام دین انسانی است، و انسان را به اموری مکلف نمی‌سازد که از توانش بیرون باشد، بناء در حالاتیکه گرفتن روزه به انسان زیان و تکلیف رساند، الله تعالی به او اجازه داده تا در وقت عذر روزه نگیرد و بعد قضاء آن را بیاورد.

### در موارد ذیل خوردن روزه جایز است:

۱. برای مریض، در صورتی که گرفتن روزه برایش ضرر رساند و یا به مرضش بیفزاید.
۲. برای مسافر، سفری که در آن نمازها قصر ادا می‌گردد.
۳. گرسنگی و تشنگی شدیدی که به گمان غالب اگر روزه بگیرد امکان دارد هلاک شود.
۴. برای زن باردار، اگر روزه بگیرد به وی یا به طفلش زیان برسد.
۵. برای زن شیرده، اگر روزه بگیرد به خودش یا طفلش ضرر برسد.
۶. برای زن حیض و نفاسه، بلکه خوردن روزه در حق ایشان واجب است، زیرا روزه ایشان در چنین حالتی درست نمی‌شود.
۷. برای شیخ فانی (پیر سالخورده) که قدرت و توان گرفتن روزه را ندارد، و بخاطر بلند بودن عمرش قضاء نیز بر وی لازم نبوده بلکه فدیّه واجب است.
۸. کسی که روزه نفلی گرفته باشد، خوردن آن بدون عذر برایش جواز دارد لیکن قضاء آوردن آن بر وی واجب است.
۹. مجاهدی که علیه دشمن در حال جنگ است.

### مسایل مربوط

۱. اگر کسی در حالی بمیرد که قضاء رمضان بر ذمه اش لازم باشد، باید وصیت کند و ولی (وارث) وی در برابر هر روز نیم پیمانه از گندم و یا یک پیمانه از خرما و یا جو به مسکینی بدهد.
۲. کسی که بعد از شروع نمودن در نماز و یا روزه نفلی آن را فاسد کند باید قضاء آن را بیاورد.
۳. کسی را که در ماه رمضان حالت بیهوشی پیش آید، قضاء آن روز را نیارد بلکه قضاء روزهای بعدی را بیاورد که در آن بیهوشی او دوام یافته است.

۴. اگر مسافری در کدام حصه از روز رمضان مقیم گردد، یا زن حیض از حیض پاک شود، باید در حصه باقیمانده روز چیزی نخورد و آن روزه را قضا بیاورد.
۵. کسی که ماه عید را به تنهایی بیند روزه خود را نخورد.
- ۶- اگر کسی بالای خود روزه گرفتن را نذر گرداند پوره کردن نذر بالایش واجب است. نذر: این است که مسلمانان به منظور تقرب و نزدیکی به الله تعالی یک عمل نیک را بر خود لازم گردانند.

## فعالیت

شاگردان با همکاری استاد حکمت جواز خوردن روزه به سبب عذر را در اسلام روشن سازند.

## ارزیابی

- ۱- کدام عذرها اند که سبب جواز خوردن روزه می گردد؟
- ۲- نذر چیست؟
- ۳- آیا وفا به نذر واجب است؟
- ۴- مسایل مربوط به این درس را توضیح دهید.

## کارخانه گی

راجع به «نذر» مقاله یی بنویسید.

## اعتکاف

بعد از آنکه روزه و احکام آن را شناختیم، حالا می‌خواهیم اعتکاف را بشناسیم، عبادتی که در شرایع قبلی نیز مشروع بود و ثواب زیادی دارد<sup>۱</sup>.

### بَابُ الْإِعْتِكَافِ:

- (۱) الْإِعْتِكَافُ مُسْتَحَبٌّ وَهُوَ اللَّبْثُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الصَّوْمِ وَنِيَّةِ الْإِعْتِكَافِ.
- (۲) وَيَحْرُمُ عَلَى الْمُعْتَكِفِ: الْوُطْءُ، وَاللَّمْسُ، وَالْقُبْلَةُ.
- (۳) وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةِ الْإِنْسَانِ، أَوْ الْجُمُعَةِ، وَلَا بَأْسَ أَنْ يَبِيعَ وَيَبْتَاعَ فِي الْمَسْجِدِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُخْضِرَ السَّلْعَةَ، وَلَا يَتَكَلَّمَ إِلَّا بِخَيْرٍ، وَيُكْرَهُ لَهُ الصَّمْتُ.
- (۴) فَإِنْ جَامَعَ الْمُعْتَكِفُ، لَيْلًا أَوْ نَهَارًا بَطَلَ اعْتِكَافُهُ وَلَوْ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ سَاعَةً بِغَيْرِ عَذْرِ فَسَدَ اعْتِكَافُهُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَقَالَا لَا يَفْسُدُ حَتَّى يَكُونَ أَكْثَرُ مِنْ نِصْفِ يَوْمٍ بَطَلَ اعْتِكَافُهُ.
- (۵) وَمَنْ أَوْجَبَ عَلَى نَفْسِهِ اعْتِكَافَ أَيَّامٍ، لَزِمَهُ اعْتِكَافُهَا بِلَيَالِيهَا، وَكَانَتْ مُتَتَابِعَةً وَإِنْ لَمْ يَشْتَرِطِ التَّتَابُعَ.

### ترجمه

#### باب در بیان اعتکاف

- (۱) اعتکاف مستحب است، و اعتکاف درنگ کردن در مسجد را گویند با داشتن روزه.
- (۲) برای معتکف، وطی کردن، لمس کردن با شهوت و بوسه نمودن زن حرام است.
- (۳) و شخص معتکف به جز از قضاء حاجت و ادای جمعه از مسجد بیرون نشود، و خرید و فروش بدون آوردن سامان برای معتکف جایز است، و معتکف به جز سخن خیر چیزی

۱ - الله تعالى فرموده است: {وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بُيُوتَنَا لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ} البقرة: ۱۲۵.

نگوید، ولیکن سکوت و خاموشی دوام دار مکروه است.

(۴) و اگر شخص معتکف در شب و یا روز جماع کند اعتکافش فاسد می‌شود. و اگر شخص معتکف بدون عذر برای یک ساعت از مسجد خارج شود به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله اعتکافش فاسد می‌گردد، و نزد صاحبین تا زمانی فاسد نمی‌شود که بیشتر از نصف روز را در خارج مسجد سپری ننموده باشد.

(۵) و کسی که اعتکاف چند روز را بر خود لازم گردانید اعتکاف شب‌های آن نیز بر وی واجب است، و باید اعتکاف آن ایام پی در پی باشد، اگرچه آن را شرط قرار ندهد.

## شرح تعریف اعتکاف

اعتکاف در لغت: درنگ کردن و ثابت ماندن بر چیزی را گویند.

در اصطلاح: اعتکاف عبارت از گذارنیدن مدتی از وقت به نیت اعتکاف در یکی از مساجد است که پنج وقت نماز در آن خوانده می‌شود.

## شروط اعتکاف

اعتکاف دارای سه شرط است:

۱- نیت.

۲- مسجد.

۳- روزه.

**اقسام اعتکاف:** اعتکاف به سه قسم است: واجب، سنت مؤکد کفایه، و مستحب :

۱- واجب: اعتکاف واجب همانا اعتکاف نذر است، یعنی کسی که اعتکاف را بر خود نذر گرداند، اعتکاف بر وی واجب است.

۲- سنت مؤکد کفایه: اعتکاف ده شب آخر رمضان سنت مؤکد کفایه است.

۳- مستحب: علاوه بر اعتکاف نذر و اعتکاف ده شب آخر رمضان اعتکاف مستحب می‌باشد.

**مدت اعتکاف:** مدت اعتکاف به اعتبار اقسام آن فرق دارد :

۱- مدت اعتکاف واجب همان اندازه است که انسان بر خود نذر کرده است.

۲- مدت اعتکاف سنت کفایه ده شب و روز آخر رمضان است.



۳- حد اقل مدت اعتکاف یک لحظه و اکثر آن را حدی نیست.

**چیزهای که اعتکاف را فاسد می‌کند:** در موارد ذیل اعتکاف فاسد می‌شود:

۱- برای مدت یکساعت به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله علیه، بدون عذر از مسجد بیرون شدن.

۲- حیض و نفاس برای زنان.

۳- جماع کردن، یا چیزی که باعث جماع کردن شود مانند بوسه گرفتن یا دست زدن به زنش از روی شهوت که انزال صورت بگیرد.

**از مسجد به سبب عذر بیرون شدن:** بیرون شدن از مسجد به یکی از اسباب سه گانه ذیل جایز است

۱. عذرهای طبیعی، مانند قضاء حاجت، وضو و غسل کردن، معتکف به سبب این عذرهای می‌تواند از مسجد بیرون شود، اما بیشتر از اندازه حاجت بیرون ماندن از مسجد جواز ندارد.

۲. عذرهای شرعی، مانند رفتن به نماز جمعه، مشروط بر اینکه مسجدی که وی در آن معتکف است جامع (جمعه خوانی) نباشد.

۳. عذرهای ضروری مثلاً: حضور وی در مسجد سبب ضرر جدی به جان و یا مال وی شود، مانند: تخریب شدن مسجد در آن صورت می‌تواند با نیت اعتکاف فوراً به مسجد دیگری برود.

۴. معتکف می‌تواند در مسجد چیزی را بخورد و یا بنوشد و بعضی اشیای مورد ضرورت خود را خریداری کند مشروط به اینکه آن شی را در داخل مسجد نسازد.

### مسائل مربوط:

- اعتکاف فقط در مسجدی صحیح است که نمازهای جماعت در آن برپا می‌گردد.
- اعتکاف زن در مسجد منزلش صحیح است، یعنی محلی که در داخل منزلش برای نماز خاص نموده است.
- برای صحت اعتکاف نذری، داشتن روزه نیز شرط می‌باشد، و بدون آن اعتکاف جواز ندارد لیکن در اعتکاف مستحب روزه شرط نمی‌باشد.

## فعالیت

شاگردان به کمک استاد محترم در مورد اهمیت اعتکاف در تزکیه نفس باهم گفتگو نمایند.

## ارزیابی



- ۱- اعتکاف را تعریف نمایید.
- ۲- شروط اعتکاف کدامها اند؟
- ۳- اقسام اعتکاف را ذکر نمایید.
- ۴- کدام چیزها اعتکاف را فاسد می سازد؟
- ۵- مدت اعتکاف چقدر است؟
- ۷- آداب اعتکاف را بیان کنید.

## کارخانه گی



در باره فضیلت اعتکاف مقاله یی بنویسد که از ده سطر کم نباشد.

### حج

حج یکی از ارکان است اسلام است که بر آن بنا یافته، الله تعالی آن را منحیث یک عبادت، وسیله بخشایش گناهان، به خاطر احیاء سنت ابراهیم علیه السلام به منظور تشکیل اجتماع بزرگ جهانی مسلمانان، بر هر مسلمان مکلف که توانایی مالی و بدنی داشته باشد، یک مرتبه در تمام عمر فرض گردانیده است می‌خواهیم در این درس این را بدانیم.

#### کِتَابُ الْحَجِّ:

- (۱) الْحَجُّ وَاجِبٌ عَلَى الْأَحْرَارِ، الْبَالِغِينَ، الْعُقُلَاءِ، الْأَصِحَّهِ، إِذَا قَدَرُوا عَلَى الرِّادِ وَالرَّاحِلَةِ، فَاضِلًا عَنْ مَسْكَنِهِ، وَمَا لَا بُدَّ مِنْهُ، وَعَنْ نَفَقَةِ عِيَالِهِ إِلَى حِينِ عَوْدِهِ، وَكَانَ الطَّرِيقُ آمِنًا.
- (۲) وَيُعْتَبَرُ فِي الْمَرْأَةِ أَنْ يَكُونَ لَهَا مُحَرَّمٌ يَحُجُّ بِهَا، أَوْ زَوْجٌ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَحُجَّ بِغَيْرِهِمَا إِذَا كَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَكَّةَ مَسِيرَةٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَصَاعِدًا.
- (۳) وَإِذَا بَلَغَ الصَّبِيُّ بَعْدَمَا أَحْرَمَ أَوْ أُعْتِقَ الْعَبْدُ فَمَضَى عَلَى ذَلِكَ لَمْ يُجْزِئَهُمَا عَنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ.

#### ترجمه

#### کتاب در بیان حج:

- (۱) حج بر افراد آزاد، بالغ، عاقل و صحت‌مندی که توان توشه راه و مرکب سواری داشته باشند فرض است، و این چیزها از خانه و ضروریات خانه و از نفقه و مصارف خانواده تا زمان برگشت از سفر حج اضافه بوده و راه نیز امنیت باشد.
- (۲) در مورد زن، وجود محرم<sup>۱</sup> شرعی و یا زوج که حج با او کند معتبر است، و در صورتی که فاصله بین او و مکه مسافه سه روز و یا بیشتر از آن باشد جایز نیست که بدون محرم و یا

۱ - محرم عبارت از شخص عاقل و بالغی است که نکاح وی با آن زن بطور همیشه حرام است، یا به طریقه قرابت و یا به طریقه رضاعت و یا به طریقه صهریت. الجوهرۃ النیره - (۲/ ۷).

زوج خود به حج رود.

(۳) اگر طفلی بعد از احرام بستن بالغ گردد، و یا غلامی بعد از احرام بستن آزاد شود، و با همین حالت حج کند این حج ایشان قایم مقام حج فرضی شده نمی تواند.

## شرح

### تعریف حج

در لغت: قصد کردن را گویند.

و در اصطلاح: قصد نمودن بیت الله جهت ادای عبادت مخصوص، در وقت مخصوص و طبق شروط مخصوص است.

### حکم حج

حج بر هر مسلمان مکلف یک مرتبه در تمام عمر فرض است.

### شروط فرضیت حج

حج بالای مرد وزن در تمام عمر برای یک بار فرض است که دارای شروط ذیل باشد.

۱. مسلمان باشد، بر کافر حج فرض نیست.

۲. بالغ باشد، بر طفل فرض نیست.

۳. عاقل باشد، بر دیوانه فرض نیست.

۴. آزاد باشد، بر غلام فرض نیست.

۵. استطاعت (توان) اداء حج را داشته باشد، و کسی که توان آن را نداشته باشد فرض نمی باشد، معنای استطاعت آن است که اینقدر نفقه و مرکب سواری داشته باشد که تا هنگام برگشت از سفر حج از نفقه خانواده اش افزون باشد.

### شروط ادای حج

ادای حج تا زمانی بر انسان واجب نمی گردد که شروط ذیل در وی موجود نشود:

۱. صحتمندی کامل، و کسی که به مرضی مبتلا باشد که او را از رفتن باز دارد و برای همیشه در جای خود نشسته باشد، اداء کردن حج بالایش نیست.

۲. چیزی که وی را از رفتن به حج منع کند وجود نداشته باشد، مثلاً کسی که در زندان بسر برد حج بالایش فرض نیست.

۳. راه امنیت باشد، و در صورت عدم امنیت راه، حج بالای انسان واجب نمی‌باشد.

۴. موجودیت محرم یا زوج برای زن ضروری است، برابر است که زن جوان باشد یا سالخورده، و در صورت عدم موجودیت محرم، حج بالای زن واجب نمی‌باشد.

## شروط صحت حج

اداء حج تا زمانی صحت پیدا نمی‌کند که شروط ذیل موجود نشود:

۱. احرام: زیرا بدون احرام حج صحیح نیست.

احرام عبارت است از نیت حج با بیرون کردن لباس دوخته شده و نیت حج با پوشیدن لباس احرام و گفتن تلبیه از میقات می‌باشد در لباس احرام مستحب آنست که دو لباس باشد، یعنی لنگ و چادر.

و الفاظ تلبیه این است: **{لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ}.**

۲. وقت مخصوص: عبارت از ماه‌های حج است، لهذا حج قبل از ماه‌های حج یا بعد از آن جواز ندارد، و این ماه‌ها عبارت اند از: شَوَّال (ماهی که در آن عید فطر است) ذُو الْقَعْدَةِ (ماه بعد از ماه شوال)، ده روز اول ذِي الْحِجَّة (ماهی که در آن عید قربان است) و کسی که قبل از این ماه‌ها طواف یا سعی کند طواف و سعیش درست نمی‌شود، لیکن کسی که قبل از این ماه‌ها احرام بندد با وجود کراهیت درست می‌شود.

۳. محل خاص: عبارت از زمین عرفات که وقوف بر آن فرض می‌باشد، همچنان مسجد حرام است که برای طواف و زیارت می‌باشد، و کسی که در روز عرفه، وقوف در عرفات از وی فوت گردد حجش صحیح نمی‌شود.

## فعالیت

شاگردان به کمک استاد محترم مضمون به ارتباط این موضوع با هم گفتگو نمایند که اگر بر شخصی حج فرض شود آیا اداء فریضه حج فوراً بر وی فرض است و یا اینکه می‌تواند آن را تاخیر نماید؟

## ارزیابی



- ۱- حج را تعریف کنید.
- ۲- حکم حج چیست؟
- ۳- شروط فرضیت حج کدام‌ها اند؟
- ۴- شروط واجب شدن حج کدام‌ها اند؟
- ۵- شروط صحت حج کدام‌ها اند؟

## کارخانه گی



شروط صحت حج را در کتابچه‌های خود بنویسید.

## حج (۲) مواقیت احرام

کسی که به نیت حج یا عمره می‌خواهد از میقات عبور کند بر وی واجب است که احرام بندد، زیرا گذشتن از میقات بدون احرام جایز نمی‌باشد.

(۱) وَالْمَوَاقِيتُ الَّتِي لَا يُجُوزُ أَنْ يَتَجَاوَزَهَا الْإِنْسَانُ إِلَّا مُحَرَّمًا: لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذُو الْحُلَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الْعِرَاقِ ذَاتُ عِرْقٍ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةُ، وَلِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنُ الْمَنَازِلِ، وَلِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمُ.

(۲) فَإِنْ قَدَّمَ الْإِحْرَامَ عَلَى هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ جَازَ، وَمَنْ كَانَ مَنَزَلُهُ بَعْدَ الْمَوَاقِيتِ فَمِيقَاتُهُ الْحِلُّ، وَمَنْ كَانَ بِمَكَّةَ فَمِيقَاتُهُ فِي الْحَجِّ الْحَرَمُ، وَفِي الْعُمْرَةِ الْحِلُّ.

### ترجمه

(۱) مواقیت (نقاط احرام بستن) که بدون احرام عبور از آن جواز ندارد: برای ساکنان مدینه منوره «ذو الحلیفه» و برای اهل عراق «ذات عرق» و برای مردم شام «جحفه» و برای ساکنان نجد «قرن المنازل» و برای مردم یمن «یلملم» است.

(۲) و اگر پیش از رسیدن به این اماکن احرام بندد جایز است، و کسی که در داخل حدود مواقیت مقیم باشد میقات وی منطقه حل است، و کسی که در خود مکه مکرمه مقیم باشد میقات وی در حج، حرم و در عمره حل است.

### شرح

### تعریف میقات

در لغت: مواقیت جمع میقات، به معنای مرز و سرحد است.

و در اصطلاح : میقات عبارت از اوقات و اماکنی است که برای عبادت مخصوص تعیین گردیده، و اینجا مراد به مواقیت جاهای است که از آنجا احرام بسته می شود.<sup>۱</sup>

## اقسام میقات

مواقیت حج به دو قسم است :

۱- زمانی

۲- مکانی.

**مواقیت زمانی:** عبارت از ماه های حج: شوال، ذوالقعدة و ده روز اول ذو الحجه است.

**مواقیت مکانی:** اماکنی است که برای قصد کننده حج و عمره جواز ندارد که بدون احرام از آنجا عبور نماید.<sup>۲</sup>

## اقسام مردم نسبت به میقات

در رابطه به میقات مکانی، مردم به سه نوع اند :

**اهل حَرَم:** ایشان کسانی اند که در مکه مکرمه اقامت دارند، برابر است که باشندگان اصلی مکه باشند و یا اقامت کنندگان آن، میقات ایشان در حج مکه مکرمه و در عمره زمین حل است.

**اهل حِل:** ایشان کسانی اند که در داخل میقات و خارج مکه مکرمه اقامت دارند، میقات ایشان حل است.

یعنی ایشان قبل از حدود حرم، از منازل خود و یا از هر جای که بخواهند احرام بسته می توانند.

**مردم آفاقی:** آفاقی ها کسانی اند که خانه های شان خارج مواقیت است، مواقیتی که رسول الله ﷺ آن را برای احرام تعیین نموده و به اساس تفاوت منطقه در آن فرق به وجود می آید

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (ج ۴ / ص ۲۵۲)

۲ - الفقه المیسر: ۳۳۶.



تفصیل آن به شرح ذیل است :

- میقات باشندگان یمن و مردم هند «يَلْمَلَمُ» است: يَلْمَلَمُ یکی از کوه‌های تهامه بوده که از مکه مکرمه دو مرحله (دو روز) فاصله دارد<sup>۱</sup>.
- میقات باشندگان مصر، شام و المغرب «جُحْفَه» است: جُحْفَه قریه ایست در نزدیکی رَائِغْ که در بین مکه مکرمه و مدینه منوره به فاصله ۱۸۷ کم از مکه مکرمه موقعیت دارد.
- میقات مردم عراق و همه اهل مشرق «ذَاتِ عِرْق» است: ذَاتِ عِرْق قریه ایست که در فاصله (۱۴۹ کم) مکه موقعیت دارد.
- میقات اهل مدینه منوره «ذُو الْحُلَيْفَةِ» است: ذُو الْحُلَيْفَةِ محلی است که قبیله بنی جشم از آنجا آب خود را تهیه می کردند و در فاصله (۲۲۰ کم) از مکه مکرمه واقع می باشد و اکنون به نام آبار علی یاد می شود.
- میقات باشندگان منطقه نَجْدِ قَرْنُ الْمَنَازِل و یا (قَرْنُ) است: قَرْنُ الْمَنَازِل عبارت از یک منطقه حاکم و بلند بر طایف می باشد، این میقات نسبت به هر میقات دیگری به مکه مکرمه نزدیکتر است و در حال حاضر این نقطه به نام (السَّيْل) مشهور می باشد که از مکه مکرمه (۹۴ کم) فاصله دارد<sup>۲</sup>.
- و هر شخصی که به نیت اداء حج از این میقات ها و یا از راه های موازی با آن عبور می کند باید احرام داشته باشد، زیرا گذشتن از این اماکن بدون احرام، حرام و ناروا می باشد<sup>۳</sup>.

## فعالیات

با استاد خود در باره فرق بین میقات زمانی و مکانی بحث و گفتگو نمایید.

۱- رد المختار (۴۹۲/۵)، الموسوعة الفقهية الكويتية (۳۳۳،۳۸) الفقه الاسلامی و أدلته ۴۵۵/۳

۲- الموسوعة الفقهية الكويتية - (۱۴۵/۲).

۳- الفقه الميسر: ۲۳۷

## ارزیابی



- ۱- معنای لغوی و اصطلاحی میقات را بیان کنید.
- ۲- اقسام میقات را ذکر نمایید.
- ۳- اهل حرم کیستند؟
- ۴- اهل حل به کدام اشخاص گفته می‌شود؟
- ۵- آفاقی‌ها کی‌ها هستند و میقات‌شان کدام است؟

## کارخانه گی



با در نظر داشت اختلاف مناطق مواقیت احرام را در کتابچه‌های خود بنویسید.

### حج (۳) ارکان، واجبات، سنت‌ها و محظورات

در درس قبلی مسایل مربوط به مواظبت حج را شناختیم، درین درس می‌خواهیم ارکان، واجبات، سنت‌ها محظورات حج و ترتیب آن را بشناسیم.

(۱) وَإِذَا أَرَادَ الْإِحْرَامَ اغْتَسَلَ، أَوْ تَوَضَّأَ - وَالْغُسْلُ أَفْضَلُ - وَلَبَسَ ثَوْبَيْنِ جَدِيدَيْنِ، أَوْ غَسِيلَيْنِ: إِزَارًا وَرِدَاءً، وَمَسَّ طَبِيبًا إِنْ كَانَ لَهُ طِيبٌ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي.

(۲) ثُمَّ يُلْبِئِي عَقِيبَ صَلَاتِهِ. فَإِنْ كَانَ مُفْرَدًا بِالْحَجِّ نَوَى بِتَلْبِيَّتِهِ الْحَجَّ، وَالتَّلْبِيَةُ أَنْ يَقُولَ «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ» وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يُجِلَّ بِشَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَإِنْ زَادَ فِيهَا جَارَ، فَإِذَا لَبَّى فَقَدْ أَحْرَمَ.

(۳) فَلْيَتَّقِ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ: مِنَ الرِّفَثِ، وَالْفُسُوقِ، وَالْجِدَالِ، وَلَا يَقْتُلْ صَيْدًا، وَلَا يُشِيرُ إِلَيْهِ، وَلَا يَدُلُّ عَلَيْهِ، وَلَا يَلْبَسُ قَمِيصًا، وَلَا سَرَاوِيلَ، وَلَا عِمَامَةً وَلَا قَلَنْسُوَةً، وَلَا قَبَاءً، وَلَا خُفَيْنِ إِلَّا أَنْ لَا يَجِدَ التَّعْلِينَ فَلْيَقْطَعْهُمَا أَسْفَلَ الْكَعْبَيْنِ، وَلَا يُعْطِي رَأْسَهُ وَلَا وَجْهَهُ، وَلَا يَمَسُّ طَبِيبًا، وَلَا يَخْلُقُ رَأْسَهُ، وَلَا شَعْرَ بَدَنِهِ، وَلَا يَقْصُصُ مِنْ لَحْيَتِهِ، وَلَا مِنْ ظَفَرِهِ، وَلَا يَلْبَسُ ثَوْبًا مَصْبُوغًا بِوَرَسٍ وَلَا بِزَعْفَرَانٍ وَلَا عَصْفَرٍ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ غَسِيلًا لَا يَنْقُضُ.

(۴) وَلَا بَأْسَ أَنْ يَغْتَسِلَ، وَيَدْخُلَ الْحَمَّامَ، وَيَسْتَظِلَّ بِالْبَيْتِ، وَالْمَحْمَلِ، وَيَشُدَّ فِي وَسْطِهِ الْهُمَيْنَانَ وَلَا يَغْسِلُ رَأْسَهُ وَلَا لَحْيَتَهُ بِالْخِطْمِيِّ.

#### ترجمه

(۱) وقتی قصد بستن احرام نماید باید غسل یا وضو سازد - و غسل بهتر است - و دو لباس

(ازار و قمیص) جدید یا پاک بپوشد، و خوشبوی (عطر) استعمال کند اگر بیابد، و دو رکعت نماز بخواند و بگوید: «الهی! من اراده حج دارم، آن را برایم آسان گردان و از من بپذیر».

(۲) بعد از آن تلبیه بگوید، اگر قصد اراده حج افراد داشت در تلبیه خود نیت حج را کند، و تلبیه این است که بگوید: {لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ} «الهی! من حاضرم، الهی من حاضرم، هیچ شریکی ترا نیست، من حاضرم، حمد و ثناء شایسته توست، و هیچ شریکی ترا نیست»، و نباید چیزی از این کلمات را کم کند، و اگر چیزی بر آن بیفزاید جایز است، وقتی تلبیه گفت احرام بسته است (مُحَرَّم شمرده می شود).

(۳) بعد از احرام بستن از چیزهای که الله تعالی منع نموده پرهیز نماید: یعنی از جماع (همبستری بین زن و شوهر) فسق و جنگ اجتناب کند، شکار را نکشد و نه به آن اشاره و رهنمایی نماید، و پیراهن و تنبان، ازار دوخته شده نه پوشد، دستار، کلاه بسر نکند، چین نه پوشد، و موزه را به پا نکند مگر اینکه نعلین پیدا نشد میتواند ساق‌های آنرا از بجلک قطع نماید سر و روی نه پوشاند خوشبوی را استعمال نه کند سرخود را نه تراشد و نه موی بدن خود را و نه ریش خود را کم کند و نه ناخن‌های خود را بگیرد، و لباس رنگ شده به (بته یی) ورس، زعفران و رنگ زرد را نپوشد مگر اینکه آن لباس شسته شده باشد و رنگ آن از بین نرود.

(۴) و اگر غسل کند و یا به حمام داخل شود باکی ندارد، همچنان می تواند در سایه کعبه شریفه و کجاوه بنشیند، و به کمر خود همیان بندد، لیکن سر و ریش خود را به گل خيرو نشوید.

## شرح ارکان حج

حج دارای دو رکن است :

۱. در روز نهم ذو الحجه وقوف (مکث) نمودن در میدان عرفات، که از وقت زوال آفتاب در روز نهم ذو الحجه شروع و تا هنگام صبح روز نحر (قربانی) وقت آن دوام می یابد، و اگر در طول این مدت حاجی یک لحظه هم در عرفات توقف کند فرض اداء می شود.
۲. طواف: بعد از وقوف در عرفات دور کعبه شریفه (۷) بار گردش کردن، این طواف را طواف فرضی یا طواف افاضه گویند.

## واجبات حج

### واجبات حج

۱. احرام بستن از میقات
۲. وقوف در مزدلفه، هرچند که به مدت یک ساعت نیز باشد، و وقت آن بعد از نماز صبح روز دهم ذو الحجه تا هنگام طلوع آفتاب است
۳. طواف زیارت در روز دهم ذو الحجه
۴. سعی بین صفا و مروه
۵. طواف صدر، برای کسی که باشنده مکه مکرمه نباشد، این طواف را طواف وداع نیز گویند
۶. بعد از هر طواف خواندن دو رکعت نماز
۷. سه مرتبه زدن جمرات در ایام عید
۸. تراشیدن و یا کوتاه نمودن موی سر در ایام عید
۹. پاک بودن از بی وضویی و جنابت در هنگام طواف و سعی
۱۰. ترک کردن چیزهای ممنوعه در دوران حج مانند پوشیدن لباس دوخته شده، پوشانیدن سر و روی، شکار، فسق و جنگ کردن

### سنت‌های حج: حج سنت‌های زیادی دارد که از آنجمله:

۱. غسل کردن و یا وضو گرفتن در وقت بستن احرام
۲. لباس احرام باید جدید یا شسته شده و سفید باشد
۳. بعد از نیت احرام، دو رکعت نماز خواندن
۴. زیاد تلبیه گفتن
۵. طواف قدوم در حق کسانی که در مکه مکرمه اقامت ندارند
۶. رمل کردن در هنگام طواف: یعنی طوری در راه برود که گام‌های خود را نزدیک نزدیک به زمین نهد و در سه گردش نخست شانه‌های خود را تکان دهد
۷. در هنگام سعی به تیزی حرکت کردن: در هر شوط (گردش) سعی وقتی در میان دو میل سبز قرار می‌گیرد به تیزی رفتار کند

**ممنوعات حج:** امور ذیل در حالت احرام جایز نمی‌باشد، و باید حاجی خود را از آن نگهدارد تا حشش فاسد و ناقص نشود:

۱. جماع و اسباب آن.
۲. انجام هر گونه عمل حرام.
۳. دشنام دادن و جنگ کردن.
۴. استعمال خوشبویی (عطر).
۵. قطع ناخن‌ها.
۶. پوشیدن لباس دوخته شده در حق مردان مانند پیراهن، تنبان، جُبَّة<sup>۱</sup> (چپن) و موزه.
۷. پوشانیدن روی و هردو دست در حق زنان.
۸. ازاله و دور کردن موی سر، ریش، موی زیر بغل و موی زیر ناف.
۹. چرب کردن سر و موی با روغن.
۱۰. قطع کردن درختان حرم و یا کشیدن علف آن.
۱۱. شکار کردن حیوانات زمین حرم، چه خورده شود و یانه.

## فعالیت

با استاد خود در باره فرق بین طواف زیارت، طواف افاضه، طواف و داع و طواف صدر مناقشه و مباحثه کنید، و وجه تسمیه و نامگذاری طواف را به این نام‌ها واضح سازید.

## ارزیابی

- ۱- حج دارای چند رکن است؟
- ۲- واجبات حج چند است؟
- ۳- از جمله سنت‌های حج شش آن را ذکر نمایید.
- ۴- از جمله ممنوعات حج هفت آن را نام ببرید.

## کارخانه گی

برای زنان پوشانیدن روی و هردو دست در حج چه حکم دارد، این موضوع را با دلیل در کتابچه‌های خود بنویسید.

۱ - (الْجُبَّة) لباس فراخ دارای آستین‌های وسیع و پیشوازی است که بر بالای پیراهن واسکت پوشیده می‌شود. المعجم الوسیط - (۱/ ۱۰۴)

## حج (۴) کیفیت اداء حج

کسی که اراده حج دارد باید در ماه‌های حج به مکّه مکرمه برود.

(۱) وَيُكْثِرُ مِنَ التَّلْبِيَةِ عَقِيبَ الصَّلَوَاتِ، وَكُلَّمَا عَلَا شَرْفًا، أَوْ هَبَطَ وَادِيًا، أَوْ لَقِيَ رُكْبَانًا، وَبِالْأَسْحَارِ.

(۲) فَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ ابْتَدَأَ بِالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَإِذَا عَاينَ الْبَيْتَ هَلَّلَ، وَكَبَّرَ ثُمَّ ابْتَدَأَ بِالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَاسْتَقْبَلَهُ، وَكَبَّرَ وَهَلَّلَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ، وَاسْتَلَمَهُ، إِنْ اسْتَطَاعَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذِيَ مُسْلِمًا.

(۳) ثُمَّ أَخَذَ عَنْ يَمِينِهِ مِمَّا يَلِي الْبَابَ، وَقَدْ اضْطَبَعَ قَبْلَ ذَلِكَ، فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، وَيَجْعَلُ طَوَافَهُ مِنْ وَرَاءِ الْحَظِيمِ، وَيَرْمُلُ فِي الْأَشْوَاطِ الثَّلَاثِ الْأُولِ، وَيَمْشِي فِيمَا بَقِيَ عَلَى هَيْئَتِهِ، وَيَسْتَلِمُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ كُلَّمَا مَرَّ بِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ، وَيَخْتِمُ الطَّوْفَ بِالِاسْتِلَامِ.

(۴) ثُمَّ يَأْتِي الْمَقَامَ فَيُصَلِّي عَنْدهُ رَكَعَتَيْنِ، أَوْ حَيْثُ تيسَّرَ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَهَذَا الطَّوْفُ طَوَافُ الْقُدُومِ، وَهُوَ سُنَّةٌ وَلَيْسَ بِوَاجِبٍ، وَلَيْسَ عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ طَوَافُ الْقُدُومِ.

(۵) ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الصَّفَا فَيَصْعَدُ عَلَيْهَا وَيَسْتَقْبِلُ الْبَيْتَ، وَيُكَبِّرُ وَيُهَلِّلُ، وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَيَدْعُو اللَّهَ لِحَاجَتِهِ، ثُمَّ يَنْحَطُّ نَحْوَ الْمَرْوَةِ، وَيَمْشِي عَلَى هَيْئَتِهِ، فَإِذَا بَلَغَ إِلَى بَطْنِ الْوَادِي، سَعَى بَيْنَ الْمِيلَيْنِ الْأَخْضَرَيْنِ سَعْيًا حَتَّى يَأْتِيَ الْمَرْوَةَ فَيَصْعَدُ عَلَيْهَا وَيَفْعَلُ كَمَا فَعَلَ عَلَى الصَّفَا، وَهَذَا شَوْطٌ، فَيَطُوفُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، يَبْتَدِئُ بِالصَّفَا وَيَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ.

(۶) ثُمَّ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَرَامًا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ كُلَّمَا بَدَأَ لَهُ، فَإِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ يَوْمِ خَطَبِ الْإِمَامِ خُطْبَةً يُعَلِّمُ النَّاسَ فِيهَا: الْخُرُوجَ إِلَى مِنَى، وَالْوُقُوفَ بِعَرَفَاتٍ، وَالْإِفَاضَةَ.

## ترجمه

(۱) و بعد از نمازها و در هنگام بالا شدن بر بلندی و پایین شدن بر پستی و یا وقتی که با سوار کاران رو به رو شود و همچنان در وقت صبحدم تلبیه بیشتر گوید.

(۲) و هرگاه به مکه رسید اول در مسجد الحرام داخل شود، و چون کعبه شریفه بدید تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) گوید، بعد از آن نزد حجر الاسود رفته رو به روی آن بایستد و تکبیر گویان هردو دست خود را بلند کند و آن را استلام کند، اگر می توانست آن را ببوسد بدون آنکه مسلمانی را اذیت رساند.

(۳) بعد از آن از جانب راست خود بگیرد آنکه به دروازه کعبه نزدیک است در حالیکه قبل از آن اضطباع کرده باشد (چادر خود را از قول راست کشیده و بر شانه چپ انداخته باشد) و شروع به طواف کند، و پیرامون کعبه شریفه هفت مرتبه طواف کند، و طواف را از عقب حطیم انجام دهد، و در سه شوط اول رمل (شانه های خود را شور دادن و تیز رفتن) کند و در چهار شوط متباقی به حالت عادی و آرام طواف نماید، و هر باری که از نزد حجر الاسود عبور می کرد استلام کند و طواف خود را به استلام خاتمه بدهد.

(۴) بعد از آن نزد مقام ابراهیم علیه السلام آمده در آنجا دو رکعت نماز گزارد، اگر در آنجا مشکل بود در هر جای مسجد که برایش آسان بود همانجا نماز گزارد، و این طواف، طواف قدوم است، و آن سنت می باشد، نه واجب، و بر اهل مکه طواف قدوم نیست.

(۵) بعد از آن به طرف صفا برود و از آنجا رو بطرف کعبه بایستد، تکبیر و تهلیل گوید و بر پیامبر ﷺ درود بفرستد و از الله تعالی حاجت خود را بخواهد، بعد از آن به سوی مروه پایین شود و حالت عادی داشته باشد وقتی که به میان وادی برسد بین دو ستون سبز (فعلا گروپ های سبز) به تیزی (شتاب زده) برود، وقتی به سوی مروه بالا رفت آنجا بایستد و اعمالی را که بر بالای تپه صفا انجام داده بود اینجا نیز انجام دهد، این یک شوط شد، و بدین ترتیب هفت شوط را پوره کند، از صفا شروع نماید و به مروه ختم کند.

(۶) بعد از آن در مکه مکرمه به حالت احرام باقی بماند، و هرگاه خواست و موقع میسر شد، طواف کند.

و یک روز قبل از فرا رسیدن یوم ترویہ امام خطبه یی ایراد کند و در آن طریقه بیرون شدن بسوی منی، وقوف در عرفات و طواف افاضه را به مردم تعلیم دهد.



## شرح

### رسیدن به میقات و بستن احرام

حاجی وقتی به میقات برسد و از برابر آن میگذرد و اراده بستن احرام را داشته باشد باید، غسل یا وضو کند ولی غسل کردن بهتر است. لباس‌های دوخته شده را بیرون کند، و لنگ و چادر بپوشد، دو رکعت نماز اداء کند، نیت حج کند.

با این الفاظ تلبیه گوید: **اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ**، وقتی تلبیه گفت و احرام<sup>۱</sup> بست مُحرّم گردید. وقتی احرام بست از تمام کارهای ممنوعه<sup>۲</sup> در دوران حج خود را نگهدارد. وقتی به جای بلند و یا پست رسید، و یا با کاروان سوارکاران روبرو و یکجا گردید و یا از خواب برخاست تلبیه بیشتر گوید.

### بعد از رسیدن به مکه مکرمه

وقتی به مکه مکرمه رسید باید نخست از مسجد الحرام شروع نماید، وقتی آن را دید تکبیر و تهلیل گوید.

بعد از آن نزد حجر الاسود رفته رو به روی آن بایستد و تکبیر و تهلیل بگوید، و آن را استلام کند، و اگر ممکن بود آن را ببوسد، و اگر بوسه کردن حجر الاسود مشکل بود آن را به اشاره استلام نماید.

**استلام:** استلام این است که هردو کف دست را بر بالای حجر الاسود نهاده در میان آن دهن خود را بگذارد، و به راحت و بدون صدا آن را بوسه کند، و اگر قادر به این کار نبود پس از جای دور هردو کف دست خود را به سوی حجر الاسود بلند نموده آن را بوسه نماید.

بعد از آن به طرف راست حجر الاسود برود، و در اطراف کعبه هفت مرتبه طواف کند، در سه شوط نخست رَمَل کند، و در شوط‌های باقی به راحت و آرامش رفتار نماید، و طواف را از عقب حطیم انجام دهد، و هر باری که از نزد حجر الاسود می‌گذرد آن را استلام کند

۱ - احرام در لغت: داخل شدن در حرم را گویند. و در اصطلاح: این است که شخص به خاطر اداء عبادت حج چیزهای حلال را بر خود حرام کند.

۲ - مانند: پوشیدن لباس دوخته شده، استعمال عطر، تراشیدن موی، قطع کردن ناخن‌ها، جماع و غیره.

و طواف خود را با استلام خاتمه بخشد. بعد از آن دو رکعت نماز اداء نماید، و این طواف را طواف قدوم گویند و این طواف، سنت است. بر ساکنان مکه مکرمه طواف قدوم نمی‌باشد.

### سعی بین صفا و مروه

بعد از آن به سوی صفا برود و به تپه صفا بالا رود و در حالیکه رو به روی قبله ایستاده است تکبیر و تهلیل گوید و به نبی کریم ﷺ درود بفرستد و به درگاه الله تعالی دعا کند. بعد از آن به سوی مروه حرکت کند و بر بالای تپه مروه بایستد و اعمالی را که بر بالای تپه صفا انجام داده بود، آن اعمال را بر بالای تپه مروه نیز انجام دهد، و بدین ترتیب یک شوط را انجام داده است. و به همین ترتیب از صفا بسوی مروه و از مروه به سوی صفا هفت بار رفت و آمد کند و در هر بار وقتی در بین دو پایه سبز رنگ قرار می‌گیرد آن فاصله را به تیزی بپیماید.

### فعالیت

شاگردان با همکاری استاد در باره فضیلت تلبيه گفتن و مشروعیت آن با هم مباحثه کنند. شاگردان با استفاده از کتاب‌های دیگر دریابند که رسول الله ﷺ وقتی به کعبه معظمه رسید کدام کارها را انجام داد؟

### ارزیابی

- ۱- حاجی وقتی به میقات رسید و اراده بستن احرام نمود چه کاری را انجام می‌دهد؟
- ۲- حاجی وقتی به مکه مکرمه برسد چه کاری را انجام می‌دهد؟
- ۳- آیا بر باشندگان مکه طواف قدوم است؟
- ۴- در بین صفا و مروه چگونه سعی می‌کند؟

### کارخانه گی

ایا طواف به داخل حطیم طواف گفته می‌شود؟ با دلیل آنرا بنویسید.

## حج (۵) کیفیت اداء حج

در درس های گذشته راجع به مواقیت بستن احرام، رسیدن به مکه مکرمه و حرم و آن اعمالیکه باید انجام شود و هم چنان سعی بین صفا و مروه معلومات حاصل نمودیم، اکنون می خواهیم طریقه ادا متباقی مناسک را بدانیم.

(۱) فَإِذَا صَلَّى الْفَجْرَ بِمَكَّةَ، يَوْمَ التَّرْوِيَةِ خَرَجَ إِلَى مَنَى فَأَقَامَ بِهَا حَتَّى يُصَلِّيَ الْفَجْرَ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ.

(۲) ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى عَرَفَاتٍ فَيَقِيمُ بِهَا، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، صَلَّى الْإِمَامُ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ يَتَدَيُّ فَيَخْطُبُ خُطْبَتَيْنِ يُعَلِّمُ النَّاسَ فِيهِمَا الصَّلَاةَ وَالْوُقُوفَ بِعَرَفَةَ، وَالْمُزْدَلِفَةَ، وَرَمَى الْجِمَارِ، وَالنَّحْرَ، وَطَوَّافَ الزِّيَارَةِ، وَيُصَلِّيُ بِهِمِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فِي وَقْتِ الظُّهْرِ بِأَذَانٍ وَأَقَامَتَيْنِ، وَمَنْ صَلَّى فِي رَحْلِهِ وَحْدَهُ، صَلَّى كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا فِي وَقْتِهَا عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَمُحَمَّدٌ: يَجْمَعُ بَيْنَهُمَا الْمُنْفَرِدُ.

(۳) ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الْمُؤَقِفِ، فَيَقِفُ بِقُرْبِ الْجَبَلِ، وَعَرَفَاتُ كُلُّهَا مَوْقِفٌ إِلَّا بَطْنَ عُرْنَةِ. وَيَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَقِفَ بِعَرَفَةَ عَلَى رَاحِلَةٍ، وَيَدْعُو وَيَعْلَمُ النَّاسَ الْمَنَاسِكَ، وَيُسْتَحَبُّ لَهُ أَنْ يَغْتَسِلَ قَبْلَ الْوُقُوفِ وَيَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ.

(۴) فَإِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ أَفَاضَ الْإِمَامُ وَالنَّاسُ مَعَهُ عَلَى هَيْئَتِهِمْ، حَتَّى يَأْتُوا الْمُزْدَلِفَةَ فَيَنْزِلُوا بِهَا، وَالْمُسْتَحَبُّ أَنْ يَنْزَلَ بِقُرْبِ الْجَبَلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْمُقَيْدَةُ يُقَالُ لَهُ فُزْحٌ.

(۵) وَيُصَلِّيُ الْإِمَامُ بِالنَّاسِ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ، وَاحِدَةٍ وَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي الطَّرِيقِ، لَمْ يُجْزِهِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَمُحَمَّدٍ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ صَلَّى الْإِمَامُ بِالنَّاسِ الْفَجْرَ بِغُلَسٍ، ثُمَّ وَقَفَ وَوَقَفَ النَّاسُ مَعَهُ، فَدَعَا: وَالْمُزْدَلِفَةُ كُلُّهَا مَوْقِفٌ إِلَّا بَطْنَ مُحَسِّرٍ، ثُمَّ

## أَفَاضَ الْإِمَامُ وَالنَّاسُ مَعَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ حَتَّى يَأْتُوا مَنًى.

### ترجمه

- (۱) حاجی وقتی نماز فجر روز هشتم ذوالحجه را در مکه اداء نمود به سوی منی بروود و در آنجا تا اداء کردن نماز صبح روز عرفات باقی بماند.
- (۲) بعد از آن به سوی عرفات حرکت کند و در آنجا تا هنگام زوال آفتاب مکث نماید، بعد از زوال، امام نماز ظهر و عصر را به مردم امامت کند، نخست دو خطبه بخواند و در آن احکام نماز، وقوف در عرفات، مزدلفه، رمی جمرات، قربانی و طواف زیات را به مردم تعلیم دهد، و نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر با یک اذان و دو اقامت برپا دارد، و کسی که به تنهایی در خیمه خود بخواند، نزد امام ابو حنیفه رحمه الله هر کدام از نماز ظهر و عصر را در وقت خودش گزارد، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: تنها گزار نیز باید جمع کند.
- (۳) بعد از آن به سوی موقف بروود، و در نزدیکی جبل الرحمة وقوف نماید، و تمام ساحه عرفات جای وقوف است مگر یک نقطه که بنام «بطن عرنه» یاد می شود، و امام را شایسته آنست که وقوف عرفات را بر بالای سواری خود انجام دهد، دعا نماید و اعمال و مناسک حج را به مردم بیاموزاند، و مستحب است که قبل از وقوف غسل کند و در دعا بسیار بکوشد.
- (۴) و هنگامی که آفتاب غروب کرد امام با مردم به حالت عادی از عرفات سفر نموده به مزدلفه بروند، و مستحب آنست که در نزدیکی کوهی که به نام قُزَحْ یاد می شود و مشرکان در زمان جاهلیت بر بالای آن آتش می افروختند، پایان شوند.
- (۵) و در مزدلفه امام شام و خفتن را به یک اذان و یک اقامت برپا دارد، و اداء کردن نماز شام در راه مزدلفه نزد امام ابو حنیفه و امام محمد رحمهما الله جواز ندارد، وقتی صبح طلوع نمود امام نماز فجر را با مردم در تاریکی اداء کند، بعد از آن با مردم یکجا بایستند و دعا کند، و تمام ساحات مزدلفه جای وقوف است مگر منطقه «بطن محسر» بعد از آن امام با مردم پیش از طلوع آفتاب از مزدلفه به سوی منی حرکت نموده به منی بروند.

### شرح

#### رفتن به منی:

حاجی بعد از ادای نماز صبح روز هشتم ذی الحجه به منی بروود و الی اداء نماز فجر عرفه در آنجا باقی بماند.

## روز عرفه:

روز عرفه، نهم ذو الحجه و بعد از طلوع آفتاب است.

- ۱- وقتی آفتاب طلوع نمود حاجی به سوی میدان عرفات برود، آنجا بعد از زوال و قوف نماید، تکبیر و تهلیل بگوید و به نبی علیه السلام درود بفرستد و دعا کند.
- ۲- بعد از زوال آفتاب امام نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامت (با جماعت) به مردم امامت کند، و تا هنگام غروب آفتاب به وقوف خود ادامه بدهند.
- ۳- و کسی که از شروع زوال آفتاب در عرفات روز عرفه تا قبل از طلوع صبح روز اول عید قربان موفق به وقوف گردد ولو به مدت یک لحظه نیز باشد حج را دریافت است.

## شب ماندن در مزدلفه

بعد از غروب آفتاب روز عرفه حاجی باید از عرفات به سوی مکه عودت کند :

- ۱- در مزدلفه پایین شود، و آنجا شب عید را سپری نماید.
- ۲- امام نماز شام و خفتن را به یک اذان و یک اقامت با مردم اداء کند.
- ۳- وقتی صبح روز دهم ذو الحجه (اول عید قربان) طلوع نمود، امام نماز فجر را در تاریکی با مردم اداء نماید، بعد از ادای نماز با مردم یکجا بایستد و دعا کند، بعد از آن به سوی منی بروند.

## فعالیت

آیا «بطن محسر» که در مزدلفه موقعیت دارد موقف شمرده می شود؟ دلیل آن را بیان کنید.

## ارزیابی

- ۱- حجاج در کدام روز به منی می روند؟
- ۲- حجاج چه وقت منی را به قصد عرفات ترک می کنند، و در آنجا چه عملی را انجام می دهند؟

۳- وقت دریافت وقوف عرفه کدام است؟

۴- بَطْنُ عُرْنَه کدام جای است؟

۵- کار مهمی که به ارتباط وقوف مزدلفه باید انجام شود کدام است؟

## کارخانه گی



در باره فضیلت و اهمیت روز عرفه مقاله بنویسید.

## حج (٦) كيفية اداء حج

(١) ثُمَّ أَفْضَ الْإِمَامُ وَالنَّاسُ مَعَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ حَتَّى يَأْتُوا مِنِّي فَيَبْتَدِئُ بِجَمْرَةِ الْعَقَبَةِ، فَيَرْمِيهَا مِنْ بَطْنِ الْوَادِي بِسَبْعِ حَصَيَاتٍ، مِثْلَ حَصَى الْخَذْفِ، وَ يُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ، وَلَا يَقِفُ عِنْدَهَا، وَيَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ مَعَ أَوَّلِ حَصَاةٍ، ثُمَّ يَذْبَحُ إِنْ أَحَبَّ، ثُمَّ يَخْلُقُ أَوْ يَقْصُرُ، وَالْخَلْقُ أَفْضَلُ، وَقَدْ حَلَّ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النَّسَاءَ.

(٢) ثُمَّ يَأْتِي مَكَّةَ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ، أَوْ مِنَ الْغَدِ، أَوْ مِنْ بَعْدِ الْغَدِ، فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الزِّيَارَةِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، فَإِنْ كَانَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ عَقِيبَ طَوَافِ الْقُدُومِ، لَمْ يَرْمُلْ فِي هَذَا الطَّوَافِ، وَلَا سَعَى عَلَيْهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَدَّمَ السَّعَى، رَمَلَ فِي هَذَا الطَّوَافِ، وَسَعَى بَعْدَهُ عَلَى مَا قَدَّمْنَا، وَقَدْ حَلَّ لَهُ النَّسَاءُ.

(٣) وَهَذَا الطَّوَافُ هُوَ الْمَفْرُوضُ فِي الْحَجِّ، وَيُكْرَهُ تَأْخِيرُهُ عَنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ، فَإِنْ أَخَّرَهُ عَنْهَا لَزِمَهُ دَمٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ.

(٤) ثُمَّ يَعُودُ إِلَى مِنَّى فَيُقِيمُ بِهَا، فَإِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ مِنَ الْيَوْمِ الثَّانِي، مِنَ النَّحْرِ، رَمَى الْجِمَارَ الثَّلَاثَ، يَبْتَدِئُ بِالَّتِي تَلِي الْمَسْجِدَ، فَيَرْمِيهَا بِسَبْعِ حَصَيَاتٍ، يُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ، وَيَقِفُ وَيَدْعُو عِنْدَهَا، ثُمَّ يَرْمِي الَّتِي تَلِيهَا مِثْلَ ذَلِكَ، وَيَقِفُ عِنْدَهَا ثُمَّ يَرْمِي جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ كَذَلِكَ، وَلَا يَقِفُ عِنْدَهَا.

(٥) فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ، رَمَى الْجِمَارَ الثَّلَاثَ بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ كَذَلِكَ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَعَجَّلَ النَّفَرُ نَفَرَ إِلَى مَكَّةَ.

(٦) وَإِنْ أَرَادَ أَنْ يُقِيمَ، رَمَى الْجِمَارَ الثَّلَاثَ فِي الْيَوْمِ الرَّابِعِ بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِنْ قَلَّمَ الرَّمْيَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، قَبْلَ الزَّوَالِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، جَازَ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَيُكْرَهُ أَنْ

يُقَدِّمُ الْإِنْسَانُ ثَقْلَهُ إِلَى مَكَّةَ، وَيُقِيمُ حَتَّى يَرْمِيَ، فَإِذَا نَفَرَ إِلَى مَكَّةَ، نَزَلَ بِالْحَصْبِ.

(۷) ثُمَّ طَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ لَا يَرْمُلُ فِيهَا، وَهَذَا الطَّوْفُ طَوْفُ الصَّدْرِ، وَهُوَ وَاجِبٌ إِلَّا عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ، ثُمَّ يَعُودُ إِلَى أَهْلِهِ.

(۸) فَإِنْ لَمْ يَدْخُلِ الْحَرَمُ مَكَّةَ، وَتَوَجَّهَ إِلَى عَرَفَاتٍ، وَوَقَفَ بِهَا عَلَى مَا قَدَّمَناهُ، فَقَدْ سَقَطَ عَنْهُ طَوْفُ الْقُدُومِ، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ لِتَرْكِهِ.

(۹) وَمَنْ أَدْرَكَ الْوُقُوفَ بِعَرَفَةَ، مَا بَيْنَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ، فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ، وَمَنْ اجْتَنَزَ بِعَرَفَةَ وَهُوَ نَائِمٌ، أَوْ مُغْمَى عَلَيْهِ، أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهَا عَرَفَةُ، أَجَزَّاهُ ذَلِكَ عَنْ الْوُقُوفِ.

(۱۰) وَالْمَرْأَةُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ كَالرَّجُلِ، غَيْرَ أَنَّهَا لَا تَكْشِفُ رَأْسَهَا، وَتَكْشِفُ وَجْهَهَا، وَلَا تَرْفَعُ صَوْتَهَا بِالتَّلْبِيَةِ، وَلَا تَرْمُلُ فِي الطَّوْفِ، وَلَا تَسْعَى بَيْنَ الْمِيلَيْنِ، الْأَخْضَرَيْنِ، وَلَا تَحْلِقُ رَأْسَهَا، وَلَكِنْ تُقَصِّرُ.

### ترجمه

(۱) بعد از آن امام با مردم پیش از طلوع آفتاب از مزدلفه به سوی منی حرکت نموده به منی بروند، پس به زدن جُمره عَقَبَه از جهت «بطن الوادی» شروع نماید، و آن را به هفت سنگریزه از سنگریزه‌های که به اندازه نخود باشد بزنند، و در وقت پرتاب هر سنگریزه تکبیر گوید، و نزد آن توقف نکند، و همزمان با پرتاب اولین سنگریزه گفتن تلبیه را قطع نماید بعد از آن اگر دوست دارد ذبح کند، سپس موی سرش را بتراند و یا کوتاه نماید ولیکن تراشیدن بهتر است، و در این وقت هر چیزی برایش حلال می‌شود مگر جماع.

(۲) بعد از آن در عین همان روز، و یا فردای آن روز و یا پس فردای آن به مکه برود و طواف زیارت را هفت شوط انجام دهد، اگر بعد از طواف قدوم بین صفا و مروه سعی نموده بود در طواف زیارت رمل نکند و نه بین صفا و مروه سعی کند، و اگر بعد از طواف قدوم سعی ننموده بود، در طواف زیارت رمل و سعی هر دو را به جا آورد، و در این وقت جماع نیز برایش حلال می‌گردد.



(۳) و طواف مذکور از فرائض حج است، و تاخیر آن از این سه روز مکروه می‌باشد، و اگر از سه روز تاخیر کند نزد امام ابو حنیفه رحمه الله دم یعنی (یک گوسفند) لازم می‌گردد.

(۴) بعد از طواف زیارت بار دیگر به منی بر گردد و در آنجا باقی بماند، و در روز دوم عید وقتی آفتاب زوال یافت به زدن جمرات شروع کند، نخست جمره را که به مسجد (خیف) نزدیک است به هفت سنگریزه بزند، با پرتاب هر سنگریزه تکبیر گوید و نزد آن توقف نموده دعا کند، بعد از آن جمره متصل آن را همانند جمره اولی بزند، و نزد آن توقف نماید، بعد از آن جمره عقبه را بسان دو جمره اولی بزند، و نزد آن توقف ننماید.

(۵) و فردای آن روز نیز هر سه جمره را بعد از زوال آفتاب بزند، بعد از آن اگر عجله داشت می‌تواند به مکه برود.

(۶) و اگر خواست در آنجا باقی بماند، هر سه جمره را در روز چهارم بعد از زوال آفتاب بزند، و در روز چهارم اگر رمی را بعد از صبح و پیش از زوال انجام دهد، نزد امام ابو حنیفه رحمه الله جواز دارد، و پیش فرستادن سامان به مکه مکروه است، و باید تا هنگام فارغ شدن از رمی در آنجا اقامت کند، وقتی به مکه رسید باید در مُحَصَّب<sup>۱</sup> پایین شود.

(۷) بعد از آن هفت مرتبه دور کعبه بدون رمل طواف کند، و این طواف را طواف صدر گویند، و این طواف واجب بوده و بر اهل مکه واجب نیست و بعد از انجام آن حاجی می‌تواند به سوی خانواده اش برود.

(۸) و اگر حاجی محرم به مکه داخل نشود، و مستقیماً عرفات برود و در آنجا به همان کیفیتی که ذکر نمودیم وقوف نماید، طواف قدوم از وی ساقط گردد و به ترک آن چیزی بر وی لازم نمی‌شود.

(۹) و کسی که وقوف عرفه را در فاصله بین زوال آفتاب روز عرفه، تا طلوع صبح روز نحر دریابد حج را دریافته است، و کسی که در حالت خفته و یا بیهوشی از عرفات بگذرد و یا نداند که آنجا عرفات است، این کیفیت نیز از وقوفش کفایت کند.

(۱۰) زن در تمام این مسایل مانند مرد است، با این تفاوت که زن سر خود را برهنه نمی‌کند، فقط روی خود را برهنه می‌کند، و نه آواز خود را به گفتن تبلیه بلند می‌نماید، و نه در هنگام

۱ - محصب محلی است که رسول الله ﷺ در آن پیاده شده بود، و آن محل بین مکه و منی موقعیت دارد و نسبت به مکه به منی نزدیکتر است.

طواف رمل می‌کند، و نه در بین میلین به سرعت راه می‌رود، و نه موی خود را می‌تراشد ولیکن آن را کوتاه می‌کند.

**شرح:**

### **زدن جمرات (شیطان‌ها) و ذبح کردن**

۱- حاجی در روز دهم ذو الحجه قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه به سوی منی حرکت کند: وقتی به منی رسید با هفت سنگریزه جمره عقبه (شیطان آخری) را بزند، و همزمان با پرتاب اولین سنگریزه گفتن تلبیه را قطع کند، و هر باری که شیطان را می‌زند تکبیر بگوید، و نزد جمره توقف نکند.

۲- بعد از آن اگر خواسته باشد قربانی کند.

۳- بعد از آن موی سرش را بتراشد یا کم کند، لیکن تراشیدن بهتر است.

و با تراشیدن موی سر غیر از زن (اجماع) هرچیزی دیگری که به سبب احرام برایش حرام شده بود حلال می‌گردد.

### **طواف زیارت**

بعد از آن تا سه روز عید می‌تواند به مکه مکرمه برود:

۱. طواف زیارت را انجام دهد که این طواف فرض می‌باشد.

۲. بعد از آن به طرف منی برود و در آنجا باقی بماند.

### **رمی جمرات (زدن شیطان‌ها)**

وقتی آفتاب روز یازدهم ذو الحجه زوال یافت کارهای ذیل را انجام دهد:

۱. جمرات سه گانه را بزند، نخست به زدن جمره اولی که در نزدیکی مسجد خیف

موقعیت دارد شروع نماید، و با هفت سنگریزه آن را بزند، و با پرتاب هر سنگریزه تکبیر

گوید، و آنجا بایستد و دعا کند، بعد جمره وسطی را بزند، و آنجا بایستد و دعا نماید، بعد

از آن جمره آخر را بزند و نزد آن ایستاد نشود.

۲. در روز دوازدهم ذوالحجه نیز بعد از زوال آفتاب جمرات سه گانه را بزنند.
۳. در ایام رمی جمرات باید شب را در منی سپری کند.
۴. کسی بخواهد که تعجیل کند (زودتر از منی برود) به مکه مکرمه برود، و اگر بخواهد در منی باقی بماند باید در روز چهارم نیز بعد از زوال آفتاب جمرات سه گانه را بزند، و اگر در این روز پیش از زوال آفتاب رمی کند به نزد امام ابو حنیفه رحمه الله جایز است.

## طوافِ وداع

- حاجی بعد از زدن جمرات به طرف مکه مکرمه برود و کارهای ذیل را انجام دهد:
۱. در محلی بنام مُحَصَّب پایین شود و در آنجا به مدت یک ساعت باقی بماند.
  ۲. بعد از آن به طرف مکه برود، و دور کعبه شریفه هفت مرتبه طواف کند، رمل و سعی نکند، و این طواف را طواف وداع و طواف صدر (یعنی طواف عودت) گویند.
  ۳. بعد از انجام طواف دو رکعت نماز اداء کند.
  ۴. بعد از آن به طرف چاه زمزم برود و از آب آن بنوشد.
  ۵. بعد از آن به طرف ملتزم برود، و در آنجا با عجز و زاری دعا کند.
  ۶. و زمانی که اراده رفتن به خانه کند، پس باید به گریه و اندوه برگردد.

## فعالیت

شاگردان بین خود در این موضوع بحث و مناقشه کنند که حجاج در وقت بازگشت به گرفتن و آوردن تحایف بالای خود فشار می آورد، جوانب منفی و مثبت آن را توضیح دهید.

## ارزیابی



- ۱- طواف زیارت کدام طواف است و چه وقت انجام می‌یابد؟
- ۲- جمره چگونه زده می‌شود، و اوقات آن کدام اند؟
- ۳- کسی که تا روز چهارم در منی باقی بماند حکم آن چیست؟
- ۴- قربانی در کدام روز است؟
- ۵- طواف وداع کدام طواف است؟

## کارخانه گی



در باره فضیلت باقی ماندن تا روز چهارم در منی مقاله‌ی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.

## اقسام حج حج قرآن

ام المؤمنین عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا گفته است: ما در سال حَجَّة الْوَدَاع همراه با رسول اللہ ﷺ از مدینہ بہ طرف کعبہ شریفہ بیرون شدیم، و در میان ما کسانی بودند کہ نیت عمرہ، و شمار دیگری نیت عمرہ و حج ہردو را نمودہ بودند، و برخی دیگر فقط نیت حج را نمودہ بودند<sup>۱</sup>.

### بَابُ الْقِرَانِ:

- (۱) الْقِرَانُ: عِنْدَنَا أَفْضَلُ مِنَ التَّمَتُّعِ وَالْإِفْرَادِ.
- (۲) وَصِفَةُ الْقِرَانِ: أَنْ يُهْلَ بِالْعُمْرَةِ وَالْحَجِّ مَعًا مِنَ الْمِيقَاتِ، وَيَقُولَ عَقِيبَ صَلَاتِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ، فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، فَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ ابْتَدَأَ فُطَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ يَرْمِلُ فِي الثَّلَاثِ الْأُولِ مِنْهَا، وَيَسْعَى بَعْدَهَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَهَذِهِ أَفْعَالُ الْعُمْرَةِ.
- (۳) ثُمَّ يَطُوفُ بَعْدَ السَّعْيِ طَوَافَ الْقُدُومِ، وَيَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ كَمَا بَيَّنَّا فِي الْمَفْرَدِ، فَإِذَا رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ يَوْمَ النَّحْرِ، ذَبَحَ شَاةً، أَوْ بَدَنَةً، أَوْ بَقَرَةً، أَوْ سُبُعَ بَدَنَةٍ، وَهَذَا دَمُ الْقِرَانِ.
- (۴) فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَا يَذْبَحُ، صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ، آخِرُهَا يَوْمَ عَرَفَةَ فَإِنْ فَاتَهُ الصَّوْمُ حَتَّى جَلَّهَ، يَوْمَ النَّحْرِ، لَمْ يُجْزِهِ إِلَّا الدَّمُ، ثُمَّ يَصُومُ سَبْعَةَ أَيَّامٍ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ، وَإِنْ صَامَهَا بِمَكَّةَ بَعْدَ فَرَاعِهِ مِنَ الْحَجِّ جَازَ.
- (۵) فَإِنْ لَمْ يَدْخُلِ الْقَارِنُ مَكَّةَ، وَتَوَجَّهَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَقَدْ صَارَ رَافِضًا لِعُمْرَتِهِ بِالْوُقُوفِ، وَبَطَلَ عَنْهُ دَمُ الْقِرَانِ، وَعَلَيْهِ دَمٌ لِرَفْضِ عُمْرَتِهِ، وَعَلَيْهِ قِضَاؤُهَا.

۱ - رواه البخاري ومسلم.

## ترجمه

### باب در بیان حج قران

- (۱) حج قران نزد ما (احناف) بهتر از حج تمتع و افراد است.
- (۲) و طریقه حج قران این است که حاجی از میقات به نیت عمره و حج احرام بندد و بعد از اداء دو رکعت نماز دعای ذیل را بخواند: {اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي} «پروردگارا! من اراده حج و عمره دارم آن را برایم آسان کن و از من قبول فرما» و هنگامی که در مکه داخل گردید نخست به طواف کعبه شریفه شروع نموده پیرامون آن هفت بار گردش کند، در سه گردش اولی رمل کند، بعد از آن بین صفا و مروه سعی نماید، و همین اندازه اعمال عمره است.
- (۳) بعد از آن طواف قدوم را انجام دهد، و بین صفا و مروه سعی کند، چنانکه (در هنگام تفصیل حج افراد) آن را بیان نمودیم، وقتی در روز نحر (دهم ذوالحجه) جمره را زد، یک گوسفند و یا یک گاو و یا یک شتر را ذبح کند، و یا در هفتم حصه گاو و یا شتر شریک شود، و این دم قران (قربانی و شکرانه حج قران) است.
- (۴) و اگر توان قربانی کردن را نداشت، سه روز در ایام حج روزه بگیرد، که روز آخر آن یوم عرفه باشد، و اگر روزه از وی فوت گردید تا آنکه روز نحر رسید در این صورت جز دم (قربانی) چیزی دیگری جواز ندارد، بعد از گرفتن سه روز روزه قبل از یوم نحر هفت روز روزه دیگر را وقتی بگیرد که به خانه اش برسد، و اگر این هفت روز، روزه را بعد از فراغت از اعمال حج در مکه بگیرد جایز است.
- (۵) و اگر حاجی قارن بدون آنکه مکه مکرمه شود مستقیماً طرف عرفات رود، وی به سبب وقوف در عرفات ترک کننده عمره پنداشته می شود، و دم قران از وی ساقط گردیده است، ولی دم ترک عمره و همچنان قضای عمره بر وی لازم است.

## شرح

### اقسام حج

حج نظر به احرام به سه قسم است :

- ۱- حج قران. ۲- حج تمتع. ۳- حج افراد.
- علما این سه نوع حج را در اسلام به اتفاق جائر می دانند.

## تعریف قران

در لغت: قران یکجا نمودن دو چیز را گویند.

و در اصطلاح: قران این است که حاجی از میقات نیت حج و عمره را یکجا کند.

### ترتیب اقسام حج به اعتبار فضیلت

در مذهب ما (مذهب حنفی) حج قران نسبت به حج تمتع و افراد افضل و بهتر است. در حج قران دو عبادت یکجا انجام می‌شود، مانند اینکه کسی با وصف روزه داشتن اعتکاف بنشیند.

سنت در حق حاجی قارن آنست که این کلمات را بگوید: **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِیْسَرُهُمَا لِیْ وَتَقَبَّلَهُمَا مِنِّیْ**، بعد از آن تلبیه گوید<sup>۱</sup>.

### اعمالی که حاجی قارن هنگام داخل شدن به مکه انجام می‌دهد

- ۱- نخست طواف عمره کند، در سه شوط اول رَمَلَ کند (رفتارش مانند پهلوانان باشد گام‌هایش را نزدیک نزدیک بنهد و شانه‌اش را تکان دهد و تیز برود).
- ۲- بعد از طواف دو رکعت نماز اداء کند، بعد از آن میان صفا و مروه سعی نماید، و در میان دو میل (دو پایه - حالا دو برق سبز است) به سرعت راه برود، و بدین ترتیب هفت گردش را پوره کند، و عمره‌اش در همین جا مکمل می‌گردد، و به مذهب ما حاجی قارن دو بار طواف و دو بار سعی به جا می‌آرد.
- ۳- بعد از آن به اعمال حج شروع کند، و طواف قدوم را انجام دهد، بعد از آن سایر اعمال حج را به گونه که قبلاً ذکر گردید مکمل نماید.
- ۴- در روز عید وقتی جمره را می‌زند ذبح کردن حیوانی بر وی واجب است.

### روژه عوض قربانی

اگر حاجی قارن توان ذبح دم شکرانه (قربانی) را نداشته باشد، باید ده روز، روزه بگیرد، سه روز آن را پیش از عید بگیرد و آخرین آن روز عرفه باشد، و هفت روز آن را بعد از فارغ شدن از اعمال حج بگیرد، و در گرفتن این هفت روز روزه اختیار دارد که آن را در مکه مکرمه بعد از ایام تشریق می‌گیرد و یا اینکه وقتی به خانه خود رسید می‌گیرد. اما اگر حاجی قارن تا رسیدن عید روزه نگرفت در این صورت جز دم (قربانی) چیزی

۱ - الفقه المیسر: ۲۴۴ {فتح القدیر - (ج ۵ / ص ۳۰۶)}

دیگری جواز ندارد.

## فعالیت

فرق بین حج قران و حج افراد را واضح نمایید.

## ارزیابی



- ۱- اقسام حج را نام بگیرید؟
- ۲- قران را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید؟
- ۳- کدام حج افضل و بهتر است؟
- ۴- حاجی قارن وقتی به مکه مکرمه داخل شود چه عملی را انجام می‌دهد؟

## کارخانه گی



حج قران نسبت به حج تمتع و افراد افضل و بهتر است، دلیل این مطلب را در کتابچه‌های خود بنویسید.



## اقسام حج حج تمتع

در درس قبلی حج قران را شناختیم، حجتی که نسبت به حج تمتع و افراد افضل و بهتر است، حالا می‌خواهیم حج تمتع را بشناسیم.

### بَابُ التَّمَتُّعِ:

(۱) التَّمَتُّعُ عِنْدَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْإِفْرَادِ. وَالتَّمَتُّعُ عَلَى وَجْهَيْنِ: مُتَمَتِّعٌ يَسُوقُ الْهَدْيَ، وَتَمَتَّتٌ لَا يَسُوقُ الْهَدْيَ.

(۲) وَصِفَةُ الْمُتَمَتِّعِ: أَنْ يَتَّيَدَّى مِنَ الْمَيْقَاتِ فَيُحْرِمَ بِعُمْرَةٍ، وَيَدْخُلَ مَكَّةَ فَيَطُوفَ لَهَا، وَيَسْعَى وَيَحْلُقَ، أَوْ يُقَصِّرَ، وَقَدْ حَلَ مِنْ عُمْرَتِهِ، وَيَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا ابْتَدَأَ بِالطَّوَافِ، وَيُقِيمُ بِمَكَّةَ حَلَالًا، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ، أَحْرَمَ بِالْحَجِّ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَفَعَلَ مَا يَفْعَلُهُ الْحَاجُّ الْمَفْرُدُ، وَعَلَيْهِ دَمُ التَّمَتُّعِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعَ.

(۳) وَإِذَا أَرَادَ الْمُتَمَتِّعُ أَنْ يَسُوقَ الْهَدْيَ، أَحْرَمَ وَسَاقَ هَدْيِهِ، وَإِذَا كَانَتْ بَدَنَةً قَلَّدَهَا بِمِزَازَةٍ، وَأَشْعَرَ أَوْ نَعَلَ الْبَدَنَةَ عِنْدَ أَبِي يُوسُفَ وَمُحَمَّدٍ، وَهُوَ: أَنْ يَشُقَّ سَنَامُهَا مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ، وَلَا يُشْعِرُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، فَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ طَافَ وَسَعَى، وَلَمْ يَتَحَلَّلْ حَتَّى يُحْرِمَ بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ، وَإِنْ قَدَّمَ الْإِحْرَامَ قَبْلَهُ جَازَ وَعَلَيْهِ دَمٌ، فَإِذَا حَلَقَ يَوْمَ النَّحْرِ فَقَدْ حَلَ مِنَ الْإِحْرَامَيْنِ جَمِيعًا.

(۴) وَلَيْسَ لِأَهْلِ مَكَّةَ تَمَتُّعٌ وَلَا قِرَانٌ، وَإِنَّمَا لَهُمُ الْإِفْرَادُ خَاصَّةً، وَإِذَا عَادَ الْمُتَمَتِّعُ إِلَى أَهْلِهِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ الْعُمْرَةِ، وَلَمْ يَكُنْ سَاقَ الْهَدْيِ بَطَلَ تَمَتُّعُهُ.

(۵) وَمَنْ أَحْرَمَ بِالْعُمْرَةِ قَبْلَ أَشْهُرِ الْحَجِّ، فَطَافَ لَهَا أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْوَاطٍ، ثُمَّ دَخَلَتْ أَشْهُرُ الْحَجِّ، فَتَمَّتْهَا وَأَحْرَمَ بِالْحَجِّ كَانَ مُتَمَتِّعًا، وَإِنْ طَافَ لِعُمْرَتِهِ قَبْلَ أَشْهُرِ الْحَجِّ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ فَصَاعِدًا، ثُمَّ حَجَّ مِنْ عَامِهِ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ مُتَمَتِّعًا.

(۶) وَأَشْهُرُ الْحَجِّ: شَوَّالٌ، وَذُو الْقَعْدَةِ، وَعَشْرٌ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ فَإِنْ قَدَّمَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ عَلَيْهَا، جَازَ إِحْرَامُهُ وَانْعَقَدَ حَجُّهُ.

(۷) وَإِذَا حَاضَتْ الْمَرْأَةُ عِنْدَ الْإِحْرَامِ، اغْتَسَلَتْ وَأَحْرَمَتْ وَصَنَعَتْ مَا يَصْنَعُهُ الْحَاجُّ، غَيْرَ أَنَّهَا لَا تَطُوفُ بِالْبَيْتِ حَتَّى تَطْهَرَ، وَإِنْ حَاضَتْ بَعْدَ الْوُقُوفِ، وَطَوَّافِ الزِّيَارَةِ، انْصَرَفَتْ مِنْ مَكَّةَ، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهَا لِتَرْكِ طَوَافِ الصَّدْرِ.

ترجمه

### باب در بیان حج تمتع

(۱) تمتع در نزد احناف بهتر از افراد است، و حاجی متمتع به دو نوع است: یکی متمتعی که با خود قربانی ببرد، دوم متمتعی که با خود قربانی نبرد.

(۲) طریقه تمتع آنست که از میقات شروع نماید، و احرام عمره را بر بندد، و در مکه داخل گردیده طواف و سعی و حلق یا قصر نماید، و خود را از احرام عمره حلال گرداند، و زمانی که به طواف شروع نمود تلبیه را متوقف سازد، و بدون احرام در مکه باقی بماند، و در روز هشتم ذوالحجه (یوم ترویة) از مسجد (مسجد الحرام) احرام بندد، و اعمالی را که حاجی مفرد انجام می دهد آن را انجام دهد، و دم (قربانی) تمتع بر وی واجب است، و اگر چیزی نداشت ده روز، روزه بگیرد، سه روز قبل از عید و هفت روز وقتی که به سوی خانه اش برگردد.

(۳) و اگر حاجی متمتع اراده بردن هدی (قربانی) را داشته باشد، احرام بندد و قربانی خود را ببرد، اگر قربانی شتر باشد از ریسمان و یا چرم آن چیزی بر گردنش آویزان کند، و نزد امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله شتر باید اشعار کرده شود، اشعار این را گویند که طرف راست کوهان شتر اندکی زخمی گردد، اما نزد امام ابو حنیفه رحمه الله شتر نباید اشعار کرده شود، وقتی داخل مکه گردید طواف و سعی کند، و خود را حلال نکند تا آنکه روز هشتم ذوالحجه (یوم الترویة) برای حج احرام بندد، و اگر قبل از یوم ترویة احرام بندد نیز جایز است، ولیکن بر وی دم (قربانی) تمتع واجب است، و در روز نحر (دهم ذوالحجه) وقتی سر خود را تراشید از هر دو احرام حلال گردد.

(۴) و بر اهل مکه حج قران و تمتع نیست، بر ایشان فقط حج افراد است، و اگر حاجی متمتع بعد از ادای عمره به سوی خانواده اش برگردد و همراه خود هدی (قربانی) نبرده باشد متمتعش باطل شود.

(۵) و کسی که قبل از ماه های حج به قصد عمره احرام بندد و کمتر از چهار شوط طواف

عمره را کرده باشد که ماه‌های حج داخل گردد، طواف عمره را پوره نموده به حج احرام بندد موصوف حاجی متمتع شمرده می‌شود، و اگر پیش از دخول ماه‌های حج چهار شوط یا بیشتر از آن طواف کرده باشد، بعد از آن در همین سال حج کند، موصوف متمتع گفته نمی‌شود. (۶) ماه‌های حج قرار ذیل است: شوال، ذو القعدة، و ده روز اول ذوالحجه، اگر قبل از ماه‌های حج احرام بندد احرامش جایز بوده و حجش درست می‌شود.

(۷) و اگر زنی نزد احرام بستن حیض بیند، باید غسل کند و احرام بندد و اعمالی را که دیگر حجاج انجام می‌دهند وی نیز انجام دهد، لیکن تا هنگام پاک شدن از حیض طواف نکند، و اگر بعد از وقوف عرفات و طواف فرضی حیض بیند، باید از مکه برگردد و بخاطر ترک کردن طواف صدر (طواف وداع) چیزی بر وی لازم نمی‌شود.

### شرح

**تعریف تمتع:** تمتع در لغت: فایده برداشتن را گویند<sup>۱</sup>.

در اصطلاح: تمتع آنست که انسان از میقات وطن خود، فقط برای عمره احرام بندد، و به مکه مکرمه بیاید و اعمال عمره را انجام دهد، و چون از اعمال عمره فارغ گردد در مکه مکرمه به صفت حلال بماند (از احرام خود را بکشد)، بعد از آن در وقت حج بار دوم برای حج احرام بندد. **طریقه حج تمتع:** در حج تمتع فقط برای عمره احرام بسته می‌شود، و حاجی بعد از ادای دو رکعت نماز، این دعا را باید بخواند: {اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي}، «پروردگارا! می‌خواهم عمره اداء کنم، آن را برایم آسان گردان و از من قبولش فرما».

بعد از آن پسان حج قران اعمال عمره را انجام دهد، لیکن در عمره، بعد از سعی موی سر خود را بتراشد یا کم کند، و با این عمل از احرام بیرون می‌شود<sup>۲</sup>. وقتی روز هشتم ذوالحجه (یوم ترویة) فرارسد، برای حج احرام بندد و اعمال و مناسک حج را انجام دهد.

**روژه گرفتن:** اگر حاجی متمتع توان دم شکر (قربانی) را نداشته باشد حکم آن مانند حکم حاجی قارن است.

بر باشندگان مکه مکرمه حج قران و تمتع نمی‌باشد، بلکه بر ایشان فقط حج افراد است. **فرق بین حاجی قارن و متمتع:** احرام قارن برای حج و عمره هردو از میقات بسته می‌شود و بعد از ادای عمره در حالت احرام می‌باشد تا حج را اداء و خود را از احرام خارج سازد، اما احرام متمتع برای عمره از میقات و برای حج از مکه مکرمه بسته می‌شود.

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (ج ۴ / ص ۴۳۶) - رد المختار - (ج ۸ / ص ۳۶۶)  
 ۲ - این در صورتی است که همراه خود هدی (قربانی) نبرده باشد، اگر هدی برده باشد حلال نمی‌شود.

**فرق بین متمتع و مفرد:** وقتی حاجی متمتع از عمره فارغ گردد نیت حج را کند، و تصرفات وی مانند تصرفات حاجی مفرد است، مگر در سه چیز همانند او نیست:

**اول:** طواف قدوم را انجام نمی‌دهد، زیرا وی در حکم حاجی مکی می‌باشد، و برای حاجی مکی طواف قدوم سنت نیست، بلکه طواف قدوم در حق حاجی قارن و حاجی مفرد سنت است.

**دوم:** هدای در حق حاجی متمتع و قارن به سبب یکجا بودن دوئُسُک (عمره و حج) واجب، و در حق حاجی مفرد مستحب است.

**سوم:** متمتع در طواف زیارت رمل می‌کند، زیرا وی بعد از آن سعی می‌نماید، و رمل در طوافی مشروع قرار داده شده که بعد از آن سعی باشد، هرگاه سعی نباشد رمل نیست، اما مفرد و قارن اینچنین نیستند، زیرا آنها در طواف قدوم رمل می‌کنند، زیرا طواف قدوم در حق آنها سنت است، و بعد از آن سعی می‌کنند، و این در صورتی است که بعد از طواف اراده سعی را داشته باشند، و اگر سعی را تا وقت طواف زیارت به تعویق اندازند در این صورت در طواف زیارت نیز رمل می‌کنند!

## فعالیت

با استاد خود در باره فرق بین متمتعی که هدای می‌فرستد و متمتعی که هدای نمی‌فرستد گفتگو نمایید؟

## ارزیابی

- ۱- تمتع را تعریف کنید.
- ۲- طریقه اداء کردن تمتع چگونه است؟
- ۳- آیا برای باشنده گان مکه تمتع است؟
- ۴- فرق بین حاجی قارن و حاجی متمتع را بیان کنید.
- ۵- فرق بین حاجی مفرد و متمتع چیست؟

## کارخانه گی

حاجی متمتعی که توان ذبح حیوان را نداشته باشد روزه بگیرد، ترتیب این قسم روزه را در کتابچه‌های خود بنویسید.

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق - (ج ۴ / ص ۴۴۵)

## عُمَرَه

در درس‌های قبلی در باره اقسام حج معلومات حاصل نمودیم، حالا می‌خواهیم در باره عمره چیزی بدانیم.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فرموده است {الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ} <sup>۱</sup>. «عُمَرَه تا عُمَره دیگر محو کننده گناहانی است که در میان آن دو است، و حج مبرور <sup>۲</sup> را جز جنت جزایی نیست»

### شرح

**تعریف عُمَرَه:** در لغت: زیارت کردن را گویند. و در اصطلاح: عمره این است که انسان به نیت عبادت و در لباس احرام، بیت الله شریف برود، و سعی و طواف کند ولی مانند حج فرضی وقت معین ندارد.

**حکم عُمَرَه:** عمره در تمام عمر یکبار سنت مؤکده است.

عمره در حق کسی واجب است که بدون اراده حج قصد داخل شدن به مکه را کند، به نیت عمره از میقات عبور نماید، همچنان بر کسی واجب است که به ادای عمره شروع نموده باشد <sup>۳</sup>.

### میقات عُمَرَه

**میقات زمانی عُمَرَه:** عُمَره کردن در تمام روزهای سال صحیح است و در رمضان مستحب می‌باشد، حضرت جابر رضی الله عنه روایت نموده که نبی کریم ﷺ فرموده است: عُمَره در رمضان ثواب حج را دارد.

لیکن بهترین وقت برای اداء عُمَره بعد از اداء حج است، از حضرت عامر بن ربیع رضی الله عنه روایت است که نبی کریم ﷺ فرموده است: در بین حج و عُمَره نزدیکی بیاورید، زیرا نزدیکی آوردن در بین آنها سبب افزونی عمر و رزق می‌شود و فقر و گناهان را از بین می‌برد <sup>۴</sup>.

### ۲. میقات‌های مکانی عمره

الف: برای آفاقی: مواقیت حج است.

۱ - صحیح البخاری - (ج ۲ / ص ۶۲۹) - صحیح مسلم - (ج ۴ / ص ۱۰۷)

۲ - حج مبرور: حج مقبول.

۳ - الفقه المیسر: ۲۴۵ - فقه العبادات - حنفی - (ج ۱ / ص ۱۹۹)

۴ - مجمع الزوائد: ج ۳ / ص ۲۷، رواه أحمد والطبرانی فی الکبیر - فتح الباری - ابن حجر - (۵۹۸ / ۳).

ب: برای باشندگان مکه و کسانی که در آن مقیم اند، بهتر است که از اماکن ذیل احرام بندند:

۱. تَنْعِيم: محلی که به مسجد حضرت عایشه رضی الله عنها پیوست است.
۲. جِعْرَانَةُ: محلی که در جهت طائف قرار دارد و از مکه مکرمه شش فرسخ ۳۲,۴ کیلو متر دور است.

## اعمال عمره

۱. بستن احرام برای صحت عمره شرط است، و کیفیت آن مانند کیفیت احرام حج است.
  ۲. طواف: و آن رکن عمره است. ۳. سعی بین صفا و مروه. ۴. تراشیدن و یا کم کردن موی سر.
- و کسی که نیت ادای عمره را داشته باشد باید به منطقه حل برود و از آنجا برای عمره احرام بندد، باشنده اصلی مکه باشد و یا مقیم آن. کسی که از مکه مکرمه دور باشد، باید از میقات احرام بندد.

## فعالیت

با استاد خود در باره فرق بین حج و عمره مناقشه و گفتگو نمایید.

## ارزیابی

- ۱- عمره را تعریف کنید.
- ۲- حکم عمره چیست؟
- ۳- میقات زمانی عمره کدام است؟
- ۴- میقات های مکانی عمره کدامها اند؟
- ۵- افعال عمره کدام است؟

## کارخانه گی

بهترین اماکن بستن احرام عمره برای باشندگان مکه کدام جای ها است، تفصیل این موضوع را در کتابچه های خود بنویسید

## جنايات حج و جزاء آن

در درس‌های قبلی احکام حج و عمره را شناختیم، حالا می‌خواهیم اعمالی را بشناسیم که انجام آن در اثنای احرام، حرام بوده و در فقه اسلامی آن را جنايات می‌گویند.

### بَابُ الْجَنَايَاتِ فِي الْحَجِّ:

(۱) إِذَا تَطَيَّبَ الْحُرْمُ، فَعَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ، فَإِذَا طَيَّبَ عُضْوًا كَامِلًا فَمَا زَادَ فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ طَيَّبَ أَقْلَ مِنْ عُضْوٍ، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ.

(۲) وَإِنْ لَيْسَ ثَوْبًا مَخِيطًا، أَوْ غَطَّى رَأْسَهُ يَوْمًا كَامِلًا، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ كَانَ أَقْلَ مِنْ ذَلِكَ، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ، وَإِنْ حَلَقَ رُبْعَ رَأْسِهِ فَصَاعِدًا، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ حَلَقَ أَقْلَ مِنَ الرَّبْعِ، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ.

(۳) وَإِنْ حَلَقَ مَوَاضِعَ الْحَاجِمِ مِنَ الرِّقْبَةِ فَعَلَيْهِ دَمٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: صَدَقَةٌ.

(۴) وَإِنْ قَصَّ أَظْفِيرَ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ قَصَّ يَدًا أَوْ رِجْلًا، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ قَصَّ أَقْلَ مِنْ خَمْسَةِ أَظْفِيرٍ مُتَفَرِّقَةٍ مِنْ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَأَبِي يُوسُفَ، وَقَالَ مُحَمَّدٌ: عَلَيْهِ الدَّمُ.

(۵) وَإِنْ تَطَيَّبَ، أَوْ لَبَسَ أَوْ حَلَقَ مِنْ عُدْرٍ، فَهُوَ مُخَيَّرٌ: إِنْ شَاءَ ذَبَحَ شَاةً وَإِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ عَلَى سِتَّةِ مَسَاكِينَ بِثَلَاثَةِ أَصْوُعٍ مِنَ الطَّعَامِ، وَإِنْ شَاءَ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

(۶) فَإِنْ قَبَّلَ، أَوْ لَمَسَ بِشَهْوَةٍ، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَ مَنْ جَامَعَ فِي أَحَدِ السَّبِيلَيْنِ قَبْلَ الْوُقُوفِ بِعَرَفَةَ، فَسَدَ حَجُّهُ، وَعَلَيْهِ شَاةٌ، وَيَمْضِي فِي الْحَجِّ كَمَا يَمْضِي مَنْ لَمْ يَفْسُدْ حَجُّهُ، وَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُفَارِقَ امْرَأَتَهُ إِذَا حَجَّ بِهَا فِي الْقَضَاءِ، وَ مَنْ جَامَعَ بَعْدَ الْوُقُوفِ بِعَرَفَةَ، لَمْ يَفْسُدْ حَجُّهُ، وَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ، فَإِنْ جَامَعَ بَعْدَ الْحَلْقِ فَعَلَيْهِ شَاةٌ.

(۷) وَمَنْ جَامَعَ فِي الْعُمْرَةِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ لَهَا أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ، أَفْسَدَهَا، وَمَضَى فِيهَا، وَقَضَاهَا، وَعَلَيْهِ شَأْنٌ، وَإِنْ وَطِئَ بَعْدَهَا طَافَ لَهَا أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ، فَعَلَيْهِ شَأْنٌ وَلَا تَفْسُدُ عُمْرَتُهُ، وَلَا يَلْزِمُهُ قِضَاؤُهَا، وَمَنْ جَامَعَ نَاسِيًا كَمَنْ جَامَعَ عَامِدًا.

## ترجمه

### باب در بیان جنایات

(۱) وقتی مُحرمی عطر استعمال کند، کفاره بر وی لازم است، اگر یک عضو کامل و یا بیشتر از آن را خوشبو سازد بر وی دم واجب گردد، و اگر کمتر از یک عضو را خوشبو سازد صدقه بر وی واجب شود.

(۲) و اگر لباس دوخته شده را بپوشد، و یا سر خود را به مدت یک روز بپوشاند، دم بر وی واجب می گردد، و اگر به مدت کمتر از یک روز باشد صدقه بر وی لازم است، و اگر چهارم حصه سر و یا بیشتر از آن را بتراشد، دم بر وی لازم است، و اگر کمتر از چهارم حصه باشد صدقه بر وی لازم است.

(۳) و اگر جاهای حجامت (خون کشی) را بتراشد، نزد امام ابو حنیفه رحمه الله دم بر وی لازم است، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: صدقه بر وی لازم است.

(۴) و اگر ناخن های هردو دست و هردو پایش را کوتاه کند، دم بر وی لازم است، و اگر ناخن های یک دست و یا یک پای را قطع کند، نیز بر وی دم لازم است، و اگر کمتر از پنج ناخن را بطور متفرق از هردو دست و هردو پایش قطع کند، نزد امام ابو حنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله صدقه بر وی لازم است، و امام محمد رحمه الله گفته است: دم بر وی واجب است.

(۵) اگر از جهت عذر عطر استعمال کند، و یا موی خود را بتراشد و یا لباس دوخته شده را بپوشد پس او اختیار دارد: اگر بخواهد گوسفندی را ذبح کند، و اگر بخواهد سه پیمانۀ طعام را بر شش مسکین صدقه دهد، و اگر خواسته باشد سه روز، روزه بگیرد.

(۶) و اگر از روی شهوت زن خود را بوسه کرد، و یا از روی شهوت دست کشید، دم بر وی لازم است، و کسی که قبل از وقوف عرفات در یکی از دو راه (پیش و یا پس) جماع کند، حش فاسد گردد، و بر وی ذبح یک گوسفند لازم است، و به حج خود مانند کسی که



حجش را فاسد نکرده دوام دهد، و بر وی قضا لازم است، و در سال آینده هنگامی که قضاء آن را می‌آورد (از خوف اینکه مبادا با همسر خود جماع کند) لازم نیست که از وی جدا شود، و کسی که بعد از وقوف عرفات با همسر خود جماع کرد، حجش فاسد نمی‌شود، و بر وی ذبح یک شتر لازم است، و اگر بعد از حلق (تراشیدن موی) جماع کرد، ذبح گوسفندی بر وی لازم است.

(۷) و کسی که در دوران اداء عمره و قبل از چهار شوط طواف جماع کند، عمره خود را فاسد کرده است، و باید به باقی اعمال عمره دوام بخشد، و قضاء آن را بیاورد، و گوسفندی بر وی لازم است، و اگر بعد از چهار شوط طواف جماع کرد، گوسفندی بر وی لازم است، و عمره اش درست بوده و قضاء لازم نمی‌باشد، و کسی که به فراموشی جماع کند مانند کسی است که قصدا جماع نموده است.

## شرح

### تعریف جنایات

در لغت: جنایات جمع جنایت، و جنایت گناه را گویند.  
و در اصطلاح: ارتکاب عملی است در حج که حاجی از آن منع گردیده است.

### اقسام جنایت

جنایت به دو قسم است:

۱. جنایت در احرام.
۲. جنایت در حرم.

در این درس و در درس بعدی جنایت در احرام را می‌خوانیم:

### (۱) جنایت در احرام

جنایت در احرام آنست که مُحَرَّم در حالت احرام عملی را که در اثناء حج از آن منع گردیده، مرتکب شود، و یا یکی از واجبات حج را ترک کند.

جنایت در احرام به شش قسم است

**اول:** جنایتی است که به سبب آن حج فاسد می‌شود، و جبران آن به دم، روزه و صدقه نمی‌شود، این جنایت جماع کردن پیش از وقوف عرفات است.

یعنی کسی که پیش از وقوف عرفات جماع کند، حجش فاسد گردد، و ذبح یک گوسفند و قضاء آن در سال آینده بر وی واجب است.

**دوم:** جنایتی که به ارتکاب آن بدنه واجب می‌شود، و آن دو کار است

۱- جماع کردن بعد از وقوف عرفات و قبل از تراشیدن موی سر.

۲- در حالت جنابت طواف زیارت کردن.

**سوم:** جنایتی که به ارتکاب آن دم (یک گوسفند و یا هفتم حصه گاو) واجب می شود، این جنایت شامل اشیاء ذیل است:

۱- ارتکاب کارهای که موجب جماع است مانند بوسه کردن و دست زدن به زن به طریق شهوت.

۲- پوشیدن لباس دوخته شده بدون عذر.

۳- دور ساختن موی سر و ریش بدون عذر.

۴- اگر مُحَرَّم یک روز کامل سر خود را بپوشاند.

۵- مُحَرَّم یک اندام خود را مثل ران، پای، دست، روی و سر خوشبو سازد.

۶- ناخن های یک دست یا یک پای خود را قطع کند.

## فعالیت

با همکاری استاد آیت مبارکه زیر را تشریح کنید:

وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا  
وَأَطِيعُوا أَلْفَافَ الْفَقِيرِ (الحج: ۲۸)

## ارزیابی

۱- معنای جنایت در احرام چیست، بیان دارید؟

۲- کدام جنایت است که به ارتکاب آن حج فاسد می گردد، و به دم، روزه و صدقه جبران نمی شود؟

۳- کدام جنایت است که با ارتکاب آن بدنه (حیوان بزرگ: شتر و گاو) واجب می شود؟

۴- کدام جنایت است که با ارتکاب آن گوسفند و یا هفتم حصه بدنه واجب می گردد؟

## کارخانه گی

تعریف جنایت را در کتابچه های خود بنویسید.

## جنايات حج و جزای آن (۲)

در درس قبلی گفتیم که جنایت به دو قسم است: یکی جنایت در احرام و دیگری جنایت در حرم، همچنان اقسام جنایت در احرام را بیان نمودیم که شش قسم است، از آنجمله سه قسم آن را شناختیم، حالا می‌خواهیم سه قسم باقیمانده آن را بشناسیم.

(۱) وَمَنْ طَافَ طَوَافَ الْقُدُومِ مُحْدِثًا، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ، وَإِنْ طَافَ جُنُبًا، فَعَلَيْهِ شَاةٌ، وَمَنْ طَافَ طَوَافَ الزِّيَارَةِ مُحْدِثًا، فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَإِنْ طَافَ جُنُبًا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ، وَالْأَفْضَلُ أَنْ يُعِيدَ الطَّوَافَ مَا دَامَ بِمَكَّةَ وَلَا ذَبَحَ عَلَيْهِ، وَمَنْ طَافَ طَوَافَ الصَّدْرِ مُحْدِثًا، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ، وَإِنْ طَافَ جُنُبًا، فَعَلَيْهِ شَاةٌ.

(۲) وَمَنْ تَرَكَ مِنْ طَوَافِ الزِّيَارَةِ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ فَمَا دُونَهَا، فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَإِنْ تَرَكَ مِنْهُ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ، بَقِيَ مُحْرِمًا أَبَدًا، حَتَّى يَطُوفَهَا، وَمَنْ تَرَكَ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ مِنْ طَوَافِ الصَّدْرِ، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ، وَإِنْ تَرَكَ مِنْهُ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ فَعَلَيْهِ، شَاةٌ وَمَنْ تَرَكَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَعَلَيْهِ شَاةٌ، وَحُجُّهُ تَامٌ.

(۳) وَمَنْ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ، قَبْلَ الْإِمَامِ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

(۴) وَمَنْ تَرَكَ الْوُقُوفَ بِالْمُزْدَلِفَةِ فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَمَنْ تَرَكَ رَمِيَ الْجِمَارِ فِي الْأَيَّامِ كُلِّهَا، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ تَرَكَ رَمِيَ يَوْمٍ وَاحِدٍ، فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِنْ تَرَكَ رَمِيَ إِحْدَى الْجِمَارِ الثَّلَاثِ، فَعَلَيْهِ صَدَقَةٌ، وَإِنْ تَرَكَ جِمْرَةَ الْعَقَبَةِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

(۵) وَمَنْ أَخَّرَ الْحُلُقَ حَتَّى مَضَتْ أَيَّامُ النَّحْرِ فَعَلَيْهِ دَمٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ، وَكَذَا إِذَا أَخَّرَ طَوَافَ الزِّيَارَةِ، عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ.

## ترجمه

(۱) و کسی که در حالت بی وضویی طواف قدوم را اداء کند، صدقه بر وی لازم است، و اگر در حالت جنابت انجام دهد، ذبح گوسفندی بر وی لازم است، و کسی که طواف زیارت را در حالت بی وضویی انجام دهد، ذبح گوسفندی بر وی لازم است، و اگر در حالت جنابت انجام دهد بدنه بر وی واجب است، ولیکن بهتر آنست که در صورتی که در مکه باشد بار دوم طواف کند، و ذبح حیوان بر وی لازم نیست، و کسی که طواف صدر را در حالت بی وضویی انجام دهد، صدقه بر وی لازم است، و اگر در حالت جنابت انجام دهد ذبح گوسفندی بر وی لازم است.

(۲) و کسی که سه شوط و یا کمتر از سه شوط طواف زیارت را ترک کند، ذبح گوسفندی بر وی لازم است، و اگر چهار شوط را ترک کرد، باید به احرام خود دوام بدهد تا آنکه طواف کند، و کسی که سه شوط از طواف صدر را ترک کند، صدقه بر وی لازم است، و اگر همه طواف صدر و یا چهار شوط آن را ترک کند، ذبح گوسفندی بر وی لازم است، و کسی که سعی بین صفا و مروه را ترک کند ذبح گوسفندی بر وی لازم است، و حجش کامل می‌باشد.

(۳) و کسی که قبل از امام از میدان عرفات برگردد دم بر وی لازم است.

(۴) و کسی که وقوف مزدلفه را ترک کند، دم بر وی لازم است، و کسی که رمی جمرات در همه روزها را ترک کند، دم بر وی لازم است، و اگر رمی یک روز را ترک کند، دم بر وی لازم است، و اگر رمی یکی از جمرات سه گانه را ترک کند، صدقه بر وی لازم است، و اگر رمی جمره عقبه را در روز نحر (اول عید) ترک کند، دم بر وی لازم است.

(۵) و کسی که حلق (تراشیدن سر) را تا گذشتن ایام نحر به تاخیر اندازد، و یا طواف زیارت را مؤخر کند، نزد امام ابو حنیفه رحمه الله دم بر وی لازم است.

## شرح

### چهارم

جنایتی است که به ارتکاب آن نیم صاع گندم یا قیمت آن واجب می‌گردد، و این نوع جنایت شامل اشیاء ذیل می‌شود:

۱- وقتی مُحَرَّم یک یا دو ناخن خود را کوتاه کند، و از هر ناخن نیم صاع صدقه دهد.



۲- وقتی کمتر از یک روز سر و یا روی خود را بپوشانند.

۳- در حالت بی وضویی طواف کند.

۴- از جمله سه جمره یکی آن را ترک کند.

**پنجم:** جنایتی که با ارتکاب آن نیم صاع صدقه واجب می‌شود:

۱- وقتی شپش یا ملخی را بکشد، و هر قدر که زودتر می‌تواند باید صدقه بدهد.

۲- اگر دو شپش یا دو ملخ، و یا سه شپش و یا سه ملخ را بکشد. باید یک مشت طعام صدقه بدهد، و اگر بیشتر از آن را بکشد باید نیم صاع گندم را صدقه کند.

**ششم:** جنایتی که به ارتکاب آن قیمت واجب می‌گردد:

این جنایت عبارت از شکار کردن حیوان خشکه است، اگر مُحرم حیوانی را که در خشکه زنده گی می‌کند، شکار کرد، یا آن را ذبح نمود، و یا به کشتن آن اشاره کرد، و یا محلی را که حیوان در آنجا قرار دارد به کسی نشان داد، قیمت آن بر وی واجب است، برابر است که گوشت آن حلال باشد یا حرام، دو شخص عادل به نزدیکی محل شکار رفته قیمت آن را معلوم می‌کنند.

اگر قیمت حیوان شکار شده با قیمت قربانی برابر بود، مُحرم اختیار دارد که حیوانی را خریده در حرم ذبح کند، و یا اینکه به قیمت آن غله خریده به هر مسکین نیم صاع می‌دهد، و اگر بخواهد در بدل هر نیم صاع یک روز، روزه می‌گیرد.

و اگر قیمت حیوان شکار شده با قیمت حیوان (قربانی) برابر نبود، در این صورت مُحرم اختیار دارد که غله خریده به فقرا تقسیم کند، به هر فقیر نیم صاع بدهد، و یا اینکه در بدل هر نیم صاع یک روز، روزه بگیرد.

اگر مُحرم اشیاء موزی و مضر از قبیل زنبور، گژدم، مگس و مورچه را بکشد چیزی بر وی لازم نمی‌شود، همچنان اگر مُحرم مار، موش، چلپاسه، زاغ و سگ دیوانه را بکشد چیزی بر وی واجب نمی‌گردد.

## فعالیت

با استاد تان در مورد شناختن حیوان وحشی مناقشه و گفتگو نمایید، و پاسخ این پرسش را پیدا کنید: اگر حیوان وحشی نباشد و کشته شود جزاء آن چیست؟

## ارزیابی



- ۱- کدام جنایت است که با ارتکاب آن نیم صاع گندم و یا قیمت آن واجب می گردد؟
- ۲- کدام جنایت است که با ارتکاب آن کمتر از نیم صاع صدقه واجب می شود؟
- ۳- کدام جنایت است که با ارتکاب آن دادن قیمت واجب می گردد؟
- ۴- اگر مُحرم اشیاء مضر از قبیل مار یا گزدم را بکشد جزاء آن چیست؟

## کارخانه گی



با استفاده از دروس قبلی، تعریف صاع را در کتابچه‌های خود بنویسید، و اندازه فعلی یک صاع را واضح سازید.

### جنایات حج و جزای آن (۳)

قبلاً گفتیم که جنایت به دو نوع است، یکی جنایت در احرام و دیگری جنایت در حرم، و در درس گذشته اقسام جنایت در احرام را شناختیم، حالا می‌خواهیم جنایت در حرم را بشناسیم.

(۱) وَإِذَا قَتَلَ الْحَرَمُ صَيْدًا أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ مِنْ قَتَلِهِ، فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ، يَسْتَوِي فِي ذَلِكَ الْعَامِدُ وَالنَّاسِي، وَالْمُبْتَدِئُ وَالْعَائِدُ.

(۲) وَالْجَزَاءُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَأَبِي يُوسُفَ: أَنْ يُقَوَّمَ الصَّيْدُ فِي الْمَكَانِ الَّذِي قَتَلَهُ فِيهِ، أَوْ فِي أَقْرَبِ الْمَوَاضِعِ مِنْهُ.

(۳) إِنْ كَانَ فِي بَرِّيَّةٍ، يُقَوَّمُهُ ذَوَا عَدْلٍ، ثُمَّ هُوَ خَيْرٌ فِي الْقِيَمَةِ. إِنْ شَاءَ ابْتِاعَ بِهَا هَدِيًّا، فَذَبَحَ إِنْ بَلَغَتْ هَدِيًّا، وَإِنْ شَاءَ اشْتَرَى بِهَا طَعَامًا فَتَصَدَّقَ بِهِ عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ نِصْفَ صَاعٍ مِنْ بُرٍّ، أَوْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ شَعِيرٍ، وَإِنْ شَاءَ صَامَ عَنْ كُلِّ نِصْفِ صَاعٍ مِنْ بَرِّ يَوْمًا، وَعَنْ كُلِّ صَاعٍ مِنْ شَعِيرٍ يَوْمًا، فَإِنْ فَضَلَ مِنَ الطَّعَامِ أَقْلٌ مِنْ نِصْفِ صَاعٍ فَهُوَ خَيْرٌ: إِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ بِهِ، وَإِنْ شَاءَ صَامَ عَنْهُ يَوْمًا كَامِلًا.

(۴) وَقَالَ مُحَمَّدٌ: يَجِبُ فِي الصَّيْدِ النَّظِيرُ فِيمَا لَهُ نَظِيرٌ: فِيهِ الظَّبْيُ شَاةٌ، وَفِي الضَّبُعِ شَاةٌ، وَفِي الْأَرَنْبِ عَنَاقٌ، وَفِي النَّعَامَةِ بَدَنَةٌ وَفِي الْيَرْبُوعِ جَفْرَةٌ.

(۵) وَمَنْ جَرَحَ صَيْدًا، أَوْ نَتَفَ شَعْرَهُ، أَوْ قَطَعَ عَضْوًا مِنْهُ ضَمِنَ مَا نَقَصَ مِنْ قِيَمَتِهِ، وَإِنْ نَتَفَ رِيشَ طَائِرٍ، أَوْ قَطَعَ قَوَائِمَ صَيْدٍ، فَخَرَجَ مِنْ حَبْرِ الْإِمْتِنَاعِ، فَعَلَيْهِ قِيَمَتُهُ كَامِلَةً.

(۶) وَمَنْ كَسَرَ بَيْضَ صَيْدٍ، فَعَلَيْهِ قِيَمَتُهُ، فَإِنْ خَرَجَ مِنَ الْبَيْضَةِ فَرْخٌ مَيِّتٌ فَعَلَيْهِ قِيَمَتُهُ حَيًّا.

(۷) وَلَيْسَ فِي قَتْلِ الْغُرَابِ، وَالْحِدَاةِ، وَالْكَلْبِ، وَالذُّئْبِ، وَالْحَيَّةِ، وَالْعَقْرَبِ، وَالْفَأْرَةِ جَزَاءٌ.

(۸) وَلَيْسَ فِي قَتْلِ الْبُعُوضِ، وَالنَّمْلِ وَالْبَرَاعِثِ، وَالْقُرَادِ شَيْءٌ.

(۹) وَمَنْ قَتَلَ قَمَلَةً، تَصَدَّقَ بِمَا شَاءَ.

(۱۰) وَمَنْ قَتَلَ جَرَادَةً تَصَدَّقَ بِمَا شَاءَ وَتَمْرَةً خَيْرٌ مِنْ جَرَادَةٍ.

(۱۱) وَمَنْ قَتَلَ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ مِنَ الصَّيْدِ كَالسَّبَاعِ وَنَحْوَهَا فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ، لَا يَتَجَاوَزُ بِقِيَمَتِهَا شَاءً.

(۱۲) وَإِنْ صَالَ السَّبُعُ عَلَى مُحْرِمٍ فَقَتَلَهُ، فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

(۱۳) وَإِنْ اضْطَرَّ الْمُحْرِمُ إِلَى أَكْلِ لَحْمِ صَيْدٍ، فَقَتَلَهُ فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَذْبَحَ الْمُحْرِمُ الشَّاةَ، وَالْبَقَرَةَ، وَالْبَعِيرَ، وَالِدَّجَاجَ، وَالْبَطَّ الْكَسَكِرِيَّ.

(۱۴) وَإِنْ قَتَلَ حَمَامًا مُسْرَوًّا، أَوْ طَيْرًا مُسْتَأْنَسًا فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ.

(۱۵) وَإِذَا ذَبَحَ الْمُحْرِمُ صَيْدًا، فَذَبِيحَتُهُ مَيْتَةٌ، لَا يَحِلُّ أَكْلُهَا، وَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ الْمُحْرِمُ لَحْمَ صَيْدٍ اصْطَادَهُ حَلَالًا، أَوْ ذَبَحَهُ إِذَا لَمْ يَدُلَّهُ الْمُحْرِمُ عَلَيْهِ، وَلَا أَمْرُهُ بِصَيْدِهِ.

(۱۶) وَفِي صَيْدِ الْحَرَمِ إِذَا ذَبَحَهُ الْحَلَالُ الْجَزَاءُ، وَإِنْ قَطَعَ حَشِيشَ الْحَرَمِ أَوْ شَجَرَهُ الَّذِي لَيْسَ بِمَمْلُوكٍ، وَلَا هُوَ بِمَا يُنْبِتُهُ النَّاسُ فَعَلَيْهِ قِيَمَتُهُ.

(۱۷) وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلَهُ الْقَارِنُ مِمَّا ذَكَرْنَا، أَنْ فِيهِ عَلَى الْمُفْرِدِ دَمًا، فَعَلَيْهِ دَمَانِ: دَمٌ لِحَجَّتِهِ، وَدَمٌ لِعُمْرَتِهِ، إِلَّا أَنْ يَتَجَاوَزَ الْمِيقَاتَ مِنْ غَيْرِ إِحْرَامٍ، ثُمَّ يُحْرِمُ بِالْعُمْرَةِ وَالْحَجِّ، فَيَلْزِمُهُ دَمٌ وَاحِدٌ.

(۱۸) وَإِذَا اشْتَرَكَ مُحْرِمَانِ فِي قَتْلِ صَيْدٍ، فَعَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْجَزَاءُ كَامِلًا، وَإِذَا اشْتَرَكَ حَلَالَانِ فِي قَتْلِ صَيْدِ الْحَرَمِ فَعَلَيْهِمَا جَزَاءٌ وَاحِدٌ.

(۱۹) وَإِذَا بَاعَ الْمُحْرِمُ صَيْدًا، أَوْ ابْتَاعَهُ فَالْبَيْعُ بَاطِلٌ.

## ترجمه

(۱) وقتی مُحْرِم شکاری را بکشد و یا شخصی دیگری را به کشتن آن دلالت کند، جزا بر وی واجب گردد، و عامد (کسی که قصدا این کار را کند) و ناسی (کسی که به فراموشی



کند) و مبتدی (کسی که بار اول کند) و عائد (کسی که بطریق تکرار کند) در این جنایت برابر اند.

(۲) و جزاء نزد امام ابو حنیفه و ابو یوسف رحمهما الله آن است که شکار در محلی که کشته شده و یا در محلی که به جای قتل قریبتر است قیمت گذاری شود.

(۳) اگر در خشکه باشد دو نفر عادل قیمت آن را تعیین کنند، بعد از آن شخصی که مرتکب جنایت گردیده اختیار دارد که به قیمت آن قربانی می خرد و آن را ذبح می کند اگر قیمت قربانی را پوره کند، و اگر بخواهد به قیمت آن طعام می خرد و بر هر مسکین نیم صاع از گندم و یا یک صاع از خرما یا جو صدقه می دهد، و اگر بخواهد از هر نیم صاع از گندم و از هر صاع از جو یک روز، روزه می گیرد، و اگر از جمله طعام کمتر از نیم صاع اضافه باقی ماند، اختیار دارد: اگر بخواهد آن را صدقه می دهد، و اگر بخواهد یک روز کامل عوض آن روزه می گیرد.

(۴) و امام محمد رحمه الله گفته است: شکاری که مثل و مانند دارد مثل آن واجب است، پس در شکار آهو و کفتار گوسفند است، و در شکار خرگوش، بره ماده است که عمر آن از یکسال کمتر باشد، و در شکار شتر مرغ، شتر یا گاو است، و در شکار موش دشتی بره چهار ماهه است.

(۵) و کسی که شکاری را زخمی کند، و یا موی آن را بکند، و یا عضوی از آن را قطع کند، ضامن همان نقصانی است که از قیمت آن کاسته است، و اگر پر و بال پرنده ای را بکند، و یا پاهای آن را قطع کند که دیگر از نگهداری خود ناتوان گردد (از خود دفاع کرده و پرواز کرده نتواند) بر وی است تا قیمت آن را کامل بدهد.

(۶) و کسی که تخم پرنده را شکست، قیمت آن بر وی واجب است، و اگر از تخم چوپه مرده بیرون گردید، قیمت زنده آن بر وی واجب است.

(۷) و در کشتن زاغ، زغن، سگ، گرگ، مار، گژدم و موش هیچ جزایی نیست.

(۸) و در کشتن پشه، مورچه کیک و بوزینه هیچ جزایی نیست.

(۹) و کسی که شپشی را بکشد، هر اندازه که خواسته باشد صدقه بدهد.

(۱۰) و کسی که ملخی را بکشد، صدقه بدهد هر اندازه که خواسته باشد. و یک خرما بهتر از یک ملخ است.

(۱۱) و اگر محرمی یک حیوان حرام گوشت مثل درنده ها و امثال آن را بکشد، جزاء بر وی

- لازم است، و نباید قیمت آن از قیمت یک گوسفند اضافه شود.
- (۱۲) و اگر حیوان درنده بر مُحرمی حمله کند و مُحرم ناچار او را بکشد چیزی بر وی واجب نمی شود.
- (۱۳) و اگر مُحرمی به خوردن گوشت شکار مجبور گردد و آن را بکشد، بر وی جزا لازم است، اما اگر شخص مُحرم، گوسفند، گاو، شتر، مرغ و مرغ آبی کسکری<sup>۱</sup> را ذبح کند چیزی بر وی لازم نمی گردد.
- (۱۴) و اگر کبوتری را که در پاهایش زنگ واره است، و یا پرنده آموخته شده بکشد، بر وی جزاء لازم است.
- (۱۵) و اگر مُحرمی شکاری را بکشد، مذبوحه وی در حکم خودمرده بوده، و خوردن آن حرام است، و اگر مُحرمی گوشت شکاری را که شخص غیر مُحرم آن را شکار نموده بخورد باکی ندارد مشروط بر اینکه غیر مُحرم را به آن اشاره نکرده باشد و نه به شکار کردن آن امر کرده باشد.
- (۱۶) در شکار داخل حرم اگر شخص غیر مُحرمی آن را بکشد جزاء بر وی واجب است، و اگر گیاه و یا درخت حرم را که در ملکیت کسی نباشد، و نه از جمله نباتاتی باشد که مردم آن را کشت می کنند، قطع کند، قیمت آن بر وی واجب است.
- (۱۷) و اگر حاجی قارن هر کدام از اعمال مذکوره را مرتکب شود، اگر بر حاجی مفرد یک دم واجب گردد بر وی دو دم واجب می گردد: یک دم برای حج و دم دیگر برای عمره، مگر اینکه از میقات بدون احرام بگذرد، بعد از آن برای حج و عمره احرام بندد، در این صورت یک دم بر وی واجب است.
- (۱۸) و اگر دو مُحرم در کشتن شکاری شرکت کنند، بر هر کدام آنها جزاء کامل واجب است، و اگر دو غیر مُحرم در کشتن شکار حرم شرکت کنند، یک جزاء بر آنها واجب است.
- (۱۹) و اگر مُحرمی شکاری را بفروشد و یا آن را بخرد بیع شان باطل است.

۱ - مراد به کسکری: مرغ آبی که در منازل و حوض ها زندگی می نماید، زیرا این نوع مرغ آبی در اصل خلقت خود الوف می باشد (المجتبی).

## شرح

### مسائل مربوط به جنایت در حرم

- جنایت در حرم آنست که شکار داخل حرم را بکشد، و یا آن را به شخص شکارچی نشان دهد و یا به سوی آن اشاره کند، و یا درخت و گیاه آن را قطع نماید، و کسی که این کارها را در حالت احرام و یا غیر احرام انجام دهد جنایت را مرتکب گردیده و جزاء بر وی واجب است.
- کسی که در داخل حرم دست به شکار زد و حیوان از جمله حیوانات خشکه و وحشی آن را ذبح نماید، حیوان مذکور به سبب ذبح کردن حلال نمی شود بلکه خودمرده شمرده شده و خوردن آن حرام می باشد، برابر است که در حالت احرام آن را شکار کرده باشد یا در غیر حالت احرام.
- اگر شخص غیر محرمی در داخل حرم دست به شکار زند، بر او واجب است که قیمت حیوان شکار شده را به فقراء و مساکین بدهد و به عوض قیمت آن روزه گرفته نمی تواند.
- کسی که درخت و یا گیاه داخل حرم را قطع کند قیمت آن بر وی واجب است، مُحرم و غیر محرم در این حکم یکسان هستند.
- اگر کسی بخاطر آتش افروختن و خیمه، گیاه داخل حرم را قطع کند جایز است، زیرا اجتناب کردن از این کار ناممکن می باشد.

## فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، و در روشنی متن، دسته یی، جزاء جنایات از نظر امام ابو حنیفه و امام ابو یوسف رحمهما الله و دسته دیگر جزاء جنایات از نظر امام ابو محمد رحمه الله را تذکر بدهند.

## ارزیابی



- ۱- جنایت در احرام چیست؟
- ۲- جزای جنایت در احرام چیست؟
- ۳- در باب جزای جنایت، صورتهای صدقه کدامها اند؟
- ۴- در جزای جنایت، روزه چه وقت گرفته می شود؟
- ۵- جزای جنایت نزد امام محمد رحمه الله چیست؟

## کارخانه گی



فرق در بین شکار مُحرَم و غیر مُحرَم چیست؟

## احصار

الله ﷻ فرموده است: {وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ} {البقرة/۱۹۶}. «حج و عمره را برای الله تمام کنید، اگر محصور شدید (بعد از احرام نسبت مانعی نتوانستید حج بجا آرید) پس به وسیله هدیی که میسر شود (خود را از احرام خارج سازید) و تا هدیی به محل آن برسد سر خویش را نتراشید»

### بَابُ الْإِحْصَارِ:

(۱) إِذَا أُحْصِرَ الْحَرَمُ بَعْدُ، أَوْ أَصَابَهُ مَرَضٌ، مَنَعُهُ مِنَ الْمَضِيِّ، جَازَ لَهُ التَّحَلُّلُ، وَقِيلَ لَهُ: ابْعَثْ شاةً تَذْبِخُ فِي الْحَرَمِ، وَوَاعِدَ مَنْ يَحْمِلُهَا يَوْمًا بَعَيْنِهِ يَذْبُحُهَا فِيهِ، ثُمَّ تَحَلَّلْ.

(۲) وَإِنْ كَانَ قَارِنًا بَعَثَ بِدَمَيْنِ، وَلَا يَجُوزُ ذَبْحُ دَمِ الْإِحْصَارِ إِلَّا فِي الْحَرَمِ، وَيَجُوزُ ذَبْحُهُ قَبْلَ يَوْمِ النِّحْرِ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ. وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ وَ مُحَمَّدٌ: لَا يَجُوزُ الذَّبْحُ لِحَصْرِ بِالْحَجِّ إِلَّا فِي يَوْمِ النَّحْرِ.

(۳) وَيَجُوزُ لِلْمُحْصَرِ بِالْعُمْرَةِ، أَنْ يَذْبَحَ مَتَى شَاءَ، وَالْمُحْصَرُ بِالْحَجِّ إِذَا تَحَلَّلَ فَعَلَيْهِ حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ، وَعَلَى الْمُحْصَرِ بِالْعُمْرَةِ الْقَضَاءُ، وَعَلَى الْقَارِنِ حَجَّةٌ وَعُمْرَتَانِ.

(۴) وَإِذَا بَعَثَ الْمُحْصَرُ هَدْيًا، وَوَاعَدَهُمْ أَنْ يَذْبُحُوهُ فِي يَوْمٍ بَعَيْنِهِ، ثُمَّ زَالَ الْإِحْصَارُ، فَإِنْ قَدَرَ عَلَى إِدْرَاكِ الْهَدْيِ وَالْحَجِّ، لَمْ يَجْزَ لَهُ التَّحَلُّلُ، وَلَزِمَهُ الْمَضِيُّ.

(۵) وَإِنْ قَدَرَ عَلَى إِدْرَاكِ الْهَدْيِ دُونَ الْحَجِّ تَحَلَّلَ، وَإِنْ قَدَرَ عَلَى إِدْرَاكِ الْحَجِّ دُونَ الْهَدْيِ، جَازَ لَهُ التَّحَلُّلُ اسْتِحْسَانًا.

(۶) وَمَنْ أُحْصِرَ بِمَكَّةَ وَهُوَ مَمْنُوعٌ مِنَ الْوُقُوفِ وَالطَّوَافِ، كَانَ مُحْصَرًا، وَإِنْ قَدَرَ عَلَى أَحَدِهِمَا، فَلَيْسَ بِمُحْصَرٍ.

## ترجمه

باب در بیان احصار (بند شدن از حج و عمره):

(۱) وقتی مُحرمی به سبب وجود دشمن از رفتن به حج بازماند، یا بیماری عاید حالش گردد که او را از راه رفتن منع کند، حلال شدن از احرام برایش جایز است، و به وی گفته شود: گوسفندی را بفرست تا در حرم ذبح گردد، و کسی که آن را با خود می‌برد باید روزی را با وی تعیین کند که در آن روز آن را ذبح کند، بعد از آن خود را حلال کند.

(۲) اگر حاجی قارن باشد دو دم (قربانی) بفرستد، و ذبح دم احصار جز در حرم در جای دیگر جایز نیست، و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله ذبح آن پیش از یوم نحر جواز دارد، و امام ابو یوسف و امام محمد رحمهما الله گفته اند: برای محصر به حج ذبح دم احصار جز در روز نحر جواز ندارد.

(۳) اما برای محصر به عمره هر وقتی که بخواهد ذبح کند جایز است، و محصر به حج وقتی خود را از احرام حلال گرداند، حج و عمره بر وی واجب است، و بر محصر به عمره قضاء لازم است، و بر حاجی قارن یک حج و دو عمره لازم است.

(۴) وقتی مُحرمی هدی (حیوان قربانی) بفرستد، و شخصی که آن را با خود می‌برد وعده سپارد که آن را در روز معینش ذبح کند، بعد از آن احصار پایان یابد، اگر به دریافت هدی و حج قادر بود، حلال کردن خود برایش جواز ندارد، و بر وی لازم است که به حج خود ادامه دهد.

(۵) اما اگر به دریافت هدی قادر بود، نه حج، باید خود را حلال کند، و اگر به دریافت حج قادر بود، نه هدی، برای وی حلال شدن از احرام استحسانا جواز دارد.

(۶) و کسی که در مکه محصور گردد و از وقوف عرفات و طواف باز داشته شود، مُحصر گفته می‌شود، و اگر به یکی از این دو (وقوف عرفات و طواف) قادر بود مُحصر شمرده نمی‌شود.

## شرح

### تعریف احصار

احصار در لغت: منع کردن و حبس نمودن را گویند.

و در اصطلاح: آنست که مُحرم برای حج و عمره، از ادای ارکان حج بازداشته شود.

## مُحصَرَات

چند نمونه از احصار به طور ذیل بیان می‌گردد:

۱. احصار عام: احصار از حج و عمره به سبب خوف دشمن و غیره.
۲. مرض ناگهانی که انسان را از اداء مناسک باز دارد.
۳. وفات شوهر زن مُحَرَّم، اگر زن مُحَرَّم هنوز در وطن خود بود نباید سفر کند، و اگر شوهرش در راه وفات نمود، و محلی که وفات نموده جای امن بود همانجا باقی بماند، و عادت خود را سپری کند، و اگر آن محل برای اقامت مناسب نبود و وطنش نزدیکتر بود به سوی وطنش برگردد، و اگر به مکه مکرمه نزدیکتر بود مناسک حج را مکمل کند.<sup>(۱)</sup>
۴. مفقود و یا هلاک گردیدن مال، که به سبب آن توان تکمیل حج را نداشته باشد.

## آنچه بالای احصار مرتب می‌شود

**الف:** کسی که از داخل شدن به مکه مکرمه منع گردد

۱. فرستادن هدی (قربانی) به طرف حرم در حق مُحصَر واجب است، تا در آنجا ذبح شود، و غیر از حرم در محلی دیگر ذبح آن جایز نمی‌باشد، و شخص محصر می‌تواند پیش از یوم نحر آن را ذبح کند، و کسی که آن را با خود به طرف حرم می‌برد وعده نماید که در همان روز تعیین شده خود را حلال کند، و بر حاجی قارن دو دم (قربانی) واجب است.
۲. مُحصَر زمانی خود را حلال کند که یقین حاصل نماید که هدی وی در حرم ذبح گردیده و فرارسیدن یوم نحر را انتظار نمی‌کشد.

۳. بر مُحصَر مطابق نیتی که نموده قضاء حج یا عمره واجب است، چیزی که اراده مکمل نمودن آن را نموده است پس اگر مفرد بود بالایش قضا آوردن عمره و حج است، و آن وقتیکه در سال آینده قضا بیاورد.

۴. اگر حاجی قارن باشد بر وی یک حج و دو عمره واجب است، و اگر حج نفلی بود، به سبب شروع نمودن در آن فرض می‌گردد، لهذا قضاء آن بر وی واجب است (حج و عمره بالایش لازم است).

**ب:** احصار بعد از وقوف عرفات

۱. هرگاه احصار از طرف دشمن باشد احصار شمرده نمی‌شود، و بر وی به عوض هر واجبی

۱ - فقه العبادات - حنفی - (ج ۱ / ص ۲۰۳) - رد المختار - (ج ۹ / ص ۵۰)

دم (قربانی) لازم می‌گردد مانند وقوف مزدلفه، زدن جمرات (شیطان‌ها) و تاخیر در تراشیدن سر.

۲. اگر احصار به سبب مریضی و وفات باشد حجش صحیح می‌شود، دلیل صحت آن حدیثی است که آن را عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَعْمَرَ الدَّيْلِيُّ روایت نموده گفته است که رسول الله ﷺ فرموده است: **(الحَجُّ عَرَفَةُ)**، لهذا کسی که بعد از وقوف عرفه وفات شود، حجش صحیح است.

**ج: احصار در داخل مکه مکرمه**  
کسی که در داخل مکه مکرمه احصار شود و از اداء دو رکن حج (طواف و وقوف) باز داشته شود با تقدیم دم حلال می‌گردد، زیرا اگر وی وقوف عرفات را دریابد، حج را دریافته است، و اگر طواف را دریافت با اداء نمودن عمره خود را حلال سازد و قضاء حج را باید بیاورد.

## فعالیت

با همکاری استاد فرق در بین احصار پیش از وقوف عرفات و بعد از آن را بیان کنید.

## ارزیابی

- ۱- احصار را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
- ۲- صورت‌های احصار را واضح سازید.
- ۳- کدام احکام بر احصار مرتب می‌شود؟
- ۴- احصار بعد از وقوف عرفات چه حکم دارد؟
- ۵- حکم احصار در داخل مکه چیست؟

## کارخانه گی

شرح حدیث «**الحَجُّ عَرَفَةُ**» را در کتابچه‌های خود بنویسید.



## فوت شدن حج

کسی که برای حج فرضی و یا نفلی احرام بندد، بعد از آن وقوف عرفات از وی فوت شود، تا وقتی که صبح روز نحر طلوع نماید، حج از وی فوت گردیده، زیرا وقت وقوف تا هنگام طلوع صبح روز نحر است.

### بَابُ الْفَوَاتِ:

(۱) وَمَنْ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ، فَفَاتَهُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ، فَقَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ، وَعَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ وَيَسْعَى وَيَتَحَلَّلَ، وَيَقْضِيَ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ، وَلَا دَمَ عَلَيْهِ.

(۲) وَالْعُمْرَةُ لَا تَفُوتُ، وَهِيَ جَائِزَةٌ فِي جَمِيعِ السَّنَةِ إِلَّا خَمْسَةَ أَيَّامٍ يُكْرَهُ فِعْلُهَا فِيهَا: يَوْمَ عَرَفَةَ، وَيَوْمَ النَّحْرِ، وَأَيَّامَ التَّشْرِيقِ.

(۳) وَالْعُمْرَةُ سُنَّةٌ وَهِيَ: الْإِحْرَامُ، وَالطَّوْفُ، وَالسَّعْيُ، وَالْحَلْقُ، أَوْ التَّقْصِيرُ.

### ترجمه

### باب در بیان فوت شدن حج

(۱) کسی که به قصد اداء حج احرام بندد، و وقوف عرفه از وی فوت شود تا آنکه صبح روز نحر دمید، پس حج از وی فوت گردیده، و بر وی لازم است که طواف و سعی کند و خود را از احرام حلال گرداند، و در آینده قضاء آن را بیاورد، و بر وی دم واجب نیست.

(۲) و عمره هیچگاهی فوت نمی شود، بلکه عمره در تمام اوقات سال جز پنج روزی که ادای عمره در آن مکروه است، جایز می باشد و این پنج روز عبارت است از: روز عرفه، روز نحر و ایام تشریق.

(۳) و عمره سنت است، و اعمال آن عبارتند از: احرام، طواف، سعی، حلق یا قصر.

### شرح

**تعریف فوات:** در لغت: فوات گذشتن وقت را گویند. و مراد به آن در اینجا: فوت شدن و گذشتن وقت حج است.

و کسی را که وقوف عرفات تا هنگام طلوع صبح روز نحر فوت گردد، به اتفاق علما حج

از وی فوت گردیده، و کسی که به اندازه یک لحظه هم پیش از طلوع صبح روز نحر در عرفات وقوف نماید حج را دریافته است.<sup>۱</sup>

**حکم فوات:** و کسی که به سبب فوت شدن وقوف عرفات، حج از وی فوت گردد، وی با اداء عمره خود را حلال کند، و در سال آینده قضاء حج فوت شده را بجا آورد.

از این مسأله که در فوق ذکر شد چهار حکم برملا می گردد

۱. زمانی که وقوف عرفات فوت گردد حج فوت می شود.

۲. از کسی که حج فوت گردد بر وی واجب است که با اداى عُمره خود را از احرام حلال کند، و اعمال عمره عبارت است از طواف بیت الله شریف، سعی بین صفا و مروه و تراشیدن و یا کم نمودن موی سر.

۳. قضاء آوردن حج بر وی لازمی است، برابر است که حج فرض باشد و یا نفلی و علمای امت اسلامی روی این سه مطلب با هم اتفاق دارند.

۴. دَم بخاطر این لازم نمی گردد که با اداى عمره وی حلال می شود، و عُمره کردن در حق کسی که حج از وی فوت گردیده به منزله دَم است.

## فعالیت

معنی و تفسیر کلمه عرفات را که در آیت ذیل ذکر یافته با همکاری استاد مناقشه و گفتگو نمایید:

(فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَلَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ) (البقره ۱۹۸)

## ارزیابی

- ۱- مراد از «فوات» چیست؟
- ۲- حکم فوات چیست؟
- ۳- در حکم فوات کدام چهار مطلب گنجانیده شده است؟

## کارخانه گی

حکم فوات را در شرح که ذکر شد در کتابچه های خود بنویسید.

۱ - الفقه الإسلامی وأدلته - (ج ۳ / ص ۶۴۱) - البدائع: ۲/۲۲۰

## هَدْي (قربانی)

در درس گذشته احکام فوت شدن حج بیان شد اکنون می‌خواهیم که احکام هدی را بشناسیم.

### بَابُ الْهَدْيِ:

(۱) الْهَدْيُ أَذْنَاهُ شَاةٌ وَهُوَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَنْوَاعٍ: الْإِبِلِ، وَالْبَقَرِ، وَالْغَنَمِ، يُجْزَى فِي ذَلِكَ الشَّيْءِ فَصَاعِدًا، إِلَّا الضَّأْنَ فَإِنَّ الْجَذْعَ مِنْهُ يُجْزَى.

(۲) وَلَا يُجْزَى فِي الْهَدْيِ مَقْطُوعُ الْأُذُنِ، وَلَا أَكْثَرُهَا، وَلَا مَقْطُوعَةُ الذَّنْبِ، وَلَا الْيَدِ، وَلَا الرَّجْلِ، وَلَا الذَّاهِبَةُ الْعَيْنِ، وَلَا الْعَرْجَاءُ وَلَا الْعَجْفَاءُ، الَّتِي لَا تَمْشِي إِلَى الْمَنْسَكِ.

(۳) وَالشَّاةُ جَائِزَةٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَوْضِعَيْنِ: مَنْ طَافَ طَوَافَ الزِّيَارَةِ جُنُبًا، وَمَنْ جَامَعَ بَعْدَ الْوُقُوفِ بِعَرَفَةَ، فَإِنَّهُ لَا يَجُوزُ إِلَّا بِدَنَةٍ.

(۴) وَالْبَدَنَةُ، وَالْبَقَرَةُ تُجْزَى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَنْ سَبْعَةٍ، إِذَا كَانَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الشُّرَكَاءِ يُرِيدُ الْقُرْبَةَ.

(۵) وَإِنْ أَرَادَ أَحَدُهُمْ بِنَصِيْبِهِ اللَّحْمَ، لَمْ يُجْزَ عَنِ الْبَاقِينَ.

(۶) وَيَجُوزُ الْأَكْلُ مِنْ هَدْيِ التَّطَوُّعِ وَالْمُتَعَةِ وَالْقِرَانِ، وَلَا يَجُوزُ الْأَكْلُ مِنْ بَقِيَّةِ الْهَدَايَا.

(۷) وَلَا يَجُوزُ ذَبْحُ هَدْيِ التَّطَوُّعِ وَالْمُتَعَةِ وَالْقِرَانِ إِلَّا فِي يَوْمِ النَّحْرِ، وَلَا يَجُوزُ ذَبْحُ الْهَدَايَا إِلَّا فِي الْحَرَمِ.

(۸) وَيَجُوزُ ذَبْحُ بَقِيَّةِ الْهَدَايَا، فِي أَيِّ وَقْتٍ شَاءَ، وَيَجُوزُ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِهَا عَلَى مَسَاكِينِ الْحَرَمِ، وَغَيْرِهِمْ.

(۹) وَلَا يَجِبُ التَّعْرِيفُ بِالْهَدَايَا، وَالْأَفْضَلُ فِي الْبَدَنِ النَّحْرُ، وَفِي الْبَقَرِ، وَالْغَنَمِ، الذَّبْحُ.

(۱۰) وَالْأُولَى أَنْ يَتَوَلَّى الْإِنْسَانُ ذَنْبَهَا بِنَفْسِهِ، إِذَا كَانَ يُحْسِنُ ذَلِكَ، وَيَتَصَدَّقُ بِجِلَالِهَا وَخِطَامِهَا، وَلَا يُعْطِي أَجَرَ الْجَزَارِ مِنْهَا.

(۱۱) وَمَنْ سَاقَ بَدَنَهُ فَاضْطَرَّ إِلَى رُكُوبِهَا رَكِبَهَا، وَإِنْ اسْتَعْنَى عَنْ ذَلِكَ لَمْ يَرْكَبَهَا.

(۱۲) وَإِنْ كَانَ لَهَا لَبَنٌ لَمْ يَحْلُبْهَا، لَكِنْ يُنْضِجُ ضَرْعَهَا بِالْمَاءِ الْبَارِدِ، حَتَّى يَنْقَطِعَ اللَّبَنُ.

(۱۳) وَمَنْ سَاقَ هَدِيًّا فَعَطِبَ، فِي الطَّرِيقِ فَإِنْ كَانَ تَطَوُّعًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُهُ، وَإِنْ كَانَ عَنْ وَاجِبٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يُقِيمَ غَيْرَهُ مَقَامَهُ، وَإِنْ أَصَابَهُ عَيْبٌ كَبِيرٌ، أَقَامَ غَيْرَهُ مَقَامَهُ، وَصَنَعَ بِالْمُعِيبِ مَا شَاءَ، وَإِذَا عَطِبَتِ الْبَدَنَةُ فِي الطَّرِيقِ، فَإِنْ كَانَ تَطَوُّعًا، نَحَرَهَا وَصَبَغَ نَعْلَهُ بِدَمِهَا، وَضَرَبَ بِهَا صَفْحَتَهَا، وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْهَا هُوَ، وَلَا غَيْرُهُ مِنَ الْأَغْنِيَاءِ، وَإِنْ كَانَتْ وَاجِبَةً أَقَامَ غَيْرَهَا مَقَامَهَا، وَصَنَعَ بِهَا مَا شَاءَ.

(۱۴) وَيُقَلَّدُ هَدْيِي التَّطَوُّعِ وَالْمُتَنَعَةِ وَالْقِرَانِ، وَلَا يُقَلَّدُ دَمُ الْإِحْصَارِ وَلَا دَمُ الْجِنَايَاتِ.

## ترجمه

### باب در بیان هدی:

(۱) ادنا ترین هدی (حیوان قربانی) گوسفند است، و قربانی از سه نوع حیوانات درست می‌شود: شتر، گاو و گوسفند، و در همه این سه نوع حیوانات ثنی<sup>۱</sup> و بالاتر از آن کافی می‌باشد، مگر گوسفند که جذع<sup>۲</sup> (بره ۶ ماهه) آن کافی می‌باشد.

(۲) و حیوان گوش بریده و یا حیوانی که اکثر حصه گوش آن قطع گردیده برای قربانی جایز نمی‌باشد، و نه حیوان دم بریده و یا دست و پا بریده، و نه حیوان نابینا، و نه حیوان بسیار لاغری و نه حیوانی لنگ که به کشتارگاه رفته نتواند.

(۳) و قربانی گوسفند در هر چیز جایز است مگر در دو محل جایز نمی‌باشد: کسی که در حالت جنابت طواف کند، و کسی که بعد از وقوف عرفات جماع کند که در این دو محل غیر از بدنه (شتر و گاو) چیز دیگری جایز نمی‌باشد.

۱ - ثَنِيّ: گوسفند و بزغاله را گویند که یک سال آن پوره شده و بر سال دوم داخل شده باشد، و نر و ماده آن فرق ندارد، و در گاوها، ثنی گاوی را گویند که دو سال را پوره نموده در سال سوم باشد، و در شتر، ثنی شتری را گویند که پنج سال را پوره نموده در سال ششم از عمرش باشد.

۲ - جذع بره شش ماهه را گویند، که اگر در پهلوی بره‌های یک ساله قرار داده شود از هم فرق نشوند.

(۴) و یک شتر و یک گاو برای هفت نفر کافی است مشروط بر اینکه مقصد هر یک از شرکاء قربت (ثواب) باشد.

(۵) و اگر مقصد یکی از شرکاء به دست آوردن گوشت باشد. قربانی دیگران جایز نمی‌شود.

(۶) و استفاده (خوردن) از گوشت قربانی نفلی، تمتع و قران جایز است، ولی خوردن (شخص قربانی کننده) از گوشت متباقی قربانی‌ها (مثلاً قربانی کفارات و نذر) جایز نمی‌باشد.

(۷) و ذبح هدی نفلی، متعه و قران جز در یوم نحر در روزهای دیگر جایز نمی‌باشد. و ذبح هدایا (قربانی‌ها) جز در حرم در محلی دیگر جواز ندارد.

(۸) ولی ذبح سایر قربانی‌ها در هر وقتی که بخواهد جایز است، و از گوشت آن می‌تواند برای مساکین داخل حرم و خارج آن صدقه بدهد.

(۹) و تعریف قربانی‌ها (آوردن قربانی به عرفات) واجب نمی‌باشد.

(۱۰) طریقه افضل و بهتر در حلال کردن شتر، نحر<sup>۱</sup> و در حلال ساختن گاو و گوسفند ذبح است، و بهتر آنست که اگر به طریقه حلال کردن آشنا باشد خودش ذبح کند، و جل و لجام آن را صدقه بدهد، و مزد قصاب را از آن ندهد.

(۱۱) و کسی شتری را بگونه هدی بفرستد و به سوار شدن آن مجبور گردد، می‌تواند بر آن سوار شود، و اگر به سوار شدن آن نیاز نداشت نباید بر آن سوار گردد.

(۱۲) و اگر هدی حیوان شیر ده بود نباید شیر آن را بدوشد، بلکه بر پستان آن آب سرد بریزد تا شیرش قطع گردد.

(۱۳) و کسی که هدی بفرستد و (قبل از ذبح نمودن) به هلاکت رسد، اگر آن هدی، هدی نفلی باشد چیزی بر وی واجب نمی‌گردد، و اگر هدی واجب باشد، باید به عوض آن هدی دیگری را آماده سازد، و اگر آن هدی به عیب بزرگی مبتلا گردید، باید هدی دیگری را به عوض آن بفرستد، و در مورد هدی معیوب هر چه می‌خواست انجام دهد، و اگر آن هدی شتر باشد و از راه رفتن باز ماند، اگر نفلی بود آن را نحر نموده نعلش (سنگلش) را به خونش رنگین سازد و با آن گردن و کوهانش را بزند، و از گوشت آن نه خودش بخورد و نه مالداران بخورند، و اگر آن هدی واجب بود حیوان دیگری را به عوض آن قرار دهد، و در حصه

---

۱ - نحر بریدن رگها و حلال کردن در بیخ حلق (طرف سینه) را گویند، مانند شتر که به همین گونه حلال می‌شود و ذبح حلال کردن حلق طرف سر را گویند.

هدی معیوب هر چه بخواهد انجام دهد.

(۱۴) و به گردن هدی نفلی، تمتع و قران چیزی (ریسمان و یا چرم) ببندد و در گردن قربانی احصار و جنایات چیزی را نبندد.

## شرح

### تعریف هدی

هدی عبارت از حیوانی است که به حرم شریف هدیه داده شود، هدی (قربانی) از سه نوع حیوان: شتر، گاو و گوسفند صحیح می گردد. گوسفند از یک نفر و شتر و گاو هر کدام از هفت نفر صحیح می شود، مشروط بر اینکه حصه هر شخص از هفتم حصه کم نباشد.

### محل ذبح و وقت هدی (قربانی)

**الف:** هدی نفلی، تمتع و قران بعد از زدن جمره عقبه (شیطان بزرگ) در ایام نحر در منی ذبح کرده می شود.

**ب:** هدی جنایات، کفارات و احصار: ذبح این گونه هدی (قربانی) به وقت ارتباط ندارد، در هر وقتی که ذبح کند صحیح می شود، لیکن بهتر آنست که به عجله انجام یابد تا جبران نقصانی شود که در اعمال حج به وقوع پیوسته است.

### شروط هدی (قربانی)

شروطی که در اضحیه وجود دارد، در قربانی نیز شرط است: باید هدی، از عیبها سالم باشد، اگر همه گوش یا اکثریت آن قطع شده باشد، یا دم، دست و پایش قطع باشد، یا گور باشد، یا به حدی لاغر و یا لنگ باشد که به کشتارگاه رفته نتواند، در همه این صورتها قربانی صحیح نمی شود.

قربانی گوسفند وقتی صحیح می شود، که یک سال را پوره نموده در سال دوم قدم گذاشته باشد، و اگر بره شش ماهه فربه که مثل یک ساله معلوم شود قربانی شود جایز است. قربانی گاو وقتی صحیح می شود که دو سال را پوره نموده در سال سوم قدم گذاشته باشد. قربانی شتر وقتی صحیح می شود که پنج سال را پوره نموده در سال ششم داخل شده باشد.

گوسفند به استثنای دو مورد آتی در هر جای دیگری اگر ذبح کرده شود جواز دارد:

۱. حاجی در حالت جنابت طواف زیارت کند.
  ۲. بعد از وقوف عرفات جماع کند.
- در دو صورت فوق جز ذبح بَدَ نه (شتر یا گاو) چیزی دیگری صحیح نمی‌باشد.

### مسایل مربوط

- اگر هدی نفلی، تمتع و قران باشد در حق صاحب هدی مستحب است که از گوشت آن چیزی بخورد.
- اگر هدی در راه از بین رود، نه صاحب هدی از آن چیزی بخورد و نه کسانی که صاحب مال و ثروت هستند.
- خوردن از گوشت هدی نذر برای صاحب هدی و مالدران جواز ندارد، زیرا این صدقه بوده و حق فقراء می‌باشد.
- همچنان خوردن از گوشت هدی جنایات برای صاحب هدی و ثروتمندان جایز نمی‌باشد، و این هدی بخاطر جبران نقصانی که در اعمال حج به وقوع پیوسته انجام می‌شود.
- در ذبح هدی، بهتر آنست که صاحب هدی به دست خود ذبح کند، و جل و مهار آن را صدقه دهد و مزد قصاب را از آن ندهد.

### فعالیت

آیت زیر را به کمک استاد ترجمه و تشریح کنید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا  
أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا) (المائدة: ۲)

## ارزیابی



- ۱- هدی را تعریف کنید.
- ۲- محل ذبح هدی کجاست؟
- ۳- وقت ذبح هدی کدام است؟
- ۴- شروط ذبح کدام است؟
- ۵- مسایل مهم مربوط به هدی را واضح سازید؟

## کارخانه گی



فرق بین ذبح و نحر را در کتابچه‌های خود بنویسید.



## اضحیه (قربانی)

الله تعالی فرموده است: **{فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ}**.

رسول الله ﷺ فرموده است: **{مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِهْرَاقِ الدَّمِ، وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا، وَأَشْعَارِهَا، وَأَظْلَافِهَا، وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ بِالْأَرْضِ فَطَبِّئُوا بِهَا نَفْسًا}**

«فرزند آدم هیچ عملی در روز نحر (عید) انجام نداده که به نزد الله تعالی از ریختن خون (قربانی) محبوبتر و پسندیده تر باشد، و این قربانی در روز قیامت با شاخ‌ها، موی‌ها و ناخن‌های خود حاضر می‌شود (در ترازوی اعمال نهاده می‌شود) و خون قربانی پیش از آنکه بر زمین ریزد به مقام قبولیت و رضای الله تعالی می‌رسد، پس نفس خود را با آن خوشنود سازید و به آن خوشحال شوید».

### تعریف اضحیه

در لغت: عبارت از حیوانی است که در روز عید قربان ذبح کرده می‌شود.  
در اصطلاح: عبارت از حیوان مخصوصی است که در وقت مخصوص به نیت قربت (ثواب) ذبح کرده می‌شود.

**حکم اضحیه:** اضحیه در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله واجب است و فتوا بر همین قول است. و در نزد امام ابو یوسف و امام محمد رحمه الله اضحیه سنت مؤکده می‌باشد.

### اضحیه بر کدام شخص واجب است؟

اضحیه بر کسی واجب است که شروط ذیل در او موجود شود:

۱. مسلمان باشد، بر کافر واجب نیست.
۲. آزاد باشد، بر غلام واجب نیست.
۳. مقیم باشد، بر مسافر واجب نیست.
۴. قدرت و توان آن را داشته باشد، بر فقیر واجب نیست.

هر مسلمانی که در روز عید علاوه بر حاجت اصلی، مالک یک نصاب مال باشد، قربانی بر وی واجب است.

**وقت ذبح قربانی:** وقت قربانی بعد از صبح روز دهم ذو الحجه شروع و تا غروب آفتاب روز دوازدهم همین ماه دوام پیدا می کند، اما کسانی که در شهرها و قریه های بزرگ مقیم هستند نباید قبل از اداء نماز عید، قربانی های خود را ذبح کنند، و کسی که در همچو جای ها مقیم نباشد برای ایشان جواز دارد که بعد از طلوع صبح قربانی خود را حلال کند، قربانی در روز دوم و سوم عید جایز بوده اما در روز اول عید افضل است.

و اگر کسی ذبح کرده می تواند، خودش ذبح کند، زیرا این کار مستحب است، و اگر خودش ذبح کرده نمی توانست توسط کسی دیگری ذبح کند، و بهتر آنست که در وقت حلال کردن خودش حاضر باشد.

همچنان ذبح قربانی در روز مستحب است، و اگر در شب ذبح کند با وجود کراهیت جواز دارد.

اگر نماز عید به سبب کدام علتی به تعویق افتد، ذبح قربانی بعد از زوال آفتاب جایز است. اگر نماز عید در چند جای شهر اداء گردد، بعد از ادای نماز در اولین مسجد شهر آن ذبح قربانی جواز دارد.

## فعالیت

مقصد از (ذبح عظیم) در آیت مبارکه زیر چیست؟

(وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ) (الصفافات/۱۰۷)

## ارزیابی



- ۱- اضحیه چیست؟
- ۲- اضحیه چه حکم دارد؟
- ۳- اضحیه بر کدام شخص واجب است؟
- ۴- وقت اضحیه کدام است؟

## مقادیر شرعی

برای معلوم کردن اندازه اشیاء و مساحت، در وقت نزول شریعت میان مردم یک عرف موجود بود و شریعت نیز بر مبنای آن بعض احکام را وضع نمود، عربهای آنوقت اندازه اشیاء را به دو قسم مقادیر اندازه میکردند، کیل (پیمانه) و وزن (ترازو). و برای اندازه مساحت نیز اصطلاحات معلوم وجود داشت. در مورد تمام مقادیر شرعی میان فقهاء اتفاق وجود ندارد ولی در مورد بعض اتفاق موجود است، ولی زمانی که مقادیر کیلی را به وزنی و بعدا همه را به مقادیر معاصر (گرام و متر) تبدیل مینماییم، احتمال اختلاف، اضافه تر می شود. با آن هم ما کوشش میکنیم تا راه نزدیک به حقیقت را انتخاب نموده، اعداد جدول در میان خود متصادم نشود و مقادیر شرعی را مطابق واحدهای مقیاس مروج امروزه در جدول نشان دهیم:

### مقادیر حجم:

| شماره | واحد مقدار شرعی | جزء شرعی آن          | اندازه به واحد مقیاس معاصر |
|-------|-----------------|----------------------|----------------------------|
| ۱     | درهم            | مثقال $\frac{7}{10}$ | ۲،۹۷۵ گرام                 |
| ۲     | مثقال           | یک دینار             | ۴،۲۵ گرام                  |
| ۳     | اوقیه           | ۷ مثقال<br>۱۰ درهم   | ۲۹،۷۵ گرام                 |
| ۴     | من شرعی         | ۲۶ اوقیه             | ۷۷۳،۵ گرام                 |
| ۵     | أستار           | ۱۱،۳۶ درهم           | ۳۳۸ گرام                   |
| ۶     | رطل             | ۲۰ أستار             | ۶۷۶ گرام                   |
| ۷     | مد              | ۱،۳۳ رطل             | ۹۰۰ گرام                   |

|    |          |                            |                                                |
|----|----------|----------------------------|------------------------------------------------|
| ۸  | صاع گندم | ۴ مد                       | ۳،۶ کیلو گرام                                  |
| ۹  | مکوک     | ۱،۵ صاع                    | ۵،۴ کیلو گرام                                  |
| ۱۰ | قفیز     | ۱۲ صاع                     | ۴۳،۲ کیلو گرام                                 |
| ۱۱ | وسق      | ۶۰ صاع                     | ۲۱۶ کیلو گرام                                  |
| ۱۲ | کر       | ۷۲۰ صاع                    | ۲۵۹۲ کیلو گرام                                 |
| ۱۳ | قله      | دو نیم مشک مایع<br>۲۵۰ رطل | ۱۶۹ کیلو گرام و یا تقریباً به همین اندازه لیتر |

### مقادیر مساحت:

| شماره | واحد مقدار شرعی | جزء شرعی آن                                                                   | اندازه به واحد مقیاس معاصر | ملاحظات                                                            |
|-------|-----------------|-------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|--------------------------------------------------------------------|
| ۱     | اصبع (انگشت)    | ۶ دانه جو (که به عرض با هم طوری گذاشته شوند، که روی یکی به پشت دیگری وصل شود) | ۱،۸۷۵ سانتی متر            |                                                                    |
| ۲     | ذراع کرباس      | ۲۴ اصبع (انگشت)                                                               | ۴۵ سانتی متر               | بشکل عام وقتی ذراع در کتب فقه مطلق ذکر می شود مراد از آن همین است. |
| ۳     | ذراع مساحت      | ۷ مشت (که انگشت شصت ایستاده باشد)                                             | ۱۰۵ سانتی متر              | ذراع مساحت در کتب فقه باقید مساحت ذکر میشود.                       |
| ۴     | باع (قلاچ)      | ۴ ذراع کرباس                                                                  | ۱۸۰ سانتی متر              |                                                                    |
| ۵     | میل             | ۴۰۰۰ ذراع کرباس                                                               | ۱۸۰۰ متر                   |                                                                    |
| ۶     | فرسخ            | ۳ میل                                                                         | ۵۴۰۰ متر                   |                                                                    |

|   |           |                      |                                                       |                                                                                                    |
|---|-----------|----------------------|-------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۷ | برید      | ۴ فرسخ               | ۲۱۶۰۰ متر                                             |                                                                                                    |
| ۸ | مسافه سفر | ۱- اندازه سه روز سفر | بدون تحدید به فرسخ                                    | نزد مرغینانی صحیح همین است.                                                                        |
|   |           | ۲- ۱۵ فرسخ           | ۸۱ کیلومتر                                            | فتاوی فقهای خوارزم به همین است.<br>(رد مختار: ص ۴۹۳ ج ۵)                                           |
|   |           | ۳- ۱۸ فرسخ           | ۹۷،۲ کیلومتره                                         | نزد شامی فتوا به همین است.<br>(رد مختار: ص ۴۹۳ ج ۵)<br>(و همین قول نزد مفتیان معاصر دیگر افضل است) |
|   |           | ۴- ۲۱ فرسخ           | ۱۱۳،۴ کیلو متر                                        | این قول را شامی از بعض فقهای حنفی نقل کرده است.<br>(رد مختار: ص ۴۹۳ ج ۵)                           |
|   |           | ۵- ۴۸ انگریزی میله   | ۷۷،۲۸ کیلو متر<br>زیرا یک<br>میل ۱۶۱۰ متر<br>(می شود) | فتاوی دار العلوم دیوبند (ج ۴ ص ۲۹۳)<br>(ولی ما مأخذ و توجیه این نیافتیم) <sup>۱</sup>              |

## فعالیت

شاگردان به همکاری استاد جدول فوق را بین خود مناقشه نماید.

۱- مراجع:

معلومات فوق با استفاده از مراجع ذیل نگاشته شده است:

۱. الأوزان الشرعية، تالیف مفتی محمد شفیع.

۲. الفقه الاسلامي و أدلته، تالیف دکتور وهبة زحيلي.

۳. فقه الزکة، تالیف دکتور يوسف قرضاوي.

۴. رد المختار، تالیف علامة ابن عابدين شامي.

۵. الموسوعة الفقهية الكويتية.

۶. الهداية شرح البداية، تالیف مرغینانی.

۱. آیا وقت نزول شریعت برای معلوم کردن اندازه اشیاء ومساحت میان مردم کدام عرف موجود بود؟
۲. عربهای آنوقت حجم اشیاء را به کدام قسم مقادیر اندازه میکردند؟
۳. آیا در مورد تمام مقادیر میان فقهاء اتفاق وجود دارد؟
۴. مقادیر شرعی ذیل را مطابق واحدهای مقیاس مروج امروزه بیان کنید:  
دینار، درهم، مثقال، من شرعی، رطل، صاع غنم، وسق، قله، ذراع کرباس، ذراع مساحت، میل، فرسخ، برید، مسافت سفر به حساب کیلو متر.



جدول فوق را در کتابچه‌های خود بنویسید.